

# PTM

---

*Pashootan's Trading Method*

*The Way to  
Become a TRADER*

*WITHIN ONE HUNDRED DAYS*

۱۳۸۹-۱۳۹۰

PTM

آموزش فارسی

۱۰۰ روز

روز



# فارکس به سبک پشوتن

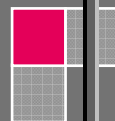
دوره متوسطه (روز چهل و یکم تا پایان روز هفتاد و پنجم)



مؤلف: پشوتن مشهوری نژاد

ویرایش و تولید فنی: وحید زارع

1389-1390





**درباره نویسنده:**

**پشوتن مشهوری نژاد**

**مدرس دوره های آموزشی**

**مشاور و تحلیلگر بازار فارکس**

**مولف و مترجم مقالات و کتابهای مختلف فارکس**

**( مترجم کتاب دکتر بیل ویلیامز )**

**و یک تریدر از نسل منقرض شده ی فارکس ایران !**

**تماس با نویسنده**

**تلفن تماس:**

**۰۹۳۹۵۹۷۸۵۱۱**

**ایمیل:**

**fx\_pashootan@Yahoo.Com**

**تماس با گردآورنده**

**VahidZareFX@Yahoo.Com**

**ایمیل**

**وبلاگ : www.MagasParoon.mihanblog.Com**

**ONLYPTM**

## فهرست مطالب

ردیف	عنوان	شماره صفحه
۱	مقدمه	۷
۲	آرشیو از قسمت مقدماتی	۱۱
۳	مثال آموزشی	۱۱
۴	نسل طلایی فارکس ایران	۱۵
۵	قوانین اسحاق پشوتن در مورد کرم ریختن بازار	۱۹
۶	لزوم اتکا به نظر شخصی	۱۹
۷	ارتباط موئینگها و تایم فریم ۱۵ دقیقه	۲۰
۸	روز چهل و یکم	۲۱
۹	واگرایی مسطح و واگرایی معمولی	۲۱
10	PTM چیست و چند ورژن دارد	۲۳
۱۱	نقل قول از کامبیز گیتی (توسط پیام آذرباد)	۲۸
۱۲	روز چهل و دوم	۲۹
۱۳	روز چهل و سوم	۲۹
۱۴	ارزش گذاری روی سطوح قیمت	۲۹
۱۵	مهمترین مزیت روش PTM	۳۴
۱۶	روز چهل و چهارم	۳۵
۱۷	درباب شیب و فاصله موئینگها	۳۵
۱۸	روز چهل و پنجم	۴۱
۱۹	بررسی جد زوج ارز به صورت زنده	۴۱
۲۰	روز چهل و ششم	۴۳
۲۱	چرا استاپ خوردیم !!! (بررسی غیر تحلیلی)	۴۳
۲۲	تحلیل میان مدت تایم فریم یکساعته (یورو/دلار)	۴۵
۲۳	روز چهل و هفتم	۴۹
۲۴	مکدی و سقف و کف قیمت	۴۹
۲۵	مکدی و مقدار جبری آن	۵۰
۲۶	روز چهل و هشتم	۵۲
۲۷	پاسخ به سوالات دوستان	۵۲
۲۸	مثالی دیگر از الگوی مکدی و سقف و کف قیمت	۵۴
۲۹	یک سیگنال آموزشی	۵۶
۳۰	یادآوری تعریف WLBK,WHBK,NSA,NBA با تصویر	۵۷
۳۱	روز چهل و نهم	۵۸
۳۲	بررسی چند زوج ارز	۵۸
۳۳	درباب شیب موئینگ آبی و اندیکاتور دوچرخه!!!	۵۹
۳۴	روز پنجاهم	۶۳
۳۵	نکته ای درباره جمعه بعد از ظهرها	۶۳
۳۶	پاسخ به چند سوال	۶۳
۳۷	مسابقه هفتگی - نوبت چهارم (همراه با پاسخ)	۶۵
۳۸	روز پنجاه و یکم	۶۸
۳۹	آمارگیری-اولین گام برای طراحی سیستم شخصی	۶۸
۴۰	بهینه سازی حد سود و ضرر قسمت سوم	۷۲
۴۱	روز پنجاه و دوم	۷۷
۴۲	تحلیل هفتگی (نگاه به گذشته)	۷۷
۴۳	روز پنجاه و چهارم	۸۲
۴۴	سیگنالهای نیمه زنده (برای مثال)	۸۲



ردیف	عنوان	شماره صفحه
۴۵	ایام پایانی سال ترید کنیم یا نکنیم!!!!	۸۳
۴۶	بازار پر قدرت STR	۸۵
۴۷	روز پنجاه و پنجم	۸۶
۴۸	نحوه بررسی کندلهای هفتگی : ترسیم نواحی NSA , NBA و .....	۸۶
۴۹	روز پنجاه و هشتم	۹۰
۵۰	قوانین روش ورود زود هنگام	۹۰
۵۱	روز پنجاه و هفتم	۹۴
۵۲	پاسخ به سوالات	۹۴
۵۳	تصاویر شرلوک هولمز - مقدمه	۹۶
۵۴	تصاویر شرلوک هولمز - بخش اول	۹۸
۵۵	روز پنجاه و هشتم	۱۰۲
۵۶	پاسخ به سوالات	۱۰۲
۵۷	روز پنجاه و نهم	۱۰۴
۵۸	تفاوت یک دره یا قله کامل با یک فراکتال	۱۰۴
۵۹	دریاب ورود زود هنگام	۱۰۷
۶۰	روز شصتم	۱۱۲
۶۱	تصاویر شرلوک هولمز - بخش دوم	۱۱۲
۶۲	روز شصت و یکم	۱۱۴
۶۳	معما	۱۱۴
۶۴	روز شصت و دوم	۱۱۵
۶۵	مثالی دیگر از مقوله - مکدی و سقف و کف قیمت	۱۱۵
۶۶	گل های کاغذی (داستان مهسا)	۱۱۷
۶۷	روز شصت و سوم	۱۲۲
۶۸	در باب استاپ مطمئن	۱۲۲
۶۹	دریاب بستن زود هنگام و دستی پوزیشنها	۱۲۵
۷۰	پاسخ معمای استاپ لاس - بخش دوم	۱۲۶
۷۱	پاسخ به سوالات	۱۲۸
۷۲	توقف در روز شصت و سوم	۱۳۲
۷۳	معمای تصویری	۱۳۲
۷۳.۵	دریاب امواج الیوت	۱۳۳
۷۴	استاپ خوردن کسر شان نیست	۱۳۵
۷۵	پاسخ معمای تصویری	۱۳۸
۷۶	شیگنالهای همچنان زنده و آزاد (برای مثال)	۱۳۹
۷۷	روز شصت و چهارم	۱۴۰
۷۸	دریاب NFP مهمترین خبر دنیای فارکس	۱۴۰
۷۹	معمایی به سبک پیک شادی	۱۴۲
۸۰	مدیریت سرمایه به سبک PTM	۱۴۴
۸۱	روز شصت و پنجم	۱۴۶
۸۲	چرخ را چه کسی اختراع کرد	۱۴۷
۸۳	روز شصت و ششم	۱۵۲
۸۴	تصاویر شرلوک هولمز - بخش سوم	۱۵۲
۸۵	روز شصت و هفتم	۱۵۴
۸۶	امان از اینستنت ! درود بر پندینگ	۱۵۴
۸۷	PTM و تکنیک شیفت زمانی	۱۵۵
۸۸	دریاب شیفت زمانی - مقادیر متوسط برای حد سود و ضرر	۱۶۰

ردیف	عنوان	شماره صفحه
۸۹	درباب قله ها و دره های کامل	۱۶۲
۹۰	روز شصت و هشتم	۱۶۴
۹۱	مثالی برای انتخاب تارگتهای بلندتر	۱۶۴
۹۲	زنده ماندن در بازار مهمترین وظیفه هر تریدر	۱۶۷
۹۳	روز شصت ونهم	۱۶۸
۹۴	تصاویر شرلوک هولمز - بخش چهارم	۱۶۹
۹۵	روز هفتادم	۱۷۱
۹۶	پاسخ به سوالات حاجی پارتی باز	۱۷۱
۹۷	روز هفتاد و یکم	۱۷۴
۹۸	همچنان درباب واگرایی !!!.....!!!!	۱۷۴
۹۹	روز هفتاد و دوم	۱۷۷
۱۰۰	درباب روش ورود زود هنگام و ارتباط آن با بازار رنج	۱۷۹
۱۰۱	بشقاب و کاشی ... زنگ نقاشی !!!!!!!!!!!!!!!	۱۸۰
۱۰۲	روز هفتاد و سوم	۱۸۵
۱۰۳	سیگنال زنده ولی شیفتکی (برای مثال)	۱۸۵
۱۰۴	باند NTZ قلب تپنده PTM	۱۸۹
۱۰۵	روز هفتاد و چهارم	۱۹۲
۱۰۶	بررسی تصویری چند زوج ارز	۱۹۲
۱۰۷	درباب نحوه استفاده از ابزار فیبو ناچی	۱۹۶
۱۰۸	روز هفتاد و پنجم	۲۰۱
۱۰۹	سیگنالهای نیمه زنده ولی بالنده (برای مثال)	۲۰۱
۱۱۰	پاسخ به برخی سوالات دوستان	۲۰۴
۱۱۱	اعضای گواهی طی دوره متوسطه	۲۰۹
۱۱۲	منبع	۲۰۹

# تقدیم به جامعه فارکس ایران

# به نام خدا

## آموزش فارکس به سبک پشوتن - بخش دوم (دوره متوسطه)

### مقدمه

سلام!

بنا به دلایلی که قبلا خدمتتان گفته ام، تصمیم گرفتم که طی یک دوره صد روزه شروع به آموزش فارکس و یاد دادن روش ترید موفق و کسب سودآوری مستمر در این حرفه بنمایم.

اگرچه نفس و ذات «ترید کردن» بیشتر شبیه به نوعی «فن» و «مهارت» است تا مثلاً «علم» و «دانش» آکادمیک!

و اساساً انتقال آموخته ها و روش ترید یک شخص به شخصی دیگر، و تازه آنهم به صورت یکطرفه و از راه دور، مطمئناً نه میسر است و نه ممکن.

اما اعتقاد دارم که میتوانیم با صد روز زندگی و ترید کردن در کنار یکدیگر، و با ارایه تدریجی و تبیین گام به گام اصول و قواعد اولیه و اساسی تریدینگ،

بویژه اگر به همراه سعی و تلاش مستمر و تمرین عملی شما باشد، انشالله به نتایجی مناسب و قابل قبول دست یابیم.

درست است که «ترید کردن» یک مهارت شخصی است و بنده یا هیچ کس دیگر، قابلیت انتقال و آموزش آن را به دیگران نداریم.

اما میتوان با نشان دادن راه و رسم صحیح گام برداشتن به سوی جایگاه یک «تریدر موفق»، به شما جوانان مشتاق و با انگیزه کمک کرد

تا هم روند دستیابی تان را به سرمنزل مقصود سرعت دهید، و هم از اتلاف وقت و فرو غلطیدن در دام ها و مخاطرات پیش رو، پرهیز نمایید!

از آنچه گفته شد نتیجه میشود که هدف ما در این تاپیک مطلقاً آموزش «روش ترید کردن به سبک پشوتن» نیست!

بلکه بنا داریم این روش را صرفاً بعنوان «مثال و الگویی زنده» خدمتتان بیان کنیم، تا بتوانیم در کنار آن به آموزش و معرفی ستونهای اصلی و مفاهیم اولیه تریدینگ،

همچون «قواعد و اصول ترید»، «فلسفه مارکت»، «نحوه نگاه به حرکات بازار»، «روش طراحی سیستم شخصی» و ... و مواردی از این دست پردازیم.

بعبارت بهتر ما در اینجا دورهم جمع نشده ایم تا من طی دوره ای فشرده شامل 100 جلسه آموزشی، «روش ترید کردن» را به شما آموزش دهم!

بلکه این شما هستید که قرار است در این مدت «راه تبدیل شدن به یک تریدر موفق» را از من بیاموزید!

و بقول معروف نشان دادن راه با بنده است، و بیمودن آن با خود شماست!

- قطعاً در پایان این دوره، تعدادی تریدر حرفه ای و کاملاً موفق خواهیم داشت،

که شروع به ترید کردن به شیوه ای موفق و اصولی میکنند،

و با نگاهی که نسبت به مارکت و ذات آن، اساساً تغییر داده اند، شروع به کسب سودآوری مستمر و دایمی از این پیشه می نمایند!

- و متأسفانه حتما تعداد بیشماری از مخاطبان دیگر را نیز خواهیم داشت ، که صرفا چند روزی را با حضور در این تاپیک ، برای خود به بطالت سپری کرده اند،

و پس از آن نیز هنگامیکه این تاپیک هم تمام شد ، مجددا همانند همه روزها و سالهای گذشته ،

به سراغ انواع و اقسام سایتها و تالارهای مختلف می روند ، و جستجوی بی پایان خود را برای دست یابی به روش یا سیستمی جادویی و روباتیک ادامه میدهند ...!

## زمانبندی دوره :

جالب است که تقسیم بندی سه مرحله ای که قبلا برای این دوره انجام داده بودم، به دلیل برخی اتفاقات اخیر ، که شما نیز در جریان آن هستید، اساسا و از بنیاد زیر و رو گردید!

واتفاقا هم اکنون که مشاهده میکنم میبینم که به نظر میرسد که زمانبندی طراحی شده توسط اسپانسر اصلی این تاپیک (!) بسیار دقیق تر و بهتر از آن طرح خامی بوده است که بنده از قبل در ذهن خودم برای شما انجام داده بودم!

پس زمانبندی جدید این دوره آموزشی، به شرح زیر اصلاح میگردد.

امیدوارم که بنده را بابت تغییرات ذیل ، عفو بفرمایید و باور کنید که بنده خودم هم از این تقسیم بندی جدید کاملا بی اطلاع بودم!

اگرچه اعتراف میکنم که طرح جدید ، خیلی بهتر از طرح قبلی است !

چون بدین شیوه برخی از تیتراهای اصلی که واقعا هم باید جزو دوره مقدماتی محسوب بشوند (مانند بخش اول آموزش ترید کردن بر روی گپ و یا بخش اول از روش تحلیل هفتگی و غیره) هم اینک در دوره مقدماتی محسوب گردیده اند، که اتفاقا اینجوری خیلی بهتر و منطقی تر است!

زمانبندی این دوره آموزشی **صد** روزه :

1- دوره مقدماتی (شامل 40 روز)

2- دوره متوسط (شامل 40 روز)

3- دوره پیشرفته (شامل 20 روز)

می توانید مطالب ارایه شده در بخش اول را، که به تازگی آن را به پایان رسانده ایم ، در «تاپیک آموزش فارکس به سبک پشوتن - بخش اول(مقدماتی)» مشاهده بفرمایید ،

و یا از فایلهای خلاصه نکاتی که با زحمت **آقایان آذرباد و سزار** تهیه شده است ، استفاده کنید.

**توجه - اگر از مطالب قبلی ، عقب هستید ... !**

برای عزیزان تازه وارد ، دو توصیه اکید و مهم را بطور همزمان دارم :

**توصیه اول -** برای آنکه بتوانید بهتر متوجه مطالب جدیدی که از این به بعد در این تاپیک ارایه میگردد بشوید،

و همچنین برای آنکه قادر به حضور و استفاده از «**کارگاه زنده ترید**» که توسط برخی از دوستان بنده اداره میگردد ، باشید

حتما به شما توصیه میکنم که هرچه زودتر فرصتی را برای خودتان اختصاص دهید تا بطور جدی و منظم

به مطالعه و یادگیری اصول ، نکات و قوانین مندرج در بخش قبلی یعنی «**آموزش فارکس به سبک پشوتن - بخش اول (دوره مقدماتی)**» بپردازید،

و حتی مرور چندباره خلاصه نکات آن مجموعه را از دست ندهید.

**توصیه دوم** - اگر تازه به این جمع پیوسته اید و احساس میکنید که از سایرین عقب تر هستید ،

بدون ذره ای نگرانی صرفا خودان را با کلاس همگام نموده ، و بدون آنکه دلواپس عدم اطلاع خود از نکات قبلی باشید

بلافاصله و از همین امروز پا به پای سایر دوستانان از مطالب جدیدی که هر روزه در همین تاپیک ارایه میگردد استفاده نمایید.

فعلا صرفا همین که بتوانید گلیم خود را از آب بیرون کشیده ، و خودتان را با این تاپیک همگام و هماهنگ نمایید ، کافی است !

پس از آن میتوانید به تدریج و در کنار مطالعه مطالب جدید، سعی کنید تا هرگاه فرصتی برایتان مهیا شد ، بطور موازی به مطالعه و یادگیری مطالب قبلی نیز پردازید.

نگران نباشید چون همانطور که قبلا گفتم:

«ترید کردن» بیشتر از آنکه یک علم باشد ، یک «فن» ، «هنر» و «مهارت عملی» است.

و بهترین راه برای یادگیری هر فن یا مهارت نیز صرفا همین شیوه مطالعه انتخابی و گلچین نمودن مباحث موردنیاز است .

موفق باشید./پشتون مشهوری نژاد./12/آذرماه/1389

## آیاتی از «سوره مبارکه والفجر»

اجازه دهید بعنوان **مطلع** این تاپیک، و برای آنکه از فیض و برکت حضور در زیر سایه پروردگار و اهل بیت طاهرش ، بی نصیب نباشیم، سنگ بنای این تاپیک را با قرایت بخش کوتاهی از مکتوب مقدسش آغاز کنیم.

آیاتی از «سوره مبارکه والفجر» را خدمتان تقدیم میکنم ، چرا که دوستانی که از جریانات تلخ و شیرین اخیر ، به اندازه کافی مطلع هستند ، قطعاً نیک می دانند که این آیات روشنگر، در واقع دستورالعملی برای ما هستند برای گام نهادن در راه پرفراز و نشیبی که قصد پیمودن آن را کرده ایم :

وَلَيَالٍ عَشْرٍ (۲)	وَالْفَجْرِ (۱)	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
و به جفت و طاق	سوگند به سپیده دم	به نام خداوند بخشنده و مهربان
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (۶)	هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ (۵)	وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (۴)
مگر ندانسته ای که پروردگارت با عاد چه کرد	آیا در این قسم ها ، برای خردمند نیاز به سوگندی دیگر است؟	و به شب وقتی سپری شود
وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (۹)	الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (۸)	إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷)
و با تمود همانان که در دره تخته سنگها را می بریدند	که مانندش در شهرها ساخته نشده بود	با عمارات ستون دار ارم
فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (۱۲)	الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (۱۱)	وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (۱۰)
و در آنها بسیار تبهکاری کردند	همانان که در شهرها سر به طغیان برداشتند	و با فرعون صاحب قصرها و بناهای بلند
.....	إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَاتِ (۱۴)	فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (۱۳)
.....	زیرا پروردگار تو سخت در کمین است	تا آنکه پروردگارت بر سر آنان تازیانه عذاب را فرونواخت
وَأَدْخَلِي جَنَّتِي (۳۰)	فَأَدْخَلِي فِي عِبَادِي (۲۹)	ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۲۸)
و در بهشت من داخل شو	و به میان بندگان من بیا	خشنود و راضی ، و بارضایت هرچه تمام تر ، به نزد پروردگارت بازگرد

راستش نمیخواستم مجددا روزهای تلخ گذشته را برایتان یادآوری کنم!

ولی هرچه فکر کردم دیدم با هیچ چیز دیگری ، که بهتر و الهام بخش تر از همین آیات روشنگر باشد ، نمیتوانم تاپیک جدیدم را آغاز کنم!

یادتان هست که این آیات را قبلا چه زمانی برایتان نقل کرده بودم؟

و یادتان هست که داستان آن از چه قرار بود؟!

آیا یادتان هست که در آن شب ، هنگامیکه در خلوت و انزوای شبانه خودم ، تیشه به آنچه ذره ذره ساخته بودم میزدم ، چه حال و احوالی داشتم؟

نمیدانستم که آیا دارم تقاص گناهی را پس میدهم؟

و یا دارم مجازات کم کاری ام و کوتاهی ام را پس میدهم؟

فکر میکردم شاید نادانسته موجب ضرر و گمراهی کسانی شده ام، که منجر به عقوبتی برای آنان ، و چنین عاقبتی نیز برای من شده است؟

و با خودم کلنجار می رفتم که پس اینهمه تماس و این همه نامه ای که هرروز به دستم میرسد ،

که جوانانی از سراسر کشور، بوضوح اعلام میکنند که پس از آشنایی با این تاپیک، شروع به کسب سود و جبران ضررهایشان کرده اند، پس آیا همه این ها در حساب و کتاب آخری، نادیده گرفته شده است؟

و اصلا چرا همه اینها باید درست در شب چهلم رخ بدهند؟

چرا درست در لحظاتی که انتظار داشتم که قاعدتا مورد تشویق قرار بگیرم، پس چرا دارم به شدیدترین وجه تنبیه میشوم؟!

و چه تنبیهی ناگوارتر از این که باتمام وجودت بخواهی کاری را انجام بدهی و به پایان برسانی، ولی به تو بگویند که: نه! تو لیاقت آن را نداری!

به هر حال اذان صبح را که شنیدم، تفری زدم و این آیات آمدند ...

نمیدانم که باید آن را ناشی از شانس و اقبال بدانم و یا خرافات؟!!

ولی من در آن شب - البته شب که نه، بهنگام سپیده دم - تناظری را که در بین این آیات، با حال و اوضاع خودم میدیدم،

به حساب بشارتی برای روزهایی بهتر و ایامی روشن تر، قلمداد کردم!

مثلا نمیدانم که آیا این درست است که ترجمه «شبهای ده دهی» را متناظر با «شبهای صدگانه» نیز در نظر بگیریم یا نه؟!

و یا آیا واژه «عابدین» را میتوانیم معادل همین جمعیت فعلی شما عزیزان بدانیم؟! همین شمایی که قبلا با نام «نوردیدگان امام» از شما نام برده بودم؟

و آیا .... ؟

... بهر حال چه ناشی از شانس و اقبال بود و چه تقدیر و سرنوشت،

من علی رغم همه شک و تردیدی و دودلی که داشتم، آن را به حساب پیامی دلگرم کننده و اطمینان بخش گذاشتم، و آن را نویدگر آینده ای روشن تلقی نمودم!

و اکنون نیز بسیار خوشحالم که می بینم مثل همیشه «رحمت» پروردگارم بسیار بیش تر از «ایمان» من بوده است.

چرا که اگر من «ایمان» کافی به «رحمت» او داشتم، اصلا نباید از ابتدا انقدر دچار شک و تردید و دلواپسی میشدم!

مگر در کدام برهه از زندگی ام من را تنها گذاشته است؟

که هنوز بهنگام مواجهه با کوچکترین مشکلی، بلافاصله با قدرناشناسی هر چه تمامتر،

بطور کامل فراموش میکنم که انگار نه انگار که در همه این سالها، کس دیگری حافظ و نگه دار من بوده است!

**بقول استاد سخن سعدی :**

به نوک انگشتانت نگاه کن !

و ببین که وقتی در رحم مادرت، بدون ذره ای آگاهی و شعور خفته بودی،

پروردگارت اینچنین مراقبت بوده که تک تک انگشتانت را به زیبایی هر چه تمام تر برایت آفریده است.

پس ای ناشکر! امروز که هم عقل داری و هم شعور، چگونه به این سرعت فراموش میکنی که چنین حافظ و نگهبان مهربانی داری؟

بهر حال ببخشید که سرتان را درد آوردم،

فقط میخواستم بگویم که خوشحالم از اینکه می بینم مجددا در جمع شما هستم!

و خوشحالم از اینکه می بینم این محفل جدید، و این منزل نو،

اگر بسیار بهتر و امن تر و گرم تر از منزل قبلی مان نباشد،

قطعا که کمتر هم نیست، و حاشا که از این پس نیز نخواهد بود!

موفق باشید./پشوتن مشهوری نژاد.

## آرشیو

### اولین سیگنالها در ناپیک جدید (متوسطه).

#### 1- سیگنال خرید بروی ین ژاپن USDJPY:

به نظر میرسد که شرایط برای بای کردن ین ژاپن مهیا است. مخصوصا اگر موفق به شکستن سطح مقامتی ناشی از قله اخیر در 84.40 گردد:

1- در تایم فریم 15 دقیقه وضعیت مووینگها مناسب است.

2- شرایط تایم فریم 5 دقیقه نیز نسبتا مناسب است.

3- در تایم فریم 1 دقیقه با وقوع یک واگرایی آشکار مواجه هستیم، لذا حجم پوزیشنها را بصورت اصلاح شده میگیریم. (مثلا با یک اکانت 2000 دلاری باید یک پوزیشن دوبخشی هر کدام با حجم 0.05 لات بگیرد).

4- توجه بفرمایید که قیمت بسیار نزدیک به آخرین قله اخیر خود در سطح 84.40 واقع است لذا سفارش خرید خودمان را در بالای این سطح قرار میدهیم. (مثلا در سطح 84.45)

5- برای حد ضرر از روش ویلیامز استفاده میکنیم. یعنی دومین دره در تایم 5 دقیقه. (مثلا 84.00)

.....

البته الان ساعت خوبی برای ترید کردن نیست ،

ولی بهرحال برای اینکه بالاخره بتوانیم با یک استاپ مشتی!! مباحث جدیدمان را آغاز کنیم، این یکی سیگنال را هم اعلام میکنم :

#### 2-سیگنال خرید بروی یورو به ین ژاپن EURJPY :

- وضعیت مووینگها در تایم 15 دقیقه نسبتا مناسب است.

- شرایط مشکوکی در تایم 5 دقیقه مشاهده نمیشود.

- باتوجه به دور بودن آخرین دره ، و لزوم انتخاب استاپ بزرگ ، از حجم اصلاح شده استفاده میکنیم. (مثلا 0.05 بجای 0.1 لات)

- بعنوان حدضرر در پشت آخرین دره (که مصادف با مووینگ سبز رنگ در تایم M15 شده است) سنجر میگیریم. (یعنی میشود یک استاپ حدودا 70 پیپی)

- حد سود را طبق معمول ، بصورت دوبخشی میگیریم و تارگت اول را بصورت ثابت و برابر با 20-30 پیپ انتخاب میکنیم.

- باتوجه به اینکه بسیار نزدیک به سقف قیمت دیروز هستیم، عزیزی که سنشان از 35 سال بالاتر است (!) میتوانند از گرفتن این پوزیشن خودداری نمایند!

به محض اینکه اولین پوزیشن مان استاپ بخورد(!!) بلافاصله مباحث جدید را آغاز میکنیم!!

ببینم که ایا حالا دیگر معنی جمله «استاپهایت را دوست بدار!» را احساس میکنید یا خیر؟!

.....

آقا ما که میخواهیم استاپ بخوریم ، دیگه چرا روزه شک دار بگیریم؟!

یکدفعه ای همه را اعلام کنیم ، راحت بشویم بره پی کارش دیگه !



### 3- سیگنال فروش دلار کانادا **USDCAD** :

- فروش در 1.0160

- استاپ بخش اول در 1.0195 و بخش دوم در 1.0220

- تاریخها اولی 20-30 پیپ و دومی باز.

### 4- سیگنال خرید پوند به ین ژاپن **GBPJPY** :

- خرید در 131.55

- استاپ در 130.90

- شرایط مشکوک : واگرایی مسطح در تایم 5 دقیقه.

- اصلاحات لازم : بخش بزرگتر با حجم اصلاح شده و بخش دیگر با حجم استاندارد.

### 5- سیگنال خرید دلار نیوزلند **NZDUSD** :

- خرید در 0.7485

- استاپ 0.7545

- تاریخها اولی 20-30 پیپ و دومی باز.

شرایط مشکوک: نزدیکی به عدد رند 0.7500

### 6- سیگنال خرید دلار استرالیا **AUDUSD** :

- خرید در 0.9665

- استاپ 0.9610

- تاریخها اولی 20-30 پیپ و دومی باز.

شرایط مشکوک:

1- نزدیکی به قله 0.9700

2- مواجهه با مووینگهای نزولی در تایم H4 و مووینگهای افقی D1

### 7- سیگنال خرید دلار استرالیا به ین ژاپن **AUDJPY** :

- خرید در 0.8135

- استاپ 0.8090

- تاریخها اولی 20-30 پیپ و دومی باز.

شرایط مشکوک:

1- نزدیکی به قله های متوالی واقع در حوالی 81.45

2- نزولی بودن مووینگها در تایم H4 که ممکن است از وقوع یک حرکت بزرگ جلوگیری بعمل آورد.

## توجه :

1- لطفا در مورد تمامی سیگنالهای ارایه شده ، هر پوزیشنی که به «منطقه NTZ کامل» وارد گردید، را کنسل بفرمایید.

2- از میان تمامی موارد فوق، صرفا به تعدادی که ریسک مجاز معاملاتی تان اجازه میدهد، انتخاب نمایید.

3- این موارد را بیشتر بعنوان مرور مباحث آموزش داده شده در تایپیک قبلی نوشتیم، وگرنه مطلقا هدف کسب سود نبود!

4- باتوجه به اینکه ساعت فعلی برای ترید کردن مناسب نیست ، بهتر است اصلا هیچکدام از اینها را نگیرید!

ضمنا لطفا عزیزانی که تازه به این تایپیک پیوسته اند، اگر متوجه این سیگنالها نمیشوند اصلا نگران نباشند.

فعلا برای اینکه تازه واردان ناآشنا خدایی نکرده متضرر نگردند، به عمد دارم سیگنالها را جوری اعلام میکنم که فقط کسانی که کاملا با روش آشنا هستند، متوجه آنها بشوند!

انشالله بزودی با ایجاد تایپیک های سه گانه، و ارایه فایلهای خلاصه نکات مباحث قبلی، شما نیز کاملا در جریان کار قرار خواهید گرفت.

.....

دوستان عزیزم سلام و شب همگی شما بخیر و خوشی!

بحمدالله و با تلاش و همت شاگرداوها و سایر یاران عزیزم، کلید تایپیکهای موازی این روش نیز از امروز زده شد و با ریتم خوبی آغاز گردید.

امیدوارم که از این به بعد نیز مانند گذشته ، هرچه میگذرد و روز به روز ، بر کیفیت و کمیت فعالیت های آموزشی این تایپیکها ، افزوده گردد.

فکر نمیکنم دیگر کسی باقی مانده باشد که هنوز از این نقل و انتقال و اسباب کشی به منزل جدید بی اطلاع مانده باشد؟

لذا از فردا ظهر(جمعه) انشالله اولین مطالب آموزشی مان را نیز رسما آغاز خواهیم کرد!

و حتی اگر امکانش بود ، و دکورها ، پشت صحنه و آکسسوار مسابقه به موقع آماده شود(!) شاید مسابقه هفتگی نوبت جدید را نیز اجرا کردیم!!

اما اجازه دهید تا پیش از ادامه بحث ، ابتدا نتیجه سیگنالهای دیشب را خدمتان ارایه کنم.

البته من شنیده ام که گویا اخیرا رسم شده است که اگر کسی هیچ پرفورمنس یا سیگنالی چیزی از خود نشان ندهد، کلاس کاری اش خیلی بالاتر میرود!!

ولی خب ، چون ما کلا همگی یک مقدار بی کلاس هستیم(!) و روش تریدمان هم خیلی عوامانه است!

پس طبق روال همیشه هم سیگنال زنده میدهیم ، هم کارگاه ترید برگزار میکنیم، و هم پرفورمنس های مداوم میگذاریم!!

## \* نتایج حاصله از سیگنالهای دیروز:

ID	Time	Type	Lot	Symbol	Open	High	Low	Close	Time	Open	High	Low	Close	Comment
368230	2010.12.02 07:05	buy	0.10	audjpy	81.40	80.90	81.70	81.70	2010.12.02 16:00	81.70	0.00	35.63		[tp]
368329	2010.12.02 07:04	buy	0.10	audusd	0.9675	0.9610	0.9761	0.9761	2010.12.02 17:24	0.9761	0.00	86.00		[tp]
367186	2010.12.01 18:29	buy	0.10	audjpy	81.40	80.90	81.80	81.80	2010.12.02 17:24	81.68	1.64	33.44		
367185	2010.12.01 18:29	buy	0.10	audjpy	81.40	81.05	81.90	81.90	2010.12.02 01:30	81.05	1.64	-41.61		[sl]
367162	2010.12.01 18:21	buy	0.10	nzdusd	0.7506	0.7445	0.7550	0.7550	2010.12.02 17:26	0.7540	0.84	34.00		
367161	2010.12.01 18:21	buy	0.10	nzdusd	0.7505	0.7445	0.7535	0.7535	2010.12.02 07:37	0.7535	0.84	30.00		[tp]
367160	2010.12.01 18:21	buy	0.10	audusd	0.9675	0.9610	0.9715	0.9715	2010.12.02 16:02	0.9715	1.65	40.00		[tp]
367104	2010.12.01 18:10	sell	0.10	usdcad	1.0154	1.0220	1.0104	1.0104	2010.12.02 13:28	1.0104	0.24	49.49		[tp]
367101	2010.12.01 18:09	sell	0.10	usdcad	1.0156	1.0195	1.0126	1.0126	2010.12.02 12:39	1.0126	0.24	29.63		[tp]
367025	2010.12.01 17:56	buy	0.10	eurjpy	110.65	109.90	111.85	111.85	2010.12.02 17:24	110.64	0.29	-1.19		
367023	2010.12.01 17:56	buy	0.10	eurjpy	110.63	109.90	110.95	110.95	2010.12.02 10:47	110.95	0.29	38.03		[tp]
366865	2010.12.01 17:10	buy stop	0.10	usdjpy	84.47	84.02	84.95	84.95	2010.12.02 17:25	83.75				cancelled
366864	2010.12.01 17:10	buy stop	0.10	usdjpy	84.45	84.00	84.75	84.75	2010.12.02 17:21	83.77				cancelled

Profit/Loss: 341.09 Credit: 0.00 Deposit: 0.00 Withdrawal: 0.00

341.09

خوشبختانه همانطور که ملاحظه میفرمایید ، اولین سیگنالهایی را که در منزل جدیدمان، بر مبنای روش آموزش داده شده در این تایپ گرفتیم.

با نتایج نسبتا خوبی به پایان رسیده اند ،

و فی الواقع یکبار دیگر قدرت روشهای مبتنی بر «همراهی با روند» و متکی بر «پیش بینی ناپذیری مارکت» را به رخ کشیدند!

جهت ثبت در آرشیو و به منظور رفاه حال آیندگان عزیز ، نمودارهای مربوطه را نیز الصاق میکنم ،

تا کسانی که بعدها این مطالب را مرور میکنند و احتمالا دسترسی به چارتهای امروز ندارند، در روند مطالعاتی خود با مشکلی مواجه نگردند.

دقت بفرمایید که برای نمایش این پوزیشنها از یک استاندارد ترسیمی جدید استفاده کرده ام :

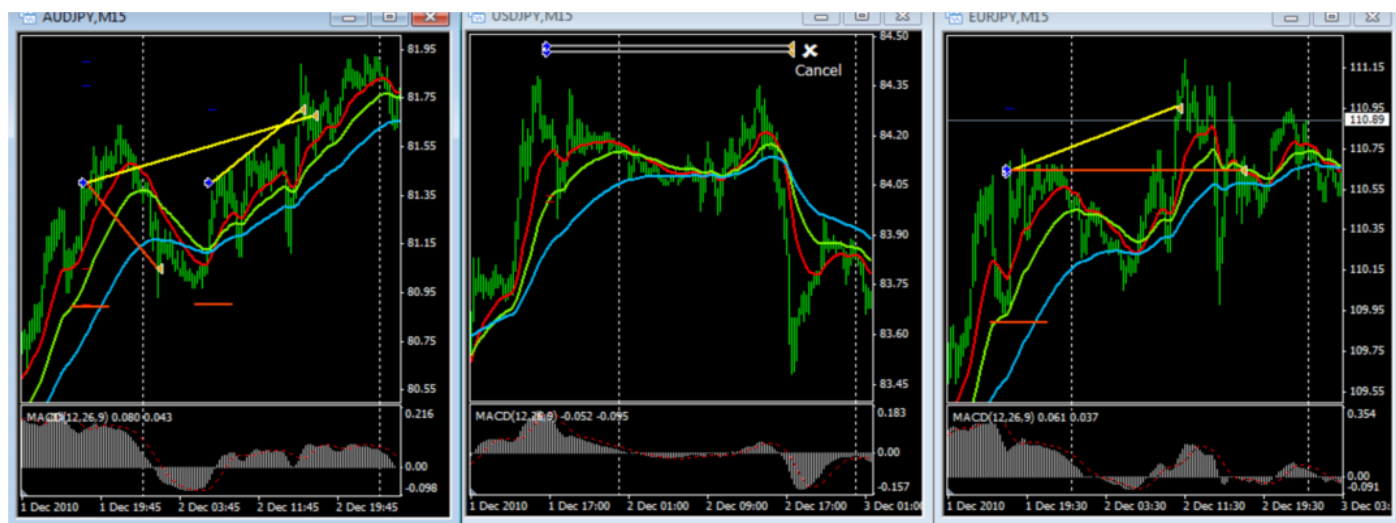


همانطور که ملاحظه می فرمایید ، ابتدا و انتهای هر پوزیشن را با یک **خط زرد رنگ** بهم متصل کرده ام ،

و چون پوزیشنهای ما ، اغلب بصورت دوبخشی گرفته میشوند، لذا در برخی از این تصاویر برای هرپوزیشن ، دو خط جداگانه را با یک نقطه آغاز یکسان مشاهده میفرمایید.

همچنین نقطه استاپ یا حدضرر هر معامله را نیز با یک خط افقی **کوتاه و قرمز رنگ** نمایش داده ام.

ضمنا **رنگ زرد** صرفا ویژه معاملاتی است که با سود به پایان رسیده اند ، و سایر معاملاتی را که با ضرر بسته شده اند با **رنگ قرمز** مشخص نموده ام:



**رنگ سفید** نیز ویژه پوزیشنهایی است که به دلیل ورود قیمت به ناحیه «**NTZ کامل**» بصورت دستی و توسط خودمان ، کنسل گردیده اند.

## نسل طلایی فارکس ایران.

روشهای گوناگونی در دنیا، برای ترید کردن و کسب سود از مارکت، طراحی شده اند

و همچنان نیز در سطح وسیعی در سایتها و موسسات آموزشی دنیا به کار گرفته و به علاقمندان آموزش داده میشوند.

اگر مشاهده میکنید که متاسفانه در کشور ما تعداد کسانی که موفق به کسب سودآوری مستمری از این بازار شده باشند، بسیار اندک و انگشت شمار است،

لطفا آن را به حساب کلیت فارکس در سایر نقاط دنیا، نگذارید!

و البته نباید خیلی هم از این بابت نگران بود!

چون واقعیت این است که از زمانیکه فارکس وارد این مملکت شده است، هنوز زمان چندانی نگذشته است!

و حتی شاید بتوان گفت که صرفاً سه نسل از تریدرهای ایرانی، با این پدیده نوظهور آشنا شده و گام در این بازار پریتانسیل گذاشته اند:

**نسل اول -** که بنده آنها را نسل «پیرمردهای فارکس ایران» می نامم، و درواقع افرادی همانند جناب قاری هستند!!

سابقه آشنایی این نسل با فارکس، به حدود ده تا پانزده سال پیش می رسد،

ایشان زمانی کار خود را آغاز کردند که حقیقتاً ترید کردن، و حتی انجام ساده ترین نقل و انتقالات ارزی،

بسیار پیچیده تر و دشوار تر از این شیوه ای بود که درحال حاضر بنده و شما از آن به سادگی استفاده میکنیم.

حتی بسیاری از این افراد مجبور بودند که به ناچار معاملات خود را صرفاً به صورت تلفنی به کارگزار خود در خارج از کشور اطلاع دهند،

و یا بعنوان مثال از یکی از دوستان و اقوامشان که در نقطه ای دیگر زندگی میکرده اند و از قضا به سکوهای معاملاتی بروکر نیز دسترسی داشته اند،

خواهش کنند که مثلاً:

- «حسین آقا! لطفاً فردا که بازار باز شد، به زحمتی بکش و برای من هم یه ذره یورو بخر!!»

حالا دیگر به چه قیمتی و در چه زمانی و در چه نقطه ای؟!

واقعا امری بسیار مشکل و حتی غیرممکن بود که بتوانند بدون دستیابی به نرم افزارهایی همچون متاتریدر و غیره... و بدون اطلاع از روند لحظه ای قیمت، و بدون مشاهده نمودارهایی مانند چارتهای فعلی، قادر به انجام تحلیل های صحیح و مبتنی بر اصول تکنیکال باشند.

درواقع این نسل برای ترید کردن، نه به اطلاعات و آمار لازم دسترسی داشتند، و نه به حداقل منابع آموزشی مورد نیاز!

**نسل دوم -** که قبلاً از ایشان به «نسل سوخته فارکس ایران» نام برده ام! و درواقع خود بنده و هم دوره ای های بنده را شامل میشوند!!

یعنی کسانی که سابقه فعالیتشان در فارکس به حدود 7 یا 8 سال می رسد.

اگرچه در زمان ما، استفاده از نرم افزارهایی همچون متاتریدر، دیگر نسبتاً مصطلح و رایج شده بود و ما می توانستیم بطور لحظه ای از تغییرات کندل به کندل و آنلاین قیمت آگاه شویم،

اما بازهم مشکل اساسی که همانا عدم دسترسی به منابع و مطالب آموزشی لازم و مورد نیاز بود، حقیقتاً مشکلی بزرگ و لاینحل باقی مانده بود!

در آن زمان تنها کتابی که به صورت چاپ شده و بر روی کاغذ، قابل تهیه بود همان کتاب معروف «**تحلیل تکنیکال جان مورفی**» بود با ترجمه شیوای آقای **کامیار فراهانی**،

که ما از آن به «**انجیل بازار**» نام می بردیم!

الان که فکر میکنم می بینم که در واقع این عبارت، طنز تلخی بود که در کتبه خود اشاره به فقر منابع آموزشی مورد نیاز در بازار آن روز ایران داشت!

اگر آن کتاب را قبلاً مشاهده کرده باشید، قطعاً ملاحظه نموده اید که غیر از معرفی تعدادی اندک از الگوهای کاملاً ساده و کلاسیک تکنیکال،

و همچنین ارایه برخی نکات و مفاهیم ابتدایی - که تازه آن هم صرفاً مرتبط با مقوله «بورس» است و نه مطلقاً «فارکس» - هیچ مطلب و موضوع قابل اعتنای دیگری را، که گره ای از مشکلات فراوان یک تریدر فارکسکار بگشاید، در خود نداشت.

خلاصه میخوام این را بگویم که (اگر حمل برمظلوم نمایی بنده و رفقایم نفرمایید!) نسل ما، برآستی برآزنده لقب «نسل سوخته فارکس ایران» بوده است!

چرا که از طرفی به دلیل فقدان منابع آموزشی لازم و ضروری، و از طرفی دیگر به دلیل عدم آشنایی و شناخت کافی از مخاطرات این کار.

چه بسا که هریک از ما بطور جداگانه مجبور به بالازدن آستین های خود، و آزمودن تمامی راه های قبلاً رفته توسط دیگران، و از نو تجربه نمودن همه زیر و بم های فارکس شدیم!

و آن هم صرفاً به صورت شخصی و در انزوا، و بدون هیچگونه بهره گیری از امکان مشارکت در فعالیت های گروهی و جمعی.

و تازه این سرنوشت آنهایی از نسل من بود که اندکی خوش اقبال تر بودند، و اصولاً در این بازار، زنده ماندند!

بعنوان مثال باور نمیکنید که بنده وقتی در حدود 5 سال پیش تصمیم به ترجمه ی کتاب بیل ویلیامز گرفتم، با چه استقبال پرشوری از جانب مخاطبان مواجه شدم!

و ده ها نامه و درخواست و ایمیل بود که هرروز از سراسر نقاط کشور دریافت میکردم که تقاضای دریافت نسخه ترجمه شده آن کتاب را داشتند!

منظورم این است که آنقدر تعداد منابع مرتبط با فارکس که به زبان فارسی ترجمه شده باشند اندک بود،

که همین که مخاطبان مشاهده کردند که یک کتابی به زبان فارسی پیدا شده است، که در درون آن از چهار تا اندیکاتور و چارت و استراتژی ترید، صحبت به میان آمده است،

آن چنان شور و شوقی در ایشان ایجاد شد که منجر به راه افتادن چنان استقبالی از آن اثر گردید!

و یا بعنوان مثالی دیگر، وقتی که ما تریدرهای نوآموز آن زمان، با هزار بدبختی از یکی از مشاوران یا تریدرهای باتجربه تر، وقت ملاقات می گرفتیم،

همین که او به ما میگفت که مثلاً:

- «پسرم! باید با هر 1000 دلار صرفاً به اندازه 0.1 لات پوزیشن بگیری!»

برای ما کافی بود که از خوشحالی بال در آوریم که: - «وای خدای من! عجب راست میگوید این استاد! پس من بالاخره راز موفقیت در فارکس را پیدا کردم!»

**نسل سوم** - خلاصه همه این حرف ها را گفتم، تا به شما عزیزان برسم!

به شما که سومین نسل فارکس در ایران هستید : یا همان «نسل طلایی فارکس ایران»!

متأسفانه دیگر برای شما ، هیچ عذر و بهانه ای برای عدم موفقیت در این کار ، باقی نمانده است!

بحمدالله هم اکنون صدها سایت و فروم و نشریات فارکسی به حد وفور موجود هستند ، و همچنین انواع و اقسام منابع و کتابها و حتی موسسات آموزشی.

امکانات سخت افزاری و نرم افزاری نیز که هرچه دلتان بخواهد در اختیار دارید!

از اینترنت ads! گرفته تا اینترنت بی سیم ،

در هر کجا که باشید ، در منزل، در پاساژ ، در کافی نت، توی هتل، یا هر جای دیگری که دلتان بخواهد به راحتی به شبکه وصل میشوید و ترید میکنید!

حتی در سفر و یا وسط بیابان هم که باشید(!) به سادگی و با یک موبایل ایران سل ، میتوانید لپ تاب خودتان را به اینترنت وصل کنید.

سطح آگاهی و اطلاعات عمومی تان هم چه درباره فارکس و چه درباره مخاطرات آن ، به یمن وجود هزاران مرجع تخصصی فارسی و انگلیسی ، هیچ کم از تریدرهای سایر کشورها ندارد.

پس دیگر چه میخواهید؟!!

بعنوان مثال ، این روزها بعید است که کسی مثلاً نداند که باید قبل از باز کردن یک حساب واقعی، ابتدا چند ماه را صرفاً بروی یک اکانت مجازی شروع به یادگیری و کسب تجربه نماید،

در حالیکه در میان هم نسلان بنده ، به کرات جوانان مظلومی را مشاهده میکردید که موجودی اولین حساب خود را از فروش ماشین ، مغازه یا منزل خود تهیه کرده بودند!

و قطعاً نمی توانید تصور کنید که یک نفر که بعنوان مثال در همان هفته اول آشنایی اش با فارکس ، بیش از 50 میلیون تومان خود را یک شبه در این کار نابود کرده باشد،

با چه ذهن پریشان و چه روحیه نزاری ، مجبور به ادامه این کار ، صرفاً با نیت بازپس گیری طلب قبلی خود از مارکت ، خواهد بود!

**درواقع عزیزانم میخواهم به شما این را بگویم که چشم همه ما، به دستان توانای شما است!**

- و این شما هستید که باید وجهه خراب شده فارکس در اذهان عمومی را از نو بسازید.

- این شما هستید که باید به دولت و سیستم حاکمه بفهمانید که فارکس نه گلدکوئیست است و نه قماربازی! و نه دروازه ای برای خروج ارز از کشور!

بلکه فارکس بازاری بکر و پرپتانسیل است که مسلمانان با انگیزه و با استعداد ایرانی ، همچون تمامی زمینه های علمی و تخصصی دیگر ، در این زمینه نیز می توانند بسیار موفق و حتی سرآمد جهانیان باشند.

- بعنوان نمونه همین تایپک را نگاه کنید!

دوستانتان بارها اقرار کرده اند که قبل از این چهل روز در حال ضرر کردن بوده اند،

ولی پرفورمنس های مستند آنها ، نشانگر دستیابی به چنین نتایج چشمگیری ، آن هم صرفاً در یک بازه زمانی کوتاه چهل روزه است!

لطفا بروید و تمام سایتهای خارجی را زیر و رو کنید!

و صرفاً یک تاپیک را برای من مثال بیاورید که تریدرهای خارجی نیز چنین هوش و استعدادی از خودشان نشان داده باشند، که بتوانند صرفاً در یک دوره چهل روزه و فقط با مطالعه یک تاپیک 50 صفحه‌ای، به سودآوری در این بازار دست یافته باشند؟!

فکر میکنید این هنر من بوده است؟! ببخشید، ولی خیلی ساده هستید اگر چنین فکری میکنید!

- این شما هستید که باید اثبات کنید که می‌توان در این کار موفق بود و حتی می‌توان به آن به دید منبع درآمدی مستمر و دایمی نگریست.

- این شما هستید که باید به فامیل و اقوام خود ثابت کنید که اگر کسی تمام طول روز را پای سیستم شخصی و لپ‌تاپش نشسته باشد، به منزله بیکار بودن و ولنگاری اش نیست!

و نه تنها در حال انجام یک بازی کامپیوتری نیست، بلکه ممکن است در حال انجام شغلی بسیار جدی، پردرآمد و باکلاس باشد!

برخی از افرادی که برای مشاوره به نزد من می‌آیند، از من چنین می‌پرسند که:

- «صادقانه بگو، چه نفعی از آموزش رایگان فارکس به دیگران داری؟»

و من به آنها می‌گویم که:

- «نفع من در این است که اگر بخواهم دو دخترم را در همین مملکت بزرگ کنم و همواره شغل اصلی ام همین تدریس و مشاوره فارکس باشد،

ابتدا باید با تربیت و پرورش شاگردانی که قابلیت کسب سود از این شغل را داشته باشند،

ذهنیت جامعه، دولت و فرهنگ حاکم را نسبت به این شغل، تعدیل و اصلاح کنم، تا زبانم لال روزی مجبور به فرار ویا کوچ اجباری از وطن نشوم!»

- به همین دلیل است که همواره می‌گویم «حاشا که بنده بابت تمام آموزش‌هایم، ذره‌ای منت بر سر احدی ندارم!»

- و به همین دلیل است که انقدر از موفقیت‌های شما، و از نتایج معاملات پرسودتان تان - که البته مبتنی بر روشی علمی، اصولی و پایدار باشد - تا به این حد خوشحال و سرفراز میشوم.

- و به همین دلیل است که آموزش ترید کردن به شما، برای من جدی‌ترین کار و حیاتی‌ترین وظیفه‌ای است که برای خودم تعریف کرده‌ام.

پس ای دوستان عزیز بنده و ای «نسل طلایی فارکس ایران»!

- من، نسل من و حتی نسل قبل از من، چشم همگی ما به تریدهای شماست!

- این شما هستید که قرار است حیثیت و وجهه از دست رفته فارکس را به آن برگردانید!

- و این شما هستید که قرار است نقش اولین تریدرهای ایرانی را ایفا کنید که با موفقیت و سربلندی گام در عرصه‌های بین‌المللی می‌گذارند!

پس روند آموزشی خودتان را جدی بگیرید!

و به همگان ثابت کنید که میتوانید در این کار نیز، با اتکا به هوش ایرانی و اراده اسلامی خویش، مانند تمامی زمینه‌های دیگر، سرآمد جهانیان باشید.



## قوانین اسحاق پشوتون! در مورد کرم ریختن بازار

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله *The Darkness* به نام او

بعد اینکه روز اول خیلی خوب با روش استاد سود کردم، روز دوم یعنی دیروز با روش احساسی خودم فقط ضرر کردم.. امروز نمیدونم این پوزیشن یورو را درست گرفتم یا نه، ولی بدجوری استاپ زد و حالمو گرفت! ولی اگر اشتباه نکنم موج خیلی خسته بود و نباید پوزیشن می گرفتم. از استاد عزیز و شاگرد اول های کلاس راهنمایی می خوام؟ عکس را هم پیوست کردم

حالا که به یورو نگاه می کنم می بینم که انگار ماموریت داشت حال ما را بگیره، چون از اونجا که ما پوزیشن گرفتیم کلی هم بالاتر رفته. چون استاد فرمودن نباید از بازار بپرسیم چرا یکهو بالا رفت، من هم نمی پرسم ولی اگر دلیل داره لطفا استاد دلپش را ... آخ!! استاد ببخشید گوشمو ول کن یادم اومد بازار خودشو با ما هماهنگ نمی کنه

سلام دوست عزیز / دلپش کاملا واضح است ، و اتفاقا دو تا دلیل هم دارد!

دلیل اول را که قبلا هم گفته بودم این است که :

«**قانون اول اسحاق پشوتون** - بازار همواره تمایل به کرم ریختن دارد!»

اما دلیل دوم که در واقع دلیل اصلی تر استاپ خوردن شماست:

«**قانون دوم اسحاق پشوتون** - به محض اینکه شما یک قدم برخلاف قوانینتان بردارید، بازار بلافاصله به شدیدترین وجه، شما را تنبیه میکند!»

ضمنا در مورد قانون دوم ، می توانم دوتا نکته را هم بعنوان توضیح بیشتر خدمتتون بگم:

**توضیح اول** - بعنوان مثال ممکن است که شما مثلا 364 روز را عینا برطبق قوانینتان عمل کنید، و بازار هم کاملا با شما همراهی خواهد کرد.

ولی صرفا کافی است که یک روز آخر را ، و فقط به اندازه خیلی خیلی کوچولو (!) چشمانتان را بر روی یکی از قوانین خود ببندید،

بلافاصله آنچنان طوفانی در بازار ایجاد میشود! و ظرف چندثانیه بازار آنچنان صدوهشتاد درجه خودش را برعکس میکند ، که جسارتا به غ..ط کردن میافتید!!

**توضیح دوم** - نکته خوشحال کننده اش این است که یک قانون دیگر هم داریم به نام «قانون سوم» که دقیقا برعکس «قانون دوم» است. یعنی:

**قانون سوم اسحاق پشوتون** - اگر شما عینا برطبق قوانینتان عمل کنید، بازار هم آنچنان با شما همراهی خواهد کرد ، که مثل یک عروس ژاپنی (!) رام و سرسپرده شما میگردد!!

### لزوم اتکا به نظرات شخصی و عدم تاثیرپذیری از دیگران.

برخی از سیگنالهای دیروز ، همان دیشب با 20 پیپ سود بسته شده است که اگر کسی بیدار بوده باید طبق قوانین روش ، استاپ بخش دوم را بر روی صفر تریلینگ میکرده.

- الان هم که حدود 10 صبح است تازه بعضی از سیگنالها دارن یواش یواش از خواب بیدار میشوند(!) و یه ذره یه ذره می روند توی سود!

کلا این سیگنالهای دیشب اصلا چنگی به دل نزدند!

و حتی اگر امروز همگی به سود برسند ، بازهم من از اینجور پوزیشنها که آدم را چندین ساعت به دنبال خودشان میکشانند اصلا خوشم نمیاید!

حتی اگر دقت کرده باشید، کسانی که دیشب را با خیال راحت خوابیده بودند و امروز صبح دقیقا بر روی همین موقعیت ها پوزیشن میگرفتند، هم استاپهایشان کوچکتر از ما میشد، و هم به سودی کاملا معادل معاملات دیشب ما دست میافتند.

خلاصه یعنی اینکه پوزیشن گرفتن دیشب ما ، و اینکه بجای خواب و استراحت کافی، چندین ساعت بیدار نشستیم درپای چارت ، هیچ فایده خاصی برایمان نداشت ،

و می توانستیم فردا صبح نیز با خیالی آسوده تر و با راحتی هرچه تمام تر ، دقیقا از همین موقعیت ها بطور کامل استفاده نماییم!  
پس این «شب پوزیشن گیری» (!) دیشب ما نشان داد که وقتی قانون میگوید که شب ها نباید ترید کرد، دیگر چون و چرا ندارد ، حتی اگر خود بنده شما را تشویق به نقض این قانون کرده باشم!

### - قوانین ترید کردن مانند قوانین راهنمایی و رانندگی نیستند که پلیس بتواند آنها را نقض کند!

به سیگنالهای هیچکس - اگر برخلاف قوانین و منطق شخصی شما باشد - مطلقا توجهی نکنید!

حتی اگر خود بیل ویلیامز کبیر هم از قبر بیرون تشریف آوردند(!) و پوزیشنی را به شما پیشنهاد کردند که برخلاف قوانین و آموزه های شما بود ، شک نکنید که گرفتن چنین پوزیشنی ، صرفا منجر به مواجهه با ضرر و زیان برایتان خواهد شد!

همواره فقط به منطق و احساس درونی خودتان اتکا کنید !

و مطمئن باشید که اگر سیگنالهای سایرین برخلاف قوانین ترید شما باشد ( چه متعلق به دوستانتان باشند، چه سایتها و فرومها ، و چه حتی به معلم شما!! ) در نهایت متوجه خواهید شد که منطق و احساس شخصی خودتان کاملا صحیح تر از نظر ظاهر کارشناسی دیگران بوده است!

پس یکبار دیگر هم میگویم که :

«قوانین ترید» مانند قوانین راهنمایی رانندگی نیستند، که پلیس بتواند آنها را نقض کند! بلکه «قوانین ترید» مانند قوانین پزشکی هستند، که حتی حاذق ترین پزشکان نیز اگر از آنها تبعیت نکنند، قطعاً منجر به وارد آوردن لطماتی جبران ناپذیر به بیماران خود خواهند شد!

## ارتباط مووینگها و تایم فریم M15

لازم است که یادآوری نمایم که روش ترید کردن ما ، و نحوه ورود و خروج مان به مارکت ، از **3بخش اصلی** تشکیل یافته است:

**1- تشخیص وضعیت بازار (تایم فریم M15)**

**2- ورود به معامله (تایم فریم M5)**

**3- خروج از معامله (تایم فریم M1)**

بنابراین همانطور که ملاحظه فرمودید، تمام حرف هایی را که تاکنون درارتباط با روش تشخیص روند، و یا تشخیص شرایط مناسب برای ورود به بازار، و حتی تشخیص شرایط نامناسب برای ورود یعنی ناحیه **NoTradeZone** و غیره گفته ایم، صرفا متعلق به بررسی های است که ما در تایم فریم 15 دقیقه انجام میدهم.

ملاحظه بفرمایید:

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله mahyar\_bt

سلام - عذر میخوام تو تایپک تریدینگ روم دیدم دوست عزیزى که جفت ارز های Gbpusd , usdchf بررسی کرده بودند در مورد usdchf فرموده بودند در تایم 5 دقیقه ntz مگه شرایط Ntz نباید در تایم 15 بررسی میکردیم یعنی در تایم 5 هم ان تی زد شد مجاز به ترید نیستیم؟

"نقل قول" -

لطفا دقت بفرمایید که تاکنون تمام مطالبی را که درباره **مووینگها** گفته ایم ، صرفا مربوط به **تایم فریم M15** بوده اند!

یعنی روش «تشخیص روند صعودی» ویا «تشخیص روند نزولی» ویا از همه مهمتر «شرایط **NTZ**» صرفا بر مبنای وضعیت مووینگها در **تایم فریم 15 دقیقه** ، تعیین میگردد.

حتی کسانی که تازه با این روش آشنا شده اند، میتوانند برای جلوگیری از وقوع اشتباه، اصلا مووینگها را از تایم فریم های M5 و M1 خود، بطور کامل حذف نمایند!

اگرچه این کار را برای سایرین توصیه نمیکنم، چون بزودی و در همین «دوره متوسطه» درباره نقش مووینگها در تایم فریم های پایین تر نیز صحبت خواهیم کرد،

ولی فعلا و صرفا بعنوان روشی برای تاکید بیشتر بر نقش مووینگها در تایم M15، شاید بتواند برای برای تریدرهای نوآموز مفید واقع گردد.

## روز چهل و یکم.

### واگرایی مسطح و واگرایی معمولی

بسیار خوب، از این لحظه رسما مباحث جدید را آغاز میکنم.

و در ابتدا برای اینکه حسن نیت خودم را نشان بدهم(!!) با پاسخگویی به دو سوال مشابه آغاز میکنم:

سوال اول -

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله toofani

سلام من از مدتها قبل دارم تایپک استاد هم توی خونه قبلی و هم این خونه جدید دنبال می کنم

از او پوزیشن ها من فقط GBPJPY را گرفتم اونم که شما کنسل کردید لطفا توضیح بدید چگونه به این نتیجه رسیدید که باید کنسل بشه؟

راستی من اون پوزیشن رو با 50 تا ضرر بستم

دوست عزیز؟ خیلی ببخشید ولی آیا شما خجالت نمیکشید؟!!

آخه این هم سوال است که شما از من میپرسید؟!

مگر بنده سیگنال فروش هستم که هر چیزی را که اینجا مینویسم شما بدون ذره ای فکر و تحلیل شخصی، سریعا آن را در پلت فرم معاملاتی خودتان وارد میکنید؟!

مگر صد بار نگفته ام که هیچ کس حق ندارد سیگنالهایی را که من در اینجا مینویسم، در حساب واقعی خودش بگیرد؟

مگر هزار بار نگفته ام که پوزیشنهایی را که من اعلام میکنم صرفا جنبه نمادین و مثالی دارند، و فقط الگوهای هستند برای درک و آموزش بهتر مطالب ارایه شده؟!

اگر این پوزیشن را بر مبنای تحلیل شخصی خودتان گرفته اید، که دیگر چرا دلیل آن را از من میپرسید؟

و اگر هم بدون تحلیل شخصی، و صرفا چون بنده یک چیزی گفته ام، شما هم چشم بسته آن را گرفته اید که دیگر هیچ .... !!

### یادتان باشد

که جمعه بعد از ظهرها هرگز هیچ پوزیشنی رو  
برای دوشنبه صبح باز نگذارید

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله msatco با سلام خدمت دوستان و استاد عزیز جناب پشوتن

استاد همه سیگنالهارو گرفتین جز GBPJPY ؟ دلیل خاصی داشته که این پوز رو نگرفتین ؟ اردر فعال نشد ؟ (قیمتی که اعلام شد دیشب فعال شد) ممنون میشم توضیحاتی رو در باره این GBPJPY در صورت امکان ارایه کنید / با تشکر از شما و سایر عزیزانی که فعالیت دارن در تایپک ها

احسنت! / آفرین بر شما دوست عزیزم،

سوال بسیار به موقع، موجه و دقیقی بود!!

ببینید دوست عزیزم،

لطفا دقت بفرمایید که بنده بهنگام ارایه آن پوزیشن GBPJPY در قسمت «شرایط مشکوک» چه گفته بودم:

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله pashootan

سیگنال خرید پوند به ین ژاپن GBPJPY:

- خرید در 131.55 / - استاپ در 130.90

- شرایط مشکوک : واگرایی مسطح در تایم 5 دقیقه.

- اصلاحات لازم : بخش بزرگتر با حجم اصلاح شده و بخش دیگر با حجم استاندارد.

طبق آموخته های قبلی، هنگامیکه در لحظه ورود به بازار ، با یک واگرایی آشکار مواجه شویم، اجازه ورود به معامله را نداریم!

در این حالت صرفا باید صبر و نظاره کنیم تا اگر واگرایی مذکور شکسته شده و اصطلاحا Fail گردید، در آنصورت می توانیم وارد پوزیشن شویم.



اما همانطور که در شکل زیر ملاحظه میفرمایید، واگرایی مذکور (که از نوع مسطح بوده) نه تنها شکسته نشده است،

بلکه با گذشت زمان از یک واگرایی مسطح به یک واگرایی معمولی نیز (که قوی تر از نوع مسطح است) تبدیل شده است،

و در واقع یک واگرایی سه گانه را تشکیل داده است، و لذا معامله مذکور را کنسل نموده ایم:

البته اگر از دوستان عالیجنابان sinayas و sezar بپرسید،

فارکس به سبک پشوتن دوره متوسطه

حتما این دو نیز - با آن عشق وافر که به یافتن هرچه مقلد در بازار هست ، دارند! -

مطمئنا میتوانند برای شما حداقل یک الگوی «شبهه مثلث مقلد» را هم پیدا کنند، که این نیز خود هشدار دیگری بوده است بر بازگشت بازار،

و دلیل قطعی تری برای کنسل نمودن معامله مذکور .

## PTM چیست و چند ورژن دارد؟

سلام!

آیا می دانید که **PTM** چیست؟! / آیا تاکنون چنین واژه ای به گوشتان خورده است؟! / جدا؟! خیلی عجیب است!

چون الان دقیقا 41 روز است که دارید با آن کار میکنید! ملاحظه بفرمایید:

### PTM = Pashootan's Trading Method !!

**PTM** روشی برای ترید کردن است ، که متکی بر نگاهی است که اصل را بر «پیش بینی ناپذیر بودن ذات مارکت» میگذارد.

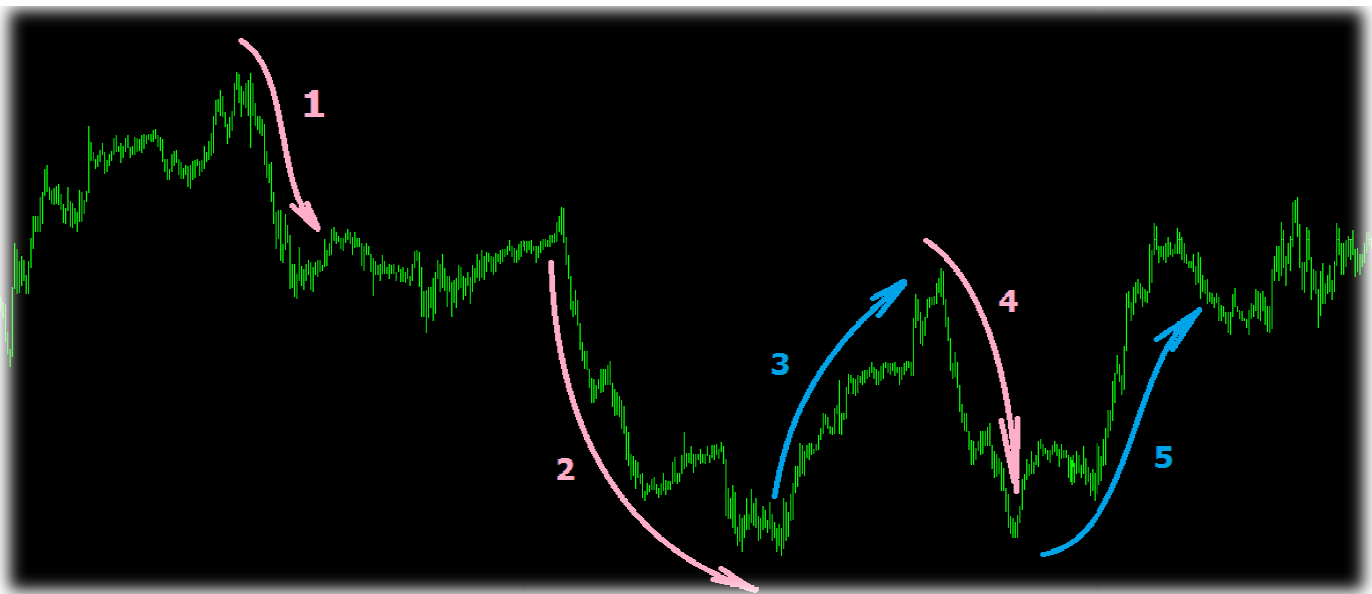
در این نوع نگاه ، اعتقاد ما بر این است که مارکت ذاتا محیطی کثسان است که در اثر اعمال نیروهای خارجی ، ساختارهایی موجی شکل، درون آن ایجاد میگردند.

بعنوان مثال هنگامیکه یک خبر سیاسی یا اقتصادی در دنیا منتشر میشود، با برهم زدن تعادل میان عرضه و تقاضا ، نوعی انرژی درونی را در مارکت انباشته میکند ، که تنها راه برای تخلیه و آزاد سازی این انرژی ، پرواز «قیمت» از نقطه ای به سوی نقطه ای دیگر است.

بدلیل ماهیت کثسانی که «مارکت» دارد ، قیمت مجبور میشود که این مسیر را صرفا در قالب ساختاری «موج گونه» بپیماید ،

یعنی یک «موج» دقیقا منطبق با همان ویژگیهایی که تمامی امواج دیگر در طبیعت دارند، درون مارکت شکل میگیرد.

لطفا به تصویر زیر دقت بفرمایید:



همانطور که در شکل فوق مشاهده میفرمایید، پنج موج مختلف را در این نمودار برایتان مشخص کرده ام.

هریک از این امواج در اثر یک خبر یا عامل بیرونی خاص ایجاد گشته اند، که نتیجه ی خبر مذکور نیز در برخی مواقع به نفع دلار بوده و موجب تقویت آن شده است و ایجاد موجی صعودی را کرده است و در مواقعی دیگر نیز کاملا برعکس بوده است.

فعلا شما برای تشخیص این امواج از ابزاری کمکی موسوم به مووینگهای جادویی در تایم فریم **M15** استفاده میکنید.

ولی مسلماً بزودی (شاید صرفاً یک تا دو سال دیگر) چشم و ذهن شما به حدی از تسلط میرسند که شکل گیری هریک از این امواج را ، بدون استفاده از هیچگونه ابزار یا اندیکاتور خاصی، بسهولت تشخیص میدهند

و در همان زمان است که احتمالاً شما تمام اندیکاتورهای اضافی خودتان را از روی چارت، کنار گذاشته و حذف خواهید نمود! مطمئناً در آن زمان ، به همان سادگی که امروز انتشار امواج آب را بر روی سطح یک استخر یا دریا تشخیص میدهید، قادر به شناسایی و مشاهده امواج قیمت درون مارکت نیز خواهید بود.

بگذارید یک سناریوی خیالی را درباره تصویر فوق، و برای نحوه شکل گیری امواج درون آن ، بسازیم: بعنوان مثال فرض کنید که **موج شماره (1)** در اثر سخنرانی ریس جمهور آمریکا ایجاد شده باشد، مثلاً هنگامیکه که او در میانه سخنرانی خود اشاره به احتمال افزایش نرخ بهره بانکی کشورش نموده ، و نتیجتاً موجی از نگرش مثبت نسبت به تقویت دلار را ، که منجر به شکل گیری موجی نزولی گردیده ، درون مارکت به راه انداخته است!

اما شاید **موج شماره (2)** اصلاً هیچ ارتباطی با **موج شماره (1)** نداشته باشد.

ممکن است که این موج را مثلاً نخست وزیر انگلیس ، در یک مصاحبه زنده تلویزیونی ایجاد کرده باشد ! او با وقاحت خاص انگلیسی اش ، رو به مردم دنیا کرده و گفته است: «از ابتدا هم با خروج نیروهای نظامی از عراق مخالف بوده است!»

هیچکس در دنیا ، پیش از انتشار **موج (2)** اطلاعی از تصمیم فی البداهه جناب نخست وزیر برای اعلام چنین اظهارنظر تندی نداشته است!

ولذا هر تردیری هم که بخواهد به هر طریقی - از تئوری وزین الیوت گرفته تا ابزارهای سنتی فیبوناچی یا اصلاً هر روشی دیگر - **موج (2)** را به زور به **موج (1)** ربط بدهد، صرفاً راهی بیراهه را رفته ، و انرژی و وقت خود را بیهوده تلف کرده است!

در واقع فقط کافی بود که آقای نخست وزیر در آن لحظه مذکور ، جمله ای را بصورت برعکس بیان میکرد، و بعنوان مثال چنین میگفت که:

«از ابتدا کاملاً موافق با خروج نیروهای نظامی از عراق بوده است!»

در آنصورت مطمئن باشید که دیگر **موج (2)** نه تنها اصلاً ایجاد نمیشد ،

بلکه شاید دقیقاً همین مسیر را نیز بصورت برعکس و روبه بالا طی میکرد !

به همین ترتیب امواج صعودی و نزولی بعدی نیز، هریک توسط شخصی یا نهادی خاص و در اثر خبری متفاوت ایجاد گشته اند.

هر کدام از این خبرها که منجر به تقویت دلار شده باشند، نمودار را به سمت پایین هل داده اند،

و هر کدام که به ضرر آمریکا بوده اند ، موجب رانش صعودی قیمت به سمت اعداد بالاتر شده اند.

پس ما معتقدیم که حرکات قیمت ، بوسیله فشار نیروهای بیرونی ،

که در واقع همان اخبار سیاسی و اقتصادی هستند، ایجاد میگردند.

و باتوجه به اینکه هیچکس در دنیا ،

از خبری که قرار است ثانیه ای دیگر انتشار یابد، آگاهی و اطلاع دقیقی ندارد، پس هرکس هم که ادعا کند که صرفاً با دردست داشتن **موج (1)** میتواند با قطعیت از جهت و انتهای **موج (2)** مطلع گردد، از دو حال خارج نیست که یا ساده لوح است و یا ..... (ولش کن بابا! باز دعوا میشه!) ... و یا بازهم همان ساده لوح است!!

آهان ... مودبانه اش اینطوری میشود که بگویم :

احتمالاً این شخصیت عزیز و گرانقدر ، اصلاً با ذات و ساختار واقعی مارکت ، آشنا نمی باشند!

البته متأسفانه ابزارهای متکی بر **«پیش بینی پذیر بودن مارکت»** هنوز هم بسیار رایج هستند .

عموماً چنین ابزارهایی ، میراثی هستند از نسل پدران ما ،

و نشأت گرفته از بورس کلاسیک وال استریت ،

و نگاهی که ایشان نسبت به بورس پنجاه سال پیش داشته اند،

که متأسفانه به نوع نگاه و جهان بینی ما نیز شدیداً رسوخ کرده است!

ده ها سال پیش ، در زمان حکمفرمایی تحلیل تکنیکال کلاسیک ، مردم چنین تصور میکردند که باید به دنبال فرمولها و روابطی جادویی بگردند

که بتواند سرانجام ، پرده را از اسرار و رموز درونی مارکت برداشته ،

و حرکت های فردا و پس فردا و حتی هفته ها و ماه های بعدی را برایشان واو به واو **پیشگویی** نماید!

دقت بفرمایید که میگویم **«پیشگویی»** و حتی نمیگویم: **«پیش بینی»!**

چون واقعاً برخی از این افراد پای خود را از چارچوبهای علمی نیز فراتر گذاشته و اعتقاد به **«پیشگویی پذیری مارکت»** پیدا میکردند!

که البته متأسفانه هنوز هم میتوان ترکش های چنین دیدگاه فالگیرانه ای را (!)

در سیستمهایی که بر مبنای روشهای ترید **«بدون استاپ»** طراحی میشوند، پیدا نمود.

جالب است که این قبیل افراد که اعتقاد دارند که بطور قطع و یقین قادرند تا مثلاً یک تارگت 10 پیپی را ،

بدون رد خور و بدون ذره ای استثنا ، پیشگویی نمایند

پس چرا از آن طرف ، از پیشگویی یک استاپ حتی 200 پیپی هم عاجزند؟!!

بعنوان مثال اگر علم رمل و اصطربلاب این اساتید ،

قادر است که مثلاً حرکات رو به بالای قیمت را با چنان دقتی پیشگویی نماید ،

پس چطور از تشخیص حرکات رو به پایین قیمت ،

ولو اینکه حتی یک دامنه خطای مجاز 600 پیپی (!! ) را هم برای آنها قایل شویم ، کاملاً قاصر است!

چون اگر غیر از این بود دیگر لازم نبود تا سیگنالهای این افراد، ابتدا 600 پیپ را در ضرر فرو برود ،

تا بعداً پس از گذشت مثلاً شش ماه غوطه وری در ضرر،

فارکس به سبک پشوتن دوره متوسطه



و البته همه این ها تازه صرفا به این شرط است که شانس با تریدر بی نوا یار باشد. . .

... و گر نه که حرکات غول آسایی را که صرفا در یک جهت انتشار یافته ، و دیگر هم هرگز تا به امروز به جای اول خود برنگشته باشند ،

در آرشو تمام چارتهای و نمودارهای خودتان، به کرات می توانید مشاهده کنید!

بگذریم . /اگر در تاریخ به عقب برویم ،

و به مقوله تحلیل تکنیکال کلاسیک و بورس سنتی پنجاه سال پیش بنگریم،

متوجه میشویم که در آن زمان و با مقتضیات آن موقع ،

واقعا هم کسانی مانند مرحوم الیوت(!) نسبت به ویژگی های بازار در زمانه خودشان، زیاد هم بیراهه نگفته اند!

چرا که بعنوان مثال هنگامی که یک «**خبر**» خاص به بازار ساده و ابتدایی آن روزها تزریق میشد ،

شاید چندین روز طول میکشیده تا بتواند قیمت را به «هدف قیمتی» جدید خودش برساند!

و لذا در این بازه چند روزه ، سخن جناب الیوت کاملا به جا بوده است که:

«امواج بالارو ، ابتدا در سه پله صعود میکنند و سپس در دو پله نزول!»

اما متاسفانه یا خوشبختانه در بازار امروز ،

و با چنین ریتم تند و سریعی که ایجاد و انتشار **اخبار** در جهان معاصر پیدا کرده اند،

مطمئنا تا **موج (1)** بخواهد پله های اول و دوم خودش را سر فرصت ، و آهسته آهسته بسازد،

ناگهان خبر جدیدی منتشر شده ، و **موج (2)** از راه میرسد!

و همه آنچه را که **موج (1)** بافته بوده است ، در ثانیه ای رشته میکند!

در چنین دنیایی ، و با چنین چارتهایی که بنده و شما با آن روبرو هستیم ،

بسیار بعید است که کسی بتواند - بویژه در تایم فریم های بالا -

### **امواج پنجگانه الیوت را ،**

بطور واقعی و غیرخیالی(!) مشاهده کند ،

که بعنوان مثال همچون دسته ای از پرندگان مهاجر ،

که برای روزها و ماههای متوالی ، در دسته هایی منظم و مرتب ،

از یک سوی چارت به سمت سوی دیگر آن پرواز میکنند، قابل مشاهده و رویت باشد!

اما تکلیف ما بعنوان تریدرهایی که قصد جدال با این بازار وحشی، زبان نفهم و غیرقابل پیش بینی را داریم ، چیست؟!؟

اگر اصلا هیچ امیدی به پیدا کردن راهی برای پیش بینی نمودن این بازار وجود ندارد ،

پس آیا بهتر نیست که آن را رها کرده و به سراغ شغل قابل اتکای دیگری برویم؟!؟

**جواب این است که : قطعاً خیر!**

مگر «بازار» تنها پدیده ی دنیای امروز است که ذاتی پیش بینی ناپذیر دارد ؟  
و نمیتوان قوانین ساده و روشنی را بصورت علت و معلولی برای آن بکار برد؟!  
بعنوان مثال مگر «مکانیک کوانتم» نیز بر پایه «پیش بینی ناپذیری حرکت الکترون» بنیانگذاری نشده است؟  
آیا این دلیل میشود که ما «مکانیک کوانتم» را نقض کنیم ،  
و یا صرفا به این دلیل که هرگز نمیتوانیم سرعت و مکان ذرات را همزمان اندازه گیری کنیم، آن را بطور کامل کنار بگذاریم؟  
نحوه برخورد با پدیده های ذاتا «تصادفی» و «غیرقابل پیش بینی» ابزار و روشهای خاص به خودش را می طلبد!  
که بعنوان مثال این روش درمورد فیزیک کوانتم همانا استفاده از ریاضیات «آمار-احتمالات» است ، و در مورد **مارکت** .....؟!  
.... خوب بگویید دیگر !

این روش درمورد **مارکت** می شود: همانا ترید کردن با روش **PTM** !!!

پس این شما و این هم :

روش فوق پیشرفته **PTM** با چهار ورژن مختلف که در خدمت شماست!

**PTM-1** سطح مقدماتی - ورژن نوآموزان :

**PTM-AV = Amature's Version - Entering on M5**

**PTM -2** سطح متوسط - ورژن نیمه حرفه ای:

**PTM-IV = Intermediate's Version - Entering on M1**

**PTM -3** سطح پیشرفته - ورژن حرفه ای:

**PTM-PV = Professional's Version - Entering by Instant**

**PTM -4** سفارشی بی خطر - ورژن پیرمردها!!!

**PTM-OV = Oldman's Version - Entering with Buy/Sell Limits**

بزودی و صرفا پس از یک مرور و جمع بندی بسیار سریع از روش ترید نوع اول،

به آموزش **PTM-IV** یعنی **روش ترید سطح دوم** خواهیم پرداخت !

بسیار خوب، /این هم یک فهرست موضوعی کامل ، از مطالبی که از این به بعد خدمتتان ارایه خواهدشد!

مخصوص عزیزانی که هی اصرار داشتند که چشم انداز دقیقی را، از آینده تایپک خدمتشان افشا کنم!!

اگر چیزی از موارد فوق دستگیرتان نشد(!) باور بفرمایید که بنده بی تقصیرم!

و تنها راه شما این است که باید محبت بفرمایید و هرطور که شده ،

این 60 روز آینده را نیز بنده را تحمل بفرمایید!

من دیگر با اجازه تان بروم برای صرف شام ... که هلاک شدم!

ناسلامتی خوبه ما دیابتیک هستیم! / اصلا نمی ترسید که الان غش کنم ، و مجبور شوید زنگ بزنید به آمبولانس؟!!!

## نقل قول از جناب کامبیز گیتی (توسط جناب آذرباد):

برنده بهترین پست ماه در سایت سرمایه

همه ما در اوایل آشنائی با بازار فارکس ( ارز ) تریدهای خوبی داشته ایم و طعم خوش پیپ ها را چشیده ایم.

**اما چه شد که همه چیز شیب نزولی به خود گرفت و حساب ها صفر شدند ؟**

شاید این مطلب بسیار ساده بنظر بیاید اما

**" برای تثبیت یک قانون ساده باید بسیار هزینه کرد."**

برای این مهم یک مثال می زنم.

فرض کنید ، شما قرار است برای 10 سال در یک سالن زندگی کنید.

در این سالن انواع و اقسام وسایل با چیدمان بسیار مرتب و منظم وجود دارد.

**اما متاسفانه در این سالن یک قانون وجود دارد. :**

**"هر چیز را از هر جا که برداشتی فقط و فقط یک بار می توانی سر جایش بگذاری. و اگر در جای دیگری قرار دادی ، دیگر در جای اصلی آن نمی توانی قرار بدی."**

نکته اینجاست اگر اولین وسیله را در جای دیگری قرار گیرد ، اولین قدم در بی نظمی را طی کرده اید و با هر قدم به جلوتر ، با افزایش بی نظمی ( آنتروپی ) و افزایش ضریب اشتباهات را به همراه داشته و نظم کلی بر تمام وسایل کاهش پیدا می کند.

و سرانجام روزی خواهد رسید که دیگر هیچ چیز سر جای خود قرار نداشته و حتی جمع آوری کل سالن غیر ممکن می نماید.

برای بسیاری از افراد ادامه زندگی در این سالن غیر ممکن می باشد.

و البته افرادی هستند که در عین بی نظمی ، نظم خاصی در برای خود دارند. این مطلب را شاید در اتاق های خودمان در فصل امتحانات ، تست کرده باشید که :

روی زمین پر از کاغذ های باطله ریاضی و فیزیک بوده و در بین تمام آنها می توانیم ، کلید خانه را هم پیدا کنیم و حتی ...

مطالبی که در بالا مطرح شد ، عینا در تفکرات ما نیز وجود دارد و چیدمان اطلاعات همینطور است.

فرض کنید می خواهید نمودارهای خطی شرح :

چه مقدار از اطلاعات را بیان می کنید؟

اولویت بندی اطلاعات شما چگونه است ؟

کدام دسته از اطلاعات را باید مطرح نمائید ؟

تاکید را بر کدام بخش از اطلاعات قرار می دهید ؟

اگر فرد را بمباران اطلاعاتی کنیم ،

آیا می توانیم از او توقع بررسی نمودار خطی را داشته باشیم ؟

**و در انتها آیا به آنچه که خودتان گفتید ، عمل می کنید ؟؟؟؟؟!!!!**

بنابراین ، زمانی که با الگوهای مختلف حرکتی در نمودار برخورد می کنیم ، برای شناسائی شرایط و موقعیت ها هیچ دسته بندی از اطلاعات در ذهنمان نداشته و تنها به نکاتی توجه می کنیم ، که در بسیاری مواقع بی ارزش خواهند بود.

همه دوستان بعد از آنکه کمی با مفاهیم اصلی آشنا شدند ، سریعا به دنبال اندیکاتور ها ، کانال های طلائی ، روش های بینهایت سود ده ، نکات خاص و رازهای پشت پرده می گردند اما نمی دانند راز **در کاربرد ساده ترین قوانین است.**

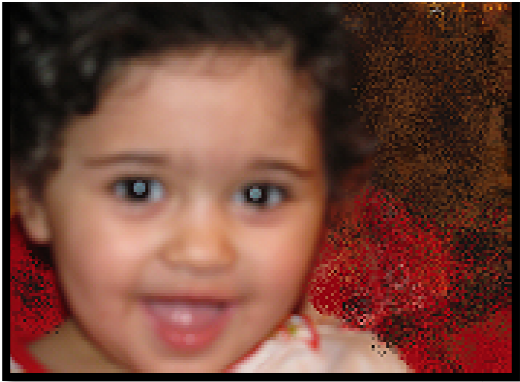
.....هر چه اطلاعات بیشتر کسب کنید ، در صورتی که مدیریت چیدمان اطلاعات نداشته باشید ، همانند وسایلی است که در سالن پخش می کنید و دیگری راهی برای بازگشت ندارید.

....

**زیرا احترام به اصول ، ثبات را به همراه می آورد.**

## روز چهل و دوم.

تولد آمیتیس خانم !!! پس فیتیله امروز تعطیله



دوستان عزیز سلام.

از همه شما عذر می‌خواهم ، ولی می‌خواستم اگر اجازه می‌فرمایید  
برای امشب ، تقاضای مرخصی استحقاقی نمایم!  
راسش امروز تولد دختر بچه یک ساله من است!  
و بنده هم که مثلاً میزبان هستم،  
باید بروم و از میهمانان عزیزم پذیرایی نمایم.

.....  
ضمناً همانطور که قبلاً گفته ام اگر کسی اصرار دارد که حتماً امشب را بیدار بماند

میتواند با مطالعه روش آموزش داده شده در بخش مقدماتی ، / به ترید کردن بروی گپهای آغاز هفته بپردازد.

فقط تاکید میکنم که در صورت وقوع گپ ، عجله نکنید و به اندازه کافی منتظر بمانید / تا از شکست گپ و ورود قیمت به درون آن ، مطمئن گردید!

## روز چهل و سوم.

### ارزش گذاری روی سطوح قیمت

#### تحلیل هفتگی یورودلار

بسیار خوب ، گفتیم که «تحلیل هفتگی» کاری است که شما باید در روزهای شنبه و یکشنبه هر هفته ، برای خودتان انجام بدهید .  
تا یک نقشه راه دقیق را برای روزهای آتی ، برای خودتان حاضر و آماده نمایید.

همچنین گفتیم که برای «تحلیل هفتگی» به سه تایم فریم هفتگی، روزانه و چهارساعته مراجعه میکنیم،  
و به هریک از آنها به شیوه ای متفاوت نگاه میکنیم:

1- تایم فریم هفتگی (W1) : بررسی کندل ها

2- تایم فریم روزانه (D1) : بررسی روندها

3- تایم فریم چهارساعته (H4) : بررسی پترن ها

زیرا بعنوان مثال ابعاد تایم فریم هفتگی نسبت به امواجی که ما در تایم فریم M5 بر روی آنها شنا میکنیم،  
آنچنان بزرگ و غول آساست ،

که صرف بررسی سه چهار کندل پایانی نمودار، برای آنچه که منظور ما از یک تحلیل هفتگی است ، کاملاً کافی میباشد!



بعنوان مثال در شکل سمت چپ ، که تایم فریم هفتگی یورودلار را نشان میدهد،

اگرچه **خط روند شماره (1)** کاملا صحیح و اصولی ترسیم شده است، اما اساسا رسم چنین خط روندی در معاملات ما کاملا بی تاثیر است!

زیرا فاصله «قیمت جاری» تا این خط روند، چیزی در حدود **700 پیپ** است!!

و بنابراین بسیار بعید به نظر میرسد که در هفته پیش رو، اصلا برخوردی بین قیمت با این **خط روند** صورت پذیرد.

پس در واقع همه هدف ما در تحلیل هایی که بر روی تایم فریم **W1** انجام میدهم ، صرفا این است که موقعیت کندل بعدی را تا حدودی - و با یک درصد خطای قابل قبول - برآورد نمایم، و البته از آن مهمتر اینکه باید سطوحی را که برای روزهای آتی ، مهم و سرنوشت ساز هستند، به دقت مشخص کنیم.

در این متن به **بررسی تایم فریم هفتگی یورودلار** برای هفته آتی میپردازیم.

### بررسی تایم فریم هفتگی EURUSD :

در شکل زیر همان تایم فریم هفتگی را ، اینبار از نمایی نزدیک تر ، مجددا برایتان ارایه کرده ام:



اولین چیزی که توجه ما را بخود جلب میکند، تعداد پنج کندل آخر است که (بغیر از یکی) کاملا به ترتیب و بصورت **پلکانی** در زیر یکدیگر قرار گرفته اند.

اگر از کندل دوجی صرفنظر کنید، سایر کندل ها ، کاهش مداوم سقف قیمت را در هر هفته ، نسبت به هفته ماقبل خود ، بوضوح نشان میدهند .

و این همان **نکته ای** بود که ما قبلا نیز درباره روندهای پر قدرت نزولی تذکر داده بودیم:

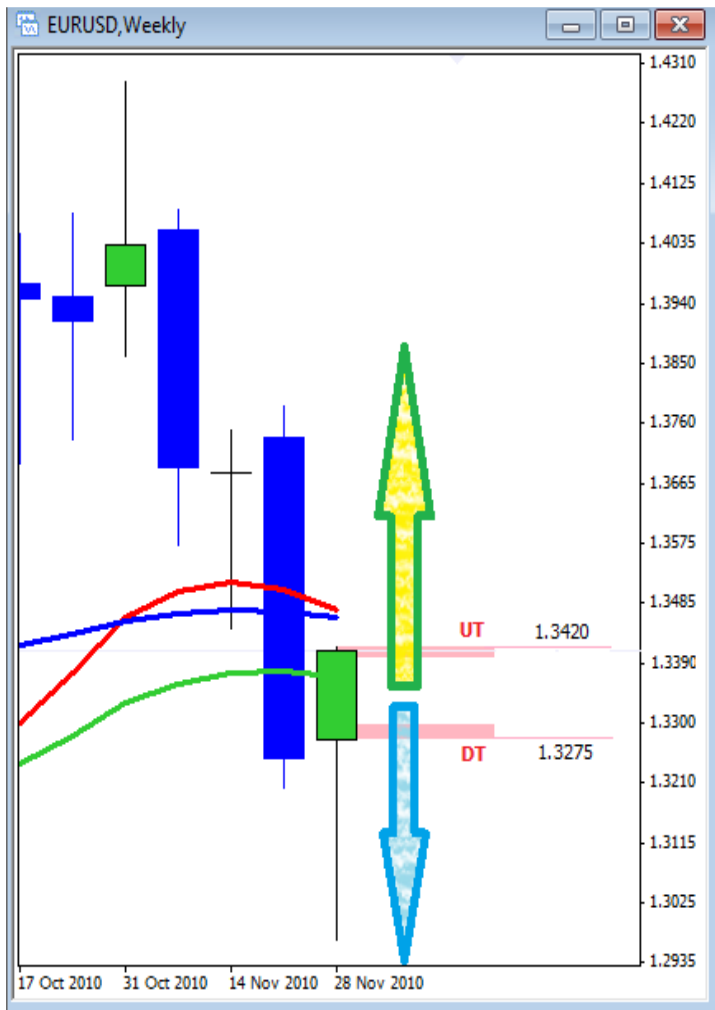
اینکه یک تریدر میتواند انتظار داشته باشد که تا زمانی که روند نزولی اخیر به انتها نرسیده باشد ، قیمت توان بازگشت به سقف قیمتی کندل ماقبل خود را نداشته باشد.

و البته بازهم تاکید میکنم که این ویژگی ، یعنی ترتیب منظم و پلکانی کندلها ، صرفا منحصر به تایم فریم های **هفتگی** و **ماهانه** است ،

و تازه آن هم فقط برای روندهای نسبتا پر قدرت !

باتوجه به آنکه قرار است در تایم فریم هفتگی، بررسی خودمان را به صورت «**کندلی**» انجام داده،

و بیشتر به «**الگوهای کندل استیک**» تمرکز نماییم ،



لذا نگاهی به شکل سمت چپ و ساختار کندل آخر (سبز رنگ) میاندازیم ،

که به وضوح یک کندل **میخی** و یا **Hammer** را نشان میدهد.

حتما میدانید که ویژگی کندلهای **Hammer** به این صورت است که معمولا در **انتهای** روندهای **نزولی** تشکیل میشوند ،

و میتوانند نویدگر **آغاز** روندی **صعودی** باشند، البته به این شرط که :

**اولا -** کندل بعدی صعودی بوده و موفق به شکست سقف **Hammer** شده و از نقطه **high** آن نیز (1.3420) به سمت بالا عبور نماید.

**دوما -** اگر واقعا بنا بر آغاز یک روند صعودی جدید باشد ، کندل بعدی معمولا حتی به قیمت پایینی بدنه **Hammer** نیز نخواهد رسید ،

که در شکل سمت چپ ، این قیمت میشود همان قیمت **OPEN** یا باز شدن **Hammer** ، یعنی همان عدد **1.3275**

اگر خاطرتان باشد قبلا گفته بودم که اصولا فلسفه و هدف ما از انجام یک تحلیل هفتگی ، مطلقا پیش بینی بازار برای روزهای آتی نیست ،

و البته اعتقادی هم به توانایی همچنین کاری نداریم!

بلکه گفتیم هدف ما صرفا «**ارزش گذاری**» بر روی سطوح قیمت است !

یعنی برای هفته آتی، سطوح مهم و سرنوشت ساز را ، برای خودمان علامت گذاری می کنیم،

تا بعدا هنگامی که شدیدا درگیر با معاملات خودمان هستیم ، ناگهان در اثر نزدیکی قیمت به یکی از این سطوح ، بوسیله حرکات غیرمنتظره مارکت ، غافلگیر نشویم!

حتی در صورت امکان، یک نقشه و برنامه ریزی قبلی را نیز برای حالات مختلفی که احتمال مواجهه با آنها را میدهیم،

برای خودمان طراحی می کنیم،

تا در صورت وقوع هر سناریوی خاص، راه حل مخصوص به آن را نیز ،

با آمادگی قبلی دنبال نماییم ،

و از قبل احتمالات ممکن را برای حالات مختلف در نظر گرفته باشیم.

به این منظور اعدادی را که به نظرم سطح **حمایت-مقاومت** پیش روی قیمت هستند، با **خطوط افقی** مشخص میکنیم، و همچنین **ناحیه های** را که از دیدگاه ما، نواحی مهم و قابل تامل به شمار میآیند، ترجیحا با **مستطیل های رنگی** مشخص کنیم.

بعنوان مثال همانطور که گفتیم، اگر قرار باشد که از کندل بعدی، یک روند صعودی جدید آغاز گردد، باید این کندل:

**1- سطح 1.3420** را به سمت بالا بشکند.

**2- از سطح 1.3275** پایین تر نیاید.

زیرا معمولا فقط در چنین حالتی است که کندل بعد از **Hammer** تبدیل به یک کندل بلند و کشیده و صعودی میگردد.

اگر مجددا به شکل بالا مراجعه نمایید،

مشاهده میکنید که دو فلش **سبز** و **آبی** را بر روی آن نشان داده ام.

درواقع این فلشها، دو سناریوی مختلف را برای کندل بعدی مشخص میکنند:

**سناریوی اول** که به کرات رخ میدهد، این است که کندل بعدی، یک کندل قدرتمند صعودی بوده، و روند مارکت را کلا به سمت بالا برگرداند،

که در اینصورت باید دو شرط فوق را (یعنی شکست **1.3420** و عدم شکست **1.3275**) بطور همزمان ارضا نماید.

**سناریوی دوم** که قابل چشم پوشی نیست این است که کندل بعدی، مانند چند کندل متوالی قبل از **Hammer**، بازهم بصورت یک کندل **آبی رنگ** و نزولی تشکیل شود،

که لازمه شکل گیری چنین کندلی، عبور از سطح **1.3275** به سمت پایین خواهد بود.

بنابراین دو ناحیه مهم را، بوسیله دو مستطیل صورتی رنگ ترسیم میکنیم:

که یکی در نقطه بالایی **Hammer** و دیگری در نقطه بازگشایی (**Open**) آن قرار میگیرند،

و ضخامت هر کدام را چیزی در حدود **20** پیم انتخاب میکنیم (چشمی)،

و باید در روزهای بعدی صرفا صبر کرده و بازار را نظاره کنیم،

تا آیا سرانجام به کدام یک از این نواحی ورود و خروج خواهد کرد؟

اگر دقت کنید در بالای مستطیل **فوقانی** حروف **UT** را نوشته ام،

که مثلا (!!)) مخفف عبارت **Begin an Up Trend** بمعنی «**آغاز یک روند صعودی**» است.

و در زیر مستطیل تحتانی، حروف **DT** را درج کرده ام،

که لابد یادآور عبارت **Continue the Previous Down Trend** بوده و معنی آن هم «**ادامه یافتن روند نزولی سابق**» است.

ضمنا میتوانید مجموعه خطوط و مستطیل های مذکور را، پس از آنکه نقاشی هایتان تمام شد!



همگی را در قالب یک تمپلیت مثلا بنام **T-eurusd** در پلت فرم خودتان ذخیره نمایید،

تا بعدا به هنگام نیاز ، در هر زمانی که لازم داشته باشید ،

کل آنها را به سادگی بر روی چارت خودتان بازایی نمایید.

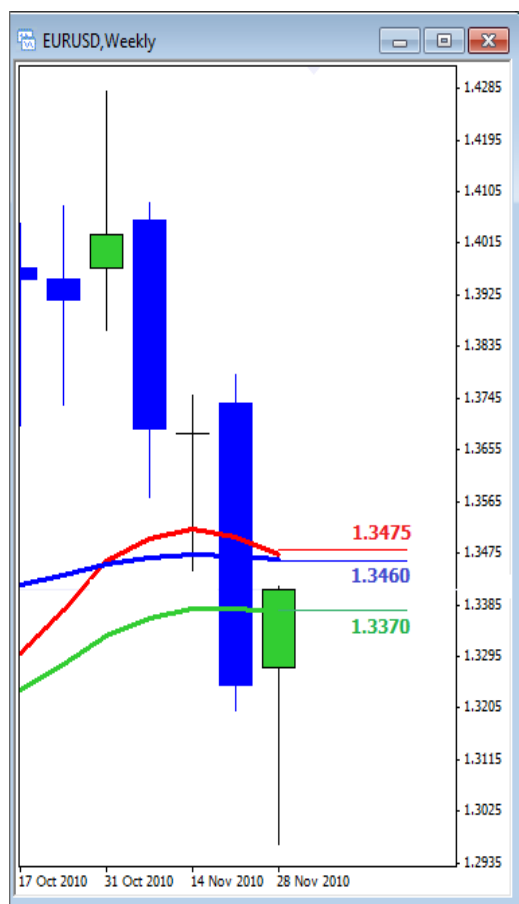
آخرین کاری هم که از روی این تایم فریم میتوانیم انجام بدهیم،

مشخص نمودن **سطوح حمایت و مقاومت** بر مبنای مقادیر **مووینگهای جادویی** است ،

که البته میدانم همه شما شدیدا عاشق این کار هستید!!

و به هیچ عنوان لذت رسم خطوط زیر را از دست نخواهید داد!!

### سطوح حمایت - مقاومت بر طبق تایم فریم هفتگی :



این اعداد بر مبنای مقادیر مووینگها (شکل روبه رو) محاسبه میشوند:

**1.3370 - 1.3460 - 1.3475**

لطفا اجازه بدهید که فقط این دو سه تا نکته کوچک را هم خدمتان بگویم:

**اولا** - نزدیکی بیش از حد سطوح مقاومتی قرمز و آبی ، موجب تقویت اثر مقاومتی آنها شده و یک ناحیه 15 پیپی نفوذ ناپذیر را در برابر قیمت پدید خواهد آورد.

**دوما** - سعی کنید سطوح حمایت و مقاومت را همواره بصورت اعداد نسبتا رند در نظر بگیرید و ارقام انتهایی کوچکتر یا بزرگتر از 5 را به سمت بالا یا پایین ، گرد نمایید.

**سوما** - باتوجه به اینکه محل دقیق قرارگیری مووینگها در پلت فرم های بروکرهای مختلف دنیا ،

قطعا به اندازه ای جزئی با یکدیگر متفاوت میشود ،

لذا شما هم یک محدوده 5 پیپی را ، بعنوان محدوده مجاز برای هر

بسیار خوب،

اگر امروز (دوشنبه) در لابلای کلاسهای خودم فرصتی بدست آوردم ،

بررسی تایم فریم های روزانه و هفتگی را هم برایتان خواهم گذاشت . . .

گفتم در لابلای «کلاسها»؟!؟

کسی بهم گیر نداد؟ توییخ نشدم؟!؟

آخ جون ! آزادی عجب حالی میده !

خدایا شکر که شر سوسکها رو از سر ما کم کردی !

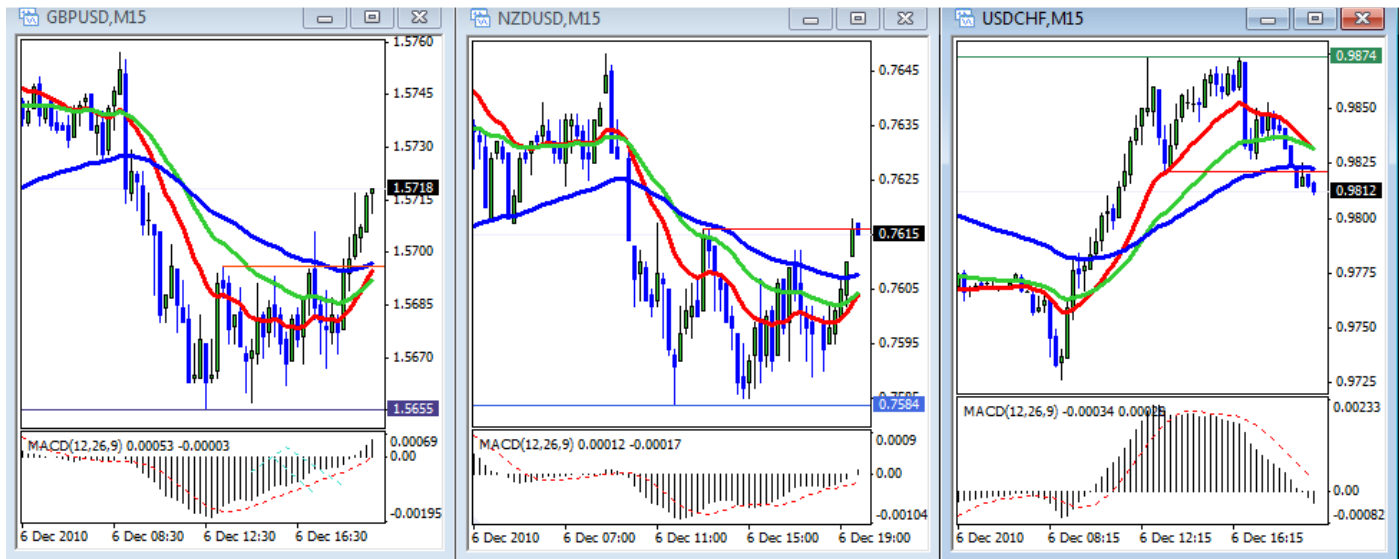
دیگه کسی اینجا نیست که هی بگه :

- آقای ناظر اجازه، این پشتون چرا داره برا خودش تبلیغ میکنه که من «معلم» هستم و دارم «تدریس» میکنم؟!!!  
 - آخه مرد حسابی!

من اگه نگم «معلم» هستم، پس چی بگم؟! بگم «کفش دوزم»؟!!!

## مهمترین مزیت روش PTM !

اگر از بنده بپرسند که مهمترین مزیت روش ترید به سبک **PTM** چیست؟!  
 مسلما بعد از «همسو بودن با روند» و عدم اتکا بر «پیش بینی کردن مارکت»  
 مهمترین حسن آن را در کنسل شدن پوزیشنها بطور اتوماتیک ، بیان خواهم کرد!  
 یعنی بجای آنکه اول استاپ بخوریم، بعدا بگویم که:  
 «وای! امروز عجب روز بعدی بود!!» / ترجیحا اصلا پوزیشنهای ما فعال نمیشوند ،  
 که بخواهند وقت و سرمایه ما را بی دلیل در بازار نامناسب ، درگیر نمایند!  
 همانطور که در شکل زیر نیز مشاهده میفرمایید،  
 با عبور از مووینگ آبی و ورود به ناحیه «**NTZ کامل**» بطور کل کنسل میگردند :



باتوجه به شکل گیری الگویی شبیه به «**سروشانه معکوس**» در اغلب زوج ارزها،

احتمالا خیلی از تریدرها در این لحظات درحال **BUY** کردن بر روی این اقسام هستند!

ولی ما ، باتوجه به آنکه برای بای کردن باید ابتدا آنقدر صبر کنیم ، تا مووینگها به آرایش جدید صعودی برسند، پس بهتر است که برای امشب دیگر ، قید ترید کردن را بطور کامل بزنیم!

در واقع آنطور که بنده فعلا در بازار مشاهده میکنم،

در شرایط حاضر صرفا زوج ارزهای مرتبط با **ین ژاپن** هستند که همچنان در جهت مورد نظر ما به پیش میروند،

و البته باتوجه به **شب زی** بودن این ارز ، شروع حرکت اصلی آن در ساعات پایانی شب ، بعید و دور از انتظار نیست!

هر چند که بنده به شخصه، همیشه توصیه میکنم که ترید کردن را (و حتی نشستن در پای چارت را) در این ساعتها کنار بگذارید،

و به تفریح و مطالعه و بویژه استراحت در کنار خانواده بپردازند!

و مطمئن باشید که فردا، موقعیت های بسیار بهتر و طلایی تر از امروز را ، در بازار مشاهده خواهید نمود!!

واقعا که حیف است اگر فردا را که ما درحال استفاده از آن حرکات طلایی هستیم، / شما درحال سر و کله زدن با پوزیشنهای در زیان فرو رفته دیروز خود باشید!! / پس بیهوده وقت، انرژی و مخصوصا موجودی اکانت خودتان را بخطر نیاندازید!

تا خدایی نکرده فردا بجای لذت بردن از سودهای چند صد پیپی (!! درگیر شارژ و انتقال حساب به بروکر خودتان نباشید!!

## روز چهل و چهارم.

### برای بار هزارم ! در باب شیب و فاصله مووینگها :

فکر میکنم که برخی از کارشناسان آموزشی که معتقدند: «آموزش با تکرار حاصل میشود» هرگز سعادت نداشته اند که برخی از شاگردان این کلاس را از نزدیک زیارت کنند!!

وگرنه حتما یا دچار یاس فلسفی میشدند!

و یا کلا مقوله آموزش را بطور کامل کنار میگذاشتند!!

باور نمیفرمایید؟! پس لطفا ملاحظه کنید:

نامه جناب آقای بهروز خان رجبی از شاگردان حضوری بنده :

#### نقل قول: نوشته اصلی بوسیله behrouz-68

با سلام و خسته نباشید خدمت استاد عزیز آقای پشوتن و هم چنین دوست بسیار عزیزم آقا سینا یاس عزیز. امیدوارم در همه حال سلامت باشند. ( من با آی دی newlifefx تو سرمایه بودم و شاگرد استاد هستم . بهروز رجبی. اینارو گفتم تا استاد و آقا سینا منو بشناسن یه وقت فکر بد نکنید!)

خوب این اولین پست بنده در این سایت هستش هم به نوبه ای حوض خودم رو اعلام میکنم و هم این که شرایطی که امروز پیش اومد رو میزارم تا روش تحلیل کنیم. ( آخه امروز یه استاپ توپ خوردیم بر خلاف میلمون).

عکس اول مربوط به پوند هستش و عکس دوم مربوط به یورو. تو عکس همه چیز رو نوشتم و واضح هستش. از استاد و هم چنین آقا سینا در خواست دارم در مورد استاپ یورو توضیح بدن و دلیل این استاپ چی بوده. من که هر چی این ورو اون ور کردم چیزی دستگیرم نشد چون این 2 تا پوز طبق روش استاد بوده ( استاد تورو خدا ناراحت نشی آ قاط بزنی).

راستی بد نیست در مورد پوز آقای aliki اشتباه نکرده باشم در مورد اسمشون پستی داده بودن که  $gbp/usd$  سل در نقطه 1.5702 که در اون زمان در تایم m15 هنوز فاصله مووینگها از هم به طور دلخواه جدا نشدن و مووینگ آبی سوار مووینگ سبز بوده که فکر کنم این پوزشونو از روی تایم m5 گرفتن ( آقا اگه چیزی میدونی به ما هم بگو نکنه آره.....

آدم باورش نمیشه این آقای رجبی عزیز ، همون آقا بهروز خجالتی و سر به زیری هست

که وقتی میاد سر کلاس ، طفلکی یک کلمه صدا ازش شنیده نمیشه!

فقط نمیدونم چرا وقتی اون ور توی اینترنت نشسته است ، ماشالله شش کیلومتر رو یه نفس تایپ میکنه !!

ولی وقتی حضورا جلوی خود آدم هستش ،

تبدیل میشه به محبوب ترین و کم حرف ترین شاگردی که توی عمرت دیدی!!!

خب بزار ببینیم جناب مسیح زرتشتی (که ما بالاخره نفهمیدیم ایشون مسیحی هستند یا زرتشتی؟! !!! ) در جواب آقا بهروز خجالتی ، چه گفته اند؟! ،

آقای زرتشتی هم تاحالا یکی دوبار تشریف آورده اند تهران ، و ایشان را قبلا از نزدیک زیارت کرده ام:

با سلام به دوست عزیز و با عرض شرمندگی از اقا سینا و استاد عزیز

در جواب شما چیزی که به چشم میآید در ارز **EUR/USD** اولین چیزی که رعایت نکرده اید فاصله بین اردر شما و لو آخر است که حداقل باید 5 پیپ فاصله داشته باشد. اسپرد +3 یا 4 پیپ

2- اگر به تایم 5 دقیقه نگاه کنید شیب مووینگها و فاصله آنها کم میباشد

3- اگر به تایم H4 نگاه بفرمائید یک مقاومت در سر راه شما بوده است. مووینگ سبز

4- یک واگرایی هم اگر اشتباه نکنم در تایم 5 دقیقه داده است // با تشکر

از لطف و محبت هر دوتون ممنون ،

جواب آقای مسیح زرتشتی کاملا درست است!

ولی من یه ذره توضیح خشمگینانه (!) هم دارم که باید بدهم !!

آقا بهروز؟! // از سوالت واقعا تعجب کردم!؟

امروز در نقطه ای که نشان داده اید، مگه یورو اصلا در شرایط مناسبی برای ورود به بازار بوده است؟!؟

برای دلیل استاپ خوردن خودت هم دنبال دلایل پیچیده (مانند همانهایی که هم خودت و هم دوستان گفتند) نباش!

دلیل استاپ خوردن شما بسیار بسیار ساده تر از این حرفها است!

دلیلش این بوده که :

وقتی وارد بازار شده اید که اصلا شرایط ورود به معامله ، مناسب نبوده است !



**شرایط نامناسب :**

1- فاصله مووینگها از هم بسیار کم است و مثلا اگر اندازه گیری کنید یک چیزی در حد 6 الی 7 پیپ میشود. (در حالت ایده آل باید حداقل 10 پیپ باشند)

2- شیب مووینگ آبی بسیار ضعیف است!

درواقع اگر تعارف را کنار بگذاریم باید بگویم که اصلا شیب آن تقریبا افقی بوده است! (در حالت ایده آل باید حداقل 30 درجه باشد)

### 3- شیب مکدی رو به بالا است!

دقت کنید که این هم خود یک نوع از «واگرایی» است، که بین «شیب مکدی» و «جهت حرکت قیمت» رخ میدهد،

و یا بعبارت حرفه ای بهتر: «وجود تناقض بین شیب مکدی و شیب مووینگها»

البته این نوع از واگرایی، ضعیف تر از واگرایی «دو دره» یا «دو قله» است،

ولی بهرحال این هم دلیلی است بر کاهش قدرت بازار، / و افزایش احتمال به پایان رسیدن عمر موج نزولی!

البته این نوع واگرایی به تنهایی مجوزی برای عدم ورود به معامله نیست!

ولی بهرحال یک امتیاز منفی را به مجموع شرایط نامناسب قبلی برای EURUSD اضافه میکند.

بهرحال لپ کلام اینکه جناب رجیبی عزیز، لطفاً نگویید که: این پوزیشن «برمبنای روش پشوتن» بوده است!

بلکه بهتر است بفرمایید که: برمبنای روش «بهروز رجیبی عجول و حرف گوش نکن!» بوده است!!!

اتفاقاً اگر دقت بفرمایید در همان لحظات، بنده در تایپک اصلی (خیر سرم!!) درحال ارایه سیگنال زنده بوده ام!

و اگر اندکی دقت میفرمودید، درحالیکه برای GBPUSD یک سیگنال فروش اعلام کرده ام،

ولی مطلقاً برای یورو، هیچ چیزی نگفته ام!

و فقط سکوتی عمیق و فلسفی اختیار کرده ام و قضاوت را بعهدۀ خواننده عاقل گذاشته ام!!

که این «سکوت عمیق» خود مهر تایید دیگری بوده است بر عدم وجود شرایط مناسب برای پوزیشن گیری بر روی این جفت ارز!

حتی شاید برایتان جالب باشد ولی دقیقاً در همان لحظات، برخی از دوستانمان مانند جناب mmajidi یا آقای محمدی و یا جناب اقاری ش که در کلاس «ترید زنده» بنده حضور داشتند،

بعد از اینکه باهم مشورت کردیم،

هیچکدام از ما پوزیشن EURUSD را بعنوان موقعیتی حتی نصفه و نیمه هم قبول نکردیم!

ولی درعوض همگی درمورد پوند به توافق رسیدیم

که لافل میتوانیم با لات اصلاح شده (یعنی به اندازه نصف حجم همیشگی)

یک سفارش SellStop را در زیر آخرین دره، ثبت نماییم... که البته آن هم سرانجام با ورود به NTZ کنسل شد!

امروز کلاً هرچی پوزیشن گرفتیم، آخر سر کنسل شد! / چون بازار به ذره آبکی شده تا الان...!!

### تحلیل هفتگی یورودلار - ادامه :

بسیار خوب، / ادامه بحث را با نامه ای از یکی از دوستانمان آغاز می کنیم.

شما در آموزش تون فرمودید بر ای این هفته شرط روند صعودی

این دو گزینه هست :

1- سطح 1.3420 را به سمت بالا بشکنند. / 2- از سطح 1.3275 پایین تر نیاید.

امروز که یورو از سطح 1.3275 گذشت و به 1.3244 رسید

آیا ما میتونیم بگوییم که روند هفتگی نزولی شده است ؟

- نه دوست عزیز، مسلماً خیر! / نمیتوانیم بگوییم که روند نزولی شده است!

بلکه عکس این موضوع صادق است: یعنی میتوانیم بگوییم که فعلا روند صعودی نشده است!!

ببینید ، من در تایپیک اصلی اینطور گفته بودم که:

«اگر قرار باشد کندل بعدی یک کندل قدرتمند صعودی باشد باید دو شرط فوق را همزمان داشته باشد»

پس بانوجه به اینکه بقول شما ، امروز قیمت به زیر 1.3275 نزول نموده و شرط دوم را فسخ کرد،

پس میتوانیم اینطور نتیجه بگیریم که :

«در تایم فریم هفتگی ، کندل بعدی یک کندل قدرتمند صعودی نخواهد بود!»

### بررسی تایم فریم چهارساعته :

اگر به چارت چهارساعته یورو نگاهی بیاندازیم،

بویژه با در نظر گرفتن وضعیت فعلی و نزولی مووینگها ، موضوع فوق برایمان روشن تر میشود:



آیا توضیحاتی را که در تصویر فوق، نوشته بودم ، مطالعه نمودید؟!

نه؟؟؟

خب ، پس برگردید لطفا ! و یکبار دیگر آنها را با دقت بخوانید! ناسلامتی برای شما نوشته ام!

من منتظرم ... لطفا هروقت که خواندید بگوئید تا بقیه اش را بگویم

آفرین! / پس من هم یک نکته مهم را برایتان میگویم تا آن را به اسم خودتان به دوستانتان بگوئید!

تا مخشان سوت بکشد و حسابی شما را تحسین کنند !!

برای ادامه وضعیت بازار در هفته جاری، کلا **دو حالت مختلف** را می توان در نظر گرفت:

**حالت اول -** یا بازار یک **روند صعودی ضعیف** را در این هفته طی خواهد کرد:

به این منظور باید مدتی را در شرایط رنج به سر ببرد تا مووینگها را به آرایش صعودی برساند، و سپس حرکت صعودی خودش را آغاز نماید.

که این خودش حداقل دو سه روزی وقت لازم دارد

و بنابراین در یکی دو روز آتی ، امکان مشاهده یک روند صعودی قدرتمند و جدید ، نسبتا بعید به نظر میرسد.

به هر حال چیزی که واضح و مبرهن است این است که تا زمانیکه قیمت آخرین قله خود را در **1.3780** با موفقیت پشت سر نگذارد، نمی توان از اتمام روند نزولی اخیر ، مطمئن شد.

**حالت دوم -** اما اگر قرار باشد که **روند نزولی** بشود:

باتوجه به آرایش فعلی مووینگها، این امکان برای قیمت کاملا مهیا است،

و برایش بسیار ساده خواهد بود که مسیر خود را به سمت پایین ادامه داده،

و بزودی یک حرکت **نزولی قدرتمند** را آغاز نماید!

باتوجه به آنکه ریزش نزولی قیمت، همسو با جهت مووینگها است، بنابراین قیمت نیازی به رنج شدن و اصلاحات مکرر ندارد

و لذا زمان شروع چنین روندی ، میتواند هر روز دلخواه - و حتی همین امروز - باشد!

حال که صحبت به اینجا کشید، اجازه دهید تا نیم نگاهی را هم به تایم فریم روزانه بیاندازیم:

### بررسی تایم فریم روزانه یورودلار:



نکاتی که در شکل فوق به چشم میخورند عبارتند از :

**1- خط روند قهوه ای رنگ** ، که قبلا یک سطح مقاومتی بوده است،

ولی پس از آخرین شکست ، هم اکنون تبدیل به یک سطح حمایتی شده ،  
و حتی احتمال دارد علت اصلی توقف حرکت نزولی یورو نیز برخورد با همین سطح بوده باشد.

**2- اگر یک ابزار فیبوناچی از نوع «ریتریسمنت»** را بر روی ابتدا و انتهای موج دوم قرار دهید، مشاهده میکنید که :

قیمت در آخرین کندل‌های صعودی اخیر ، تا سطح **50٪ فیبو** ، خودش را بالا کشیده است.

ولی در اثر اصابت با این سطح در حوالی **1.3420** فعلا متوقف گشته است.

در صورتی که بخواهیم سطوح معروف فیبوناچی را بعنوان سطوح حمایت و مقاومت در نظر بگیریم، اعداد زیر میتوانند موانعی در برابر حرکات آتی قیمت باشند

**سطوح حمایت-مقاومت بر مبنای فیبوی موج دوم: - 1.3635 - 1.3435 - 1.3235 - 1.2990**

دقت کنید که استفاده از ابزار فیبوناچی، صرفا به قصد مشخص نمودن سطوح حمایت-مقاومت ، تناقضی با اصل «پیش بینی ناپذیری مارکت» ندارد !

و آن چیزی که غلط است (و متأسفانه خیلی ها انجام میدهند!) به اینصورت است که مثلا

بر مبنای فیبوناچی چنین پیش بینی میکنند که:

«قیمت چون تا مثلا **61.8٪** پایین آمده است، پس حتما و قطعا تا سطح مثلا **161٪** فیبو صعود خواهد کرد!»

این گونه استفاده فالگیرانه (!) از ابزار فیبوناچی را ما قبول نداریم و معتقدیم که صرفا در بازارهای سنتی چهل پنجاه سال پیش جواب میداده است!

ولی همانطور که ملاحظه میکنید ، امروزه ما در تحلیل های خودمان از این ابزار استفاده میکنیم،

تا صرفا برخی از سطوح مهم حمایت-مقاومت را که احتمال بیشتری برای متوقف کردن قیمت دارند، مشخص نماییم.

درواقع همان کاری که به آن **«ارزش گزاری سطوح»** میگوییم!

خلاصه اینکه باتوجه به تحلیل هفتگی قبلی مان و البته با ادغام آن با حرکات امروز قیمت، میتوان دو حالت مختلف را برای روزهای آتی متصور شد:

**1- چند روز رنج + آغاز روند صعودی ضعیف**

**2- بلافاصله آغاز یک روند نزولی قدرتمند**

امیدوارم که جذابیت این متن و انطباق آن با یکی از موضوعات مورد علاقه شما

خستگی ناشی از طولانی بودن بیش از حد آن را برایتان جبران کرده باشد!



## بررسی چند زوج ارز بصورت زنده:

### بررسی فرانک ، استرالیا و ین ژاپن:



### بررسی فرانک سوئیس USDCHF:

- فعلا روند صعودی است و باید دنبال موقعیت های بای کردن باشیم.
- باتوجه به ورود به ناحیه NTZ ناقص، اجازه اضافه کردن پوزیشنهای جدید را نداریم.
- یعنی اگر مثلا از قبل بر روی آخرین قله ، یک بای استاپ قرار داده اید، اشکالی ندارد و نباید آن را کنسل کنید.
- ولی اگر تازه الان کامپیوتر خود را روشن کرده و پای چارت رسیده اید، مجاز به وارد کردن دستور خرید جدید نیستید!

### بررسی دلار استرالیا AUDUSD:

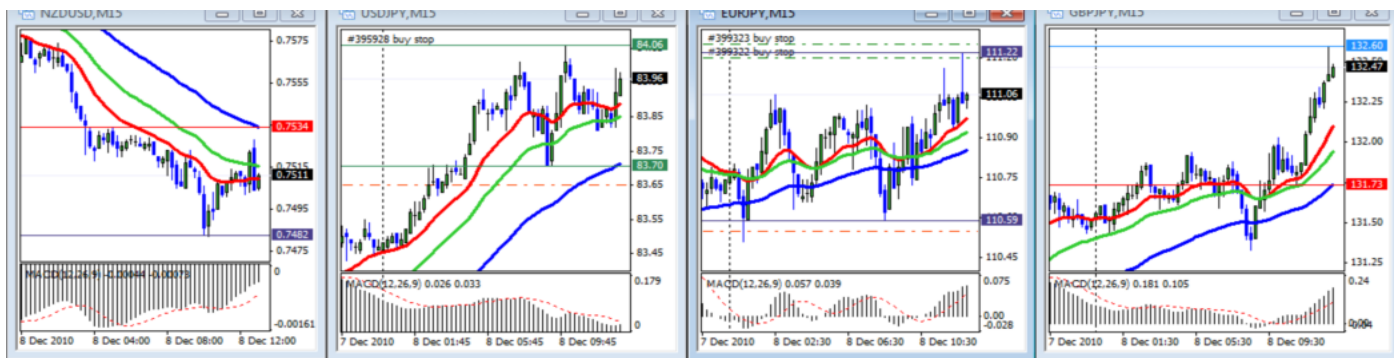
- روند نزولی است. ولی اجازه ورود به بازار را نداریم.
- البته اگر قبل از ورود قیمت به ناحیه «NTZ ناقص» پوزیشن سل استاپ گذاشته باشید، بازهم کار خوبی نکرده بودید!
- چونکه مکدی شکل چندان چشم نوازی را از خودش نشان نمیدهد،
- و اگرچه برای اطمینان از وقوع یا عدم وقوع واگرایی هنوز خیلی زود است(چون باید صبر کنیم تا مکدی به خط صفر برسد)
- ولی لاقلا در همین حد فعلی هم کاهش «قدرت بازار» کاملا مشهود است.
- پس صبر میکنیم در صورتیکه مکدی شکل بهتری بخودش گرفت و بازار مجددا از NTZ خارج شد، یک پوزیشن سل استاپ اضافه میکنیم.

### بررسی ین ژاپن USDJPY:

- اگر کسی با روش من ترید کرده باشد، درواقع از دیروز بعدازظهر تا به الان ، صرفا بر روی زوج ارزهای مرتبط با ین ژاپن موفق به پیدا کردن موقعیت های مناسب شده است.
- باتوجه به اینکه حرکات این ارز عموما سفارشی و با فشار از بالا(!) هستند، من زیاد از ترید کردن بر روی اسکناس چشم بادامی ها ، چندان دل خوشی ندارم،
- ولی بهر حال اگر کسی تمایل داشته باشد میتواند تا زمانیکه سببه بانک مرکزی ژاپن بر تریدرهای بازار میچربد، اقدام به قرار دادن بای استاپ در بالای آخرین قله های تشکیل شده نماید.

به نظر میرسد که بازار بعد از خبر NFP در روز جمعه، هنوز نتوانسته است جهت مشخصی را برای ادامه حرکتش انتخاب نماید. لذا همانطور که در تحلیل هفتگی گفته بودم، همچنان برای این هفته انتظار حرکت‌های «صعودی ضعیف» و «نزولی قوی» را دارم. پوزیشنهای پوند و یورو که هردو صرفا تا 15 پیپ بیشتر در سود فرو نرفتند، و اگر کسی به همین میزان قناعت نکرده بود، احتمالا با ضرر مواجه شده است... البته احتمالا که نه، در واقع حتما!!

در زیر وضعیت فعلی چند زوج ارز را برایتان مشخص کرده ام:



همانطور که ملاحظه میکنید، به نظر میرسد که تنها ارزی که از دیروز تا امروز موفق به حفظ ثبات و قدرت روند خود شده است، **ین ژاپن** و زوج ارزهای متناظر با آن باشد!

لذا به بررسی موقعیت های مناسب بر روی این اقلام میپردازیم:

### سیگنال خرید ین ژاپن USDJPY:

- همچنان میتوان سیگنالهای بای استاپ را در بالای آخرین قله این ارز (یعنی 84.10) قرار داد.

- حد ضرر مطلوب آخرین دره از تایم M15 یعنی 83.65 میباشد.

### سیگنال خرید یورو به ین ژاپن EURJPY:

- آخرین سیگنالی که با روش ما تولید شده است در قله 111.06 بوده است،

که به دلیل نزدیکی به مقاومت اخیر در حوالی 111.20 بهتر است تا گذشت قیمت از این مقاومت صبر نماییم و در بالای آن وارد بازار بشویم.

- حد ضرر مطلوب طبق تایم M15 برابر با 110.55 میشود.

### سیگنال خرید پوند به ین ژاپن GBPJPY:

- این ارز امروز پادشاه روش PTM بوده است! و بیشترین سیگنالها را تا به الان، همین ارز وحشی و غیرقابل کنترل از خود صادر کرده است!

- سیگنالهای قبلی در قله های تایم M5 و M15 یعنی در 132.03 و 132.28 و 132.34 قرار داشته اند.

- آخرین سیگنالی که هنوز فعال نشده است در قله 132.60 قرار دارد که باتوجه به افزایش بیش از حد قیمت تا مووینگ قرمز، توصیه به ورود نمیکنم.

### سیگنال فروش نیوزلند NZDUSD:

- بعید است تا زمانیکه از جانب طلا و یورو روند نزولی ادامه پیدا نکند، این ارز توان ادامه روند رو به پایین خودش را داشته باشد.

- ولی با اینحال باتوجه به آنکه هنوز وارد ناحیه NTZ کامل نشده است، اگر از قبل در زیر آخرین دره یعنی 0.7482 پوزیشن سل استاپ دارید، میتوانید فعلا آن را نگه دارید.

- حواستان به شیب صعودی مکدی باشد. فعلا نشانگر تضعیف روند جاری نزولی است، ولی اگر شکسته شود میتواند سیگنال ورود قدرتمندی را به سمت پایین ایجاد نماید.

## روز چهل ششم.

### چرا استاپ خوردیم؟! / بررسی غیر تحلیلی!

بهر حال حتی اگر استاپ هم بخورید نباید **مطلقا خودتان را نگران کنید!**

و همانطور که بارها گفته ام مطمئن باشید که وقتی که شما با این روش «**همسو با روندی**» که با آن ترید میکنید، استاپ میخورید،

پس قاعدتا هیچکس دیگری هم در کل دنیا(!!) موفق به کسب سود از چنین بازار بی رمقی نشده است!

اتفاقا بنده به شخصه از چندین نفر از دوستان حرفه ای ام ، که باروشهای متفاوتی با بنده ترید میکنند ، سوال نمودم

و همگی متفق القول اعتراف نمودند که: نه تنها هیچکدام دیروز را موفق به کسب سود نشده است،

بلکه متاسفانه اکثر نیز با ضررهای نسبتا زیادی ، مواجه شده اند!

بنابراین همین که شما با روشی ترید میکنید که شما را در بازارهای کم عمق و بی رمق ، از ورود به بازار و مواجهه با ضرر حفظ میکند،

خودش بزرگترین مزیت روش ترید شماست!

بقول دوستان در همین سایت جناب آقای محمدی عزیز، در اینگونه بازارهای رنج، فقط کافیسست که جیب خودتان را پر از پول حفظ کنید!

تا فردا و به محض خروج بازار از شرایط رنج - هنگامیکه بازار شروع به انجام بزرگترین حرکات قدرتمند خود نمود،

امکانات لازم را برای درو کردن پیپ های چند صد پیپی از درون مارکت ، داشته باشید!!

علی رغم همه حرفهایی که تاکنون درباره «طبیعی بودن مواجهه با استاپ ، گفته ام» بازهم در چنین روزهایی ،

سیلی خروشان(!) از ده ها نامه و پرسش مختلف به صندوق پیام خصوصی ام جاری میشود،

که درباره دلیل و علت استاپ خوردن خودشان سوال نموده اند!

**دوستان عزیزم برای هزارمین بار میگویم!**

**از هر پنج پوزیشن شما باید یکی را با ضرر بسته شود!**

مبادا خودتان را سرزنش کنید!

شما **مقصر** همیشگی استاپ خوردن معاملات تان نیستید!

از خانم ها یاد بگیرید و ببینید که چگونه تقصیر تمامی اتفاقات عالم را - از حمله آمریکا به عراق گرفته تا قهر مادرزن گرام! - از سر خودشان باز نموده و به گردن شما می اندازند!!

شما هم باید دقیقا به همین شیوه عمل کنید ، و مطلقا خودتان را مقصر رنگ قرمز معاملات موجود در پرفورمنس تان نبینید!

اگر شما را راحت میکند، میتوانید عینا مانند برخی از تریدرهای خانم ، تقصیر استاپها را بر گردن «بروکر» و «بازار» و «قطعی برق» و «جیش کردن بچه» و «صدای دعوی همسایه بغلی» و ... خلاصه هرچه که فکرش را میکنید ، بیاندازید!

باور کنید اینطوری خیلی راحت تر میتوانید با معاملات زیانده خود کنار آمده ، و ذهن و روح خودتان را برای معاملات سودآور بعدی رفرش نمایید!

**دیگر خسته شدم بس که گفتم :**

هیچ روشی در دنیا - غیر از یکی از تایپیکهای بغلی!! - وجود ندارد که راندمانی بالاتر 80 درصد داشته باشد!

میتوان به سادگی این راندمان معقول و مناسب را پذیرفت،

و از یادگیری بسیاری از نکات پیچیده و غامض فارکس صرفنظر نمود!  
تقریباً بسیاری از نکات ریز و درشتی که در این تایپیک از روز حدوداً دهم به بعد گفته ام ،  
صرفاً برای کاهش تعداد استاپهای شما ، مثلاً از عدد 2 به عدد 1 بوده است!  
پس میتوانید به سادگی و باوجدانی آسوده ، تمامی نکات صفحه ده به بعد این تایپیک را فراموش کنید،  
و به همان آمار «سه سود از پنج پوزیشن» قناعت کنید!

باور بفرمایید که در همین حد هم خودش یکی از فوق العاده ترین راندمان ها بعنوان یک تریدر فوق حرفه ای، برایتان خواهد بود!  
آنهم در میان جماعتی که (تعارف که نداریم؟! ) از هر ده نفر ، بدون استثناً 9 نفر حتی قادر به حفظ سرمایه اولیه خودشان هم در  
این بازار نیستند!

پس اگر هر نکته ای که تاکنون درباره واگرایی ، مکدی ، قدرت بازار، موج مقلد، و غیره و غیره و غیره گفته ایم به نظرتان سخت و  
ثقیل میاید،

با خیال آسوده آن را کنار بگذارید و به خودتان بگویید که:

- «من همان آمار 2 استاپ از هر پنج پوزیشن را ، با خیال راحت میپذیرم و قبول میکنم،  
تا مجبور به پر کردن مغز خودم با اینهمه فرمول و نکته و قاعده و قانون اضافی نباشم!»

**سادگی!**

**سادگی ذهن!**

**و نتیجتاً ساده دیدن بازار!**

**این است رمز موفقیت تمام تریدرهای صفر کیلومتر ،**

که همواره اولین معاملات خودشان را در فارکس با سودهای فوق العاده ای به انجام میرسانند!  
و متأسفانه هرچه میگذرد با یادگرفتن انواع و اقسام فرمولها و نکته ها و سیستم ها و اندیکاتورها و غیره ... آنقدر ذهنشان را درگیر  
انبوه قاعده ها و قانون های مختلف میکنند،

و آنقدر فارکس را برای خودشان دشوار و پیچیده می نمایند،

که دیگر هرگز در ماه ها و سالهای بعد ، به آن آمار فوق العاده و درخشان روهای نخست خویش ، دست نخواهند یافت!

بهرحال علی رغم همه حرف هایی که دربالا اشاره نمودم، در پست بعدی قصد دارم که به بهانه استاپ خوردن معامله یورو ،  
به تحلیل میان مدت تایم فریم یکساعته آن پردازم.

تا به شما نشان بدهم که اگر واقعاً قصد بررسی عمیق و دقیق استاپ های خودتان را داشته باشید،

چقدر نکته ریز و درشت وجود دارد که میتوانید بعنوان مثال صرفاً در یک تایم فریم واحد ، مانند یکساعته ، آنها را به وضوح  
بررسی نموده و مشاهده بفرمایید!

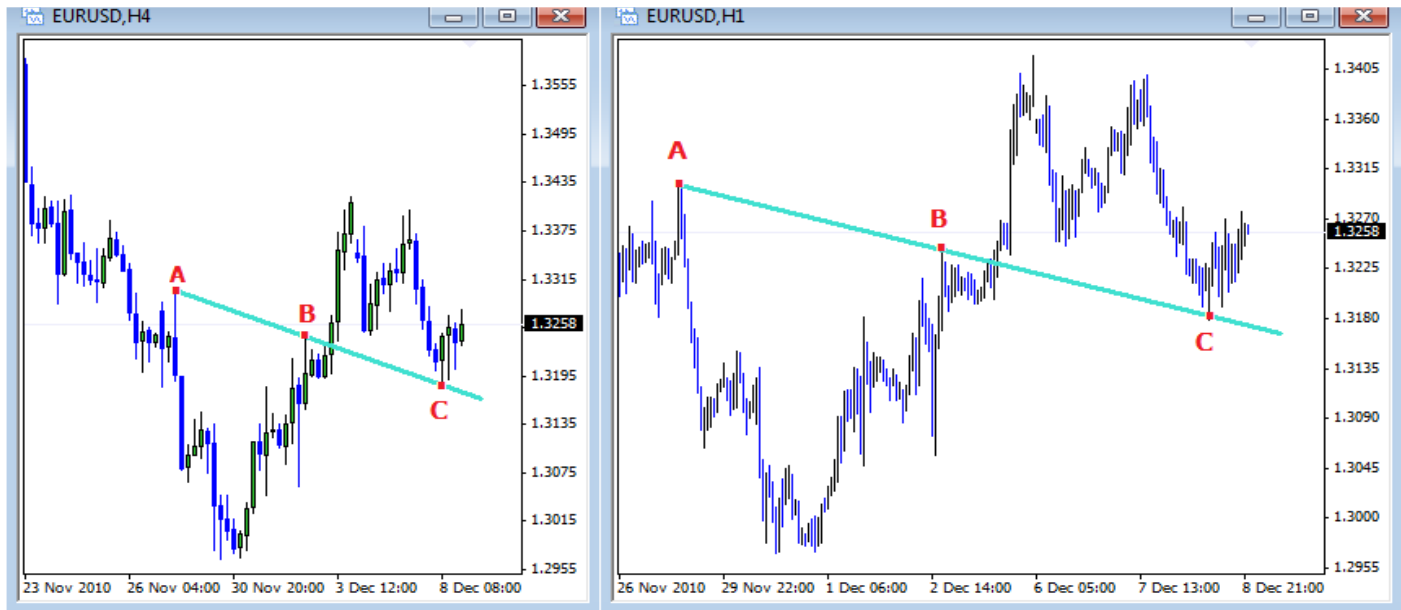
## تحلیل میان مدت - تایم فریم یکساعته EURUSD :

میدانید که «خطوط روند» حتی وقتیکه بطور کامل توسط «قیمت» شکسته شده و پشت سر گذاشته میشوند،

بازهم ممکن است که تا مدتها در سر جای خودشان باقی بمانند

و هر زمان که فرصت کنند و شرایط را برای فتنه گری (!) مناسب ببینند، تاثیرات مخربی را بر روند حرکت قیمت ، بر جای بگذارند!

در شکل زیر ، که تایم فریم یکساعته یورو دلار را در کنار تایم فریم H4 نشان میدهد، یکی از همین خطوط را مشاهده میکنید ، که از مدتها قبل با اتصال دو قله A و B به یکدیگر، خطی «مقاومتی» را در مقابل روند حرکت قیمت ایجاد کرده بود ، که البته این خط «مقاومت» سرانجام چهار روز پیش (هنگام انتشار خبر NFP) با جهش ناگهانی قیمت، شکسته شده است:



میدانید که وقتی یک «سطح مقاومت» شکسته میشود، معمولاً تغییر ماهیت داده و تبدیل به یک «سطح حمایت» میگردد!

یعنی بعنوان مثال همان عاملی که تا دیروز دشمن قیمت بوده (!) و مانع از افزایش ارزش آن می شده است،

از فردا خودش تبدیل به بزرگترین حامی و رفیق فابریک درجه یک قیمت شده !!

و مطلقاً اجازه نزول و کاهش ارزش را به آن نمیدهد! (عجیب است! چقدر این تغییر ماهیت برای ما ایرانیها آشنا به نظر میرسد؟!)

در تصویر فوق نیز مشاهده فرمودید که چطور دقیقاً همان خطی که قبلاً در قله های A و B اجازه رشد قیمت را از نمودار سلب نموده بود ،

پس از شکست توسط خبر NFP و در انتهای روند نزولی تازه شکل گرفته اخیر، موجب توقف ریزش نزولی قیمت شده ، و از سقوط بیشتر آن جلوگیری نموده است.

این اتفاق - یعنی تاثیر خطوط روند قدیمی و تاریخ مصرف گذشته بر حرکات جاری قیمت - معمولاً در شرایطی نمود بیشتری پیدا میکند که بازار از عمق و انرژی کافی برای ایجاد حرکت های قدرتمند ، برخوردار نباشد.

در چنین مواقعی باتوجه به اینکه بازار ، اصولاً مانند فردی خواب آلود و بلا تکلیف بوده ،

و تمایل و انگیزه چندانی را برای انجام حرکات بزرگ و قدرتمند به یک سمت خاص ندارد،

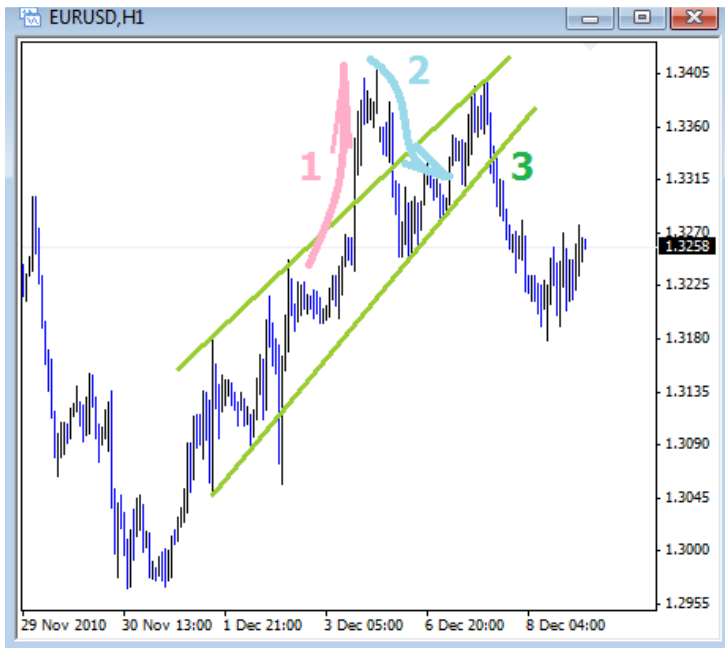
لذا صرفاً منتظر یک بهانه کوچک است تا به محض مواجهه با اولین مانع حتی ضعیف و نصفه نیمه ،

سریعاً از ادامه حرکتش خودداری نموده و بر سر جای خود «استاپ» نماید!

و احتمالاً درحالیکه مرتب خمیازه میکشد رو به شما کرده و میگوید که:

- «شاهد باشید ها! من میخواستم شونصد پیپ دیگر حرکت کنم!! ولی این خط روند بدجنس جلوی من رو گرفت!»

لطفا یکبار دیگر مجدداً به همان تصویر ، یعنی همان تایم فریم یکساعته ، نگاه بفرمایید:



کاملاً واضح است که قیمت تا همین چند وقت پیش ، در حاصل صعود در درون یک کانال صعودی بوده است که آن را با خطوط سبزرنگ نشان داده ام.

البته چون شیب سقف و کف این کانال باهمدیگر کاملاً موازی نیستند،

بنابراین بیشتر ، ظاهری شبیه به یک «کنج» یا «گوه» را پیدا کرده است.

نکته مهم و کلیدی این است که وقتی که خبری (مانند NFP در روز جمعه) منتشر میگردد، صرفاً بدلیل هیجان شدیدی که درون مارکت ایجاد میکند،

بطور موقت «قیمت» را وادار به پرش و بیرون جهیدن از درون این کانال مینماید (مسیر شماره 1)

ولی باتوجه به اثر کوتاه مدت این خبر، به محض آنکه انرژی و هیجان زودگذر ناشی از آن از بین رفت ، مجدداً همه چیز به روال عادی خود بازگشته ،

و قیمت نیز به درون همان کانال قبلی ، که جایگاه واقعی و درخورش بوده است ، باز میگردد (مسیر شماره 2)

بنابراین در برخی از مواقع، شما برای رسم و درک بهتر الگوهای تکنیکال،

میتوانید از چنین جهش های کوتاه مدت و رفت و برگشتی قیمت ،

که معمولاً در اثر یک خبر خاص، بطور ناگهانی و زودگذر ایجاد شده و به سرعت نیز فروکش میکنند ، چشم پوشی نمایید!

و شاید در این صورت بتوانید خطوط روند ، کانالها و سایر الگوهای تکنیکال واقع بر چارت را ، بهتر درک نموده و در ذهن خود تصویرسازی نمایید!

باتوجه به اینکه معمولاً کانالهایی اینچنین (یعنی کانالهایی که بیشتر شبیه به یک «شبهه مثلث» و یا «کنج» هستند) در خلاف جهت شیب خودشان میشکنند،

بنابراین همانطور که در نقطه 3 مشاهده میکنید،

سرانجام «قیمت» مانند جریان آبی که از درون یک ناودان به پایین می ریزد، از درون این کانال به پایین جاری شده است!

البته واضح است که این موضوع تاثیری بر استاپ خوردن ما نداشته است،

و فقط آن را از بابت توجه صعود و نزول اخیر قیمت گفتم،

و صرفاً برای آنکه قرار بود تمام چیزهایی را که درون تایم فریم یکساعته قابل مشاهده هستند ، بررسی کنیم .

درواقع اگر هنوز بدنبال دلایل استاپ دیروز معامله خودتان میگردید، باید به شکل زیر مراجعه کنید:



همانطور که در تصویر سمت چپ مشاهده میفرمایید یک «**واگرایی مسطح**» در نمودار ایجاد شده است.

که همین واگرایی ، موجب کاهش قدرت بازار و اتمام روند صعودی دیروز شده است!

«**واگراییهای مسطح**» عینا مانند «**واگراییهای معمولی**» هستند با این تفاوت که قدرت آنها اندکی ضعیف تر می باشد!

### یک نکته دیگر هم اینکه :

اگر دقت بفرمایید مشاهده میکنید که برای رسم **خط قرمز** رنگ آخرین کندلی را که مانند سوزن به هوا پرتاب شده است، اصلا در نظر نگرفته ام!

و صرفا خط واگرایی را بر روی بخش اصلی قله رسم کرده ام.

آیا میدانید چرا؟!

دلیل آن این است که اگر به فرمولها و ساختار درونی مکدی مراجعه کنید

متوجه میشوید که مکدی بر مبنای میانگین قیمت تعریف میشود و نه مثلا High و Low آن!

بنابراین مکدی اصلا متوجه آن کندل سوزنی نمیشود!

و فقط متوسط قیمت را (که معادل با سطح اصلی قله میشود) در نظر میگیرد.

بنابراین هنگام رسم واگرایی بر روی مکدی، ویا کلا هر بررسی و تجزیه و تحلیل دیگری که بر روی این اندیکاتور انجام میدهید،

از کندلهای سوزنی ویا شادوها ویا کندلهای سوزنی شکل و غیره ... صرف نظر کنید

و سعی کنید خطوط اصلی خودتان را صرفا بر روی میانگین قیمت ، که معادل بدنه اصلی قله ها و دره ها میشود، ترسیم نمایید!

پس این هم آخرین تصویر:



همانطور که ملاحظه میفرمایید آخرین دلیل بازگشت دیروز بازار، و مواجه شدن پوزیشن ما با حد ضرر ، برخورد قیمت با **سطح 50%** **فیبوناچی** ریتریسمنت بوده است!

بر مبنای فیبوی مذکور، اعداد زیر سطوح **حمایت-مقاومت** پیش روی قیمت هستند:

**1.3235 - 1.3300 -**

**1.3135 - 1.3185 -**

**1.3070 -**



هنگام استفاده از ابزار فیبوناچی در متاتریدر میتوانید در قسمت **Description** از عبارت (**\$**%) استفاده کنید ،

تا همانطور که در شکل فوق مشاهده میکنید، علاوه بر درصدهای فیبو ، قیمت دقیق هر سطح را نیز به شما نشان بدهد !

ضمناً در مورد نحوه ترسیم فیبوناچی لطفا دقت بفرمایید که :

بعضی از نوآموزان به اشتباه ، هنگام رسم فیبوناچی ، به اشتباه این ابزار را صرفاً بر روی بالاترین و پایین ترین نقطه ای که در مقابل خودشان مشاهده میکنند قرار میدهند،

که این کار کاملاً بی معنی است و معمولاً منجر به نتایج بی ربطی میشود!

اگر فرض کنید هر «**موج**» دقیقاً مشابه یک «**فتر**» عمل میکند

و مثل یک فتر ، مرتباً باز میشود و مجدداً فشرده میگردد،

فیبوناچی ریتریسمنت ابزاری است که در مورد میزان «**بازگشت احتمالی**» و یا «**حداکثر فشرده شدن**» این فتر صحبت میکند!

بنابراین برای استفاده از این ابزار ، باید ابتدا موج موردنظر خودتان ، از میان سایر موجها و اشکال دیگر واقع بر نمودار جدا نموده ، و آن را به دقت پیدا کنید ،

و سپس هنگامیکه این موج مانند یک فتر شروع به فشرده شدن نمود،

ابزار فیبوناچی خودتان را بر روی **دو انتهای موج مذکور** قرار دهید،

و انتظار داشته باشید که این فتر احتمالاً تا سطوحی معادل مثلاً 61.8% و یا 50% و یا ... فشرده خواهد شد.

رسم این ابزار بر روی **دو نقطه بی ربط** که متعلق به **یک موج واحد** نباشند، و هیچ ارتباطی هم با هم نداشته باشند،

کاملاً خطا و اشتباه بوده و نتایج حاصل از آن نیز صرفاً تصادفی و غیرقابل قبول خواهد بود!

البته این راهم بگویم که امواج ، از یک لحاظ دقیقاً برعکس فنرها عمل میکنند! و آن هم به این صورت است که:

**نکته - درباره ارتباط میزان ریتریس و قدرت موج:**

**«هرچقدر که یک موج میزان بیشتری ریتریس نماید، جهش بعدی خودش را ضعیف تر انجام خواهد داد!»**

بعنوان مثال در تکنیکال کلاسیک(که معتقد به میسر بودن پیش بینی مارکت بودند) چنین میگفتند که :

- اگر یک موج تا 50% فیبو ریتریس نماید ، در آنصورت به هنگام جهش مجدد ، تا 150% فیبو پیش خواهد رفت.

- اگر یک موج تا سطح 61.8% ریتریس کند، در آنصورت تا 161.8% جهش خواهد نمود.

- اگر یک موج تا سطح 23.6% ریتریس کند ، در آنصورت تا 131% به پیش خواهد رفت.

یعنی هرچقدر که میزان ریتریس (و مثلاً جمع شدن فتر) بیشتر باشد، جهش بعدی موج مذکور ف ضعیف تر و کوتاه تر خواهد بود..

از این نکته حتی میتوانید ، هنگام سواری گرفتن از یک موج قدرتمند ، استفاده کنید

تا یک تخمین و برآورد کلی ، نسبت به میزان قدرت موج مذکور، و میزان بزرگی جهش بعدی ، برای خودتان داشته باشید.

و اگر مشاهده کردید که آخرین ریزموج ، بیش از حد ریتریس کرده و بخش بزرگی از مسیر رفته را مجدداً بازگشت نمود،

خودتان را آماده کنید تا در پرش بعدی قیمت ، در بهترین نقطه ، سودهای خودتان را تثبیت نموده و از موج مذکور پیاده شوید!

یعنی بسیار پیش از آنکه «موج» واقعاً به انتهای خود برسد، و روند حرکت بازار بازگشت نماید، و استاپهای سایر تریدرهای دنیا زده شود(!!)

شما صرفاً با مقایسه میزان ریتریس و جهش هر ریزموج با موج قبلی ، به میزان قدرت و انرژی باقیمانده در بازار، پی خواهید برد !

و بسیار قبل از سایرین ، از «بازار رو به افول» خارج میشوید.



### مکدی و سقف و کف قیمت :

به شکل زیر دقت کنید



واضح است که بازار در شرایط مطلوبی قرار ندارد!

قیمت موفق به شکست سقف روز قبل خود شده است ولی مکدی ، نه تنها هنوز به آخرین قله خود نرسیده است ، بلکه حتی به یک پنجم اندازه آن نیز دست نیافته است.

اگرچه اسم وضعیت فعلی مکدی دیگر «واگرایی» نیست، ولی باتوجه به اینکه بطور کلی مکدی نشانگری برای میزان «قدرت» و «انرژی» جاری در بازار است، لذا میتواند زنگ خطری را برای عدم اعتماد به بازار ، به صدا دریاورد!

اگر دقت کرده باشید قبلا نیز مشابه چنین تحلیلی را بارها انجام داده ام، یعنی پیش از آنکه یک «واگرایی» بطور کامل در نمودار ، شکل گرفته و قابل مشاهده گردد، میتوانیم صرفا با مقایسه اندازه فعلی مکدی با اندازه آخرین قله ای که مکدی قبلا ساخته است، از میزان قدرت موجود در بازار مطلع گردیم و در صورتیکه این قدرت به اندازه کافی نباشد، از ورود عجولانه به مارکت پرهیز کنیم.

برای پرهیز از سوتفاهم ، یکبار دیگر توجه شما را به این نکته جلب میکنم که :

لطفا دقت کنید که این استنباط را صرفا بر مبنای این نکته انجام دادم که «قیمت» موفق به شکستن سقف دیروز خودش شده بود، ولی مکدی نه تنها آخرین قله خودش را نشکسته بود، بلکه حتی به یک پنجم اندازه آن نیز نرسیده بود!

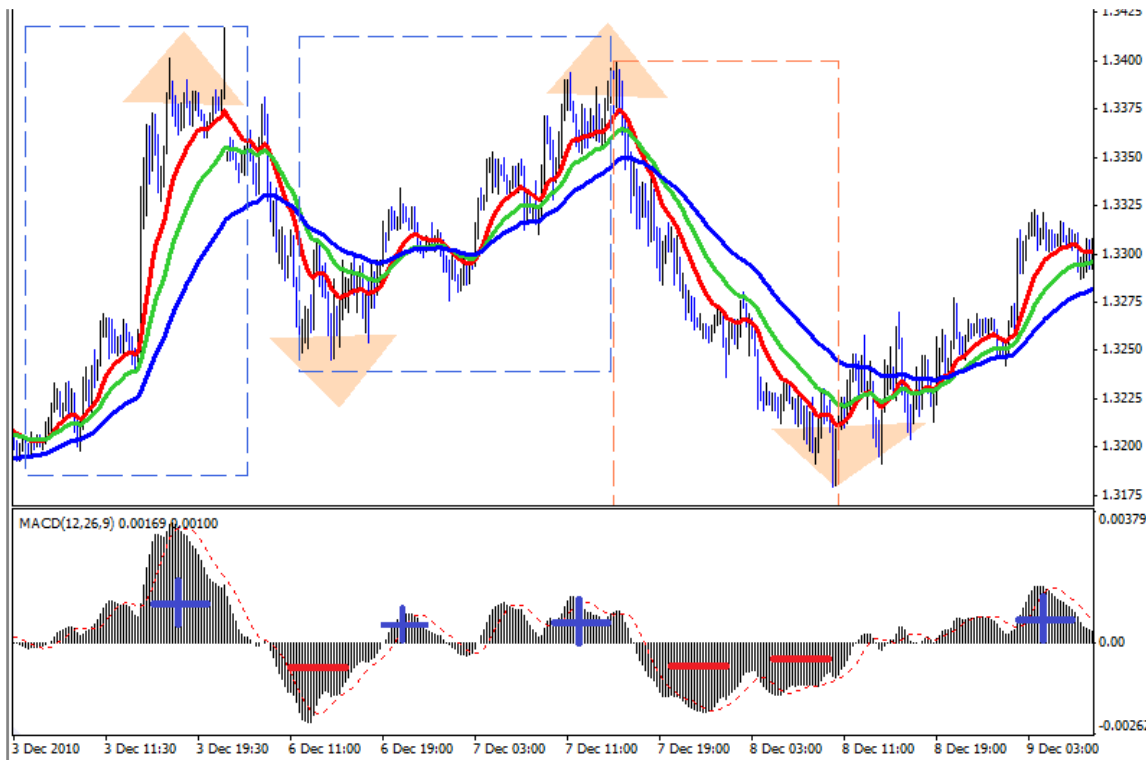
و بنابراین واضح بود که قیمت هر روندی را که از این به بعد طی کند، مکدی نهایتا به احتمالا زیاد یک واگرایی را ایجاد خواهد کرد.

درواقع اگر خوب متوجه منظور من شده باشید، باید این مطلب را بعنوان یک موضوع کاملا منطقی و طبیعی برداشت نمایید، و اگر برای شما جنبه «حفظی» و «غیرمنطقی» دارد ، مطمئن باشید که هنوز به اندازه کافی بروی حرکات مکدی مسلط نشده اید و نیاز به کار و تمرین بیشتری بروی آن دارید.

خلاصه آنکه به نظر میرسد که بازار پس از حرکت تند و آتشین دیروز، نیاز به اندکی اصلاح و استراحت داشته باشد، و فعلا انتظار برای آغاز مجدد حرکتی قدرتمند تاحدودی زود باشد.

## مکدی و مقدار جبری آن :

اگر مکدی در بالای خط صفر خودش قرار داشته باشد، اصطلاحاً میگوییم که مقدار جبری آن «مثبت» است، و اگر مکدی در پایین خط صفر قرار بگیرد، میگوییم که مقدار جبری آن «منفی» است. بعنوان مثال در شکل زیر، مقادیر مثبت و منفی مکدی را در نواحی مختلف مشخص کرده ام:



هریک از خط چین های آبی و قرمز ، نقاط آغازین و پایانی یک موج را درون خودشان ، محصور کرده اند ،

و درون **خط چین قرمز رنگ** ، یک موج نزولی قابل مشاهده است و در میان **خط چین های آبی رنگ** یک موج صعودی قرار گرفته است.

اگرچه فکر نمیکنم به لحاظ فلسفی ، چنین حرفی در بازار فارکس درست باشد،

ولی بهر حال در کتابهای باستانی خدایان تکنیکال چنین آمده است که:

– «... مکدی نشانگر قدرت خریداران و فروشندگان بازار است!

**اگر مقدار جبری مکدی «مثبت» باشد، به معنی غلبه قدرت خریداران بر فروشندگان است**

**و اگر مکدی «منفی» باشد ، یعنی قدرت فروشندگان بیشتر از خریداران است ...**»

و لذا اگر حق با خدایان مذکور باشد

در شکل فوق ، در نواحی که با علامت مثبت مشخص شده اند، جهت غالب حرکت باید صعودی باشد،

و در ناحیه هایی که با علامت منفی مشخص شده اند، جهت روند باید بصورت نزولی و رو به پایین باشد.

حالا که بحث به اینجا رسید ، لطفاً لطفاً یکبار دیگر به شکل بالا نگاه کنید

و این بار تمرکز خودتان را بیشتر بر روی **مثلث های** بگذارید که بر روی قله ها و دره های اصلی نمودار ، برای تان رسم کرده ام!

این «**مثلث ها**» نقاطی را مشخص میکنند که روند جاری در مارکت بطور کامل تغییر جهت داده است

و بعنوان مثال از وضعیت صعودی به روند نزولی ، تغییر کرده است.

میدانید که بطور کلی در تمام نمودارها ، دو نوع قله و دره مختلف را میتوانید مشاهده کنید:

## 1 - قله ها و دره های اصلی :

که درواقع همان «نقاط بازگشتی» هستند !

اینها همان قله ها و دره هایی هستند که روندهای اصلی در چنین نقاطی آغاز میشوند و به پایان می رسند،

و روند غالب در مارکت ، در این قله ها و دره ها بطور کامل تغییر جهت میدهد!

این قله ها و دره ها را - که درواقع ابتدا و انتهای امواج بزرگ و اصلی بازار هستند - در شکل فوق با مثلث های **صورتی رنگ** علامت گذاری شده اند.

## 2 - قله ها و دره های فرعی:

که صرفا تغییر جهت هایی کوچک ، موجود در دل امواج بزرگتر هستند!

این نقاط احتمالا در اثر خروج تعدادی از معامله گران خرد ،

به جهت تثبیت سود و یا بستن پوزیشنهای قبلی ایشان ، ایجاد شده اند.

و اینها همان قله ها و دره های کوچکی هستند که آنها را «**فراکتال**» نیز می نامیم.

و اما چند نکته درباره مقدار جبری مکدی :

**نکته اول - درست است که گفتیم که مقدار جبری مکدی ، میتواند نشانگر نوع روند موجود در مارکت باشد،**

ولی از این نکته صرفا برای تشخیص روند در تایم فریم های بالاتر ، مانند m15 و m30 و h1 استفاده کنید!

چون در تایم فریم های پایین تر ، مانند مثلا m5 و m1 ، موارد دیگری مانند «شیب مکدی» و یا «واگرایی» قله ها و دره های آن ، بهتر میتوانند روندهای کوتاه مدت را به شما نشان بدهند.

**نکته دوم - در بین هر قله و دره اصلی ، باید مکدی حداقل یکبار تغییر فاز بدهد!**

تغییر فاز مکدی به معنی همان تغییر علامت جبری آن است.

یعنی مکدی از حالت مثبت به حالت منفی برود و یا بالعکس.

بعنوان مثال یکبار دیگر به همان شکل قبلی نگاه کنید،

و ببینید که چگونه «مکدی» در فاصله بین هر دو مثلث ، حداقل یکبار خط صفر را قطع کرده است ،

و علامت جبری آن تغییر نموده است.

از این نکته میتوانید برای تشخیص قله ها و دره های اصلی ، و تفکیک آنها از سایر فراکتالهای جزئی واقع بر نمودار، استفاده کنید.

**نکته سوم - اندازه مکدی «قدرت بازار» را نشان میدهد.**

اگر به فرمول دقیق مکدی مراجعه کنید، مشاهده میکنید که معیار محاسباتی آن بر مبنای فاصله بین مووینگهای جادویی است!

بنابراین طبیعی است که اندازه مکدی بتواند همان «قدرت بازار» را نیز به شما نشان بدهد!

یعنی دقیقا همانطور که فاصله مووینگها ، هر زمان که در حال افزایش باشد،

به معنی افزایش «قدرت» و «انرژی» موجود در بازار است،

مکدی نیز با هر چقدر که بزرگتر و بلندتر تر بشود، به معنی افزایش قدرت بازار خواهد بود!

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله marde\_dozakhi

با عرض سلام و ادب خدمت استاد گرانقدر و دوستان عزیز، با توجه به پست 50 تاپیک آموزشی (متوسط) با موضوع مکدی و قدرت بازار، سوالی برای من پیش آمده با توجه به شکل قرار داده شده توسط استاد در آن پست و با توجه به وضعیت مکدی در آن شکل و خطی که روی مکدی رسم شده است واگرایی را نشان میدهد البته با توجه به فرمایشات استاد باید تا نزدیک شدن مکدی به خط صفر منتظر بمانیم ولی استاد در پستهای قبلی این را هم فرمودند که با شکست خط روند در مکدی میتوان وارد پوزیشن buy شد ولی به نظر من حتی با شکست خط روند در مکدی هنوز قله قبلی مکدی زده نشده پس چطور میتوان با شکست خط روند در مکدی وارد پوزیشن buy شد؟

سلام دوست عزیز.

بله شما درست متوجه شده اید.

اگر به شکل زیر دقت بفرمایید، مشاهده میکنید که مطلقاً هیچگونه «واگرایی» هنوز در آن وجود نیامده است:



زیرا برای اطمینان از تشکیل یک «واگرایی» باید ابتدا آنقدر صبر کنیم، تا مکدی به خط صفر برسد،

و صرفاً پس از شکل گیری یک قله یا دره کامل است که میتوانیم اندازه آن را با قله یا دره ماقبل اش مقایسه نموده و درباره وقوع یا عدم وقوع یک «واگرایی معتبر» صحبت نماییم.

درحالیکه در شکل مذکور، با توجه به آنکه هنوز مکدی به خط صفر نرسیده است، لذا صحبت درباره وقوع واگرایی و یا بقول شما شکسته شدن واگرایی بسیار زود هنگام و کاملاً اشتباه میباشد!

اگر مجدداً به پست شماره 50 - دقت بفرمایید، ملاحظه خواهید نمود که متن مذکور اساساً درباره یک نکته جدید است بنام: «مکدی و سقف و کف قیمت»

و صرفاً اشاره به مواقعی دارد که بعنوان مثال «قیمت» موفق به عبور از آخرین سقف خودش میشود، ولی «مکدی» موفق به چنین کاری نمیکرد.

و لذا میگوییم که «قدرت» بازار درحال کاهش بوده و بازار درحال ورود به فاز «استراحت» است. و این نکته اساسا متفاوت از مقوله «واگرایی» است.

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله marde\_dozakhi

با سلام، دوستان با توجه به صحبت‌های استاد، ما در حالت استاندارد میتونیم دو پوزیشن بگیریم و میزان استاپمون باید حداکثر 30 pips باشه آیا این مقدار برای مجموع دو پوزیشن یا هر یک از پوزیشن‌ها میتونند به تنهایی دارای 30 pips استاپ باشند؟

به به! عجب اسم شریفی دارید شما!! راست کار خودم هستید!!!

راستی صبر کنید یه لحظه ...؟! / ای بابا؟! شما که همان نفر قبلی هستید؟؟!

مگر نمیدانید سوال پرسیدن در «تاپیک پرسش و پاسخ» سهمیه بندی شده است؟!

مگر آیا کوپن اضافه از دوست دیگری گرفته اید که دوتا دوتا سوال میپرسید؟!!

جان؟! / چی فرمودید ...؟!!

از دوزخ که داشتین تشریف میاوردید ، یک نفر در آنجا داشته کوبنهای تقلبی تاپیک من را بین حضار تقسیم میکرده؟؟!

آهان . فهمیدم ! / خوب میدانم کار چه کسی بوده است!!

قطعا خود جناب .... بوده اند که به سلامتی به جهنم هم که تشریف برده اند(!) بازهم دست از سر بنده و تاپیک بنده و دوستان بنده ، بر نداشته اند!

بگذریم .... !

**بعله . داشتم جواب سوال شما دوست عزیز را خدمتان عرض می کردم که :**

**1- بله . پوزیشنهای ما معمولا دوبخشی هستند.**

و هریک از استاپها میتوانند به تنهایی 30 پیپ باشند.

**2- اگر نقطه استاپ مناسب در یک موقعیت خاص، بیش از 30 الی 50 پیپ بشود،**

میتوانید حجم پوزیشنهای خودتان را نصف نمایید ، و یا بصورت تدریجی و پلکانی وارد بازار بشوید.

**3- تارگتها هم برای یورو و پوند بصورت 30+50 تعریف میشوند**

و برای سایر زوج ارزها بصورت 20+40 پیپ.

**4- البته میتوانید بسته به قدرت بازار (STR) تارگتهای خودتان را بلندتر نیز تعیین بفرمایید.**

بزودی درباره شرایط STR بیشتر صحبت خواهیم کرد.

**5- برای تعیین حدضرر مناسب به شیوه زیر ، و به ترتیب اولویت ، عمل میکنیم:**

**اول - به سراغ آخرین قله(یادره) از تایم فریم M15 می رویم و در پشت آن سنگر میگیریم.**

**دوم - به تایم فریم M5 می رویم و دو قله(یادره) به عقب میرویم.**

**سوم - اگر هیچکدام از دو مورد بالا شدنی نبود، استاپ را برروی مووینگ آبی در تایم فریم M15 قرار میدهیم.**

## مثالی دیگر از الگوی «مکدی و سقف و کف» :

چون به نظر میرسد که برخی از دوستان عزیز هنوز با این الگو، اندکی مشکل داشته باشند،

بنابراین یکبار دیگر مثال دوباره ای را خدمتتان ارایه میکنم.

تصویر زیر شرایط فعلی زوج ارز **پوند دلار** را نشان میدهد:

تایم فریم **15 دقیقه GBPUSD** :



بار دیگر تاکید میکنم که همانطور که در شکل فوق مشاهده میفرمایید، هنوز برای صحبت درباره وقوع یا عدم وقوع «واگرایی» بسیار زود است!

چون برای اطمینان از وقوع «واگرایی» ابتدا باید آنقدر صبر کنیم تا مکدی به اندازه کافی به خط **صفر** نزدیک بشود، که بتوانیم با چشمان خودمان به راحتی شکل گیری یک دره کامل را بر روی اندیکاتور مشاهده نماییم.

بنابراین چیزی که الان درباره آن صحبت میکنیم، مطلقاً مقوله «واگرایی» نیست!

بلکه موضوع دیگری است که نام آن را «مکدی و سقف و کف قیمت» گذاشته ایم:

- یعنی هنگامیکه «قیمت» موفق به شکستن کف روز گذشته خودش شده باشد،

درحالیکه مکدی هنوز به آخرین دره قبلی خودش نرسیده باشد!

و تازه نه تنها مکدی هنوز به آخرین دره قبلی نرسیده است،

بلکه اگر به اندازه فعلی مکدی نگاه کنید مشاهده میفرمایید که **اندازه مکدی** حتی به مقدار ثلث اندازه دره قبلی اش هم رشد نکرده است!

یعنی به عبارت دیگر «قدرت» جاری در مارکت در شرایط فعلی ، نسبت به میزان «قدرت» روز گذشته آن ، بسیار کمتر و ضعیف تر است!

### بگذارید یک مثال کاربردی برایتان بزنم :

فرض کنید یک نفر (یعنی مثلا «قیمت»!) قصد رفتن به یک مسافرت ایران گردی را داشته باشد !

میدانیم که دیروز این شخص (یعنی قیمت) درحالیکه باک ماشینش (یعنی مکدی!) کاملا پر بوده است ، مسافتی مثلا به اندازه 1000 کیلومتر را طی کرده و خودش را از تهران به مشهد رسانده است!

حالا امروز صبح این شخص (یعنی همان جناب قیمت!) مجددا قصد آغاز حرکت نموده است،

و ادعا میکنند که میخواهد امروز هم مانند دیروز ، هزار کیلومتر دیگر را ، مثلا به سمت جنوب کشور ، طی نماید!

درحالیکه اندازه «سوخت» یا بنزین موجود در باک ماشینش (یعنی اندازه مکدی) حتی به اندازه ثلث مقدار بنزین دیروز هم نیست!

بدیهی است که در چنین شرایطی ، ما به ایشان (یعنی به جناب قیمت!) خواهیم گفت که :

برادر قیمتی عزیز!!

از ما دلخور نشو! ولی بعید است که بتوانی امروز هم مانند دیروز ، هزار کیلومتر دیگر را رانندگی کنی!!

چرا؟! چون مقدار سوخت و انرژی موجود در باک ماشینت، حتی به اندازه ثلث مقدار دیروز هم نیست...

اما متاسفانه جناب «قیمت» که بسیار از خودراضی و حرف گوش نکن هستند!! بدون اعتنا به تذکر ما ، راه خودش را گرفته و از دروازه های خروجی شهر مشهد خارج می گردند...

پس ما صرفا در همان دروازه خروجی شهر ، بر سر جای خودمان می ایستیم

و برایش دست تکان میدهیم

و میگوییم:

قیمت جان! برو داداش به سلامت!

ولی زیاد دور نروی ها !!

چون بزودی برمیگردی همینجا ، و در دل خودمان !!

امکان ندارد که امروز هم بتوانی به اندازه دیروز ، رانندگی کنی!

با این مقدار بنزین اندکی که در باک خودت داری،

اگر خیلی هنر کنی خودت را صرفا به اولین تعمیرگاه یا مکانیکی سر راه خواهی رساند ...

... و بنابراین بزودی دوباره دور خواهی زد ،

و برمیگردی همینجا، کنار دروازه ورودی شهر (یعنی همان سقف یا کف دیروز) که ما منتظرت ایستاده ایم !

نکته ای که بنده را تا حدودی نگران میکند. وضعیت چارت در تایم فریم های یکساعته و چهارساعته است:

**تایم فریم H1**: اگر به تصویر زیر دقت بفرمایید ناحیه ی بسیار متراکمی از چندین قله ی فشرده و نزدیک به هم در محدوده ده پیپی 84.30 الی 84.40 تشکیل شده است:



یادتان باشد که «مقاومت»ها لزوما بصورت «خطوط افقی» نیستند، بلکه میتوانند بصورت یک «ناحیه مقاومتی» و در واقع به شکل یک «سطح مستطیلی» نیز ذات خبیث خودشان را بروز دهند!

به چنین مناطق فشرده ای، که معمولا از بهم نزدیک شدن چندین خط مقاومتی ویا چندین قله و دره مجاور بهم تشکیل میگردد، «ناحیه مقاومتی» ویا **Congestion** میگویند.

قدرت و اعتبار یک «ناحیه مقاومتی» بسیار بیشتر از یک سطح یا خط مقاومت است،

و در برابر قیمت به مثابه یک «باتلاق» ویا سد و دیوار بسیار مستحکم عمل میکند.

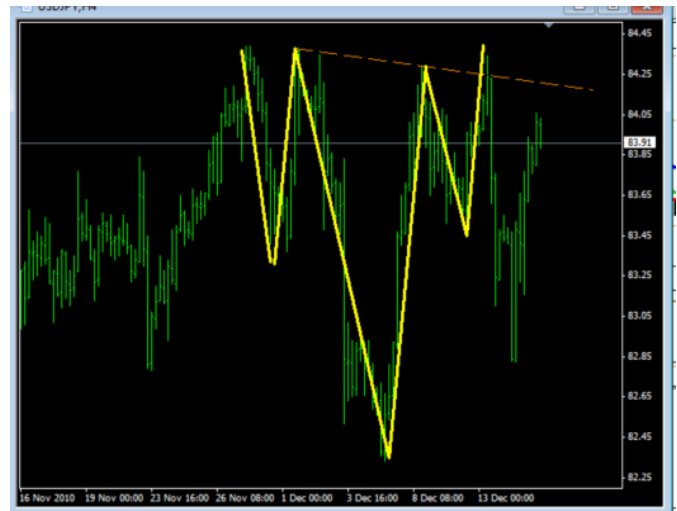
که شکستن و عبور از چنین مانعی به این سادگی ها برای قیمت، میسر نخواهد بود!

**تایم فریم H4**: در این نمودار میتوانیم یک **الگوی سروشانه** را مشاهده نماییم که کاملا **نقض** یا اصطلاحا **Fial** شده است!

**نکته - نقض شدن (یا Fail شدن) الگوهای سروشانه:**

پترنهای «سروشانه» ویا «سروشانه معکوس» اگر پس از شکست خط گردن **Fail** بشوند، تبدیل به یک الگوی برعکس و بسیار قدرتمند شده، و فشار فراوانی را درخلاف جهت استاندارد الگو، به قیمت وارد میکنند!

**بعنوان مثال** در شکل سمت راست، الگوی سروشانه معکوسی که نقض شده است، بجای آنکه قیمت را به سمت بالا هل بدهد، آن را به سمت پایین پرتاب کرده است!



در کتب باستانی **خدایان تکنیکال** چنین آمده است که:

«... قدرت پترنهای سروشانه ای که **Fail** بشوند، بسیار بیشتر از سروشانه های معمولی است!

بنابراین میزان جهش قیمت پس از نقض شدن الگو، حداقل دوبرابر مقدار استاندارد، یعنی دوبرابر فاصله سر تا خط گردن، خواهد بود..»

هرچند که ما اعتقاد چندانی به «پیش بینی پذیر بودن مارکت» نداریم،

ولی بهر حال باتوجه به آنکه خدایان مذکور چندتا پیرهن بیشتر از ما پاره کرده اند!!

و البته احترامشان هم بر ما تریدرهای نوآموز و خرده پا، واجب است

لذا اندکی (مثلا شاید به اندازه 0.05 لات!!) دچار نگرانی و تردید میگردیم!! / و حجم پوزیشن خودمان را اندکی کاهش میدهیم.



## یاد آوری تعریف **NBA, NSA, WHBK, WLBK** همراه با تصویر

**NBA**= No Buy Area

**WLBK**= Weekly Low Breakout

**WHBK**=Weekly High Breakout

**NSA**=No sell Area



در منطقه **NBA** نباید خرید کرد.

در منطقه **NSA** نباید فروش داشته باشیم

**WHBK** : معمولاً پس از شکست سقف هفتگی، و عبور قیمت از این ناحیه ، یک روند صعودی شکل میگیرد.

**WLBK** : معمولاً پس از شکست کف هفتگی، و عبور قیمت از این ناحیه ، یک روند نزولی شکل میگیرد.

البته اینها همگی صرفاً بعنوان موارد کمکی برای تشخیص سریع تر روند بکار گرفته میشوند ،

وگرنه تنها راه در روش **PTM** برای تشخیص واقعی و نهایی روند ، صرفاً همان مووینگهای جادویی هستند.

موارد فوق با توجه به کندل یک هفته قبل بازار است که در روش **PTM** در ابتدای هر هفته مورد بررسی قرار می گیرد

- وضعیت مووینگها در هر سه تایم فریم M15 و M5 و حتی M1 نزولی است ، بنابراین میگوییم که روند نزولی و پر قدرتی داریم.

- تنها مورد مشکوک ، طبق معمول این چند روز آخر سالی ، شیب معکوس مکدی نسبت به روند است.

لطفا توجه بفرمایید که این یک «واگرایی معمولی» مثلا از نوع دو قله یا دو دره نیست!

بلکه دارم درباره یک نوع واگرایی جدید صحبت میکنم به نام «واگرایی شیب به شیب» و یا بعبارت دیگر «واگرایی مکدی-مووینگ»!



نکته - واگرایی مکدی-مووینگ :

اگر شیب مکدی برخلاف جهت شیب مووینگها باشد، می توانیم بگوییم که یک «واگرایی شیب به شیب» و یا بعبارت بهتر یک «واگرایی بین مکدی و مووینگ» ایجاد گشته است.

بعنوان مثال در شکل فوق، باتوجه به آنکه هنوز دره جدیدی در مکدی ایجاد نشده است، نمیتوانیم درباره وجود یا عدم وجود یک «واگرایی معمولی» که مثلا بین دره های مکدی و دره های قیمت ایجاد میگردد، صحبت کنیم.

ولی اگر به شیب مکدی دقت بفرمایید، ملاحظه خواهید نمود که شیب مکدی کاملا صعودی است، درحالیکه شیب مووینگهای جادویی در تایم M15 به سمت پایین یا نزولی میباشد.

این یک نوع واگرایی جدید ، صرفا ویژه روش PTM بوده و تاکنون آن را در کتاب یا مرجع دیگری مشاهده نکرده ام !!

و خلاصه صرفا برای استفاده ما ایرانیها اختراع شده است !!!

وجود این نوع واگرایی یعنی «واگرایی مکدی - مووینگ» نشانگر کاهش قدرت بازار و تضعیف روند جاری است.

دقت کنید که طبق معمول ، صرف وقوع یک واگرایی ، نمیتواند دلیلی قطعی بر لزوم تغییر جهت روند باشد!

بلکه «واگرایی» ، از هر نوعی که باشد ، صرفا میتواند هشدار برای اطلاع از تخلیه شدن انرژی موجود در امواج جاری در مارکت، و افزایش احتمال افول زود هنگام روند فعلی باشد!

حالا اینکه آیا موج بعدی (که بعنوان مثال در اثر خبر یا رویداد جهانی دیگری ایجاد خواهد شد) بازهم در همان جهت قبلی تولید میگردد؟ و یا برخلاف جهت آن؟

دیگر امری غیرقابل پیش بینی است که صرفا باید صبر کرد و بازار را نظاره نمود ...

خلاصه آنکه باتوجه به مشاهده «واگرایی شیب-شیب» ، به یکی از سه روش زیر عمل میکنیم:

1- یا اصلا وارد موقعیت مذکور نمی شویم، و بطور کل قید استفاده از این موقعیت متزلزل را میزنیم!

2- به روش محبوب جناب mmajidi عمل میکنیم! یعنی صبر میکنیم تا اگر واگرایی مذکور شکسته شد، با سر(!) بر روی دکمه سل میکوییم!!!

3- به یکی از طرفی که قبلا تحت عنوان «ورود به موقعیتهای پرخطر» آموزش داده شده است، حجم معامله خودمان را کاهش داده، و یا بصورت پلکانی وارد بازار میشویم.

بعنوان مثال همانطور که در شکل زیر ملاحظه میفرمایید،

بنده نیز حجم پوزیشنهای دویخشی خودم را - برخلاف حالت استاندارد که با یک حساب 2000دلاری همیشه بصورت  $0.1 * 2$  میگرفتم - صرفا با نصف این مقدار، یعنی با دو بخش 0.05 لات، وارد بازار شده ام:

Time	Type	Size	Symbol	Price	S / L	T / P	Price
2010.12.16 08:56	sell stop	0.05	nzdusd	0.7365	0.7415	0.7325	0.7373
2010.12.16 08:57	sell stop	0.05	nzdusd	0.7367	0.7417	0.7345	0.7373

+++++

## درباب شیب مووینگ آبی و اندیکاتور دوچرخه:

امکان ندارد چند روز پشت سر هم به تایپیک پرسش و پاسخ سر بزنید، و حداقل یکبار سوالی را درباره میزان شیب مطلوب برای مووینگها مشاهده نفرمایید!

پاسخهای مختلفی هم تاکنون بارها در اینباره ارایه شده است:

- چه از طرف بنده که گفته ام: «شیب مطلوب، چیزی در حدود حداقل 30 درجه است»

- و چه از طرف سایر دوستان، که حتی بعضا کار به ارایه اندیکاتور و اکسپرت و ابزارهای گوناگون هم رسیده است ... ! هر چند که واقعیت آن است که در این میان، همچنان تجربه و تخصص چشمی و ذهنی تریدر، حرف اول و آخر را میزند،

و هنوز چشمان غیر مسلح شما، بهترین ابزار برای انتخاب میزان شیب مناسب برای مووینگها هستند!

اهمیت این موضوع، و البته ابهام و همه گیری موجود در آن، باعث شد تا به فکر بیافتم که چند خطی را در این ارتباط برایتان بنویسم.

امیدوارم که مفید واقع گردد.

### نکته اول - مووینگ فقط آبی!

اولین چیزی که باید بگویم این است که وقتی که درباره شیب مووینگها صحبت میکنیم،

و میخواهیم بر مبنای آن مثلا جهت روند را تشخیص بدهیم

و یا حتی میزان قدرت روند را،

باید توجه خودتان را صرفا به شیب مووینگ آبی اختصاص دهید!

زیرا بعنوان مثال مووینگ قرمز، که احساساتی ترین و زودباورترین برادر در بین مووینگهای جادویی است،

ممکن است در طول یک روند ثابت، بارها بالا و پایین برود و شیبهای مختلفی را در طی آن، از خودش بروز دهد.

ولی این فقط مووینگ آبی است، که بعنوان پخته ترین و دیرباورترین برادر، در واقع بین مووینگها نقش برادر بزرگتر را ایفا نموده،

و همیشه ابتدا آنقدر صبر میکند تا از جهت و اندازه قدرت روند جاری مطمئن گردد،

و صرفا پس از کسب اطمینان کافی است که بدنبال قیمت به راه میافتد ،

و جهت روند و اندازه قدرت آن را نشان میدهد.

**بنابراین** هنگامیکه میخواهید درباره **شیب** مووینگهای جادویی صحبت کنید،

و ببینید که مثلا آیا روند به سمت بالا است یا پایین؟

و از آن مهمتر آیا قدرت این روند ، برای ورود به بازار ، مناسب است یا خیر؟

صرفا باید نگاه خودتان را معطوف به **مووینگ آبی** نمایید، و شیب و نحوه حرکت آن بدنبال قیمت را مدنظر قرار دهید.

**نکته دوم – ابزار سفارشی تقدیم به شما برای اندازه گیری بهترین شیب!**

قبلا گفته بودم که حداقل شیب مناسب برای مووینگ آبی برابر با حدودا 30 درجه است.

و همینطور بارها تاکید کرده بودم که باتوجه به آنکه شیب مووینگها با اندکی تغییر در بزرگنمایی چارت، به سهولت تغییر میکند،

بنابراین بهترین راه برای تشخیص شیب مناسب، صرفا اتکا به چشمان خودتان است،

و مطمئن هستم که پس از اندکی تجربه و کنکاش در چارتهای مختلف ، خواهید توانست به راحتی شیبهای مناسب را از شیبهای نامناسب ، تشخیص بدهید.

ولی با اینحال باتوجه به اصرار برخی از دوستان عزیز و بویژه تازه وارد، بر ارایه اندیکاتوری برای محاسبه دقیق «شیب مناسب»

بر آن شدم تا خودم شخصا آستین ها را بالا زده ،

و شروع به کدنویسی(!) برای تولید اندیکاتوری سفارشی، که بتواند بهترین شیب را به شما نشان بدهد، نمایم!

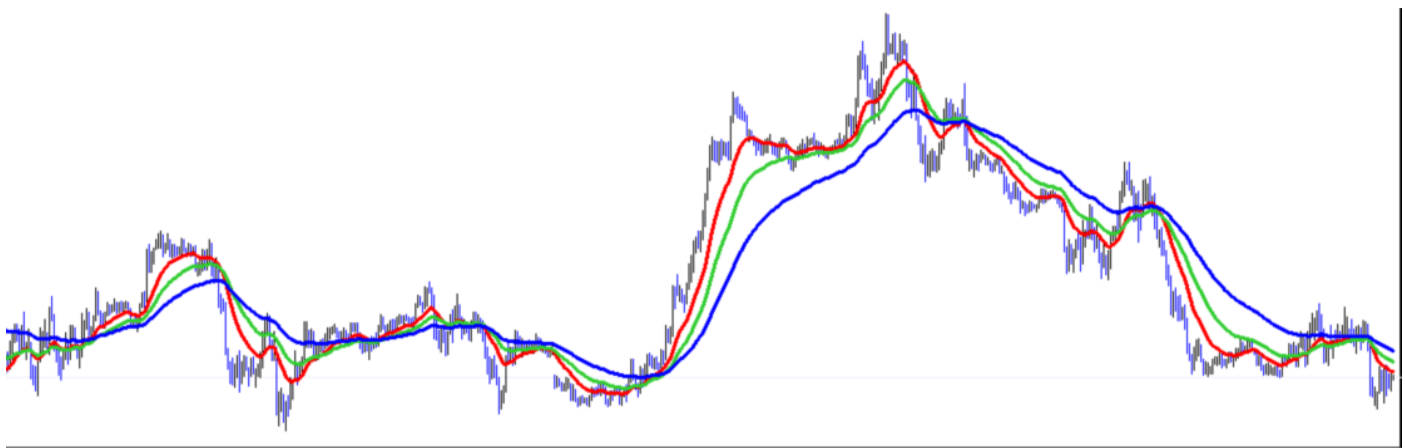
این ، ماحصل تلاش بنده است تقدیم به شما: **اندیکاتور دوچرخه !!**

**نحوه استفاده از اندیکاتور دوچرخه :**

بعنوان مثال تصویر زیر را درنظر بگیرید.

میخواهیم ببینیم که در کدام نواحی روند صعودی است یا نزولی ؟

و از آن مهمتر اندازه گیری کنیم که آیا میزان شیب مووینگ آبی برای ورود به بازار مناسب است یا خیر؟!!

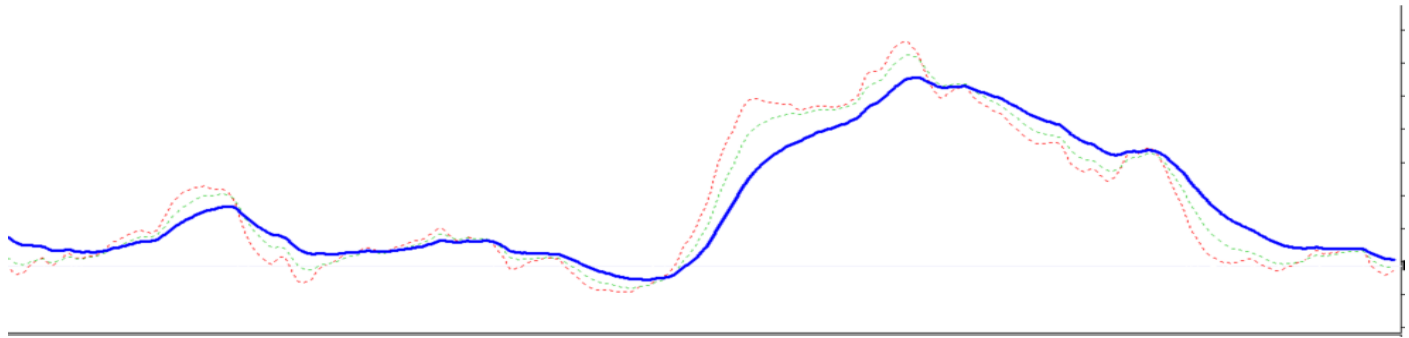


باتوجه به آنکه معیار ما برای اندازه گیری قدرت و جهت روند ، صرفا شیب **مووینگ آبی** است،

لذا هم قیمت را از روی چارت پاک میکنیم،

و هم نقش برادران کوچکتر **مووینگ آبی** را کم رنگ میکنیم.

تا با نقطه چین کردن مووینگهای سبز و قرمز ، نقش مووینگ آبی را در این میان واضح تر نماییم :



حال که فقط یک چارت خالی باقی مانده است!

و به راحتی میتوانید مووینگ آبی را با چشمان خودتان ببینید ،

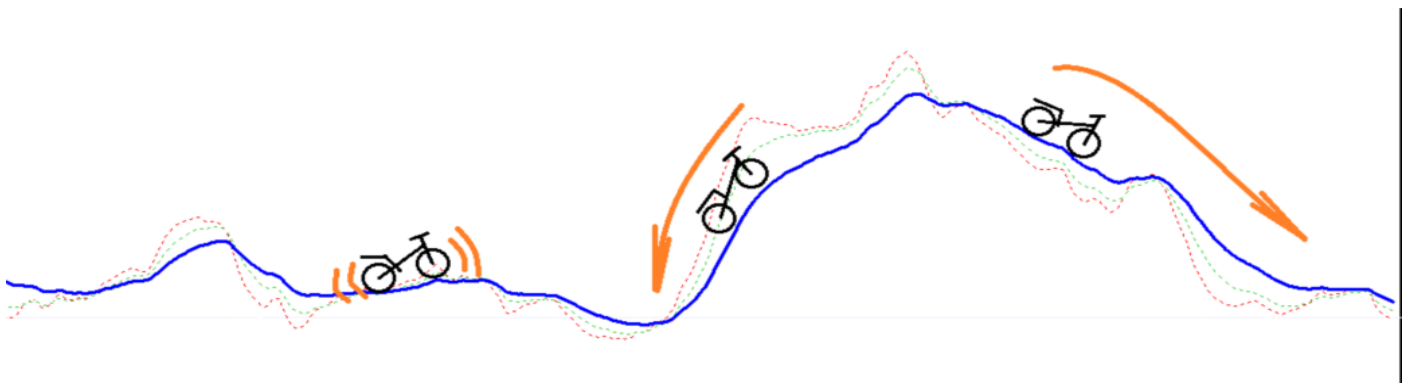
دیگر به سادگی از جهت روند جاری در مارکت مطلع می شوید!

هر گاه که مووینگ آبی ، مانند یک سربالایی به سمت بالا برود، به معنی صعودی بودن روند است،

و هر زمان که مووینگ آبی ، مانند یک سراشیبی تند به سمت پایین برود ، به منزله نزولی بودن روند میباشد.

حالا برای آنکه ببینیم در کدام نواحی شیب مووینگ آبی ، حداقل مقدار مورد نیاز و دلخواه ما را دارد یا نه؟

کافی است که اندیکاتور دوچرخه را بصورت زیر بر روی چارت قرار دهید!!



در هر نقطه ای که میخواهید از میزان شیب مطمئن بشوید،

و ببینید که آیا میزان صعودی یا نزولی بودن مووینگ آبی ، برای ورود به بازار مناسب است یا خیر؟

با خودتان تصور نمایید که دوچرخه ای مانند شکل بالا، در آن نقطه قرار داده شده است!

اگر شیب به اندازه کافی زیاد باشد، نتیجتاً دوچرخه مذکور بدون آنکه سرنشین آن تلاشی بکند، با سرعت به سمت پایین سقوط خواهد نمود!

حالا دیگر فرقی نمیکند که از طرف راست سقوط کند یا از طرف چپ!

چون به هر حال یک دوچرخه را چه در سربالایی قرار دهید و چه در سرازیری ، در هر دو حالت به سمت پایین شتاب خواهد گرفت !

و همین هم برای ما کافی است ، یعنی تند بودن شیب !

یعنی اینکه ببینیم راکب این دوچرخه ، فریاد زنان در حال سقوط به سمت پایین دره میباشد!!

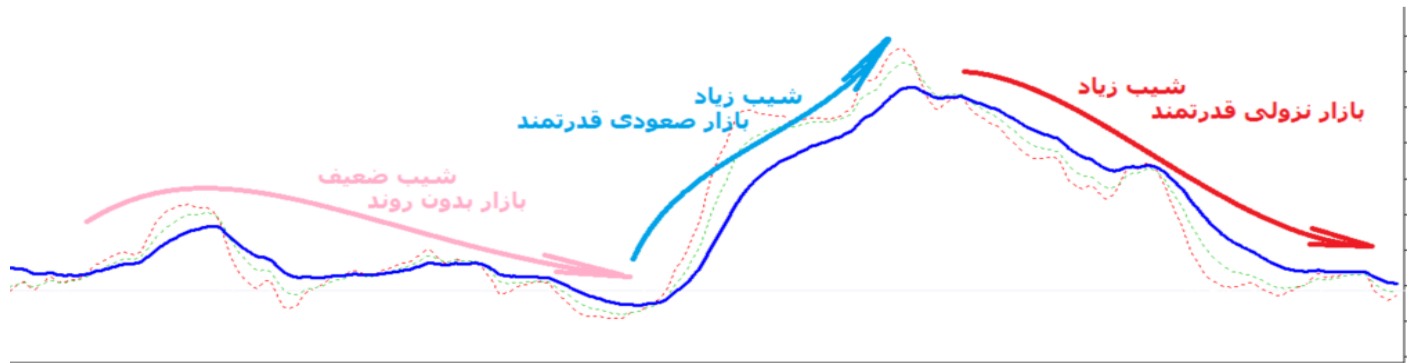
همین شنیدن صدای فریاد اندیکاتور(!) برای اطمینان ما از شرایط مناسب برای ورود به بازار ، کاملاً کافی است!

ولی اگر دوچرخه مذکور را در نقطه ای بر روی چارت گذاشتید،



و مشاهده کردید که همانجا سر جای خودش ایستاد،  
 ویا با سرعتی اندک شروع به پایین آمدن یا بالارفتن کرد،  
 دیگر میگوییم که این شیب برای ما اصلا مناسب نیست!  
 چون ما فقط به دنبال شیبهای خیلی تند ، و سرازیری ها و سربالایی های خیلی شدید هستیم!  
 آقا خودمان را راحت کنیم دیگر : دنبال موج سه الیوت می گردیم!!

پس طبق آنچه که اندیکاتور مذکور به شما نمایش میدهد، وبا گوش دادن به اندازه صدای هوار دوچرخه سوار(!) میتوانید نمودار قبلی را به سه ناحیه مختلف مطابق شکل زیر ، تقسیم نمایید:



امیدوارم که با استفاده از این اندیکاتور فوق حرفه ای از این به بعد در تایپکهای پرسش و پاسخ و تریدینگ روم ،  
 دیگر شاهد ایجاد اختلاف بین شاگرداولها و سایر علمای قوم نباشیم!

فقط یک نکته دیگر باقی میماند ،

که آن هم درباره ورود زودهنگام به برخی از معاملات است .

و انشالله آن را پس از صرف شام و در پست بعدی خدمتان عرض خواهم کرد .

ضمنا خدمت آن دسته از دوستانی نیز که درمشهد میگفتند که:

از کل تایپک ، صرفا به بخشهای مربوط به ساندویچ مرغ و کلم پلوی آن علاقمند هستند!!

عرض میشود که شام «عدس پلو با خورش قرمه قیمة سبری» داریم!

که هریخش آن از نذری یکی از همسایه های مختلف گرفته شده است!

و عیال گرام هم با آن ذوق و سلیقه خاصی که دارند!! همه اینها را ریخته اند برروی هم توی یک قابلمه ،

و آن را هم زده اند و آورده اند سر سفره !!!!

پس فعلا با اجازه تون ...

راستی ببخشید که یادم رفت تعارف بزنم !!

فرض را بر این گذاشتم که احتمالا خودتان هم مشغول صرف غذای مشابهی هستید!!

## روز پنجاهم

### نکته ای در مورد جمعه بعد از ظهرها :

توجه - یادتان باشد که جمعه بعد از ظهرها ، هرگز هیچ پوزیشنی را برای روز **دوشنبه** ، باز نگه ندارید!

چون بسیاری از بروکرها با اینگونه پوزیشنها ، که جمعه شب بسته نمی شوند، مشکل اساسی دارند!

و بر روی آنها کارهای عجیب و غریبی میکنند !

از قبیل صفر کردن اتوماتیک حد سود و ضرر، / ویا عدم تضمین استاپ لاس در صورت باز شدن بازار هفته بعد با گپ !

و غیره ... !

پس :

«قبل از آنکه از شرایط بروکر خودتان برای پوزیشنهای باقیمانده در آخر هفته ، کاملا مطلع نشده اید،

مطلقا اقدام به باز نگه داشتن پوزیشنهای خودتان ، برای روز دوشنبه، نکنید!»

حالا فرقی هم نمیکند که آیا پوزیشنهای شما درسود باشند یا درضرر؟

ویا ریسک فری شده باشند یا نشده باشند؟!

و یا حتی آیا فعال هستند یا غیرفعال؟

حتما همه آنها را در بعد از ظهر جمعه ببندید و چیزی را نیمه کاره ، برای ایام تعطیلات ، رها نکنید!

ضمن آنکه قطعا این کار علاوه بر آنکه از آسیبهای مالی وارده از طرف بروکر جلوگیری میکند،

به نظم ذهنی شما و همچنین مختل نشدن آرامش زندگی شخصی تان نیز ، کمک شایانی خواهد نمود!

### پاسخ به چند نامه :

نامه اول : استاد، رازهای مگو را بگو !

"نقل قول - " ferish - / «با سلام خدمت آقای پشتون عزیز

من چندمین بار BUY از روش شما استفاده میکنم برای همین کم توی سود میره بعدن ضرر میزنه

همین صبح زود NZDUSD همه چیز درست بود سه خط کامل بود اما نشد رفت تو ضرر

چند تای دیگه اما در فروش SELL بهتر جواب میده

یا شما روش دیگری نیز استفاده می کنید که هنوز درک وفهم ما نرسیده / با تشکر»

سلام خدمت دوست گُرد و عزیزم !

بله ! واضح است که بسیاری از نکات حیاتی را اصلا نگفته ام !!

بالاخره نمیشود که همه رازهای فارکس را به همین راحتی برایتان فاش کنم !!

باید یک مقداری را هم نگه دارم تا مجبور بشوید که حتما در کلاسهای میلیون تومانی من هم شرکت کنید دیگه !!!

نه بابا. شوخی کردم! / هرچه میدانستم را گفته ام، / و از این به بعد هم اگر عمری باقی باشد، مابقی را خواهم گفت !

ولی یک چیز تقصیر من نیست !

و آنهم این است که متاسفانه یا خوشبختانه ، ذات این تایپیک به گونه ای هست که برای آنکه بتوانید حداکثر استفاده را از آن بنمایید،

مجبور هستید که کل مطالب ارایه شده را - از ابتدا تا انتها - به دقت مطالعه نموده ،  
و حتی بارها و بارها آن را برای خودتان تمرین و مرور نمایید.

درمورد پوزیشن **نیوزلند** هم که فرمودید،

قاعدتا اشکال کار شما عدم توجه به دو نکته بوده است:

**نکته اول** - آن موضوعی که قبلا درباره ترید نکردن در بعدازظهرهای **جمعه** گفته ام،

برای ارزهایی مانند ین ژاپن (JPY) ، دلار استرالیا (AUD) و دلار نیوزلند (NZD) ،

خودبخود و باتوجه به زمان شب و روز ایشان، تبدیل می شود به «**نیمه شب پنج شنبه**»!

یعنی بعنوان مثال الان که ساعت حدودا 18 بعدازظهر جمعه است ،

شما از ساعت 12 نیمه شب دیروز ، دیگر نباید روی این ارزها ترید میکردید!

چون بدهی است که برای آن کشورها ، آخرین ساعات باز بودن بازار ایشان بوده است ،

و شرکتهای بزرگ و سرمایه گزاران کلان آنجا ، درحال بستن سفارش های بزرگ خودشان بوده اند،

و این باعث ایجاد یک حرکت خلاف جهت و غیرمنطقی در بازار میگردد.

**نکته دوم** - همانطور که در شکل صفحه بعد ملاحظه میفرمایید، در تایم فریم M5 یک واگرایی آشکار برروی مکدی قابل مشاهده بوده است:



البته درواقع نه تنها یک واگرایی ، و بلکه دو واگرایی وجود داشته است :اولی به رنگ آبی و دیگری به رنگ قرمز !  
که هر دو مورد هشدارهای به موقعی را برای عدم ورود به معامله ، در اثر کاهش قدرت بازار ، اعلام کرده اند.



## مسابقه هفتگی - نوبت چهارم (سوال به همراه پاسخ) محاسبه حرکت روزانه هر زوج ارز

### سوال

مقدمه:

اگر خاطرتان باشد قبلا گفته بودیم که یکی از روشهای مفید، برای پیشگیری از ورود دیر هنگام به بازار، این است که از متوسط حرکات روزانه هر جفت ارز مطلع باشیم.

بعنوان مثال اگر بدانیم که زوج ارزی مانند X در هر روز بطور متوسط 150 پیپ حرکت میکند، در آن صورت هنگامیکه با حرکتی مواجه میشویم که قبلا بیش از 170 پیپ خود را سپری نموده است، مسلما متوجه می شویم که برای ورود به چنین موقعیتی، بیش از اندازه دیر شده است، و بیهوده ریسک آن را متحمل نمیشویم.

در این مسابقه، میخواهیم روشی را پیدا کنیم، که بتوانیم در هر لحظه و به سهولت، میانگین حرکت روزانه ارزهای مختلف را در اختیار داشته باشیم.

فرض کنید «مقدار حرکت روزانه هر زوج ارز» را معادل با همان «طول کندل روزانه» آن بدانیم. یعنی اگر فاصله نقاط HIGH تا LOW برای هر «کندل روزانه» را از هم کسر کنیم، مساوی با «مقدار حرکت روزانه» برای آن زوج ارز خاص بشود.

صورت سوال مسابقه :

متوسط حرکت روزانه برای زوج ارزهای EURUSD و GBPUSD در بازه های زمانی یکساله (365 روز) و شش ماهه (180 روز) به ترتیب مانند کدام گزینه می باشد؟

پاسخ ها :

گزینه (1)

EURUSD : یکساله = 100 پیپ شش ماهه = 120 پیپ

GBPUSD : یکساله = 170 پیپ شش ماهه = 200 پیپ

گزینه (2)

EURUSD : یکساله = 130 پیپ شش ماهه = 145 پیپ

GBPUSD : یکساله = 150 پیپ شش ماهه = 145 پیپ

گزینه (3)

EURUSD : یکساله = 125 پیپ شش ماهه = 150 پیپ

GBPUSD : یکساله = 165 پیپ شش ماهه = 180 پیپ

گزینه (4)

EURUSD : یکساله = 150 پیپ شش ماهه = 115 پیپ

GBPUSD : یکساله = 175 پیپ شش ماهه = 135 پیپ

راهنمایی:

1- از هر راه حلی که به ذهنتان میرسد، مجاز هستید که استفاده کنید!

2- تقریب محاسباتی حداکثر تا 10 پیپ قابل قبول میباشد.

EURUSD : یکساله = 130 پیپ شش ماهه = 145 پیپ

GBPUSD : یکساله = 150 پیپ شش ماهه = 145 پیپ

## پاسخ تشریحی:

### روش اول: استفاده از اندیکاتور ATR

اندیکاتور ATR یا Average True Range که از ابزارهای بسیار رایج و معمولی در متاتریدر است،

چنین قابلیت را دارد که میانگین طول کندلهای موردنظر شما را برایتان به سرعت محاسبه نماید!

به این منظور کافی است که ابتدا به تایم فریم روزانه بروید،

و سپس اندیکاتور مذکور را بر روی چارت خودتان اضافه نمایید،

و پیوسته اندیکاتور را یکبار بر روی 365 و بار دیگر بر روی 180 قرار دهید.

آخرین عددی را که ATR برای آخرین کندل روزانه نشان میدهد، درواقع همان جواب موردنظر ما خواهد بود!

**تذکره 1 -** این اندیکاتور ، اندازه کندلها را به جای پیپ برحسب یکای استاندارد چارت محاسبه میکند!

بنابراین مثلا بجای 153 پیپ ، مینویسد 0.0153

که البته به راحتی میتوانید از صفرهای اضافی آن صرف نظر کنید.

**تذکره 2 -** برخی از دوستان تاکید کرده بودند که باتوجه به آنکه ایام هفتگی در فارکس صرفا 5 روز است، نباید یک سال را 365 روز حساب کنیم!

اگرچه حق با ایشان است ،

ولی باتوجه به آنکه اولاً در پاسخ نهایی مساله تفاوت چندانی حاصل نمیشود،

و دوماً زمانیکه این مسابقه را اعلام کردم بحث مقاله «فارکس را سخت نگیرید!» بسیار داغ بود!

بنابراین به عمد در صورت سوال تاکید کردم که برای تعداد کندلهای سالیانه عدد 365 را درنظر بگیرید!

تا هرکسی که میخواهد زیادی فارکس را سخت بگیرد ، پدر پدر پدر... اش در بیاید!!!

اصلا اگر راستش را بخواهید هدفم از طرح این سوال، صرفا کندن پوست دو گروه بود!!

دو گروهی که عادت کرده اند بیهوده فارکس را برای خودشان بیش از حد سخت و پیچیده بنمایند :

**گروه اول -** همین عزیزانی که موضوع تعداد کندلهای هفتگی را زیادی جدی گرفتند و در هزارتوی معماهایی که برای خودشان ساختند، گرفتار آمدند!

**گروه دوم -** که وضعشان از گروه اول خیلی فاجعه آمیز تر است!! آنهايي هستند که تا صبح بیدار نشستند!

و با دست خالی و حداکثر با استفاده از یک دانه ماشین حساب ، میانگین مذکور را ابتدا برای 180 کندل روزانه و سپس برای 365 کندل، محاسبه کردند!!

بهرحال اگر بازهم کسی هست که هنوز رویش میشود که نسبت به پاسخ مسابقه ، انتقادی داشته باشد!!

به ایشان شدیداً توصیه میکنم که یکبار دیگر مقاله «سخت میگیرد فارکس بر تریدرهای سختگیر!» از بخش اول تاپیک را بخواند!

## روش دوم: استفاده از مووینگ اوریج ساده

البته واقعیت این است که این روش یکمقدار ابتکاری است!

و اگر شما از همین راه به جواب مساله رسیده اید، برای خودتان ارج و قرب بیشتری قایل بشوید! کافی است دو مووینگ اوریج را با تنظیم Simple و با دوره ی مثلا 365 روزه بر روی چارت بیاندازید، و نحوه محاسبه یکی را بصورت Apply to: High و دیگری را برای Low تعریف نمایید. حال اگر مقدار نهایی دو مووینگ مذکور را از هم کسر نمایید، حاصل آن برابر با میانگین طول کندلها خواهد شد! احسنت به کسانی که از این روش به جواب رسیده بودند!

## روش سوم: حذف گزینه ها

البته هیچکس از این راه به جواب نرسیده بود!!

ولی برای اینکه شاید نکته جالبی برایتان داشته باشد، این روش را هم برایتان میگویم: در طول یکسال اخیر، هرچه گذشته است، به تدریج حرکات روزانه یورو بزرگتر شده اند! و در عوض برای پوند بصورت برعکس، حرکات روزانه آن، و مسیری که در طول روز طی میکند، کوچک و کوچکتر گشته است!! حتی اگر با چشم غیرمسلح خودتان هم به چارتهای این دو زوج ارز نگاه کنید، این تغییر تدریجی در ذات آنها را مشاهده خواهید نمود!

تا همین چند سال پیش، حرکات روزانه پوند خیلی بزرگتر از یورو بودند،

و معمولا پوند در حدود 200 پیپ را در طول روز طی میکرد، ولی یورو صرفا در حدود 100 پیپ!

و به همین دلیل هم بسیاری از تریدرها به پوند لقب «تکنیکالیست وحشی» را میدادند و GBPUSD ارز رویایی آنها بود!

ولی هرچه میگذرد به نظر میرسد که اندازه حرکات روزانه این دو زوج ارز یعنی یورو دلار و پوند دلار،

به تدریج به یکدیگر شبیه تر شده و هر دو به همان محدوده 150 پیپ در روز، نزدیکتر میگردند!

لذا صرفا با در نظر گرفتن همین نکته هم، میتوانستید یک به یک گزینه های نادرست را حذف نموده،

و سرانجام به پاسخ صحیح مسابقه، یعنی گزینه دوم، دست پیدا کنید!

## روز پنجاه و یکم.

### آمارگیری ، اولین گام برای طراحی سیستم شخصی:

سلام! / خدا را شکر ، کم کم دارد آمارگرفتن های برخی از دوستان ، به تدریج آغاز میشود!

مهمترین ویژگی یک تریدر «نیمه حرفه ای» ، همین انگیزه و اشتیاقش برای بررسی کردن نکات مختلف و گرفتن آمارهای گوناگون برای مارکت است.

تا بتواند سرانجام از دل آنها ، روش و سیستم شخصی خودش را پیدا کند!

امروز میخواهم چندتا از این قبیل آمارها و بررسی هایی را ، که اخیرا توسط برخی از دوستانتان انجام شده است ،

و اتفاقا به نتایج جالب توجهی هم دست یافته اند ، خدمتان ارایه کنم .

ببینید که ذهن یک تریدر نیمه حرفه ای ، چگونه تلاش میکند تا از میان بالا و پایین شدنهای بی نظم و بی دلیل مارکت، یک چارچوب منظم و قاعده مند را استخراج نموده ،

و به یک سیستم ترید شخصی مبتنی بر آمار مستدل، دست یابد!

هرچند که شاید خودش هم دقیقا نداند که دلیل این شوق و اشتیاق درونی اش چیست؟

و متوجه روند تکاملی و ناخودآگاه ذهنی خودش نباشد!

روندی که از پستوهای پنهان ذهن تریدر آغاز میگردد ،

و سعی میکند تا از میان خرابه های باقیمانده از عمارتی که قبلا به دست خویش ، آوار نموده است،

مجددا به یک «نظم ذهنی» و «ساختاری قابل اتکا» دست یابد!

### آمار اول:

نقل قول:نوشته اصلی بوسیله mahana

دوستان سلام :بنده یک بررسی در ماه 10 روی eur/usd انجام دادم شاید برایتان مفید باشد.

شرایط ترید :فاصله مناسب موونگها،شیب مناسب موینگ ابی،اولین موقعیت بوجود آمده ،ساعت 10 الی 8 شب تهران،2 عدد اردر همزمان.بجز دوشنبه تا 4 عصر و جمعه ظهر به بعد،توجه به واگرایی وشیب مکدی.تیبی 30 و 50

تعداد موقعیت 17

تعداد پوزیشن 34

تعداد پوزیشن اول سود ده:16

تعداد پوزیشن دوم سود ده:7

میزان کل سود :830 پیپ

میزان کل ضرر:100 پیپ(این پوزیشن نیز در ابتدا تا 20 پیپ در سود رفت و سریع برگشت)

### نتایج:

با توجه به موارد فوق میتوان نتیجه گرفت که به سود رسیدن پوزیشن اول (با لحاظ شرایط)تقریبا حتمی است و پوزیشن دوم نیز میتواند سود بیشتری داشته باشد.

نکته مهم فاصله موونگها با یکدیگر و شیب موینگ ابی است.حتما و حتما باید لحاظ شود.(عجله و عدم بررسی جامع موقعیت)

و یکی دیگر از موارد قرار دادن بموقع اردر است.(ترس و عدم خودباوری)

ضمنا توجه داشته باشیم این تست را بنده با strategy tester انجام دادم وامکان ترید مولتی تایم نبوده است و هدف بررسی ضعفهای ما در عدم دستیابی به سودهای مذکور است

با تشکر

این آمار توسط دوست خوبمان آقای **علی رجایی** (alirajaie) تهیه گشته است.

که یکبار دیگر از ایشان بابت زحمتی که برای انجام این کارطاعت فرسا متقبل شدند، تشکر میکنم.

ببینید، فرض کنید که شما مثلا «پشوتن» هستید!! و میخواهید روش معاملاتی خودتان را - یعنی مثلا همین PTM - اصلاح و درواقع بهینه سازی نمایید!

اولین چیزی که باید برای خودتان تهیه کنید، آماری مشابه جدول زیر است!

آقای رجایی، زحمت کشیده اند و کل معاملاتی را که در طول این دوره،

توسط بنده بعنوان «سیگنال زنده» ارایه شده بود را جمع بندی نموده اند.

هریک از این پوزیشنها را به دقت از روی چارت دنبال کرده اند،

تا ببینند که آیا با سود بسته شده است یا با ضرر؟

و نهایتا جدولی را با فرمت زیر تنظیم نموده اند،

و آمار سود و زیان هر پوزیشن را در آن مرقوم فرموده اند!

ضمنا جناب رجایی تاکید میکنند که این آمار را بانگاه کاملا بدبینانه(!) و با سختگیری کامل استخراج کرده اند!!

یعنی بقول خودشان اگر شخص دیگری بخواهد مجددا از روی کنجکاوی، زحمت کشیده و مشابه همین آمار را از تاپیک استخراج نماید،

قطعا به نتایج بهتری نسبت به آنچه ایشان اعلام کرده اند، دست خواهد یافت!

متن و ساختار جدول زیر را، عینا به همان صورتی که ایشان برای من ارسال نموده اند، خدمتان تقدیم میکنم:

**نتیجه پوزیشن های گرفته شده بصورت آنلاین در سایتهای سرمایه و ایران فارکس**

**طی 40 روز دوره آموزش مقدماتی توسط آقای مشهوری نژاد**

**تعداد کل پوزیشنها : 75 عدد**

**متوسط سود خالص هر پوزیشن : 20 پیپ**

**مجموع کل سودها = 2200 پیپ - مجموع کل ضررها = 800 پیپ**

**مجموع کل سودخالص = 1400 پیپ**

### پی نوشت 3 :

سعی کنید شما نیز برای خودتان، حداکثر هر یکی دو هفته یکبار، چنین جداولی را بر مبنای پوزیشنهایی که خودتان شخصا گرفته اید، تهیه کنید!

و بررسی های مختلفی را، از زوایای گوناگون، بر روی آنها انجام دهید!

بویژه جدولی را که در مطالب بعدی خدمتان ارایه خواهم کرد، به دقت ملاحظه کنید

و حتما مشابه آن محاسبات را - که برای پیدا کردن بهترین حدضرر و بهترین تارگت انجام داده ام - شما نیز برای معاملات خودتان انجام بدهید!

یادتان باشد که یک تریدر باید همواره در حال ترقی بوده ، و فردایش بهتر از امروز باشد!  
یک تریدر موفق باید همیشه در مسیری رو به پیشرفت گام بردارد!  
باید با پرهیز از عجله و شتاب زدگی ، و با نگاهی که دایما به کارنامه قبلی خودش میاندازد،  
به بررسی و اصلاح روش ترید شخصی خود پرداخته ،  
و سعی در «بهینه سازی» سیستم معاملاتی اش نماید !  
**چرا که به گفته استادباباشونا :**

**« هر روند صعودی که درجا بزند، محکوم به زوال است! »**

شما هم بعنوان یک تریدر ، دارای یک «**روند صعودی**» و رو به تکامل هستید!  
پس اگر در طی مسیر آموزشی خودتان ، خدایی نکرده دچار رخوت سستی بشوید،  
آنگاه است که ناخواسته شروع به توقف و درجا زدن نموده ،  
و شیب صعودی شما تبدیل به مسیری نزولی میگردد!  
باید دایما در مسیر آموزشی خودتان ،  
با بررسی نقاط ضعف و قوت خود،  
و با نگاه مداوم و دقیق به معاملات و تریدهای قبلی ،  
در مسیر بهبود و پیشرفت روز افزون ، گام بردارید!  
مطمئن باشید که به محض آنکه ترید کردن را برای خودتان تبدیل به عملی روزمره و یکنواخت نمایید،  
و بقول معروف امروزتان مانند دیروز بشود،  
بلافاصله و بدون استثنا ، در قانون باباشونا گرفتار می شوید!  
و روند رو به رشد شما ، یک سیگنال ریورسال صادر نموده(!)  
و از آن به بعد سودآوری معاملات تان ، متأسفانه روز به روز بد و بدتر میگردد!

#### **پی نوشت 4 :**

اتفاقا همینجاست که میتوانید «**استاپهای خودتان را دوست داشته باشید!**»

چون همین معاملات زیانده شما هستند،  
که صدها حرف و سخن نگفته در درون خود دارند!  
و میتوانید با بررسی و کنکاش دقیق از میان آنها ،  
بسیاری نکات و مطالب جدید را بیاموزید!  
وگرنه پوزیشنی که بعنوان مثال با سود بسته شده است،  
که دیگر نکته جدیدی برایتان ندارد!!  
تارگت زده است و رفته است پی کارش !  
مگر چه چیز بیشتری را میتوان از آن یاد گرفت . . . ؟!  
پس برروی معاملات زیانده خودتان متمرکز شوید!

و ببینید که آیا برای روزهای بعدی ، چه اصلاحاتی را میتوانید در سیستم شخصی خودتان اعمال نمایید؟

تا اولاً تعداد این استاپ ها کمتر بشوند!

و دوما مقدار این ضررها کوچک و کوچکتر گردند!

و البته یادتان باشد که هرگز تعداد این استاپها به صفر نخواهد رسید!

و اگر روزی فرا رسید که بعنوان مثال شما از هر پنج معامله ، صرفاً یکی را استاپ خورده باشید،

دیگر آنروز ، روز پادشاهی شما خواهد بود!!

چون میتوانید پرفورمنس خودتان را به وال استریت ببرید!!

و مادام العمر از حقوق و مزایای یک تریدر فوق حرفه ای ، بهره مند گردید!!

هزاران سرمایه گذار در سراسر دنیا وجود دارند که دربه در بدنبال همچنین تریدری میگردند:

که اولاً تمامی معاملاتش استاپ قطعی داشته باشد! یعنی با «استاپ باز» و یا «بدون حدضرر» ترید نکند!!

و دوما نسبت سود به زیانش 4 به 1 باشد!

اگر روزی به چنین مرحله ای رسیدید، دیگر میتوانید ترید کردن را کنار بگذارید!

صرفاً لطف کنید و یک ایمیل برای من بزنید،

و بنده را بعنوان مدیربرنامه های خودتان معرفی کنید!

انشالله باقی عمر را هر دویمان با خوبی و خوشی ، در کنار یکدیگر در جزایر قناری زندگی خواهیم کرد!!!

فقط یادتان باشد!

که یک پرفورمنس واقعی با دو ویژگی بصورت توامان:

1- هیچ معامله ای بدون استاپ نباشد! / 2- نسبت سود به زیان 4 به 1 باشد!

البته این دو شرط هم واجب هستند که :

**اولاً** - حجم معاملات هم از لحاظ مقدار لات باید معقول باشد. / **ثانیاً** - مدت زمان چنین پرفورمنسی نیز باید بیش از یکسال باشد.

**باقی ماجرا دیگر کاملاً حل است! / و ضمناً این مطلقاً یک شوخی نبود!**

بلکه یک پیشنهاد کاری بسیار جدی از طرف من برای شما بود!

و کاملاً هم جنبه واقعی و عملی داشت.

وقتی میگویم برای موفقیت در فارکس لازم نیست خانه و ماشین و طلا بفروشید و در این کار بریزید!

یا مبادا از دوستان و فک و فامیل خودتان قرض و وام بگیرید!!

برای همین میگویم!

شما با یک حساب چندصددلاری میکرو (ویا حتی دمو!) ترید کردن را یاد بگیرید! /

تهیه سرمایه هایی بسیار بزرگتر از آنچه که حتی فکرش را بکنید با من!!



## بهینه سازی حدسود و ضرر ( قسمت سوم)

این جدول خیلی وقت پیش و به درخواست بنده ، توسط دوست عزیزمان جناب آقای علی فارکس عزیز Ali-Forex تهیه شده است.

متأسفانه از وقتی که به سایت جدید آمدیم، از ایشان کمتر اثری در تایپکهای مختلف دیده ام؟

و نمیدانم که آیا خدایی نکرده مشکل خاصی برایشان پیش آمده است؟

و یا درگیر مشغله های شخصی خودشان شده اند؟

آخرین بار میگفتند که درگیر اسباب کشی و تغییر منزل هستند ...

بهرحال امیدوارم هرچه زودتر مشکلاتشان برطرف شده، و مجدداً به جمع گرم و صمیمی دوستانشان بپیوندند.

جا دارد که یکبار دیگر از ایشان، بابت زحماتی که چندین شب و روز متوالی - مشتاقانه و با عشق و انگیزه فراوانی - برای تهیه و طراحی این جدول متقبل شدند ، تشکر نمایم.

اگرچه خودشان در پایان معتقد بودند که طراحی این جدول، بیش از آنکه برای سایر دوستان مفید باشد،

برای شخص خودشان ، و نگاهی که نسبت به معاملاتشان داشته اند، مفید و موثر بوده است!

پس شما هم اگر فرصت کردید، از تجربه جناب علی فارکس استفاده نمایید!

و حتماً فرصتی را برای خودتان در نظر گرفته ،

و مشابه محاسبات زیر را برای معاملات خودتان انجام بدهید!

در این جدول ، علاوه بر آنکه آمار سود و زیان تمامی پوزیشن های گرفته شده در این تایپک ، ارایه گشته است (البته آمار مربوط به چند هفته پیش است)

از آن مهمتر ستونهایی هستند که با نام «بهترین حدسود» و همچنین «بهترین حدضرر» در سمت چپ جدول ، معرفی شده اند .

بهینه سازی				آمار واقعی								1
بهترین ضرر مجموع	بهترین استاپ Min. SL	بهترین سود مجموع	بهترین تارکت Max. TP	سود واقعی پوزیشنها	مجموع حد سودها	TP		مجموع حد ضررها	SL		نام ارز	2
						بخش اول	بخش دوم		بخش اول	بخش دوم		3
50	25+25	102	30+72	80	80	50	30	96	48	48	eurusd	4
38	19+19	86	30+56	80	80	50	30	64	32	32	gbpusd	5
38	19+19	165	30+135	80	80	50	30	130	65	65	gbpusd	6
54	27+27	183	30+153	80	80	50	30	104	52	52	eurusd	7
10	4+6	58	20+38	20	80	60	20	46	26	20	usdjpy	8
14	7+7	114	30+84	80	80	50	30	54	24	30	usdchf	9
50	25+25	30	30+0	30	80	50	30	140	70	30	usdcad	10
61	24+37	84	30+54	80	80	50	30	127	70	57	eurusd	11
117	51+66	69	30+39	30	80	50	30	127	71	56	gbpusd	12
60	30+30	100	30+70	80	80	50	30	150	75	75	gbpusd	13
30	15+15	187	30+157	80	80	50	30	83	44	44	eurusd	14
86	43+43	128	30+98	80	80	50	30	110	55	55	USDCHF	15
13	3+10	79	30+49	80	80	50	30	53	35	18	USDJPY	16
25	17+8	82	50+32	50	50	FREE	50	170	95	75	EURUSD	17
22	11+11	62	30+32	30	80	50	30	41	11	30	NZDUSD	18
26	13+13	112	30+82	80	80	50	30	36	18	18	GBPUSD	19
10	5+5	77	20+57	70	70	50	20	42	21	21	USDJPY	20
28	14+14	87	30+57	80	80	50	30	58	29	29	AUDUSD	21
8	4+4	71	30+41	30	80	50	30	36	18	18	USDJPY	22
18	9+9	52	20+32	20	70	50	20	46	23	23	NZDUSD	23
758	جمع	1928	جمع	1240	1550			1713				
37.9	متوسط	96.4	متوسط									
18.95	بهترین استاپ Min SL	66.4	بهترین تارکت Max TP									

لطفاً درباره جدول فوق به نکات صفحه بعد توجه بفرمایید:

**1- همانطور که ملاحظه فرمودید، مهمترین بخش از این جدول ، صرفا همان دو خانه ای هست که در پایین صفحه با رنگهای سبز و زرد متمایز شده اند!**

یعنی در واقع تمامی این محاسبات طولانی را انجام داده ایم ،

تا به همان دوتا عدد پایانی برسیم یعنی: **بهترین حدسود و بهترین حدضرر!**

**2- فلسفه این محاسبات به اینصورت است که میخواهیم ببینیم که در طول این مدت،**

در بین همه پوزیشنهایی که در روش PTM بصورت آنلاین گرفته ایم، آیا واقعا نیازی به حدضررهای بزرگی همچون 70 پیپ و 50 پیپ و غیره بوده است؟!

یا شاید میتوانستیم با حدضررهای کوچکتری نیز ، همین میزان سودآوری را بدست آوریم؟!

اگر خاطرتان باشد، از همان روزهای اول ، از بین تمامی انتقادهای مغرضانه و غیرمغرضانه ای که به این تاپیک میشد، صرفا چند تایی را پذیرفتم!

که یکی از آنها بزرگ بودن بیش از حد نقاط استاپ در این سیستم بود!

و اگر خاطرتان باشد اینطور گفتم که :

- «فعلا تمامی قصد من این است که ابتدا پرفورمنس شاگردانم را سرشار از پوزیشنهای سبز رنگ نمایم!

- «تا هم اعتمادبنفس لازم در آنها شکل گیرد، و باور کنند که آری میتوانند!

- «و بقول معروف شکست ناپذیری غول فارکس در نگاه ایشان شکسته گردد!

- «و هم با مشاهده سودآوری معاملاتشان ، انگیزه لازم برای ادامه این روند آموزشی ، و البته تمرین و تمرین و تمرین و ممارست طاقت فرسا ، در آنها ایجاد گردد!»

و بعد هم مثل همه وعده های دیگرم، به شما قول دادم که هرچه جلوتر برویم ،

و هرچه مطالب بیشتری را بیاموزیم،

به تدریج یادبگیریم که چگونه استاپهای کوچک و کوچکتری را برای خودمان انتخاب کنیم،

و بقول دشمنان عزیز(!) ریسک به ریوارد سیستم خودمان را اصلاح کنیم!

حتی اگر خاطرتان باشد یکبار مفصلا در اینباره صحبت کردم،

که اصلا تمامی تفاوت بین یک تریدر حرفه ای و یک تریدر آماتور دقیقا در همین است!

که تریدر حرفه ای به تدریج یاد میگیرد که چگونه حدضررها و نقاط استاپ تنگ تر و مطمئن تری را برای خودش انتخاب کند!

درحالیکه تریدر آماتور، بدلیل آنکه از انتخاب نقطه مناسب برای سنگر گرفتن در پشت آن عاجز میشود،

سرانجام از قید گذاشتن «استاپ لاس قطعی» برای معاملاتش میگذرد،

و به سمت روشها و سیستم های «بدون استاپ» سوق پیدا میکند!

و پا به درون باتلاقی میگذارد که به سلامت بیرون آمدن از آن ، متاسفانه برایش محال خواهد بود!!

3- در جدول فوق سعی کرده ایم ببینیم که آیا کمترین حد ضرر ، و همچنین بهترین حد سودی را که میتوانستیم بصورت «مقادیر ثابت» برای معاملات خودمان در نظر بگیریم چه اعدادی بوده اند؟!

برای این منظور چشم مان را بر روی پوزیشن های استاپ خورده و زیانده بسته ایم، و صرفا خودمان را محدود بر پوزیشنهای سودآور نموده ایم!

بعنوانم مثال فرض کنید که یک معامله با حد ضرر 70 و حد سود 20 داشته ایم: این معامله مثلا ابتدا به اندازه 15 پیپ در ضرر فرو رفته است، و سپس بازگشت نموده و به حد سود 30 پیپی ما اصابت کرده است!

بنابراین قرار دادن یک استاپ بزرگ 70 پیپی اساسا بی فایده بوده است!!

چرا که ما صرفا با یک حد ضرر کوچک مثلا 20 پیپی هم میتوانستیم دقیقا همین مقدار سود را بدست بیاوریم!

پس واضح است که «بهترین حد ضرر» یا همان «بهترین نقطه استاپ» در واقع میشود: «کوچکترین حد ضرر» یا «Min SL» !!

4- برای محاسبه «بهترین حد سود» باید به شیوه برعکس عمل کنیم!

بعنوان نمونه در همان مثالی که در بالا عرض کردم،

فرض کنید که قیمت بعد از اصابت به تارگت مورد نظر ما ، به اندازه 80 پیپ دیگر نیز ، دقیقا در همان جهت قبلی پیش رفته باشد!

یعنی اگر اندکی صبر میکردیم و پوزیشن خودمان را با 20 پیپ سود ثابت ، نمی بستیم

می توانستیم حتی تا 100 پیپ سود هم صرفا با همین معامله ، کسب نماییم!

بنابراین برای چنین معامله ای «بهترین حد سود» یا «بهترین تارگت» در واقع میشود همان : «بزرگترین حد سود» یا «Max TP» !

5 - قانون طلایی !

آسان بود نه؟!!

میدانم! هم آسان بود، و هم خیلی وقت بود که تشنه همچنین آماری بودید!!

پس تقدیم به شما که به من اعتماد کردید، و صبورانه تایپک را به مدت 52 روز ادامه دادید :

بهترین حد سود و زیان متوسط ، در روش PTM :

: STOP LOSS

بهترین حد ضرر متوسط = 18 پیپ

: TAKE PROFIT

بهترین حد سود متوسط = 66 پیپ

حالا شما میتوانید از این به بعد برای اطمینان بیشتر ،  
و همچنین باتوجه به اینکه اعداد فوق صرفا مقادیر «متوسط» هستند، و نه «بیشترین» و «کمترین» ،  
بعنوان مثال 10 پیپ خطا را نیز برای هر یک از آنها در نظر بگیرید  
و به قانون طلایی زیر دست پیدا کنید!

قانونی که واقعیت پشت پرده معاملات گذشته ما را به شما نشان میدهد!  
قانونی که همواره وبصورت خودبخود وجود داشته ، و فقط ما آن را نمی دیدیم!!

### قانون طلایی PTM - حدسود و حدضرر ثابت :

اگر کسی بخواهد پوزیشنهای خودش را با صرفا با مقادیر ثابتی بعنوان حد سود و ضرر،  
و بدون در نظر گرفتن جایگاه قله ها و دره ها ، انتخاب نماید،  
میتواند به سادگی چشمان خودش را بر روی چارت بسته ،  
و مقادیر زیر را بعنوان TP و SL مطلوب و همیشگی خودش در نظر بگیرد:

**Best SL = - 30 pip**

**Best TP = + 50 pip**

البته یادتان باشد که اگر میخواهید از این قانون استفاده کنید :

**اولا** - باید این مقادیر را صرفا برای بخش دوم معامله خودتان بکار ببرید!

و حدسود و زیان بخش اول پوزیشن را ،

با همین استاپ ولی با تارگت ثابت 20 الی 30 پیپ ، تنظیم نمایید!

چون اگر به فایل اکسل جدول فوق نیز مراجعه نمایید، مشاهده خواهید کرد که مبنای محاسبات به همین صورت بوده است.

**ثانیا**- اگر میخواهید از این قانون استفاده کنید، باید از این به بعد دیگر تمام پوزیشنهای خودتان را صرفا با همین اعداد ثابت بگیرید!

و نه اینکه یکی را طبق روشهای قبلی مثلا 70 پیپ در نظر بگیرید ، ولی دیگری را طبق این قانون برابر با 30 پیپ!!

چون به لحاظ آماری ، راندمان مثبت فقط زمانی حاصل میشود که تمامی پوزیشنها صرفا با قانون یکسان و مشابهی تعریف شده باشند!

البته نه اینکه نشود!

چرا میشود که بعنوان مثال همیشه استاپ های خودتان را بر مبنای قله ها و دره های M15 و M5 انتخاب کنید،

ولی بعدا یکبار که با انتخاب نقطه مناسب مشکل پیدا کردید،

باخودتان بگویید که:

خوب طبق این قانون طلایی ، استاپم را فقط 30 پیپ بگذارم ، انشالله کافی است!!

ولی اگر چه استنباط فوق هیچ اشکالی نداشته و خیلی هم خوب است!

اما بهرحال احتمال نقض شدن آن ، صرفا در یک مورد خاص ، و یک موقعیت منحصر و یک پوزیشن منفرد ، کاملا ممکن و غیرقابل اغماض خواهد بود!

**6-** یکبار دیگر از جناب علی فارکس عزیز بابت زحمتی که برای تهیه این آمار متقبل شدند، و تک به تک معاملات را از روی نمودار بررسی کردند، تا محاسبه کنند که بهترین نقاط سود و ضرر هریک از آنها چقدر بوده اند ..... بسیار سپاسگزارم و از ایشان تشکر میکنم!

هرچند که خودم از قبل میدانستم که درنهایت به چنین اعدادی دست خواهیم یافت!!

و اگر دقت کنید از ابتدای تایپیک هم برروی همین مقادیر تاکید کرده بودم،

ولی بهرحال اینطوری که خودتان با چشم خود و بدون پارتی بازی(!!) و صرفا بر مبنای آمار و ارقام ، به این قانون رسیدید،

مطمئنا موجب اطمینان و اعتماد بیشتر شما ، به نتایج حاصله خواهد شد!

و اگر اجازه داشتیم که یک ذره (فقط یک ذره خیلی خیلی کوچولو!!) از خودم تعریف و تمجید کنم باید مجددا خدمتتان تاکید نمایم که:

همانطور که ملاحظه فرمودید ، تک تک کلمات و جملاتی را که در این تایپیک میگویم،

اگرچه حتی شاید به عمق و پشت پرده آن اشاره ای نکنم ،

ولی بازهم مطمئن باشید که همچنان استدلال و منطق مستدلی پشت آن است!!

که حاصل سالها تجربه و ممارست و از همه مهمتر انجام محاسبات آماری فراوان است!

البته کتمان نمیکنم که ممکن است بسیاری از حرفهای من هم اشتباه باشند!

بهرحال انسان جایز الخطا است ،

و اگر همه دیدگاه های من نسبت به مارکت درست بود، مسلما الان بنده هم درجوار نگارنده تایپیک بغلی (!) در حال موج سواری در سواحل جزایر هاوایی بودم!!!!

ولی بهرحال مطمئن باشید که حتی اگر حرفهایم ناخواسته غلط هم باشند،

بازهم برای آنها دلیل و مدرکی داشته ام،

که از دیدگاه ناقص خودم ، لابد امری مستدل و منطقی بوده است!!

**7 -** ضمنا فایل اکسل مربوط به جدول فوق را بصورت ضمیمه در انتهای این پست قرار داده ام،

تا اگر کسی خواست از نحوه دقیق فرمولهای محاسباتی آن مطلع شده ،

و مشابه همین محاسبات را بر مبنای پوزیشنهای شخصی خودش انجام بدهد،

بتواند به سهولت از آن استفاده نماید.

حتما هر هفته ، مشابه چنین آمارهایی را برای خودتان بگیرید!

و سعی کنید همانطور که استادباپیشونای فقید(!) تاکید کرده اند

با نگاه مداوم به عملکرد گذشته خودتان ، و تلاش برای اصلاح و بهینه سازی سیستم ترید شخصی خویش ،

از درجا زدن و توقف روند صعودی و رو به تکامل خود ، اکیدا پرهیز و اجتناب نمایید!

اگر از من پرسید ،

این چند پست اخیر (یعنی از نامه مهسا خانم به بعد) که در آنها درباره روش طراحی و بهینه سازی سیستم شخصی ، صحبت کردم

مهمترین مطالبی بودند که از ابتدای دوره مقدماتی تا به امروز ، باید درباره آنها با شما (یعنی با یک تریدر نیمه حرفه ای) سخن میگفتم!

دیگر از ما گفتن بود ، / باقی کار را خود دانید ...!

موفق باشید. / پشتون مشهوری نژاد.

## روز پنجاه و دوم.

### تحلیل هفتگی - نگاه به گذشته:

ابتدا به تصویر زیر دقت کنید



شکل بالا متعلق به زوج ارز پوند دلار است و وقایع اتفاقیه را در روز جمعه - یعنی آخرین روز از هفته اخیر - نشان میدهد. اگر خاطرتان باشد در آن روز ، حدودا حوالی ظهر بود که ناگهان بازار تغییرجهتی اساسی داده و روند نیمه صعودی آن کاملا رو به نزول گذاشت!

ابتدا ماجرا با ریزش پوند شروع شد ولی سپس یورو نیز با آن همگام شد ، و هر دو با هم ، حرکات نزولی نسبتا بزرگی را در ساعات پایانی هفته ، تجربه نمودند.

اما چیزی که در شکل فوق جلب توجه میکند، دلیل این بازگشت ناگهانی و غیرمنتظره میباشد،

که بعنوان مثال میتواند برخورد قیمت با مووینگ قرمز رنگ در تایم فریم 4 ساعته باشد!

بارها گفته ام که مووینگها در تایم فریم های بالاتر از H4 نقش سطوح حمایت-مقاومت را بخود میگیرند

و میتوانند موانع مستحکمی را در برابر حرکات قیمت از خودشان نشان بدهند.

در شکل فوق نیز مشاهده فرمودید که چگونه مووینگ قرمز رنگ ،

آنچنان با دقت و بصورت میلیمتری (!) موجب بازگشت قیمت و توقف روند صعودی آن شده است،

که احتمالا اگر این شکل را بصورت اتفاقی و در یک کلاس درس به شما نشان میدادم،

احتمالا با خودتان فکر میکردید که یک شکل ساختگی از جانب معلم است!!!

که من لابد مدتها گشته ام و در چارتهای مختلف جستجو کرده ام ،

تا مثلا این چنین مثال ناب و تر و تمیزی را برای اثبات صحت ادعای «نقش مقاومتی مووینگها» برایتان پیدا نمایم!

یک لحظه اجازه بدهید!

اگر درست یادم باشد ، من یک ذره بین هم با خودم داشتم ... .

کجا گذاشتمش؟

آهان . اینهاش!!

بگذارید این ذره بین را بر روی چارت بگذارم ، تا از نزدیک به آن نگاه کنید!



ملاحظه فرمودید؟!!

دیدید که چگونه مووینگ قرمز ، دقیقا مانند یک جلد، برای چندین ساعت متوالی «قیمت» را در بر گرفته است؟!!

دیدید که انگار مووینگ قرمز تبدیل به یک شنل یا روسری ، برای کندلهای چهارساعته شده است،

و آنها را مجبور ساخته است تا یک به یک و بصورت پلکانی،

هر کندلی دقیقا یک طبقه پایین تر از کندل قبل از خودش قرار بگیرد؟

فارکس به سبک پشوتن دوره متوسطه



شاخ کندلها را نگاه کنید!

عینا مشابه بحثی که قبلا برای تایم فریم های غول آسای هفتگی داشتیم،

اینجا نیز برای تایم فریم چهارساعته رخ داده است!

یعنی در یک روند نزولی قدرتمند، شاخ هر کندلی دقیقا در نقطه ای پایین تر از شاخ کندل ماقبل خود قرار گرفته است!

آیا میتوان از چنین نکته ای ، برای تعیین استاپ لاس نیز استفاده کرد؟!!

آیا در حرکتهای بزرگ و روندهای پر قدرت، هنگامیکه ما در تایم فریمهای M5 و M15 در حال شنا کردن بر روی امواج هستیم،

آیا میتوانیم به سراغ تایم فریم H4 بیاییم و در صورت مشاهده شکل پلکانی آنها ،

از انتهای کندل آخر بعنوان حد ضرری مطمئن و دور از دسترس استفاده نماییم؟!!

یک جستجو در گذشته چارتهای خودتان انجام بدهید،

و ببینید که آیا در روندهای پر قدرت، میتوان از انتهای کندلهای H4 و حتی گاها H1 بعنوان آخرین استاپ لاس مطمئن ، استفاده کرد؟!!

اجازه دهید مجددا به بحث خودمان بازگردیم،

و به همان مووینگ قرمز در تایم فریم چهارساعته نگاه کنیم،

و ببینیم که چطور این مووینگ ، کندلها را مجبور به دور زدن ،

و طی کردن مسیری منحنی شکل ، کرده است؟!!

این حالت منحنی شکل «انتهای کندلها» در تایم فریم H4 را بخاطر بسپارید!

و از این به بعد با مشاهده چنین نواحی خمیده ای در کندلهای H4 و H1 آمادگی و انتظار لازم را برای آغاز یک روند نزولی(یاصعودی) قدرتمند ، از پیش داشته باشید!

البته در روز جمعه نیز اگر کسی طبق آموزه های قبلی، این مووینگها را بر روی چارت خودش علامت گذاری کرده بود،

شاید دیگر مانند خیلی های دیگر ، از تغییر مسیر ناگهانی و پرسرعت پوند در روز جمعه،

اینقدر متحیر و شگفت زده نمیشد!!

کما اینکه اگر خاطرتان باشد حتی خود بنده هم در آن روز ، با بی توجهی به نقش این مووینگ قدرتمند،

یک بای استاپ را در بالای آخرین قله M15 قرار داده بودم و لابد انتظار رشد قیمت و فعال شدن پوزیشن مذکور را هم داشتم!

در حالیکه اگر یک نفر از شما به من این هشدار را داده بود که در بالای آن قله، چنین مووینگی قرار دارد،

شاید توجه و تمرکز بیشتری بر روی آن میکردم و .....

.... و البته باز هم هیچ فرقی نمیکرد!

چون همچنان همان اوردر بای استاپ خودم را در همان قله M15 تعریف میکردم!!!!

## بررسی هفته گذشته :

ببینید ، این تصویر هفته گذشته را برای یورودلار نشان میدهد!

آیا به نظرتان هفته اخیر، ایام خوبی برای معامله کردن بوده است؟!



ظاهر امر نشان میدهد که: پلی!

نواحی آبی رنگ مناطقی را نشان میدهند که روند صعودی بوده است و میتوانستیم بدنبال موقعیت های مناسب برای بای کردن باشیم.

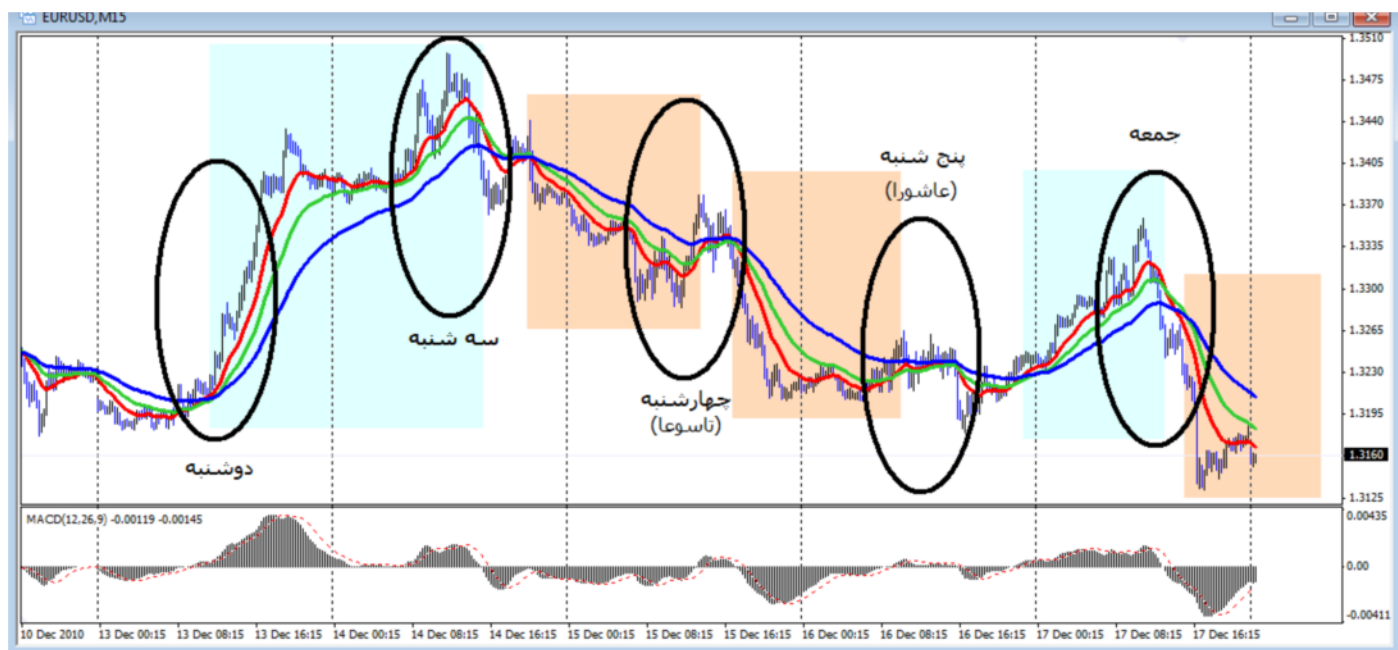
و نواحی قرمز رنگ مناطق مناسب برای سل کردن را نشان میدهند.

همانطور که در شکل فوق مشاهده فرمودید، حداقل 5 ناحیه نسبتاً بزرگ و کاملاً مناسب وجود داشته اند که در آنها میتوانسته اید بر مبنای روش PTM به سوار شدن بر روی قله ها و دره های همسو با روند اقدام نمایید.

ولی پس چرا بسیاری از دوستانتان اظهار میکنند که در طول هفته گذشته ، معاملات مثبتی را تجربه نکرده اند؟!

و هفته اخیر را هفته نامطلوبی در کارنامه کاری شان معرفی کرده اند؟!

دلیل این تناقض در ساعات معاملاتی ایران نهفته است ، و در شکل زیر ارایه شده است:



فرض کنید که ما در بهترین حالت بتوانیم در ایران از ساعت 9 صبح الی 9 شب (یعنی برای 12 ساعت متوالی و پی در پی) یک نفس پای چارت بنشینیم و به ترید کردن و استفاده از تمامی موقعیتهای مناسب، مشغول باشیم!

که البته بدیهی است که چنین چیزی کاملا محال است!

و فرض هم که کسی اینچنین زمانی را برای ترید کردن مسلسل وار خودش اختصاص دهد،

خستگی و فرسودگی روحی و ذهنی اش موجب کاهش شدید بازده و راندمان کاری اش خواهد شد!

ولی صرفا بعنوان یک الگوی خیالی و البته ایده ال ، اجازه دهید چنین فرض کنیم که ساعات معاملاتی در ایران، از 9 صبح تا 9 شب باشد.

در شکل فوق ، هریک از بیضی های سیاه رنگ ، دقیقا همین ساعات مفید معاملاتی را بوقت تهران مشخص میکند،

و درواقع زاویه نگاه یک تریدر ایرانی را نسبت به حرکات ایجاد شده در مارکت ، نشان میدهد!

حالا دیگر کاملا واضح است که چرا یک تریدر ایرانی در طول هفته اخیر ، احتمالا موفق به انجام معاملات سودآور و دلپذیری نشده است!

درواقع تنها یک روز - و آنهم دوشنبه - بوده است که شما میتوانستید معاملات خوبی را که با سودهای نسبتا بزرگ و مناسبی توأم باشد ، انجام دهید!

اگر مشابه بررسی فوق را برای زوج ارز دوم بازار ، یعنی پونددلار نیز انجام بدهید، به نتایج زیر دست خواهید یافت:

**جمع بندی - بهترین موقعیتهای ترید در هفته قبل برای دو زوج ارز اصلی بازار:**

**زوج ارز یورو دلار EURUSD :**

- بهترین روز برای ترید کردن صرفا روز **دوشنبه** بوده است.

- از زمان ارایه اولین سیگنال ورود به بازار (**Buy**) بر مبنای روش **PTM** تا انتهای مسیر ، بیشترین سود قابل حصول برابر با حدود **140** پیپ بوده است.

**زوج ارز پونددلار GBPUSD :**

- بهترین روز برای ترید کردن صرفا روز **چهارشنبه** بوده است.

- از زمان ارایه اولین سیگنال ورود به بازار (**Sell**) بر مبنای روش **PTM** تا انتهای مسیر ، بیشترین سود قابل حصول برابر با حدود **170** پیپ بوده است.

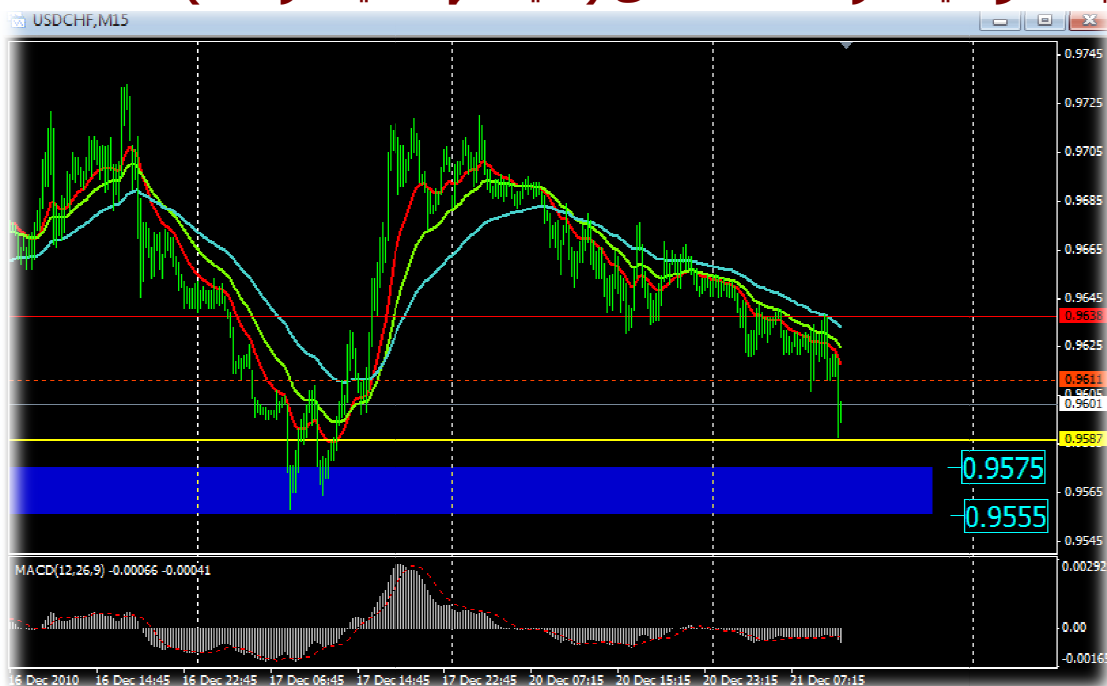
از جمع بندی فوق چنین نتیجه گیری میشود که برای یک تریدر نیمه حرفه ای ، محدود شدن صرفا بر روی یک زوج ارز خاص، امری معقول و منطقی نمی باشد!

چرا که در بسیاری از مواقع ، منجمله مانند هفته اخیر ، ممکن است در یک روز خاص زوج ارز اصلی مورد نظر در شرایط مطلوبی قرار نداشته باشد،

درحالیکه در صورت بررسی مختصر بر روی سایر زوج ارزهای بازار، شرایط بسیار مناسبی را بر روی برخی از زوج ارزهای موازی به سهولت پیدا نمایید.

## روز پنجاه و چهارم.

### بررسی چند موقعیت در لحظات فعلی (سیگنالهای نیمه زنده!!):



#### 1- سیگنال فروش فرانک سویس USDCHF :

- سل استاپ در 0.9585

- سل لیمیت در حوالی 0.9605 الی 0.9610 (صرفا برای تحریک حس کنجاوی شما!!!)

- حد ضرر فعلا در بالای آخرین قله M15 یعنی در حوالی 0.9645. ولی سعی کنید بعدا اگر پوزیشنها فعال شدند، بر مبنای موقعیت قله های جدید، حد ضرر خودتان را به مقادیر کمتری کاهش دهید.

#### \* موارد مشکوک:

- شیب و فاصله موینگها (در لحظه ای که این سیگنال را اعلام کردم) هنوز به اندازه مناسب نرسیده بود. و در واقع بر مبنای همسویی با روند در تایم بالاتر، «ورود زود هنگام» انجام دادم.

- نزدیکی به سطح «باتلاق مقاومتی» و یا همان Congestion که قبلا درباره اهمیت آن صحبت کرده ام. که در اینجا میشود محدوده 20 پیپی از 0.9575 الی 0.9555.



#### 2- سیگنال خرید دلار کانادا USD CAD :

- در این مورد نیز از روش «ورود زود هنگام» استفاده کرده ام، که البته کار خوبی نیست و شما اگر هنوز بر روی اصل روش به اندازه کافی مسلط نشده اید، بهتر است که از این موقعیت های پر ریسک فعلا بطور کامل چشم پوشی نمایید!

- مطمئن باشید که به محض آغاز سال جدید میلادی، و در واقع حدود دو هفته بعد از آن، مجدداً روندهای پر قدرت بازار به راه خواهند افتاد و هیچ نیازی به وارد شدن به چنین موقعیتهای متزلزلی نخواهید داشت.

- طبق اصول «روش ورود زود هنگام» باتوجه به آنکه پوزیشنهای ما صرفاً از نوع Pending هستند لذا علی رغم آنکه هنوز در M15 شیب و فاصله مووینگها به وضعیت مطلوب نرسیده است، ولی باتوجه به وضعیت مناسب مووینگها در تایم بالاتر، یک پوزیشن بای استاپ را در بالای آخرین قله، یعنی در حوالی 1.0215 ثبت میکنیم.

- حتی میتوانید (اگر شهامت لازم را دارید!!) بر مبنای شکست روند نزولی کوتاه مدت نیز وارد بازار شده، و نقطه ورود خود را در بالای آخرین قله M5 در 1.0185 قرار دهید!

### \* موارد مشکوک:

- حواستان به اخباری که امروز بر روی کانادا در ساعات 15:30 و همچنین 17 اعلام میگردد، باشد! و قبل از رسیدن به زمان اعلام این اخبار، حد ضرر خودتان را کوچکتر کنید!

- نزدیکی به ناحیه Congestion در محدوده 1.0240 الی 1.0285 که ناحیه خطرناکی برای تارگتهای پوزیشن مذکور، محسوب میگردد!

- بر مبنای سطوح فیبوناچی که بر روی آخرین موج کوتاه مدت رسم گردند، تارگت های احتمالی بعدی میتوانند 1.0230 و 1.0260 باشند.

### 3- سیگنال خرید دلار استرالیا AUDUSD :

- بای استاپ در بالای قله 0.9975

- حد ضرر بخش اول در زیر آخرین دره M15 یعنی در محدوده 0.9915

- حد ضرر بخش دوم با استفاده از قانون مووینگ آبی M15 در حوالی 0.9945

### 1- سیگنال شاید بخرید شاید هم نخرید!! نیوزلند NZDUSD :

- اگرچه شرایط نیوزلند در تایم های پایین، بسیار شبیه به استرالیا می باشد، اما با نگاهی که به تایم فریم H4 می اندازیم، من یکی که جرات نمیکنم برخلاف چنین مووینگهایی، پوزیشن بگیرم! لطفاشما خودتان تصمیم بگیرید!

## ایام پایانی سال : ترید نکنیم یا نکنیم؟!

اخیراً بسیاری از دوستانتان در اغلب سایتها و فرومهای بورسی، اعلام «ترید بس!» کرده اند!

و ادامه فعالیت تریدینگ خودشان را به گذشت حداقل دو هفته پس از آغاز سال جدید میلادی حواله داده اند.

فکر میکنم اگر این روزها یک گشت و گذاری در بین سایتها و تاپیکهای مختلف انجام بدهید،

شاید اینجا (یعنی مرکز فرماندهی PTM) تنها جایی در کل اینترنت باشد، که آتش توپخانه آن همچنان روشن باقی مانده است!

و البته تنور اتاق «پرسش و پاسخ» آن نیز همچنان داغ است!

و چراغ اتاق «تریدینگ روم» آن هم، بهر حال با اندکی بگیر و نگیر!! - دارد برای خودش سو سو می زند!

دلیل آن را هم تاکنون بیش از صد هزار بار برایتان گفته ام :

- در مرکز روش تریدینگ ما یک هسته محکم و بتون آرمه قرار دارد بنام NTZ، که بوضوح و با دقت خاصی شرایط نامناسب برای ترید کردن را، جلو جلو و از پیش، به ما نشان میدهد!

- واقعیت آن است که شاید میزان دقت و وسواسی که برای طراحی این هسته NTZ صرف گشته است، بسیار بیشتر از خود اصل روش ترید کردن ما باشد!

- لذا با خیال راحت ، این ایام پایانی را نیز به ترید کردن خودتان ادامه بدهید، و فقط از اعمال خلاف قانون(!!) و ماجراجویانه اکیدا خودداری نمایید!

- مطمئن باشید که هر زمان که واقعا شرایط بازار برای ترید کردن کاملا نامناسب بشود، خود شما با ابزاری که در دست دارید، پیش از همه تریدرهای دیگر، متوجه نامساعد بودن وضعیت بازار خواهید شد!

- صرفا بعنوان یک نمونه ، و برای آنکه قوت قلبی برای شما باشد، پرفورمنس امروز و دیروز خودم را برایتان میگذارم.

اگرچه میدانم - و مطمئن هستم - که پرفورمنس بسیاری از شما در این دو روز گذشته ، قطعا بسیار بهتر از من بوده است!

چرا که بسیاری از شما برعکس من ، درگیر کلاس درس و تدریس و مشاوره و وبلاگ نویسی و زن و بچه و پوشاک و نان سنگک و غیره و غیره نبوده اید!

و لذا توانسته اید با خیال راحت و با وقت آزادتر ، به شکار موقعیت های بهتری پردازید!

id	time	type	size	symbol	open	high	low	close	time	open	high	low	close	status
14125673	2010.12.21 15:17	sell	0.10	usdchf	0.9585	0.9645	0.9535		2010.12.21 17:13	0.9599	0.00		-14.58	
14125627	2010.12.21 12:18	sell	0.10	usdchf	0.9605	0.9645	0.9575		2010.12.21 15:20	0.9575	0.00		31.33	[tp]
14125648	2010.12.21 13:23	buy	0.10	usdcad	1.0185	1.0145	1.0205		2010.12.21 14:00	1.0205	0.00		19.60	[tp]
14125665	2010.12.21 12:40	sell	0.10	usdchf	0.9602	0.9610	0.0000		2010.12.21 12:44	0.9610	0.00		-8.32	[sl]
14125605	2010.12.21 11:56	sell stop	0.10	usdchf	0.9585	0.9645	0.0000		2010.12.21 12:41	0.9602				cancelled
14121189	2010.12.20 14:50	buy	0.10	audusd	0.9940	0.9900	0.9980		2010.12.21 09:44	0.9967	0.00		27.00	
14121181	2010.12.20 14:48	buy	0.10	nzdusd	0.7429	0.7400	0.7480		2010.12.21 07:52	0.7480	0.00		51.00	[tp]
14121182	2010.12.20 14:48	buy	0.10	nzdusd	0.7429	0.7400	0.7460		2010.12.21 04:27	0.7460	0.00		31.00	[tp]
14121183	2010.12.20 14:48	buy	0.10	audusd	0.9940	0.9900	0.9960		2010.12.21 03:24	0.9960	0.00		20.00	[tp]
Profit/Loss: 157.03 Credit: 0.00 Deposit: 0.00 Withdrawal: 0.00													157.03	

البته همانطور که گفتم شاید میزان سود حاصله برای دو روز کاری ، اندکی کمتر از حد مورد انتظار ما بوده باشد!

ولی باتوجه به آنکه همچنان معادل حقوق سه روزمتوالی یک کارمند عالی رتبه را ، آن هم صرفا با چند ساعت وقت گذاشتن درطول روز ، بدست آورده ایم

لذا از کارکرد خودمان کاملا راضی بوده و خدا را نیز از بابت آن ، شکرگزار هستیم!

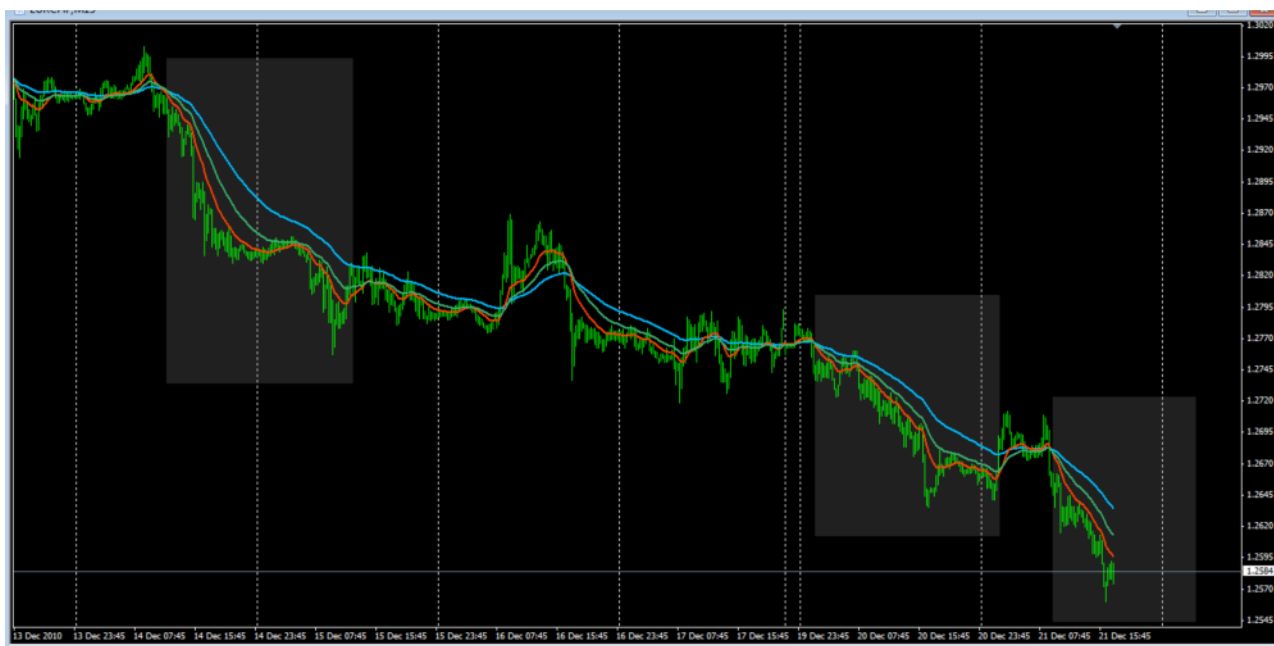
نکته دیگر اینکه ، در چنین روزهایی که مارکت نسبتا رنج و بی رمق میشود،

در بسیاری از مواقع میتوانید با شیفت نمودن از زوج ارزهای اصلی به سوی زوج ارزهای کم اهمیت تر ،

از موقعیت های پیش آمده بر روی آنها استفاده بفرمایید!

بعنوان مثال آیا در این چند روز اخیر ، که بسیاری از دوستانتان در حال نالیدن از وضعیت بازار بوده اند، هیچ نگاهتان به زوج ارز یورو/فرانک افتاده است؟!

قطعا خیر! / پس لطفا به تصویر زیر نگاهی بیاندازید:



ملاحظه می فرمایید که در همین روزهای اخیر ، چگونه حداقل در سه ناحیه وسیع و گسترده - که آنها را با رنگ خاکستری مشخص کرده ام - میتوانسته اید پوزیشنهای فراوانی را ، که منطبق بر روش PTM باشند ، بروی این زوج ارز بگیرید!

و حتی همین الان هم ، هنوز این زوج ارز در شرایط مناسب برای ترید کردن قرار دارد!

بنابراین از فردا نیز ، هرزمان که از وضعیت بازار ، مایوس شدید!

و هرچه گشتید هیچ موقعیت مناسبی را در تایم M15 برای زوج ارزهای همیشگی و دلخواه خودتان پیدا نکردید،

آنگاه با خیال راحت و سر فرصت ، یک تور «زوج ارز گردی!!» برای خودتان به راه بیاندازید ،

و به سراغ سایر چارتهای متفرقه ای که همیشه در متاتریدرتان خاک میخورده اند، بروید!

و به درون چارت آنها سرک بکشید! تا ببینید که آیا در آن زوج ارزها ، شرایط مناسبی را برای بای و سل کردن پیدا میکنید یا خیر؟!!

## بازار پر قدرت STR

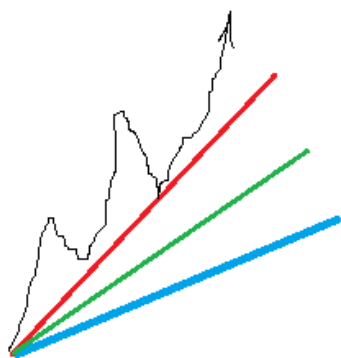
### بازار پر قدرت STR

(تأیید روند صعودی)

۱- شیب مووینگ آبی

۲- ترتیب مووینگها RGB

۳- قیمت بالای مووینگ قرمز  $P > R$



### شرط مرغوبیت

۱- شیب آبی بیش از ۲۰ درجه باشد

۲- فاصله مووینگها بیش از ۱۰ پیپ باشد

### شرط عدم ورود :

۱- واگرایی مکدی :

نوع اول : واگرایی دو قله (دو دره)

نوع دوم : واگرایی شیب به شیب

۲- فاصله بیش از حد تا مووینگ قرمز

۳- نزدیکی بیش از حد به عدد رند، سقف و کف دیروز، قله ها و دره های مهم و غیره

### شرط قدرت بازار:

۱- واگرایی مووینگها (بازشدن دهان تمساج)

۲- بزرگی اندازه مکدی



## روز پنجاه و پنجم.

### نحوه بررسی کندلهای هفتگی: ترسیم نواحی NSA و NBA و غیره !

وقتی که تعداد نامه هایی که هر روز دریافت میکنم و در آنها درخواست کرده اید که در مورد نحوه رسم سطوح NSA و NBA توضیحات بیشتری را خدمتان ارائه کنم، از پنج عدد و ده عدد نامه در روز بیشتر میشود!

به معنی آن است که قاعدتا بسیاری از شما همچنان با این موضوع، یعنی بررسی کندلهای هفتگی، مشکل دارید! یا لاقلا خودتان اینطور فکر میکنید که مشکل دارید!!

درحالیکه اگر نظر من را بخواهید،

مطمئن هستم که این بار نیز مشکل اصلی شما، کماکان به همان اعتقاد و علاقه خاصی که، بطور ناخودآگاه، به پیچیده دیدن و پیچیده کردن فارکس دارید، برمیگردد!

چون از بین سه تایم فریم مختلف ((هفتگی، روزانه و چهارساعته)) قطعا ساده ترین آنها،

همان W1 است و کاری که شما باید بر روی کندلهای آن انجام دهید!!

همانطور که بارها گفته ام، تمام تجزیه و تحلیل شما در تایم فریم W1 صرفا خلاصه میشود در

بررسی کندلهای دیدگاه «کندل استیک» و بکارگیری تمامی آنچه که درباره کندلهای و «الگوهای کندل استیک» آموخته اید.

بعنوان مثال، اینکه بعد از یک کندل کاملا بولیش، با بدنه کاملا صعودی، قاعدتا نباید انتظار آغاز روندی نزولی را داشته باشید

و مثلا در انتهای پایینی آن، نباید به دنبال موقعیت های SELL کردن باشید (یعنی همان NSA)

واقعا انقدر پیچیده و مشکل است که هر جا من را ببینید، سریع یقه من را بگیرید!! و داد و فریاد به راه میاندازید که :

**«استاد پشوتن! بدادم برس که من با نحوه رسم سطوح NSA و NBA مشکل دارم!»؟؟**

اصلا حالا که اینطور شد، بگذارید یکبار دیگر با چنان زبان ساده ای، این موضوع را برایتان توضیح بدهم، که خداوکیلی اگر دختر بچه دوساله بنده هم اینجا نشسته بود،

بتواند وقتی کلاس تمام شد، یک هفت هشت ده تا NSA و NBA بر روی در و دیوار این تاپیک، برایتان رسم کند!!

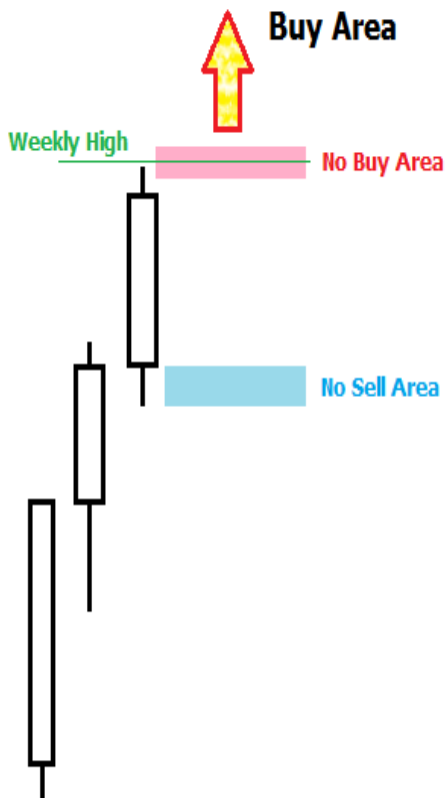
ببینید، هنگامیکه شما به تایم فریم هفتگی نگاه میکنید، معمولا - اگر خوش شانس باشید! - ممکن است با یکی از سه حالت زیر روبرو شوید:

**حالت اول** - وقتی که روندی بسیار پر قدرت در مارکت وجود داشته باشد.

**حالت دوم** - وقتی که یک روند ضعیف یا متوسط وجود داشته باشد.

**حالت سوم** - وقتی که بازار برای چند هفته درحالتی رنج و راکد باقی مانده باشد.





حالت اول - روند بسیار بر قدرت

**در حالت اول** با کندلهایی روبرو خواهید بود که نه تنها کاملاً بصورت پلکانی تشکیل شده اند ،

و نه تنها هیچ کندلی به نقطه انتهایی کندل قبل از خودش نمیرسد،

بلکه حتی معمولاً به نقطه باز شدن (Open) کندل ماقبل هم نخواهد رسید!

چرا؟!

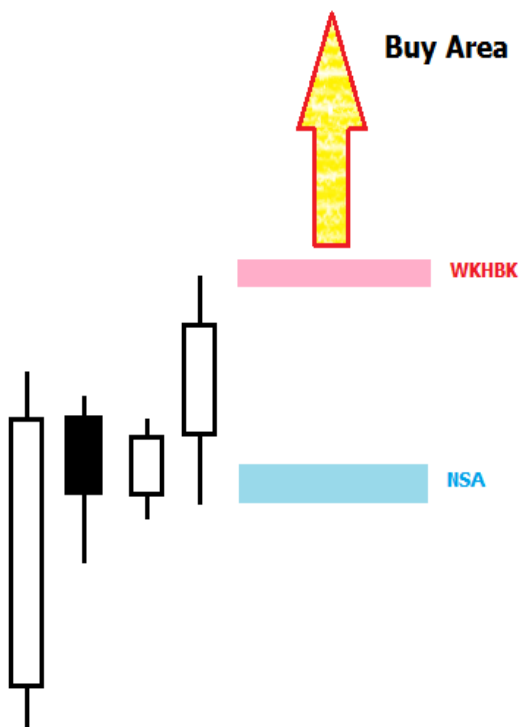
چون مردم در روندهای بسیار پر قدرت معتقد هستند که: - «فردا ، حتماً قیمت‌ها گرانتر از امروز خواهند بود!»

پس هر بار حاضر هستند که اندکی گرانتر از قبل، کالای مورد نظر خود را خریداری کنند،

چون معتقد هستند که دیگر قیمت به آن ارزانی گذشته نخواهد رسید!

حتی در روندهای بسیار قوی، معتقد هستند که قیمت به قیمت ابتدایی هفته قبل هم نمیرسد!

بنابراین نقطه **low** یا **high** کندل فعلی ، حتی به **open** کندل قبل هم نمیرسد!



حالت دوم - روند متوسط

اما **در حالت دوم** اگرچه درست است که یک هنوز یک روند (مثلاً صعودی) در بازار وجود دارد،

و درست است که معمولاً هر کندلی در بالای انتهای کندل قبلی (**Low** در روندهای صعودی) می‌ایستد،

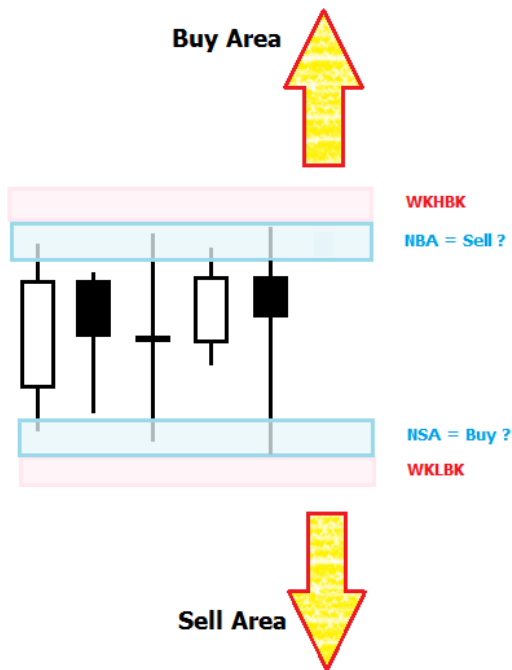
ولی این روند آنقدر قدرتمند نیست که نقاط بازگشایی هفتگی بازار هم (**Open**) در ذهن و خاطر مردم باقی بماند.

بنابراین در این حالت دیگر شما نباید یک مستطیل را از **Low** تا **Open** رسم کنید!

چون نه تنها منطقی نیست بلکه ابعاد چنین مستطیلی ممکن است مثلاً در یک کندل دوجی ، برابر با چند صد پیپ بشود!!!

بنابراین در چنین حالتی صرفاً کافی است که یک ناحیه مثلاً 50 پیپی را در پایین (یا بالای) کندل مذکور رسم نمایید،

تا در هفته آتی هرگاه به چنین بازه‌ای رسیدید یادتان باشد که احتمال بازگشت بازار وجود دارد!



حالت سوم - بازار رنج

نهایتاً **حالت سوم** هم مربوط به مواقعی میشود که (مثلاً مانند همین دو سه هفته اخیر) بازار برای مدت زمان نسبتاً طولانی

در شرایط رنج و بدون جهت قرار داشته باشد.

و در یک ناحیه محدود و تقریباً کوچک، دائماً بالا و پایین برود.

در چنین حالتی نواحی بالایی و پایینی ناحیه مذکور، بهترین نقاط برای دریافت یک سیگنال ریورسال، و مشاهده بازگشت روند قبلی خواهند بود!

چون بدیهی است که روش ترید در چنین بازار رنجی، این است که در بالای کندلها پوزیشن **Sell** بگیرید و در پایین آنها پوزیشن **Buy**!

ببینید حرفهایی که من دارم میزنم خیلی بدیهی است!

نمیدانم چرا انقدر چپ چپ به من نگاه میکنید؟!؟

شاید در این مدت آنقدر حرفهای جدید و حیرت برانگیز(!) برایتان گفته ام، که دیگر وقتی خودم هم میگویم حرف هایم ساده و ابتدایی است، شما باورتان نمیشود!!

باور کنید اگر همه این حرفها را در یکی از تاپیکهای بغلی، مثلاً در مدرسه فارکس - الگوهای کندل استیک - شنیده بودید،

بدون ذره ای ابهام همه آنها را بعنوان نکات بسیار ساده و پیش پا افتاده قبول میکردید!

ولی حالا چون من دارم از یک عبارت قلمبه سلمبه مثل «روش تحلیل هفتگی» و یا مثلاً عبارات باکلاسی چون **NBA** و **NSA** استفاده میکنم،

اینقدر خودتان را (والبته بنده را!!) اذیت میفرمایید و هی میگویید که:

– «نه استاد پشوتن! فایده نداره بازهم نفهمیدم!!!»

بسیار خوب، حالا که بحث به اینجا رسید، لابد اجازه میفرمایید که بگویم که :

اگر قیمت بتواند سقف هفته قبل خودش را بشکند، کار خیلی مهمی کرده است و احتمالاً دلیلی بر آغاز یک روند صعودی خواهد بود!

و بنابراین اجازه میدهید که بگویم :

بهتر است در بالای سقف هفته قبل بنویسیم:

«شکست سقف هفتگی = آغاز احتمالی یک روند صعودی»؟!؟

خب همین عبارت به زبان مختصر میشود:

**WKHBK=UT**

**Weekly High BreakOut = Up Trend:** یعنی

سخت بود؟!؟

- «نه استاد پشتون! اینها را که همه بلد بودیم! مال بچه کوچولوها بود!!!»

آفرین! حالا شد یه چیز حسابی!

این اولین جمله درستی بود که امروز از شما شنیدم!!!

پس حالا که انقدر بچه های خوب و با استعدادی هستید ، فقط اجازه بدهید که این راهم بگویم که :

آیا بهتر نیست پس از شکسته شدن سقف هفتگی ،

یک مدت کوتاهی را **صبر کنیم (مثلا به اندازه 50 پپ)** تا از اینکه این «شکست» آیا واقعی است یا کاذب؟ کاملا مطمئن گردیم؟!

- «چرا استاد پشتون! شما کاملا مختار هستید که هرچقدر دوست دارید صبر بفرمایید!

ما که هیچوقت روی حرف شما حرف نمیزنیم!»

اگرچه این جمله آخرتان یک ذره مشکوک بود(؟)

ولی بهرحال من فرض را بر این میگذارم که انشالله منظورتان این بوده است که این نکته نیز کاملا بدیهی و منطقی است!

بنابراین سخنم را اینطوری تمام میکنم که :

برای نواحی **WKHBK و WKLBK** یک ضخامت **حدودا 50 پیپی** را درنظر می گیریم و آنها را در بالا و پایین کندل ماقبل رسم میکنیم!

که آنها را در شکل زیر مشاهده میفرمایید:

(( آپاراتچی : کدام شکل مرد حسابی؟! دیگر شکلی باقی نمانده است!))

ای بابا .... راست میگوید این بنده خدا ، دیگر نیاز به ارایه شکل جدیدی نیست!

چون در همان شکل های قبلی ، همین نواحی مذکور را نیز برایتان رسم کرده بودم!

پس لطفا فقط یکبار دیگر به همان سه تا شکل بالا برگردید،

و این بار توجه خودتان را صرفا بر روی نواحی **WKHBK و WKLBK** بگذارید!

و ارتباط آنها را با فلش های بزرگ **SA و BA** مشاهده بفرمایید!

بسیار خوب، آسان بود؟!

پس اگر یکبار دیگر کسی برای من نامه بنویسد که:

- «استاد پشتون، لطفا یک مقدار بیشتر درباره این روش بررسی کندلهای هفتگی ، صحبت بکنید!!!»

آن وقت من میدانم و شما .... و این خط کشم که نمیدانم کجا گمش کرده ام ؟!!!!

راستش را بگویید؟! نکند این خط کش من را یکی از شما ها یواشکی قایم کرده است؟!

جناب آذرباد (ناظم محترم مدرسه فارکس!) این مجید بازی گوش - همشهری شما - کجاست؟!

لطفا یک گوشمالی به او بدهید !

تا اگر خط کش من را قایم کرده است خودش با پای خودش بیاید دفتر ، و آن را پس بدهد!!!!

**قوانین روش ورود زود هنگام!!!!!!!**



یه وقت فکر نکنید که این سیگنال  
«زنده» است ، بروید و سل کنید ها  
!!!

فعلا فقط دارم درباره سیگنال دیروز  
صحبت میکنم

و درواقع میخواهم یک نکته  
آموزشی را درلابلای آن بگویم



بسیار خب، این هم وضعیت  
فعلی بازار است . . . .

. . . . صرفا چند ساعت مانده به  
عید کریسمس و تعطیلات چند  
روزه بازارهای بین المللی :

البته هدفم از یادآوری مجدد این پوزیشن، مطلقا تاکید بر امکان ترید کردن در روزها و حتی ساعات پایانی سال میلادی نیست!

چرا که این موضوع را قبلا نیز هزاران بار خدمتان عرض کردم!!!

بلکه الان میخواهم به یک موضوع بسیار مهمتری اشاره کنم که نام آن **«روش ورود زود هنگام به بازار»** است!

اگرچه میدانم که بیان این نکته ، موجب بدآموزی برای خیلی ها میشود!

و ممکن است که از این به بعد بسیاری از نوآموزان که هنوز با اصول و مبانی اولیه روش PTM به اندازه کافی آشنا نشده باشند،

به بهانه «ورود زود هنگام!» دست به اعمالی ماجراجویانه بزنند!!

و شروع به وارد شدن به انواع و اقسام موقعیتهای خطرناک و نامناسب نموده

- و بعد هم ، وقتی که در پایان با دو سه تا استاپ اساسی مواجه شدند!! -

عصبانی شده و مدعی شوند که :

- « اصلا این روش PTM !! از پایه و اساس ، عجب روش بیخودی است!!!»

ولی با این وجود ، باتوجه به آنکه دانستن این موضوع برای بسیاری از عزیزانی که از روز اول ، همراه و همگام ما بوده اند، لازم است ،

لذا بر شک و دودلی خودم چشم پوشی نموده ، و به توضیح این روش می پردازم!

لطفا به نمودار اولیه ین ژاپن ، مجددا به دقت نگاه کنید!

و ببینید که آیا در لحظه ارایه سیگنال مذکور، آیا واقعا وضعیت نمودار ، مناسب و منطبق بر قوانین بوده است؟!

آیا وضعیت مووینگها ، حقیقتا مطلوب است؟!

و آیا قیمت در ناحیه NTZ قرار ندارد؟!

البته نیازی به فکر کردن نیست!

چون کاملا واضح است که شرایط بازار در لحظه مذکور اصلا منطبق بر روش ، نبوده است!

پس چرا و چطور به خودمان اجازه دادیم که در چنان شرایطی ، پا بر روی اصول و قواعد اساسی روش خودمان گذاشته ،

و برخلاف مفهوم «وضعیت NTZ» که ثبت پوزیشنهای جدید را منع میکند ، اقدام به گرفتن پوزیشن جدید نماییم؟!!

پاسخ در این جمله نهفته است که :

- از روش «ورود زود هنگام» استفاده کردیم!!

**و اما این روش «ورود زود هنگام» دیگر چه صیغه ای است؟!**

این روش صرفا برای مواقعی تعریف شده است که بازار، پس از طی یک روند پر قدرت و STR بطور موقت وارد فاز رنج و شرایط « NTZ ناقص» میگردد،

ولی ما پیش دستی نموده و باتوجه به آگاهی از روند پر قدرت قبلی،

قبل از آنکه بازار بطور واقعی از شرایط NTZ خارج گردد، در پایین آخرین دره (یا قله) به انتظار شروع مجدد روند پر قدرت قبلی می مانیم!

درواقع میتوان چنین توجیه کرد که ما ، باتوجه به تجربه درازمدتی که در مشاهده و کارکردن با چارتهای مختلف داشته ایم،

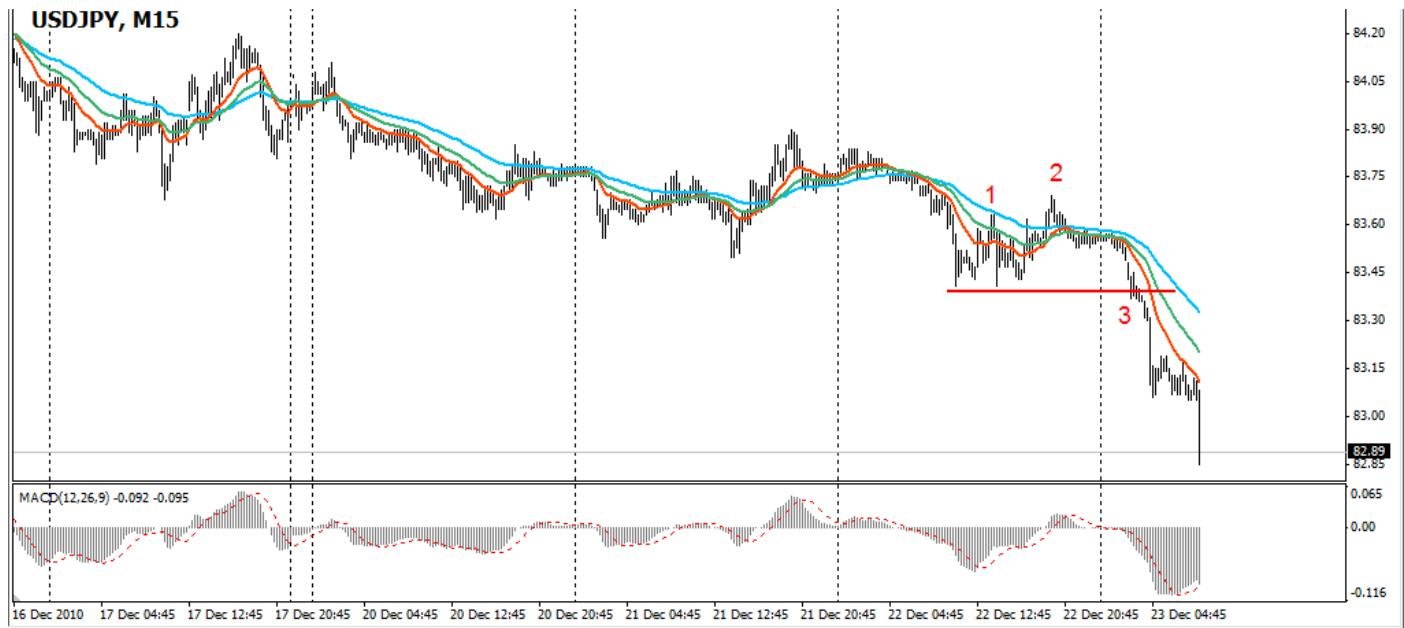
به آنچنان تبحر چشمی و ذهنی دست یافته ایم، که پیش از آنکه «فاصله» و «شیب» مووینگها به حداقل مطلوب و مجاز سیستم برسد،

خودمان پیش دستی نموده و می توانیم در ذهن خود مجسم کنیم

که با عبور قیمت از دره (یا قله) موردنظر، وضعیت مووینگها نهایتا به چه شکلی در خواهد آمد؟!!

به عبارت دیگر همانطور که در شکل زیر مشاهده میکنید، در نقطه 1 و یا در نقطه 2 ، علیرغم آنکه وضعیت مووینگها برای ورود و ثبت پوزیشن مناسب نیست،

ولی ما با قرار دادن یک سفارش پیش فروش در زیر آخرین دره،  
 در ذهن خود مجسم کرده ایم که وقتی که قیمت به نقطه 3 رسیده و پوزیشن مذکور فعال گردید،  
 قاعدتا وضعیت مووینگها نیز تا آن لحظه ، مناسب و ایده آل خواهد شد!



نکته بسیار بسیار مهم این است که شما ، صرفا در شرایطی مجاز به استفاده از روش ورود زود هنگام هستید  
 که سه شرط زیر حتما بطور همزمان ، کاملا صادق و برقرار باشند!

**شروط لازم برای ورود زود هنگام :**

**شرط اول -** در تایم فریمی که ترید میکنید، روند قبلی ، همسو با پوزیشن مورد نظر شما باشد!

**شرط دوم -** روند قبلی پر قدرت (STR) باشد!

**شرط سوم -** روند در تایم فریم یک (یا دو) درجه بالاتر نیز ، همسو و پر قدرت (STR) باشد!

البته به این نکته خیلی دقت بفرمایید که صرفا داریم درباره شرایطی صحبت میکنیم که:

اصول اولیه روش ، برای اطمینان از عدم تغییر روند ، صادق باشند!

یعنی وضعیت و ترتیب مووینگها نسبتا مناسب باشد.

ولی بعنوان مثال «قیمت» در شرایط NZT قرار گرفته است ،

و یا مثلا فاصله و یا زاویه مووینگها هنوز به حدنصاب لازم نرسیده است

و غیره ... !

ملاحظه فرمودید؟!

آنجاییکه می گفتم که ممکن است بدآموزی داشته باشد ، دقیقا همینجاست!

اگر به چارتهای گذشته در این تایمک مراجعه بفرمایید ،

حتما مشاهده خواهید نمود که من در بسیاری از مواقع (حتی شاید یواشکی!! و بدون آنکه شما اصلا متوجه آن شده باشید!)

درحالیکه ظاهراً شرایط بازار نامناسب بوده است، ولی اقدام به پوزیشن گیری و ثبت سفارش کرده باشم! اما اگر آن موقعیت ها را به دقت بررسی کنید، قطعاً ملاحظه خواهید نمود که امکان ندارد که من پوزیشنی را بصورت «زود هنگام» گرفته باشم ولی شروط فوق، یعنی شروط لازم برای اجازه به «ورود زود هنگام» به بازار، برقرار نبوده باشند!

**شروط لازم برای ورود زود هنگام (تکرار):**

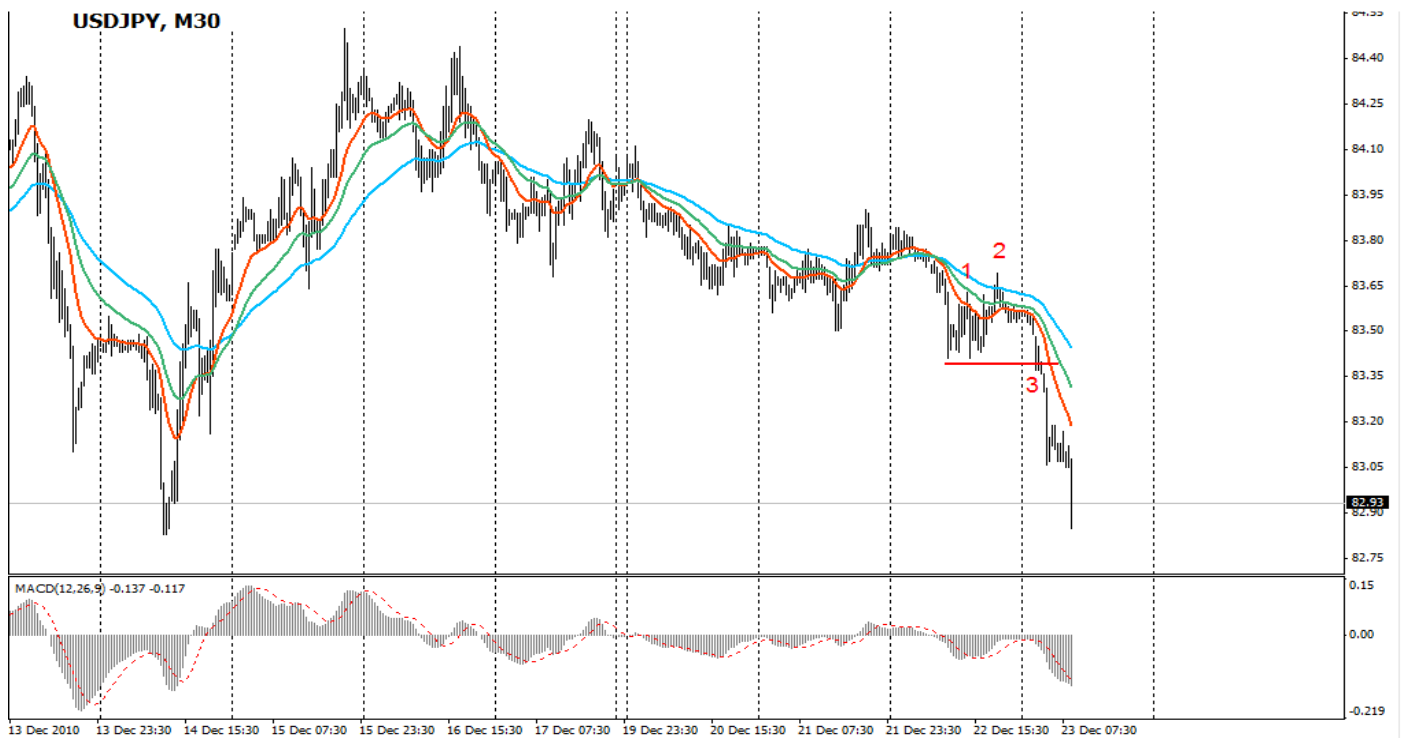
**شرط اول - در تایم فریمی که ترید میکنید، روند قبلی، همسو با پوزیشن مورد نظر شما باشد!**

**شرط دوم - روند قبلی پر قدرت (STR) باشد!**

**شرط سوم - روند در تایم فریم یک (یا دو) درجه بالاتر نیز، همسو و پر قدرت (STR) باشد**

لطفاً به شکل زیر بعد نیز دقت بفرمایید

و ببینید که در مثال فوق، نه تنها روند قبلی در تایم فریم **M15** کاملاً **نزولی و پر قدرت** بوده است، بلکه حتی در تایم فریم **بالتری** همچون **M30** نیز با روندی **نزولی و STR** روبرو بوده ایم!



لذا بخودم اجازه داده ام، که پیشاپیش وضعیت آتی مووینگها را در لحظه گذر از آخرین دره، در ذهن خود مجسم نموده، و صرفاً بر مبنای تصویر خیالی و ذهنی خویش،

به این نتیجه برسم که (انشالله!!) به زودی فاصله و زاویه مووینگها برای پوزیشن گیری مناسب خواهند شد!

پس یاعلی!! و بزنی بریم تو کار ورود زود هنگام **Sell Stop**!!!!

یک بار دیگر تاکید میکنم که این روش میتواند برای نوآموزان و عزیزانی که هنوز چشم و ذهنشان به وضعیت استاندارد مووینگها عادت نکرده است، بسیار مخرب و ویرانگر باشد!!

و لذا مجدداً استدعا میکنم که اگر هنوز به اندازه کافی بر روی اصول و مقدمات روش **PTM** استاندارد، تمرین نکرده اید، فعلاً بطور کل قید استفاده از این روش را بزنید، و صرفاً به همان موقعیتهای صد درصد ایده آلی اکتفا کنید که در طول روز دهها بار بر روی زوج ارزهای مختلف رخ میدهند!

### پاسخ سوالات!!

"نقل قول" - و. اسکندری:

با سلام جناب مشهوری نژاد

بنده بعضی وقتها که میخوام پوزیشن بگیرم با مشکلاتی مواجه میشم

فرض بفرمایید

یه موقعیت مناسب برای buy کردن دارم در تایم 15 و 5 و حتی 1 هم همه شرایط مناسبه

ولی در تایم های بالاتر قیمت زیر مووینگ ها قرار داره که نشان از پایین اومدن نمودار میباشد

یا همه ی جوانب مهیاست ولی بر فرض در تایم 4 ساعته واگرایی داریم

یا از همه مهمتر همه جوانب مهیاست ولی وقتی به کندل DAILY نگاه میکنم اندازه ی اون را بیش از اندازه میبینم و با خودم میگم:

این که انقدر رفته بالا یعنی میتونه 30 پیپ هم بره و تی پی منو بزنه؟

جناب مشهوری نژاد این مشکلاتی که عرض کردم واقعا منو در تنگنا قرار میده و منو آشفته میکنه

عذر خواهی میکنم از بابت همه ی زحماتی که بهتون میدم

و میدونم که با خودتون میگین بابا اینا عجب سوالی مسخره ای میپرسن

ولی چاره ای ندارم و شرمنده ام

با تشکر / و. اسکندری

سلام دوست عزیزم! / خسته نباشید.

اولا لازم است که خدمت شما عرض کنم که:

**بابا عجب سوالهای مسخره ای می پرسى!! دی:**

**اما دوما باید هشدار بدهم که:**

دوست عزیز، شما را برحذر میدارم از وسواس زیاده از حد در فارکس !!!

تمامی مواردی که گفتمی ، صرفا میتوانند منجر به کوچک شدن تارگت TP ، ویا کاهش حجم انتخابی LOT ، ویا تعداد بخش هایی که برای پوزیشن مان در نظر میگیریم ، بشوند!

وگرنه برای تصمیم گیری به **ورود** یا **عدم ورود** به یک موقعیت خاص،

صرفا همان اصول اولیه سیستم PTM یعنی :

1- مناسب بودن وضعیت مووینگهای M15

2- عدم واگرایی بر روی مکدی در تایم های M5 و M15

کاملا کافی و ایناف!! میباشد!

ضمن آنکه به شما نیز توصیه میکنم که بدلیل شرایط بازار در روزهای اخیر ، بیهوده خودتان را از معامله کردن نترسانید!

و صرفا همین ایام نیمه تعطیل چند روز اخیر را ، ملاک کاری خودتان برای کل روزهای سال ، قرار ندهید!



بلکه روزها و ایام گذشته را بخاطر بیاورید!!

که چگونه در طول 56 روز گذشته ،

به راحتی و با سهولت هرچه تمام تر ،

بنده و حتی سایر دوستانان ، چه در همین تایپیک و چه در تایپیک تریدینگ روم ،

در طول یک روز ، به راحتی فهرستی سرشار از طیفی از انواع رنگهای سبز و فسفری و مغزیسته ای را (!! بطور روزانه ارایه میکردیم!

اگر آن روزها را فراموش کرده اید،

پس بگذارید یکی از همان پرفورمنس های گذشته را ، (که فکر کنم یکی از آخرینها باشد؟) از درون آرشیو سایت برایتان پیدا کنم و مجددا خدمتان یادآوری نمایم:

ID	time	type	size	symbol	price	z/l	l/f	time	price	swap	profit	comment
443824	2010.12.15 10:49	sell	0.10	gbpusd	1.5705	1.5725	1.5660	2010.12.15 12:33	1.5660	0.00	45.00	[tp]
443834	2010.12.15 09:16	buy	0.10	usdjpy	84.00	83.80	84.20	2010.12.15 13:08	83.80	0.00	-23.87	[sl]
444087	2010.12.15 11:51	sell	0.10	gbpusd	1.5675	1.5720	1.5645	2010.12.15 14:34	1.5645	0.00	30.00	[tp]
444390	2010.12.15 14:52	buy stop	0.10	usdjpy	84.15	83.60	84.45	2010.12.15 14:54	83.94			cancelled
444391	2010.12.15 19:17	buy	0.05	usdjpy	84.15	83.60	84.25	2010.12.15 19:25	84.25	0.00	5.93	[tp]
444392	2010.12.15 19:17	buy	0.05	usdjpy	84.15	83.60	84.55	2010.12.15 20:58	84.40	0.00	14.81	[tp]
444398	2010.12.15 15:24	sell	0.05	nzdusd	0.7440	0.7505	0.7420	2010.12.15 18:42	0.7420	0.00	10.00	[tp]
444399	2010.12.15 15:24	sell	0.05	nzdusd	0.7440	0.7515	0.7400	2010.12.15 20:22	0.7400	0.00	20.00	[tp]
444400	2010.12.15 18:44	sell	0.05	audusd	0.9885	0.9960	0.9865	2010.12.15 20:22	0.9865	0.00	10.00	[tp]
444404	2010.12.15 18:44	sell	0.05	audusd	0.9885	0.9960	0.9845	2010.12.15 20:55	0.9845	0.00	20.00	[tp]
444544	2010.12.15 15:56	sell	0.05	gbpusd	1.5619	1.5660	1.5590	2010.12.15 18:40	1.5590	0.00	14.50	[tp]
444545	2010.12.15 15:56	sell	0.05	gbpusd	1.5619	1.5660	1.5570	2010.12.15 18:43	1.5570	0.00	24.50	[tp]
Profit/Loss: 144.74 Credit: 0.00 Deposit: 0.00 Withdrawal: 0.00												
144.74												

یادتان آمد؟!!

چنین فهرستی مطلقا منحصر به یک روز و دو روز خاص نبود!

و اگر خاطرتان باشد آنقدر به چنین سودهایی عادت کرده بودید ،

که وقتی بعنوان مثال یک نفر با یک استاپ مواجه میشد، داد و بیدادش به هوا میرفت که :

«استاد پشوتن!!

لطفا به باباپشونا پیغام بدهید که آخر این دیگر چه روش بینودی است که از خودشان ابداع کرده اند؟!!

پس چرا امروز من یک دانه استاپ خوردم?!!!!

بگویند تا بعد از ظهر فرصت دارند که پولش را بریزند به حسابم!!!!

ملاحظه فرمودید؟!!

پس دوست عزیزم، فعلا فقط اندکی صبور باشید!

و مطمئن باشید که بزودی و حداکثر از دو سه هفته دیگر ،

مجددا شرایط بازار همچون گذشته خواهد شد.

و باز هم شرایط برای سودآوری و صید ماهی های بزرگ و خوشمزه! مناسب و مساعد میگردد!

فقط همین یکی دو هفته را اندکی شکبیا باشید،

و بویزه بسیار احتیاط کنید تا مبادا سرمایه و موجودی اکانت خودتان را بی دلیل ،

و صرفا در اثر عادت مخربی بنام «ترید کردن بعنوان یک سرگرمی!» به آتش نکشاند!!!

... درب با صدای «تق» باز می شود و به آرامی بروی پاشنه اش میچرخد .

شرلوک هولمز پاورچین پاورچین ،

درحالیکه از ترس و نگرانی گلویش خشک شده ،

خودش را به درون ساختمان دفتر کار آقای قاری می کشاند!

ساعت از نیمه شب گذشته است،

و هولمز مطمئن هست که قطعاً هیچکس متوجه حضور او در ساختمان ،

و ورودش به طبقه چهارم نشده است!

درواقع این ماجرا از حدود 50 روز پیش آغاز شده است!

زمانیکه وکیل برجسته ای ، که به وکالت از گروه های مافیایی مشهور است ، به نمایندگی از چندین بروکر معروف (!) به نزد شرلوک هولمز آمده ،

و داستانی را درباره گروهی از تریدرهای ایرانی و گمنام (!) که اخیراً موفق شده اند ظرف مدت زمانی بسیار کوتاه ،

سرمایه هنگفتی را از حسابهای بروکرهای مذکور بیرون بکشند، برای او تعریف میکند!

هولمز شروع به تحقیق درباره نحوه فعالیت این گروه مرموز میکند

و طی تحقیقات خویش، پرده از راز فعالیتهای این گروه بر میدارد:

« اینها گروهی از تریدرهای ظاهراً آماتور هستند!

که با دست یابی به سیستمی پیچیده که خودشان نام آن را بصورت رمزنگاری شده PTM می نامند ،

موفق به انجام معاملاتی شدیداً سودآور شده اند!

و بنابراین با تریدهایی که هر روزه انجام میدهند ،

به راحتی چندین برابر اصل سرمایه اولیه خودشان را از بروکر مربوطه ، دریافت می کنند!»

هولمز متوجه میشود که سردسته این گروه ،

فردی است ملقب به «استادباباشونا» که ردپای او در پشت تمامی حمله هایی که اخیراً به بروکرهای مذکور وارد شده است، وجود دارد!!

شرلوک هولمز در ادامه تحقیقات خود ، به ناچار راهی ایران میشود،

و با بررسی مکاتبات درون گروهی این افراد،

نهایتاً نشانی از سردسته آنها را درحوالی خیابان سهروردی پیدا میکند!

هولمز که مطمئن است به هسته مرکزی گروه تبهکاران (!) دست یافته است،

بطور شبانه ، خودش را به ساختمان مرکز فرماندهی ، می رساند و مخفیانه وارد آنجا می شود!

سپس شروع به جستجو در میان کلیه اسناد و مدارک موجود نموده ،

و در کشوی یکی از میزها ، چشمش به مجموعه ای از تصاویر عجیب و مبهم میافتد!!

واضح است که تصاویر مذکور، توسط شخص سردسته گروه، و به منظور طراحی دور جدیدی از حملات برعلیه بروکرها تهیه گشته اند!

بنابراین شرلوک هولمز باید تمام سعی خودش را بکند تا این تصاویر را به موقع رمز گشایی کرده و پی به معنا و مفهوم درونی آنها ببرد!

متأسفانه هیچگونه توضیح و تفسیر اضافه ای در کنار این تصاویر وجود ندارد!

و بنابراین پیدا کردن راز این تصاویر برای شرلوک هولمز، که هیچگونه آشنایی با شغل و تخصص این افراد ندارد، بسیار دشوار است!

تنها راهنمای هولمز در این مأموریت، تعداد اندکی از کلمات و عبارات کوتاه هستند که در پشت برخی از عکس ها به چشم میخورند،

و قاعدتا باید دست خطی از خود فرمانده گروه «استادبابا» باشد!

تصمیم داریم که از این به بعد هر از گاهی، برخی از این عکسها را با نام «**تصاویر شرلوک هولمز**» در این تاپیک ارایه کنیم!

مجموعه تصاویری که شرلوک هولمز باید هرچه زودتر از راز آنها پرده بردارد!

و معنای هر کدام را برای کارفرمایانش در خارج از ایران، ارسال کند!

#### وظیفه شما:

وظیفه شما در این ماجرا این است که به شرلوک هولمز کمک کنید تا معنی این تصاویر را بفهمد!

و درواقع بتواند این تصاویر را هرچه سریعتر رمز گشایی کند!!

تا با ارسال معنی آنها برای دکتر واتسون در آن سوی مرز، مأموریتش را به درستی به انجام برساند!

اما باتوجه به آنکه همه این تصاویر صرفا بصورت «بدون شرح» و در قالب «نیمه معمایی!» ارایه میشوند،

فلذا هیچکس اجازه هیچگونه صحبتی درباره آنها را در «تاپیک اصلی» ندارد!!!

و باید مطالب خودتان را صرفا در تاپیک پرسش و پاسخ مطرح بفرمایید!

#### وظیفه شاگرد اول ها :

همانطور که گفتیم هیچ اشکالی ندارد حتی بسیارهم خوب است اگر خوانندگان، نظرات و دیدگاههای خودشان را درباره این تصاویر،

در تاپیک «**پرسش و پاسخ** : <http://iran-egold.com/forum/showthread.php?t=8332>» با یکدیگر در میان گذاشته،

و بویژه برای رمز گشایی آنها، از **شاگرداول ها** مشورت بگیرند!!

به هر حال این هم جزو وظایف جدید شاگرداولهاست!!

و کسی که دارد با استفاده از علم و دانش اش در این مارکت سود میکند، باید تاوان آن را بپردازد!!

و البته بهتر است بگویم که باید «زکات» آنچه را که میداند، بپردازد!

چرا که این تنها راه جاری شدن خیر و برکت، در معاملات شخصی شما خواهد بود!

پس از این به بعد کلیه خوانندگان میتوانند سوالهای خودشان را درباره این تصاویر از شاگرداول های عزیز بپرسند،

و ایشان نیز قطعا نظر و دیدگاه شخصی خودشان را در پاسخ به سوالات شما، خدمتان ارایه خواهند نمود!

ولی بهتر است که شاگرداول های عزیز ، این کار را به گونه ای انجام دهند ،  
که ابتدا خود پرسشگران نیز مجبور به اندکی تلاش و تفکر برای جستجوی مفاهیم و نکات موجود در آن تصاویر بشوند!

مثلا شاگرداولها میتوانند به جای ارایه پاسخ صریح و حاضر و آماده به پرسشگران ،

صرفا ایشان را به نقل قولهایی از اینجانب ، راهنمایی بفرمایید!

تا خواننده را مجبور به جستجو و تلاش برای یافتن پاسخ صحیح نمایند!

بسیارخوب،

پس با اجازه شما ، از هم اکنون اولین مجموعه از «تصاویر شرلوک هولمز» را خدمتان تقدیم میکنم!

امیدوارم که مورد توجه تان قرار گیرد.

## تصاویر شرلوک هولمز - بخش اول !

به شرلوک هولمز کمک کنید تا معانی تصاویر زیر را بفهمد؟!

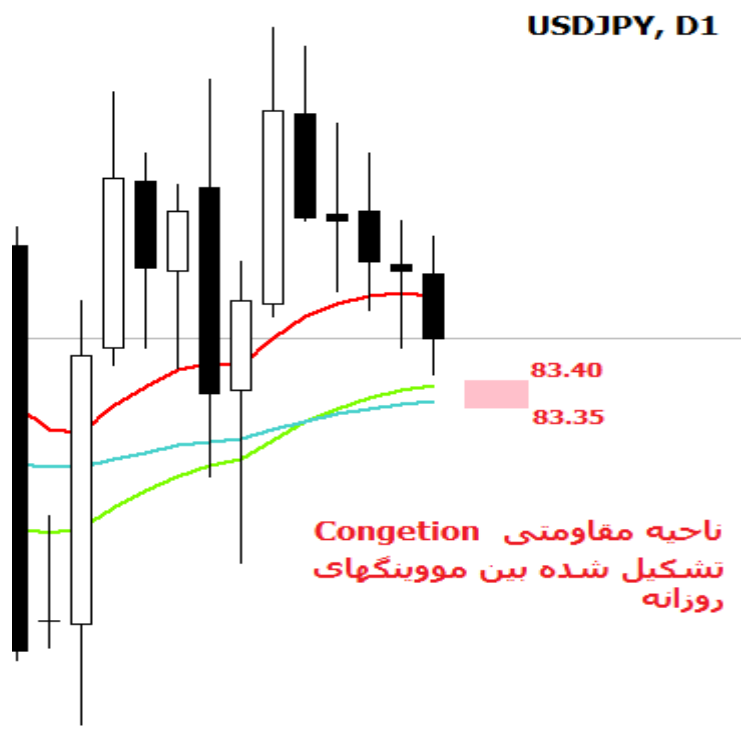
(فعلا با تصاویر ساده تر آغاز میکنیم، و به تدریج در روزهای دیگر ، آنها را پیچیده تر می نمایم!)

مجموعه تصاویر سری اول :

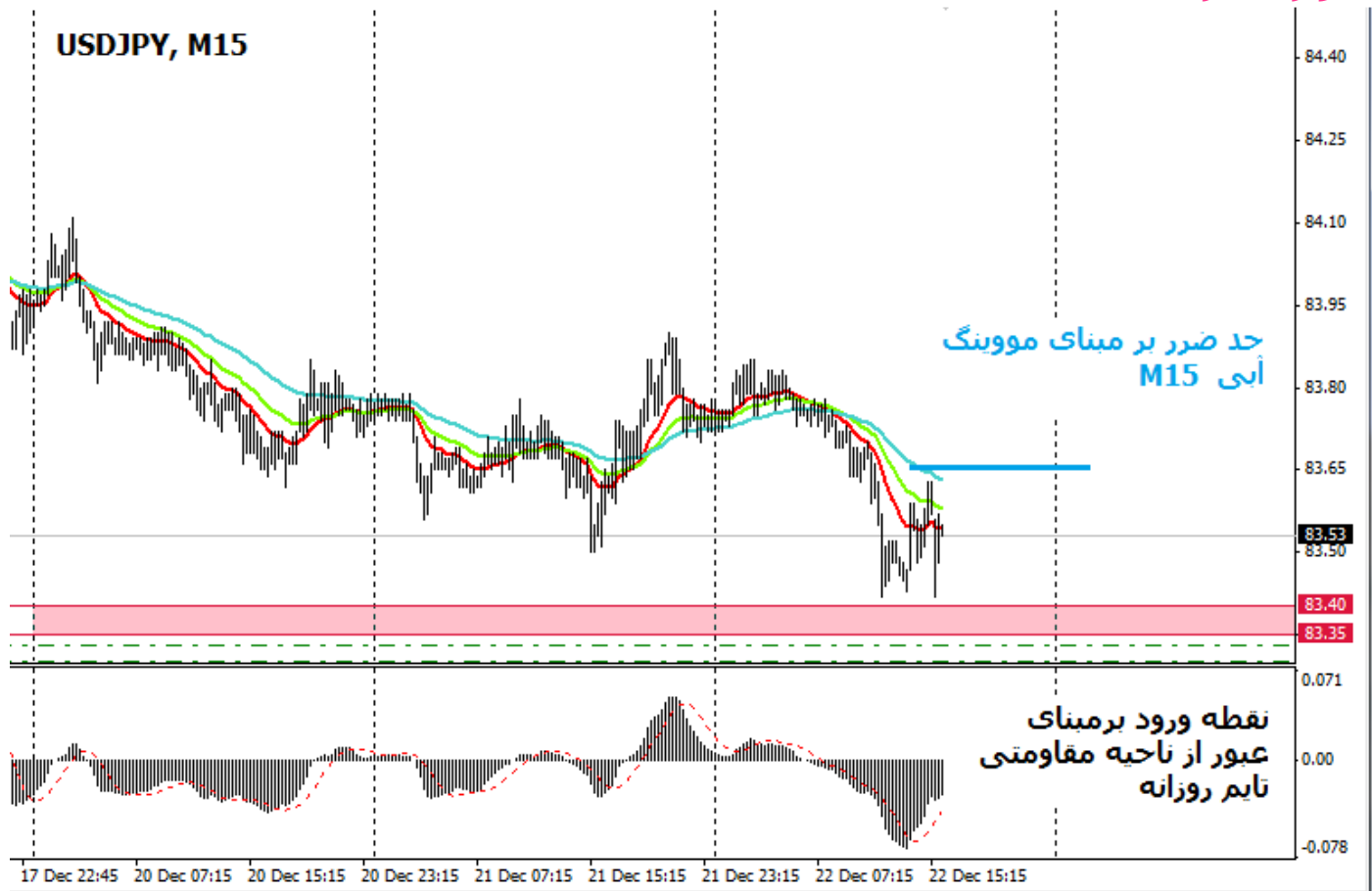
متن:

- در پشت عکسها صرفا نوشته شده است: **Congestion**

تصویر شماره 1:



تصویر شماره 2:

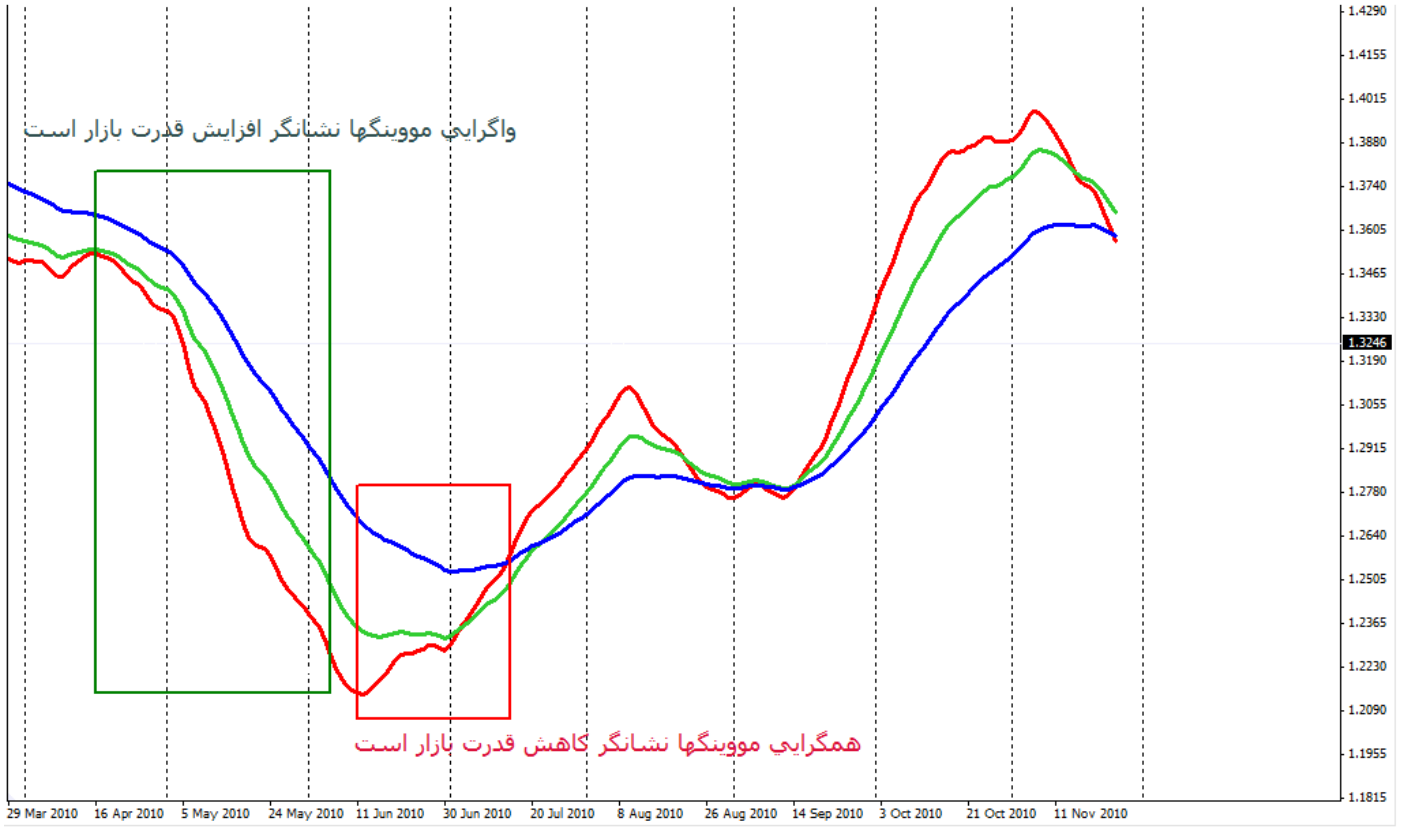


تصویر شماره 3:

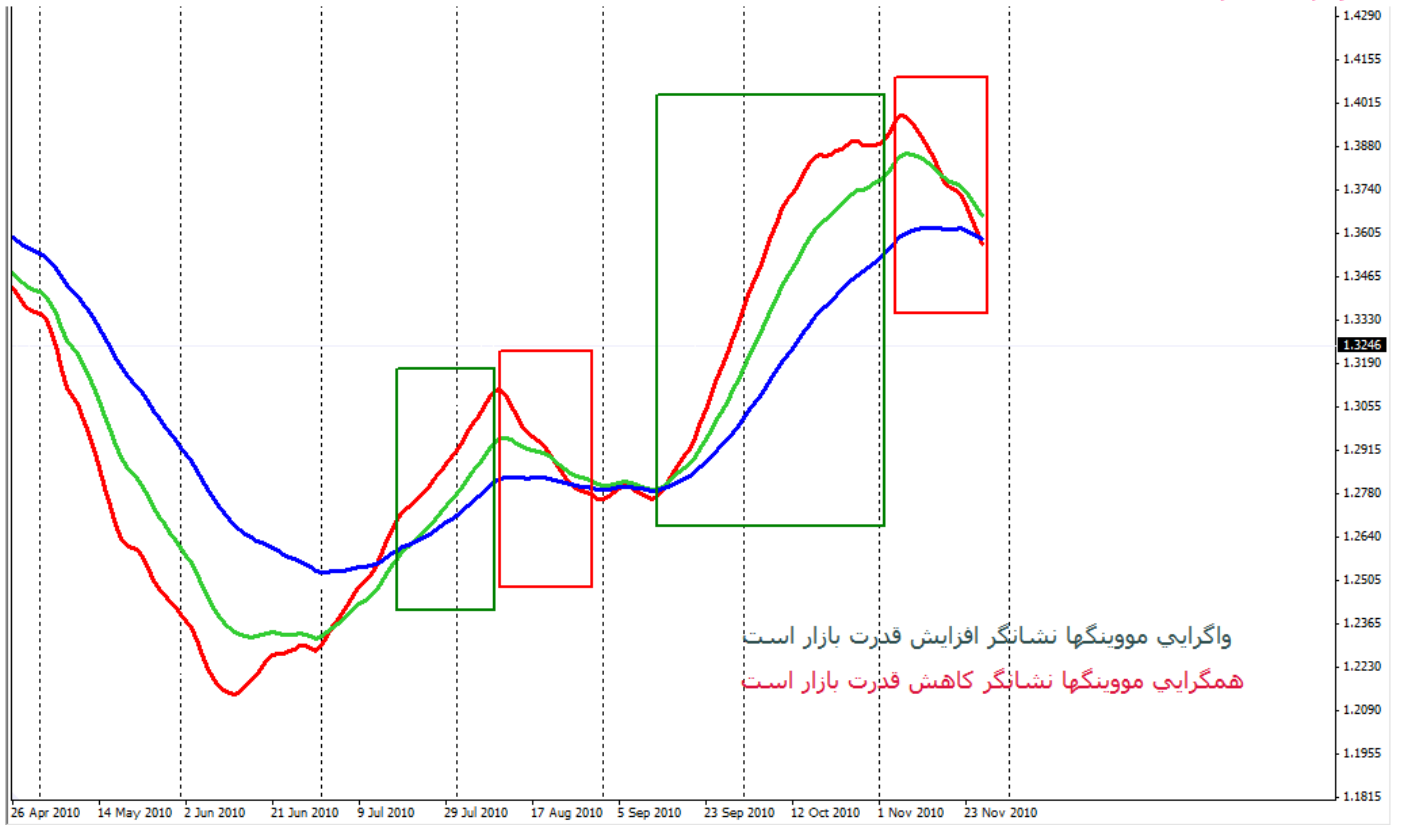


- قدرت بازار و مووینگها

تصویر شماره 4:



تصویر شماره 5:





تصویر شماره 6:  
متن پشت عکس :

قرمز - ورود زود هنگام نادرست.

سبز - ورود استاندارد و به موقع.



تصویر شماره 7:

متن پشت عکس :

1- ورود زود هنگام نادرست

2- ورود صحیح بر مبنای روند نزولی  
M15

3- ورود صحیح بر مبنای شکست  
روند صعودی M5

## پاسخ به سوال:

نوشته اصلی بوسیله **deathking** / با سلام خدمت تمامی دوستان / دیدم وقت سوال پرسیدن هست بدو اومدم ببینم

استاد جواب ما رو می ده یا نه

### اما سوال

می خواستم بدونم استاد کدوم روش ورود رو ترجیح می دهند / مثلا در روند نزولی M5 به تایم فریم M می رویم  
سل استاپ خود را کجا قرار بدهیم بهتر است / در شکل زیر پایین ترین کف تشکیل شده یا زیر آخرین کف تشکیل شده؟



مثلا در این شکل که تایم فریم M5 را نشان می دهد،

اگر قیمت کمی بالاتر بود سل استاپ را در زیر آخرین کف تشکیل شده در M5 قرار بدهیم بهتر است یا در جایی که الان هست؟

البته ببخشید این سوال برای من پیش اومده بود چون داشتم مطالب رو دوباره می خواندم

دبدم که شما به هر دو مورد اشاره کردید ولی می خواستم بدونم کدوم بهتر است؟

با تشکر / مهدی



سلام مهدی جان.

اتفاقا اگر دقت بفرمایید تصویر شماره ۷  
شرلوک هولمز نیز دقیقا مرتبط با سوال شما  
است!

یعنی هم میتوانید بر مبنای قله ها و دره های  
M5 ورود گذاری کنید، / و هم بر مبنای قله ها  
و دره های M15



اگرچه در این روش ، اصل برمبنای ترد کردن بر روی «قله ها و دره های M5» است.

ولی باتوجه به آنکه ، قله ها و دره های M15 بطور کلی از اعتبار بیشتری برخوردار هستند.

بنابراین در صورت نزدیکی بیش از حد سطوح مذکور به یکدیگر ، مسلما اولویت با اوردر گذاری برمبنای M15 است!

چون بدیهی است که چنین پوزیشنهایی که برمبنای M15 تعریف شده باشند، احتمالا از میزان صحت و سودآوری بیشتری برخوردار خواهند بود.

البته اگر دقت فرموده باشید بنده در بسیاری مواقع که چنین سطوحی در نزدیکی یکدیگر قرار میگیرند، چچم پوزیشن خودم را نصف میکنم.

و یک بخش را در انتهای قله یا دره M15 و دیگری را در انتهای قله یا دره M5 قرار میدهم.

تا بقول معروف همه تخم مرغ هایم را در یک سبد نگذاشته باشم!

به هر حال اگر جناب شرلوک هولمز گرامی ، آنطور که خارجی ها تعریف کرده اند ، از آی کیوی مناسبی برخوردار بوده(!) و حواسش نیز حسابی به همه جا جمع باشد!

احتمالا از جوابی که به سوال شما دادم، حداقل پاسخ یکی از «معماهای تصویری» خودش را فهمیده است !!

در واقع شرلوک هولمز در تصویر شماره (۷) ، می توانسته هم برمبنای روند نزولی M15 اوردر گذاری کند (یعنی ورود شماره ۲)

و هم برمبنای شسکت روند صعودی M5 یعنی ورود شماره ۳!

که البته ترجیحا بهتر بوده که پوزیشن خودش را دو بخشی میکرده و هر بخش را در پایین یکی از دو دره M5 و M15 قرار میداده است!

در مورد ورود شماره (۱) نیز باتوجه به مطالبی که درباره قوانین «روش ورود زود هنگام» گفته ام.

چنین پوزیشنی کاملا غلط است!

زیرا روند قبلی صعودی بوده ولی روند جاری نزولی است.

در حالیکه از «روش ورود زود هنگام» صرفا در مواقعی می توان استفاده کرد که روند قبلی نه تنها همسو ، که حتما STR نیز باشد!

## روز پنجاه و نهم.

### تفاوت یک دره یا قله «کامل» ، با یک «فراکتال» :

باخودم اینطور فکر کردم که شاید بهتر باشد برای امروز ، از تاکید بر تفاوت یک «دره یا قله کامل» با یک «فراکتال» شروع کنم، که می دانم قاعدتا اشکال بسیاری از شما است!

لطفا به سوالی که آقای «شاگرداول» پرسیده اند ، دقت بفرمایید:

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله sezar\_ironi

استاد تو شکل زیر که مربوط به تایم 15 پوند دلار هست طبق شکل بر اساس آخرین دره تایم 15 اقدام به گذاشتن پوزیشن شده حالا طبق عکسهای آقای شرلوک هولمز میتونیم سل دو بخشی رو یک بخشش رو اونجایی که با علامت سوال مشخص کردم بذاریم و بخش دوم در جایی که هست؟



سلام شاگرد اول عزیز. / در پاسخ به شما باید عرض کنم که : خیر!

اگر میخواهید برمبنای شکست روند کوتاه مدت M5 وارد بازار بشوید، باید حتما به تایم فریم M5 رفته ،

و سفارش خودتان را در زیر آخرین «دره کامل» از M5 قرار بدهید!

در نقطه ای که شما با علامت سوال (یعنی ؟) مشخص کرده اید،

اگر نقطه مورد اشاره ، آخرین «دره» از تایم فریم M5 بود ،

قطعاً می شد در زیر آن پوزیشن گرفت و برمبنای شکست روند صعودی M5 به بازار وارد شد.

ولی فعلا در شکلی که شما گذاشته اید،

آن نقطه هنوز تبدیل به یک «دره ی کامل» نشده است! / زیرا قیمت هنوز از آخرین «قله قبل از آن» عبور نکرده است!!

اگر حرفهایم برایتان ناواضح است به این دلیل است که احتمالا تفاوت یک «فراکتال» یا «های و لوی ساده» را با یک «قله یا دره کامل» نمی دانید!

به این نکته کنکوری (!) دقت کنید شاید متوجه منظورم بشوید!

### نکته - نحوه تشخیص یک قله یا دره «کامل» از یک فراکتال معمولی :

- صرفا دره ای یک «دره کامل» است ، که قیمت از آخرین قله قبل از آن عبور کرده باشد!  
ویا برعکس :

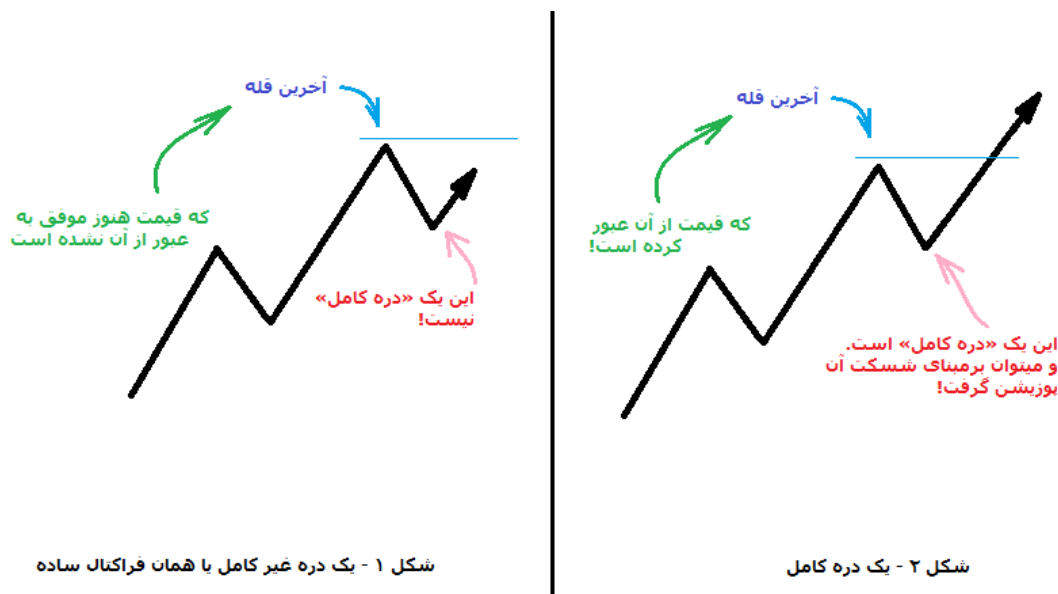
- صرفا قله ای یک «قله کامل» است ، که قیمت از آخرین دره ما قبل آن عبور کرده باشد!  
چی شده؟!

پس چرا قیافه هایتان همه این شکلی شده است؟!!

ای بابا ... مگر بازهم متوجه نشدید؟!!

می دانم! حتما یک «شکل» لازم دارید!

بفرمایید این هم یک «شکل» داغ و تازه از تنور در آمده :



شکل شماره (2) یک «دره کامل» را نشان میدهد، چراکه قیمت فرصت عبور از سقف آخرین قله ماقبل را داشته است!

لذا می توانید به هنگام معامله برمیاب شکست روند صعودی ، از این «دره» بعنوان نقطه ای برای ورود استفاده نمایید!

درحالیکه در شکل (1) چون هنوز قیمت نتوانسته است از سقف آخرین قله عبور نماید،

بنابراین آن دره ای هم که در انتهای نمودار مشاهده میکنید، صرفا یک فراکتال ساده است، و نه مطلقا یک دره کامل!

و نمیتوان برای اطمینان از شکسته شدن روند صعودی ، به روی عبور قیمت از چنین دره ای حساب باز کرد!

### کاربرد قله ها و دره های «کامل» در شکست روند:

بنابراین باتوجه به همه آنچه که گفته شد ،

به هنگام اوردگذاری برمیاب شکست روند کوتاه مدت M5 باید به این نکته دقت کرده باشید که

حتما سفارش خودتان را در انتهای یک قله یا دره کامل تعریف کرده باشید!

نه اینکه یک «فراکتال ساده» را به اشتباه مبدا شکست روند، و ثبت سفارش خودتان در نظر بگیرید!

اگر دقت کرده باشید ، قله ها و دره های کامل ، در یک جای مهم دیگری هم برای تان کاربرد داشته اند؟!

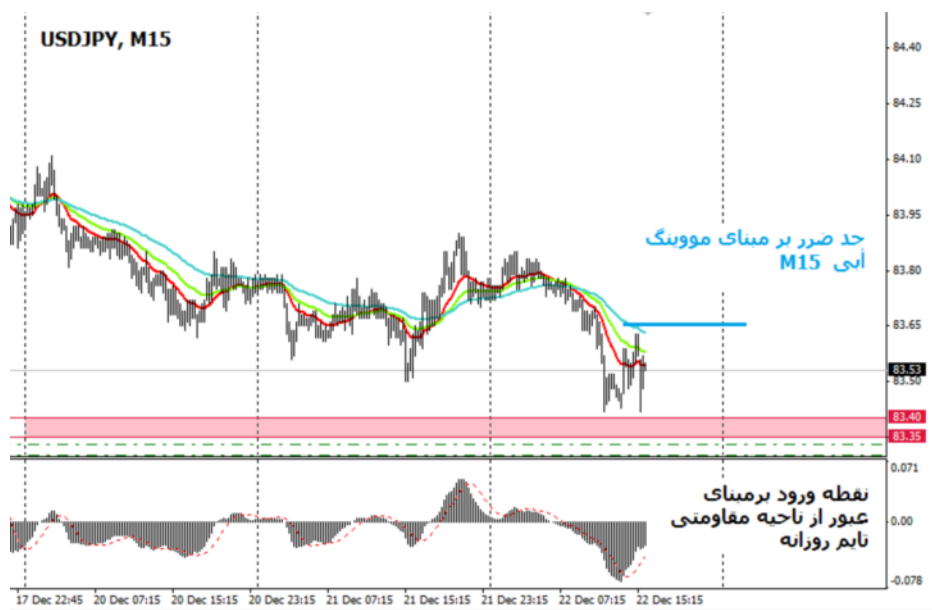
آیا یادتان هست که کجا بود؟! / به هنگام تعیین «استاپ لاس» ویا همان «حضرر»!

هنگامیکه میخواهید از قله یا دره ای بعنوان یک سنگر برای پناه گرفتن استفاده کنید، حتما باید آن قله یا دره ، یک قله یا دره ی «کامل» باشد!

این نکته به ویژه به هنگام تعیین استاپ لاس در تایم فریم **M15** نمود پیدا می کند!

بعنوان مثال به شکل زیر - که از تصاویر شرلوک هولمز است - دقت کنید:

### تصویر شماره (3) شرلوک هولمز:



شرلوک هولمز در این شکل نمی توانسته در بالای آخرین قله ای که در نمودار مشاهده میکنید ، سنگر بگیرد!

زیرا آن نقطه هنوز تشکیل یک «قله کامل» را نداده است!

در واقع باتوجه به آنکه قیمت هنوز از کف **83.40** عبور نکرده است،

لذا آن قله ای هم که در حوالی **83.60** مشاهده میکنید، صرفا یک فراکتال ساده است،

و مطلقا نمی تواند نقش یک **قله کامل M15** را برای استفاده بعنوان «حضرر» ایفا کند!

پس شرلوک هولمز بی نوا ، مستاصل از همه جا! ، مجبور شده است تا برای خودش،

طبق قاعده «حداکثر استاپ لاس معقول» از **مووینگ آبی M15** بعنوان حدضرری منطقی و در دسترس استفاده نماید!

با همان استدلال معروفی که «اگر قیمت از مووینگ آبی **M15** بالاتر برود، آنگاه سفارش مذکور خودبخود حذف میگردد!»

دوستان عزیز و مشاورین گرانقدر جناب شرلوک هولمز!!

همانطور که ملاحظه میکنید، کلیه تصاویر شرلوک هولمز ، اندکی پیچیده تر از آنی بوده اند که شما فکر میکردید!

و بدون تعارف بگویم که متأسفانه هنوز، ندرتا پستی را در تاپیک پرسش و پاسخ مشاهده کرده ام،

که توانسته باشد کلیه نکات ریز و درشت لازم را ، به شرلوک هولمز بی نوا (!) برای انجام ماموریش گوشزد نماید!

## درباب ورود زودهنگام:

متاسفانه مقوله بسیار مهم «روش ورود زودهنگام» در هیاهوی تعطیلات کریسمس گم شد!

و فرصت نشد تا به اندازه کافی به اهمیت آن پرداخته گردد!

انتظار می‌رود که پس از بازگشایی مجدد بازار، شاگرداولها در تایپک تریدینگ روم، به اندازه کافی بر روی این روش تمرکز نمایند.

تا موضوع کاملا برای سایرین نیز جا بیافتد!

درواقع «روش ورود زودهنگام» اساسا طراحی شده است،

تا از پتانسیل قدرتمند بازار به هنگام خروج از شرایط رنج - که یکی از بهترین موقعیتها برای سودآوری است - استفاده کافی گردد! / لطفا به پرسش زیر توجه بفرمایید:

### نقل قول: نوشته اصلی بوسیله mahana

جناب مشهوری نژاد با سلام: / ممنون از توجهی که میفرمائید.

مسلم است که تجربه و تمرین کارگشای بسیاری از مشکلات ما است

بنده قصد سخت گیری نداشتم بیشتر بدنال مرتب کردن و دسته بندی موقعیتها بودم

حتما جنابعالی بهتر میدانید که:

**1- زمانیکه روند تغییر میکند زمان بیشتری نیاز است تا مووینگها شرایط ایده ال ترید را فراهم کنند.**

**2- و بطور مثال هنگامیکه بازار در شرایط رنج قرار دارد و سپس مووینگها در یک جهت وهر 3 باهم کراس میکنند و با شیب مناسب حرکت میکنند سریعتر به موقعیت ترید میرسند.(وشاید بهترین حالت)**

با این توضیحات به ذهنم رسید شاید بتوان با شرایطی زودتر وارد معامله شد. که توضیح جناب مجیدی در مورد روش پیشرفته انرا تکمیل کرد. / با سپاس

مواردی را که بنده در نامه شما، با شماره های یک و دو و با رنگهای قرمز و آبی برجسته کرده ام، اساسا دو مقوله کاملا متفاوت هستند!

که هریک روش و سبک معاملاتی خاص و منحصر بفردی را می طلبند!



چون روند بطور کامل تغییر کرده است، باید ابتدا آنقدر صبر نمود تا ارایش مووینگها مجددا منظم شود

در حالت شماره (1) که بقول شما بازار در حال تغییر روند است،

و بعنوان مثال روند دارد از حالت صعودی به نزولی تغییر فاز میدهد (مانند شکل زیر)، مطلقا نباید عجله کرد!

و باید تا مناسب شدن آرایش مجدد مووینگها، صرفا صبر و نظاره نمود!

شاید تنها روش برای ورود زودتر از موعد، به چنین موقعیت هایی که پس از تغییر یک روند قدرتمند ایجاد میشوند ، صرفا همان «ورود پلکانی» باشد ،

که بعنوان مثال ابتدا صرفا با یک پوزیشن تک بخشی و با حجم کمتر وارد بازار شوید ،  
و سپس اگر بازار به خوبی و منطبق بر جهت دلخواه شما پیش رفت ،  
با تریلینگ کردن استاپهای قبلی خودتان ، پوزیشنهای جدید تری را اضافه نمایید.

وقتی که قیمت هنوز در نقطه A قرار دارد  
این سفارش را ثبت میکنیم



ورود زود هنگام منطبق بر روند قبلی و بهنگام رنج شدن بازار

**اما در حالت دوم ،** یعنی هنگامیکه بازار برای مدتی نسبتا طولانی در حالت رنج و بدون جهت قرار دارد ،  
و بقول ویلیامز کبیر مانند تمساحی بوده که پس از خوابی طولانی ،  
تازه میخواهد بیدار شود و از گشنگی دهان خودش را باز کرده و به جان بازار بیافتد!!

این حالت یکی از بهترین و سودآورترین شرایط برای ورود به موقع به بازار خواهد بود!

که ما نیز این کار را با استفاده از «روش ورود زود هنگام» انجام میدهم.

یعنی در نقطه A درحالیکه هنوز مووینگها ، فاصله و شیب ایده آل خودشان را پیدا نکرده اند،

و قیمت نیز هنوز از وضعیت NTZ بطور کامل خارج نشده است،

ولی ما پیش دستی میکنیم!

و با ثبت سفارش خودمان در انتهای بلندترین قله یا دره ، به انتظار بیدار شدن بازار و خروج آن از ناحیه رنج می نشینیم!

و با تبحر و تجربه ای که از قبل با تمرین و ممارست فراوان بدست آورده ایم ،

می دانیم که دقیقا سفارش خودمان را در کدام نقطه باید بگذاریم ،

که در صورت رسیدن نمودار به آن نقطه ،

مووینگها نیز تا آن زمان ، قطعا آرایش مناسب و موردنظر ما را پیدا خواهند کرد!

فقط مجددا تاکید می کنم که همانطور که قبلا گفته ام در «روش ورود زود هنگام» باید:

**اولا** روند قبلی ، کاملا همسو و همجهت با پوزیشن شما باشد.

**و ثانيا** در تایم فریم یک درجه بالاتر نیز ، مانند M30 و H1 ، روند جاری نه تنها همسو ، که حتما STR نیز باشد!

پس فلسفه «روش ورود زود هنگام» دقیقا همین بوده است ،

که از چنین حرکت‌های قدرتمندی که بلافاصله پس از خروج بازار از شرایط رنج ایجاد میشوند، نهایت استفاده را برده و بی جهت در انتظار برای مهیا شدن آرایش نهایی مووینگها ، باقی نمانیم! و بی دلیل بخش بزرگی از چنین حرکات پر قدرت و سودآوری را از دست ندهیم! بسیار خوب، / تا اینجا را که مطالعه فرمودید ،

حال می رسیم به نامه دوم ، که در واقع ترمزی برای نامه اول است!!!  
مرسی به شما ، که نامه هایتان را اینقدر از سر نظم و قاعده ، برای من می فرستید!  
که من بتوانم آنها را یکی یکی بچینم ، و همه حرفهایم را به ترتیب بزنم !!!

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله sadeghdota

با سلام یک سوال که از اول تایپک تا حالا پیش خودم نگاه داشتم و الان می خوام بازگو کنم رو میگم

استاد آیا در روش شما می شه از این حرکت استفاده کرد؟

۱۵ دقیقه (تصویر موجود نبود)

۱ساعته (تصویر موجود نبود)

ارتباطی با ورود زود هنگام داره؟

با تشکر از شما / بدرود

در هیچکدام از روشهای بنده (یعنی PTM ساده - متوسط - پیشرفته - فوق پیشرفته - مافوق تصور بشری!! ) چنین حرکت خطرناکی و نامطمئنی ، قابل استفاده نمی باشد!

زیرا در تایم فریم M15 یک روند صعودی داشته ایم که ناگهان و به شدت شروع به ریزش نموده است،

و سرعت این ریزش به حدی بوده است ، که مدتها طول کشیده تا مووینگها بتوانند خودشان را به آرایش لازم برسانند!  
و باتوجه به آنکه فاصله و شیب مووینگها از حداقل مقدار لازم نیز برخوردار نبوده است،

لذا مطلقا نمیتوان به ثبات و پایداری چنین روندی ، اطمینان نمود!

و هر لحظه احتمال بازگشت مجدد آن به سوی بالا وجود داشته است!

علاوه بر آنکه حتی نمیتوان سنگر مناسبی را برای پناه گرفتن در پشت آن پیدا کرد!

(لطفا خودتان یک نگاه بیاندازید ، و ببینید که آیا شما می توانید یک SL مناسب پیدا کنید؟!)

البته اگر روش ترید کسی بعنوان مثال در تایم فریمهای بزرگتری همچون H1 باشد،

مسلمتا می تواند از چنین موقعیتی نیز استفاده لازم را ببرد!

و بعنوان مثال حدضررش را نیز در محدوده مناسبی ، شاید در حدود صد پیپ بالاتر!! ، در نظر بگیرد.

ولی با روش فعلی ، که ما با آن در تایم فریمهای کوچکی همچون M15 و M5 ترید میکنیم،

مطلقا نباید به چنین حرکت های سریع ، و تغییر روندهای پرشتابی ، اطمینان نمود!

به بیان ساده تر ، این «موج» که شما بر روی آن انگشت گذاشته اید ،

یک «موج» از ابعاد تایم فریم H1 است. و در همان تایم فریم نیز ایجاد گشته است!

درحالیکه روش ترید ما ، صرفا به جستجو برای شکار امواج M5 می پردازد!

ببخشید ... !؟

... یک لحظه اجازه بدهید تا بینم این دوستانان چه می گویند؟!

مریم خانم - آقا پشوتن ، پس تکلیف این حرکات پرسرعت چی میشه ؟!

مجید بازی گوش - یعنی بازار صد پیپ بره ، و من بچه مشهدی (!) یک پیپ هم از اونو نگیرم؟!!!

شاگرد اول - ببخشید استاد ، آیا چکار باید کرد که چنین موجهایی از دست ما در نروند! و بتوانیم آنها را نیز شکار کنیم؟!!

جواب همه شما این است که:

- «هیچی !!

» مگر قرار است هر حرکتی که در بازار ایجاد می شود ، شما هم حتما از آن ، به زور سود بگیرید؟!!!! «

اصلا فرض کنید تمامی موج به این بزرگی قرار است بطور کامل از دست تان برود !

مگر اشکالی دارد؟!!!!

و فرض کنید که شما اصلا یک پیپ هم از آن را نتوانید بگیرید!! آیا دنیا تمام خواهد شد؟!

و آیا در این صورت ، روش ترید شما ناموفق و ناقص خواهد بود؟!!!!

و اصلا مگر این مسابقه **Need For Speed** است که قرار باشد هرچه موج ریز و درشت که در مارکت ایجاد شد ،

و یا از جلوی چشم شما گذشت ، همه آنها را تعقیب نموده ،

و همگی آنها را ، بدون استثنا و بدون کم و کاست ، بطور کامل شکار نمایید ؟!!!!

هدف از «ترید» کردن ، «پول» درآوردن است! بازی کامپیوتری که نیست!

که بخواهید از هر موقعیتی که در مقابلتان قرار گرفت ،

نهایت امتیازات لازم را برای عبور از آن مرحله ، کسب نمایید!!

مطمئنا با هر روشی که ترید کنید، بالاخره تعدادی از امواج ، و برخی از حرکات حتی بعضا بزرگ را از دست خواهید داد،

چون قاعدتا بسیاری از حرکات ، علی رغم آنکه حرکات خوبی هستند ولی منطبق بر روش و سبک معاملاتی شما نیستند!

و این اصلا جای هیچگونه نگرانی ندارد!

چون شما با روش خودتان به اندازه کافی امواج مناسب و موقعیت های ایده آل برای ترید کردن پیدا خواهید کرد،

که مجبور نباشید غصه از دست رفتن هر حرکت دیگر و هر موقعیت مشکوک اضافه ای را بخورید!



- اگر چنین ذهنیتی دارید که یک «**تریدر حرفه ای**» کسی است که در تمامی لحظات بازار، الزاما دارای پوزیشن باز باشد!

- و یا یک «**روش ترید خوب**» روشی است که نگذارد حتی کوچکترین حرکتی از زیر دست شما در برود!

بدانید و آگاه باشید که سخت در **اشتباه** هستید!

و اصلا و ابدا چنین قراری نیست که شما تمامی حرکات ریز و درشت مارکت را بزور شکار نمایید!

بلکه شما صرفا قرار است که در طول روز، دقیقا مانند کسی که برای خرید به فروشگاه بسیار بزرگی رفته است،

از بین تمامی حرکتهایی که بر روی زوج ارزهای مختلف ایجاد میشوند،

صرفا تعداد بسیار انگشت شماری را، که کاملا مطمئن و منطبق بر روش و سیستم معاملاتی شما باشند،

از میان آنها گلچین نموده،

و از هر کدام نیز صرفا به اندازه مثلا 20 الی 50 پیپ را، برای خودتان برداشت نمایید!

اگر براین دیدگاه **غلط** اصرار بورزید که :

**- «من باید تمامی حرکات بزرگی را که در بازار ایجاد میشوند، حتما بگیرم!!»**

در آنصورت دچار چنان وسواسی می شوید! / که باید بیست و چهارساعته به چارت بچسبید

تا مبادا اگر سرتان را برگردانید ناگهان یکی از زوج ارزها، چند صد پیپ را به سرعت پرش کند!

و شما، مایوس و سرخورده، از آن جا بمانید!

در آنصورت است که مجبور می شوید تا مسافرت رفتن و مهمانی رفتن و رستوران رفتن و سینما رفتن و ورزش کردن و با خانواده

بودن و حتی خوابیدن و استراحت کردن را .....

... همه و همه را کاملا تعطیل نموده، / و صرفا تمام زندگی خودتان را به همین امر اختصاص دهید!

که دو دستی بچسبید پای چارت! / و پاهای خودتان را هم با زنجیر به لپ تاب وصل کنید!!

تا مبادا زوج ارزی ببرد .... و شما از آن جا بمانید!!

یادتان باشد که همه **هدف و وظیفه اصلی** ما این است که در طول روز

صرفا دو الی سه موقعیت حتی کاملا کوچک را پیدا کنیم، / که مثلا بتوانند صرفا 20 الی 30 پیپ را نصیب ما نمایند!!

خودتان بروید و بر روی کاغذ محاسبه کنید که حتی چنین سودهای بسیار اندکی،

اگر براینشان را در طول هفته و ماه و سال حساب کنید، به چه مبالغ نجومی دست خواهید یافت؟!

پس وسوسه شکار تمامی حرکتهای غول آسای چند صدپیپی را از ذهن خودتان خارج کنید!

و یادتان باشد که ارزش سه پوزیشن صرفا 30 پیپی،

که هر روزه میتوانید مثل آب خوردن مشابه آنها را پیدا کنید، / دقیقا معادل یک تارگت 100 پیپی خواهد بود!

که حتی شاید هر دو سه هفته یکبار نیز نتوان به سادگی آن را شکار کرد!!

### تصاویر شرلوک هولمز - سری دوم!

خلاصه از قبل -

شرلوک هولمز در تلاش برای دستیابی به راز موفقیت گروهی از تریدرهای ناشناس ایرانی، مخفیانه به مقرر استادبابا وارد می گردد،

و در میان اسناد و مدارک موجود در آن محل، چشمش به تعدادی از تصاویر گنگ و نامفهوم میافتد!

در پشت هر یک از عکسها، صرفاً چند کلمه و عبارت مختصر، که مشخصاً دست خط هایی از استادبابا می باشند، دیده می شود.

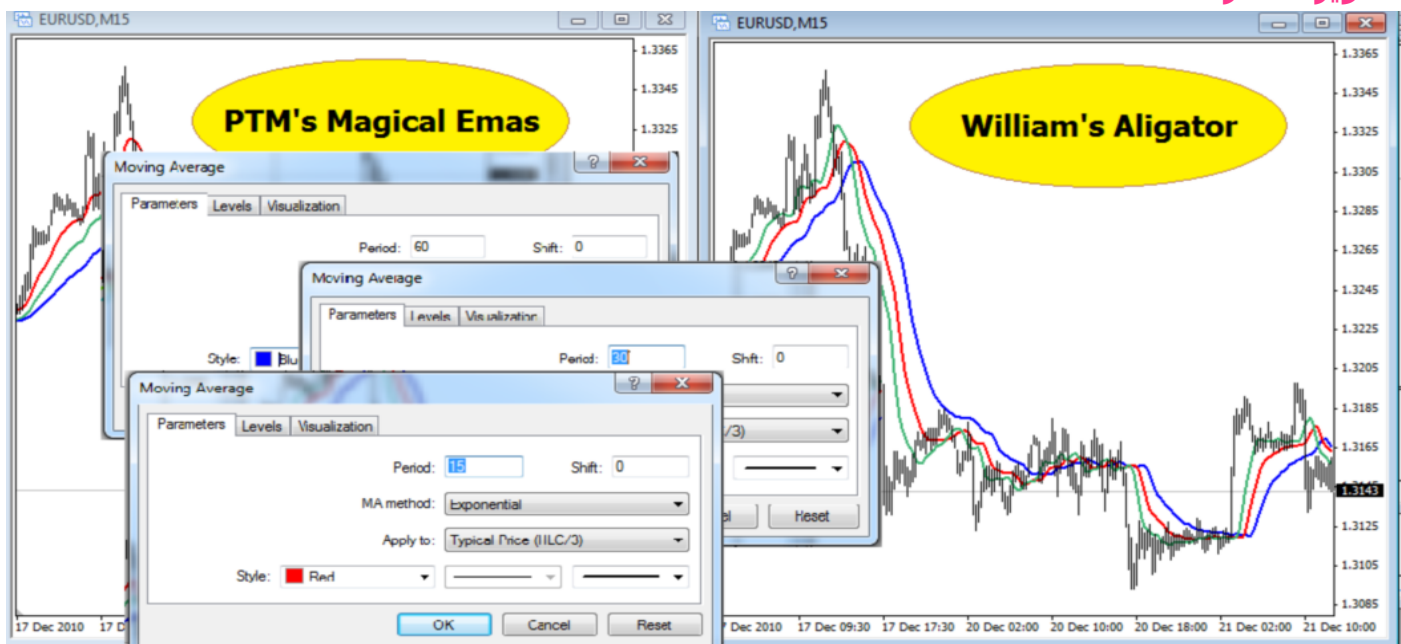
به شرلوک هولمز کمک کنید تا معنی تصاویر زیر را بفهمد!

**متن پشت عکس: از استادبابا به آذرباد - KILL THE BILL**

تصویر شماره 1:



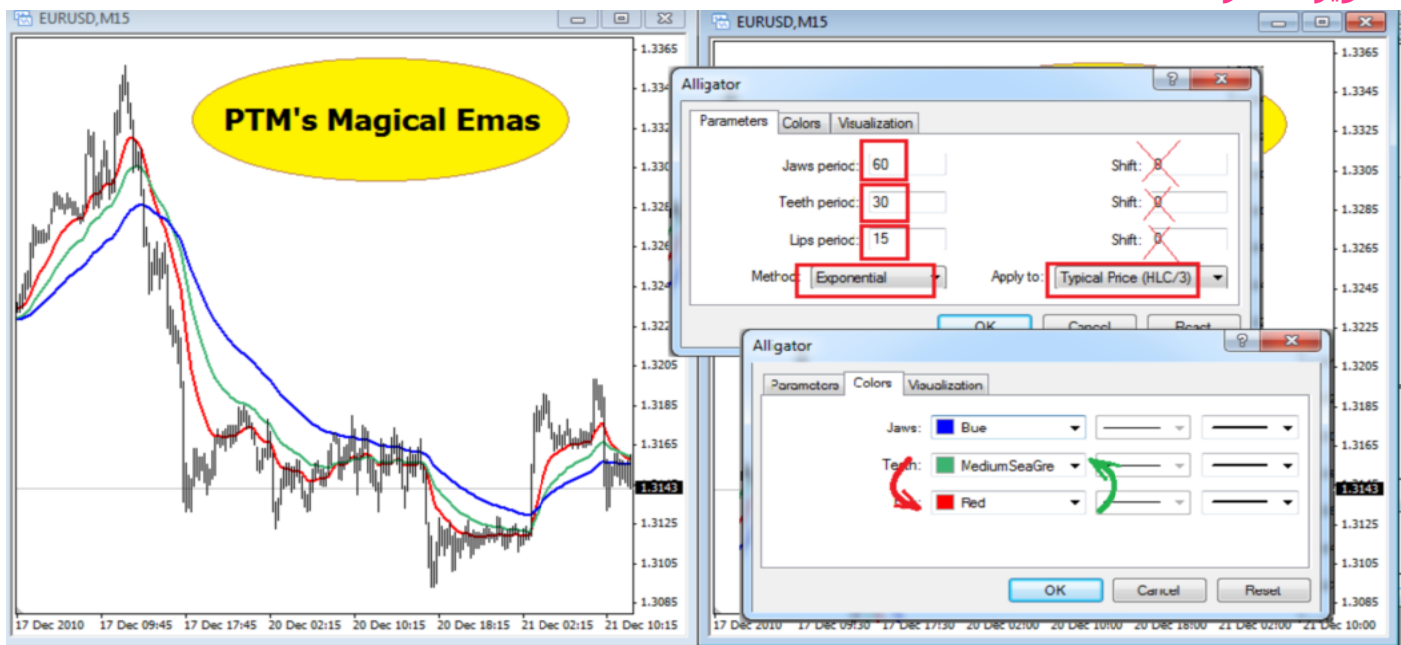
تصویر شماره 2:



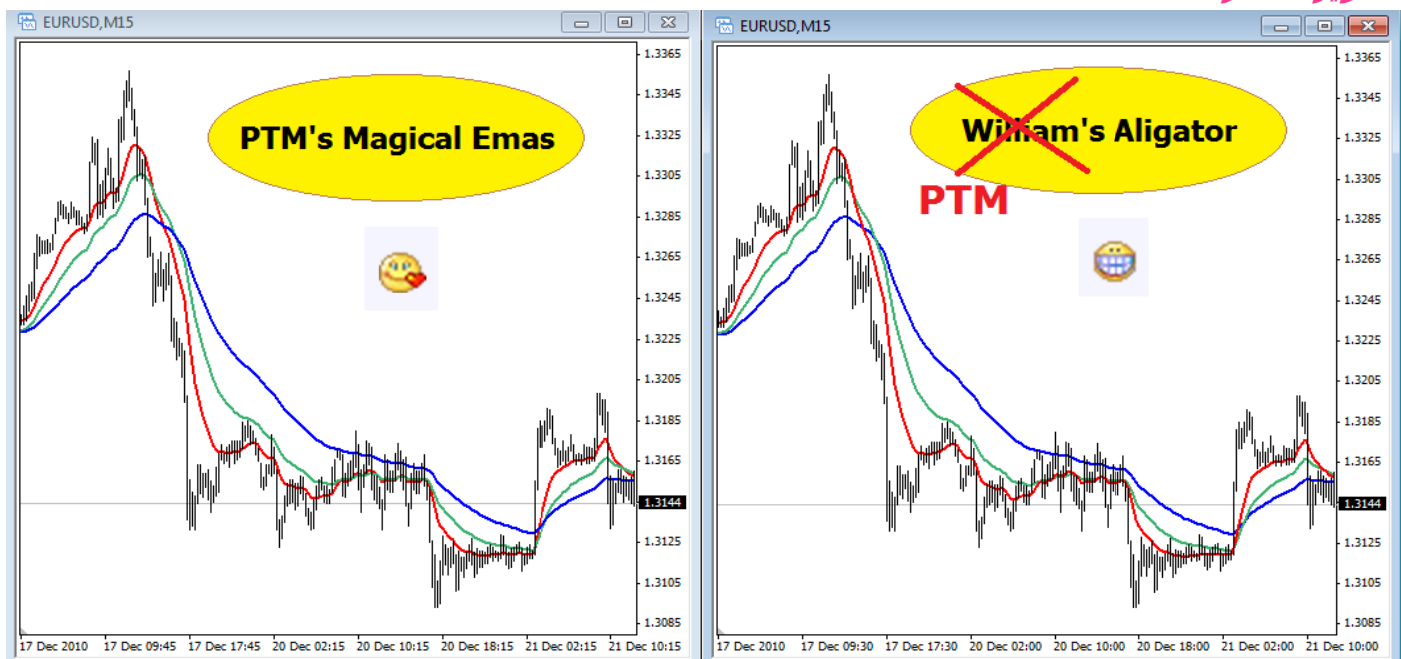
تصویر شماره 3:



تصویر شماره 4:



تصویر شماره 5:



امروز برخلاف چند روز اخیر، و علی رغم انتظار قبلی، تا این لحظه بازار بسیار خوبی را شاهد بوده ایم! به نظر می رسد که تریدرهای خرده پا - مانده بنده و شما - طاقت نیاورده اند که به روال هر سال تا پایان هفته دوم را، برای آغاز به ترید کردن، صبر نموده و منتظر بمانند!! و لذا از همان ساعات آغازین امروز، با کوبیدن مشت خود بر روی دکمه های بای و سل! سکان حرکت بازار را از چنگال سرمایه گذاران کلان خارج نموده، و در دستان خود گرفته اند!!

### بحث امروز را با یک «معما» آغاز میکنم!

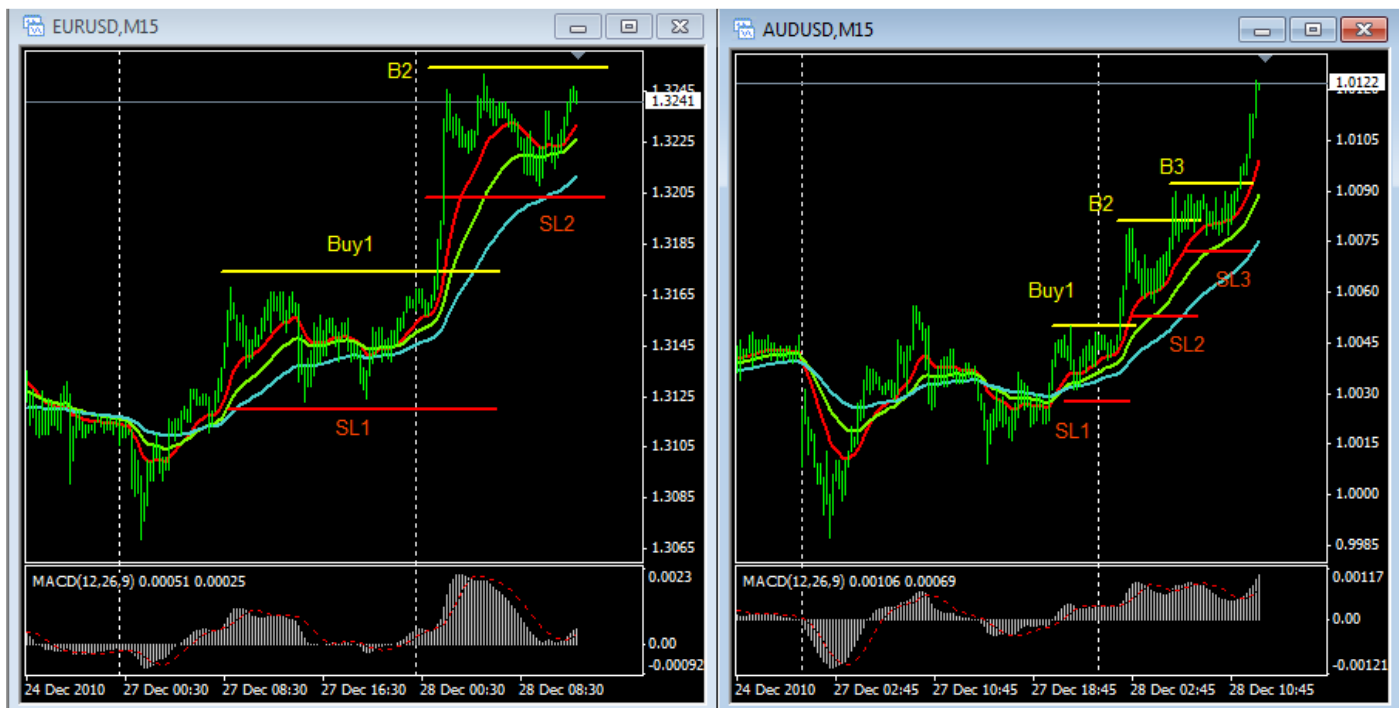
که چون سطح آن اندکی از ضریب هوشی جناب شرلوک هولمز عزیز بالاتر بود (!!)

توانستم آن را بعنوان بخشی از مجموعه دنباله دار «تصاویر شرلوک هولمز» خدمتان ارایه نمایم!

و لذا به همین تیتراژ فعلی یعنی «معمای تصویری» ویا حتی «معمای خالی!» بسنده می کنم!!

### معمای تصویری :

در شکل زیر، که متعلق به وضعیت امروز ارزهای «یوروی اروپا» و «دلار استرالیا» می باشد، و تایم فریم 15 دقیقه هر یک از آنها را نشان میدهد، کدام استاپ ها به اشتباه تعیین گشته اند؟!؟



اولا - تعداد استاپ های اشتباه صرفا 2 عدد است !

و دوما - دلیل اشتباه بودن آنها ، بر مبنای بحث اخیری است که درباره «قله ها و دره های کامل» داشته ایم!

**مژده:**

یک خبر خوش هم خدمتتان بدهم !

راستش چند روزی بود که اندکی نگران بودم!

چون باتوجه به آنکه آغاز آموزش «**روش PTM - سطح دوم**» مستلزم بازار نسبتا پر قدرت تری بود. اندکی نگران بودم که با وضعیت کسادى که بازار طی روزها و هفته های اخیر داشته است،

پس چگونه می توانم طبق زمانبندی از پیش تعیین شده برای این «دوره صدروزه» ، به موقع آموزش آن را شروع نمایم؟  
که هم منطبق بر برنامه ریزی آموزشی ما باشد ، و هم به طبق روال این تایپک ، با شرایط واقعی بازار نیز همخوانی لازم را داشته باشد!!

که خوشبختانه مانند تمام وقایع عجیب و غریب و غیر معمول دیگری که به کرات در طول این تایپک رخ داده اند!!! این بار نیز شانس با شما یار بود!

و با این حرکات پر قدرت و زود هنگامیکه بازار برخلاف قاعده هر سال آغاز کرده است ،

انشالله میتوانیم از همین امروز و فردا بحث روش «**نیمه پیشرفته!**» خودمان را آغاز نماییم!

## روز شصت و دوم.

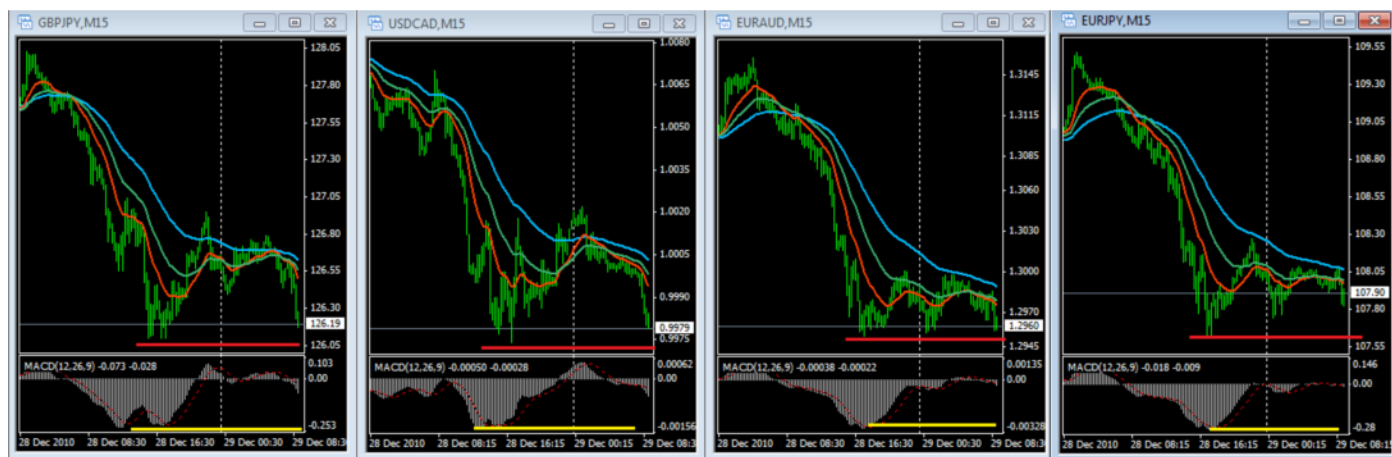
### مثالی دیگر از مقوله «مکدی و سقف و کف» :

#### اتومبیلی بدون بنزین پارانه ای !

سلام!

قبل از اینکه پاسخ «معمای دیروز» را بدهم ، میخواستم توجه شما را مجدداً به مبحثی که اخیراً در باب «مکدی و سقف و کف» خدمتتان عرض کرده بودم، جلب نمایم.

در تصویر زیر ، وضعیت فعلی چند زوج ارز را مشاهده میکنید:



همانطور که ملاحظه فرمودید، در تمام نمودارهای فوق، در حالیکه «قیمت» در حال شکستن کف دیروز خودش است،

ولی «مکدی» هنوز به نصف اندازه کف دیروز خودش هم نرسیده است!

در تمام شکل های فوق «کف قیمت» را با خطی قرمز رنگ ،

و «کف مکدی» را با رنگ زرد نمایش داده ام.

اگر خاطرتان باشد قبلا تذکر داده بودم که اگرچه اسم وضعیت فوق مطلقا «واگرایی» نیست، ولی بازهم می تواند نشانه ای بر کاهش قدرت جاری در مارکت ، و هشدار برای عدم ورود به بازار باشد!

بعنوان مثال برای درک بهتر موضوع ، می توانید باخودتان چنین فرض کنید که «قیمت» مانند یک اتومبیل است!

و «مکدی» مقدار بنزین درون باک این اتومبیل را نشان میدهد!!

و درست است که دیروز حرکت بزرگی در مارکت ایجاد شده ، و «قیمت» مسیری طولانی را از بالا تا پایین چارت، یک نفس طی کرده است.

ولی شرایط امروز با دیروز کاملا متفاوت شده است !

زیرا دیروز «قیمت» درحالی آن مسیر طولانی را طی نموده است ، که باک ماشینش کاملا پر بوده !

ولی درحالیکه امروز و باتوجه به شرایط فعلی مکدی ، مقدار بنزین درون باک ، حتی به نصف اندازه دیروز آن هم نرسیده است!

پس مسلما نمی توانیم امیدوار باشید که امروز نیز «قیمت» بتواند حرکتی را با همان مقدار بزرگی و وسعت دیروز ، انجام بدهد!

خلاصه آنکه حواستان را جمع کنید و مواظب باشید !

که خدایی نکرده «طمع» باعث بسته شدن چشمان شما بر روی حرکات مکدی ،

و گرفتار شدنتان در دام پوزیشنهایی ، که نه در آنها راه پیش داشته باشید و نه راه پس ، نگردد!

درواقع «مکدی» و «طمع!» دو عاملی هستند که همواره با یکدیگر درحال تنش و کشمکش بوده !

تا نهایتا یکی از آن دو ، بر دیگری غلبه کرده و موجب ورود یا عدم ورود شما به معامله مذکور گردند!!!

و آخرین نکته هم اینکه اگر درباره نمودارهای فوق ، از شاگردان و اولیای عزیز آقایان سیناملکی و علیرضا ایرونی بپرسید،

اولی چهارتا «پترن زرافه!!» برایتان پیدا خواهد کرد، و دومی چندتا «موج مقلد» !!

## گل های کاغذی :

فکر میکنم حوالی روزهای چهارم یا پنجم این تایپیک بود که به شما قول داده بودم روزی «داستان مهسا» را برایتان تعریف خواهم کرد.

همان مهسای معروف! که همین چند روز پیش ، خبر پیوستن او را به جمع گرم و صمیمی مان اعلام کردم!

امروز فرصتی دست داد تا از میان آرشیو نامه های قدیمی ترم بگردم،

و یکی از اولین نامه هایی را که ایشان برای من نوشته بودند، پیدا کنم.

نامه ای که طی آن شرح مختصری از وقایع و دشواریهایی را - که به نام فارکس و به کام دیگران بر وی تحمیل گردیده بود - برای من بیان کرده اند...

این مقدمه را بیشتر از این طول نمیدهم!

زیرا که میدانم در حدود شصت روز است که منتظر شنیدن «داستان مهسا» هستید!

فقط تاکید میکنم که کلیه وقایع و رخدادهای مذکور در این سرگذشت ، همانند آی دی و نام مهسا ، کاملاً واقعی و مستند می باشند!

### نقل قول:

نوشته اصلی بوسیله \*mahsa\*

با عرض سلام خدمت شما استاد گرامی

استاد مدت ها بود که می خواستم نامه ای

برای شما بنویسم و از شما برای حل مشکلی که داشتم کمک بگیرم

اما اکنون که در حال نوشتن این نامه هستم و به اتفاقاتی که برای من

در این مدت کوتاه افتاده فکر می کنم

نمی دانم چطور و از کجا باید شروع کنم

اسم من مهساست و 25 سال دارم

و تا چند ماه پیش خودم را انسان موفقی می دانستم که در هر کار و

رشته ای که قدم می گذاشتم می توانستم بسیار سریع تر از بقیه به موفقیت برسم

کار و در آمد خوبی داشتم و البته روحیه ای جسور و ما جراجو

و همین روحیه باعث شد که با دیدن تبلیغات فارکس در سطح شهر

بسیار کنجکاو شوم و بعد از کمی تحقیق درباره فارکس

فهمیدم که با شغل رویایی خودم روبرو هستم

و احتمالاً باورش برای شما هم مشکل است که کارم را در همان هفته اول کنار گذاشتم

و تمام وقت و انرژی و البته پس اندازم را هم صرف فارکس کردم

بعد از چند روز تحقیق برای پیدا کردن یک موسسه آموزش فارکس

به پیشنهاد یکی از دوستان برای ثبت نام به یکی از شرکت های فارکس رفتم

و باید اعتراف کنم که در آن شرکت همه چیز کاملاً حساب شده

و بر نامه ریزی شده بود

فضایی بسیار شیک و کارکنانی بسیار شیک پوش و متشخص

که البته به شیوه کار شرکت های هر می اصلاً خودشان را مشتاق حضور من و

جذب سرمایه ام نشان نمی دادند

بعد از کمی انتظار بالاخره موفق شدم با مشاور شرکت

صحبت کنم و باز هم اعتراف می کنم که شخصیت و شیوه رفتار و

صحبت آنها به شکلی بود که اعتماد هر انسانی را به سادگی جلب می کرد

استاد باور کنید هر لحظه که می گذشت

اطمینانم به اینکه جای درستی آمده ام بیشتر و بیشتر می شد

و البته بارها و بارها خدا را به خاطر این لطف بزرگ و آشنایی با چنین انسان هایی شکر کردم ،

این مطلب را گفتم تا بدانید چیزی که من از دست دادم فقط پول نبود ،

ایمان بود ، عشق بود

و علاقه و اعتماد به هم وطنانم بود که از دست رفت .

و در نهایت با تعریف هایی که مشاور

شرکت از کلاهبرداری های شرکت های مختلف کرد حقیقتاً ترسیدم

و تصمیم گرفتم که حتماً با همین شرکت کارم را شروع کنم

و بعد هم شرایط کلاس و شهریه مطرح شد که البته کمی زیاد به نظر می رسید

اما خوشبختانه جناب مشاور خیلی زود مرا با پیشنهادی سخاوتمندانه غافلگیر کردند تا این مشکل هم حل شود

به این صورت که من می توانستم با افتتاح حساب از طریق آنها و شارژ حساب به مبلغ \$5000

از آموزش رایگان استفاده کنم و در طول دوره آموزشی هم ،

تیم ترید شرکت مسولیت معاملات و حساب من را بر عهده می گرفتند

تا من بتوانم تنها بر آموزش تمرکز کنم و در کنار آن سود هم دریافت کنم

و چه چیزی از این بهتر می شد برای یک تازه کار ؟؟؟؟

البته که من هم قبول کردم و به سرعت مقدمات افتتاح و شارژ حساب را فراهم کردم

و باید خدمت شما عرض کنم که هر اندازه سرعت در افتتاح و شارژ حساب سریع و فوق العاده بود

به همان نسبت روند آموزشی کند بود و خسته کننده ،



شاید به این خاطر بود که آموزش محدود به روزهای تعطیل بازاری شد  
و ما هر چه می دیدیم مربوط به گذشته بازار بود و روند هایی که به پایان رسیده بودند  
اما استاد شما بهتر از هر کسی می دانید

که این غول خفته روزهای شنبه و یکشنبه کجا و آن اقیانوس نا آرام روزهای دیگر کجا؟؟  
و در نهایت هر چه می گذشت فارکس برای من کاری دشوار تر می شد با قوانینی مبهم و پیچیده تر  
اما یک چیز را به خوبی در این مدت آموزش دیدیم  
که ضرر کنیم و نترسیم و در مورد سرمایه ای که داشتیم هرگز نپرسیم چرا  
باید هر روز را با ضرر به پایان ببریم و فقط دعا کنیم که فردا ضرر هایمان از امروز بیشتر نشود  
باور کنید که دیگر تحمل این شرایط را نداشتم و از طرفی هم  
مطالبی که به من گفته بودند - آن هم در روزهای تعطیل - جوابگوی نیاز های من در نوسانات بازار نبود  
من که تصمیم گرفته بودم که همان مقدار پولی که برایم مانده بود را به هر قیمتی حفظ کنم  
(حسابی که از نصف مبلغ اولیه هم کمتر شده بود)  
از آنها خواستم که دیگر معامله ای بر روی حساب من انجام ندهند  
و در نهایت هم به جای عذرخواهی و دلجویی با رفتاری طلبکارانه مواجه شدم  
و جالب است که بدانید تنها جواب آنها در قبال ضرر هایی که زده بودند این بود که :  
از اول هم گفته بودیم که «ریسک حساب با خودتان است!»

اما هرگز به یاد نیاوردند که در همان «از اول» چقدر خودشان را توانا و با تجربه معرفی کرده بودند!  
و تیم تریدشان سابقه 8 سال کار درخشان و سرشار از موفقیت را داشت  
و هزاران تبلیغ و تعریف دروغین دیگر  
بعد از پس گرفتن حساب به توصیه یکی دیگر از کارکنان شرکت  
که نقش «پلیس خوب» را بازی می کرد  
متقاعد شدم که خرید سیگنال در شرایط فعلی بهترین انتخاب است  
و برای مدتی هم سیگنال هایی را با قیمت های متفاوتی می خریدم  
که البته نمی دانم بر چه اساس این قیمت ها را تعیین می کردند  
که یکی سیگنال هایش را به \$50 می فروخت و یکی به \$150  
و در نهایت هم همه سر و ته یه کرباس بودند  
و من تا امروز هم نفهمیدم اصلا سیگنال با تی پی 20 و استاپ 80 دیگر چه هنریست،  
که خانم ها و آقایان نه چندان محترم سیگنال فروش برایش تا این حد تبلیغ می کنند

و آلبوم تحلیل می سازند و .....

و متاسفانه آن هم در سایت های معتبر!!!!

ای کاش به جای همه این کارها ذره ای صداقت داشتند

و از ضررهای سنگینی هم که به حسابها می زنند

گاهی صحبت می کردند

و باید بگویم این مدتی که سیگنالها را می گرفتم از بدترین دوران زندگی من بود

به این دلیل که سیگنالها را از طریق یاهو ارسال می کردند و یا پیام کوتاه

و تمام طول روز را باید منتظر می ماندم که معجزه ای رخ بدهد

و سر و کله قورباغه ای خرچنگی در چارت پیدا بشود

تا دستور سل و بای صادر گردد

و بقیه روز هم - برای رهایی از یکنواختی - صرف عذاب کشیدن برای این معاملات می شد

و تازه بعد از هر خورد قیمت با حد ضرر

یک نفس راحت می کشیدم ، که چقدر رهایی از استرس نعمت بزرگیست !

خلاصه مطلب اینکه بگویم در مدتی که سیگنال می گرفتم

زندگی من عملاً فلج شده بود

و تا همین امروز هم هنوز نتوانسته ام خودم را از استرس و افسردگی که در طول آن مدت به آن دچار شدم نجات بدهم

و شاید بد نباشد که بگویم که آن دختر شاد و فعال

تا مدتها به موجودی عصبی و گوشه گیر تبدیل شده بود

که دیگر برای خودم هم غریبه بود

از طرفی مشکلات بی سابقه ای هم با خانواده ام برایم به وجود آمده بود

آن ها که تحمل دیدن من را در آن وضعیت روحی نداشتند هر روز

به شکلی تلاش می کردند که این کار را بیش از این ادامه ندهم

اما من که برای شکست خوردن نیامده بودم ...

به هر حال خوب یا بد ،

این هم تجربه ای شد برای من تا دیگر از کسی توقع سیگنال شخصی نداشته باشم

و احتمالاً اگر الان به شما بگویم که در آن شرایط به راحتی پیشنهاد خرید یک اکسپرت را ( که در واقع کلید رهایی من از زندان

سیگنالها بود) قبول کردم

شاید اینقدرها هم برایتان تعجب آور نباشد

اتفاقا این بار می دانستم که موفقیت بزرگی در کار نیست  
اما هدفم فقط رهایی از فشار استرس سیگنال هایی بود  
که پایه و اساس آن را نمی دانستم (البته اگر اساسی داشتند)  
و در مورد اکسپرت هم نیازی به توضیح بیشتر نمی بینم  
که خودتان نگفته می دانید که در مجموع سود و زیان معاملاتی که اکسپرت انجام می داد در بهترین شرایط برابر بود  
و بعد از مدت کوتاهی هم به علت مشکلاتی که بروکر ایجاد کرد  
دیگر به کلی قفل شد و غیرقابل استفاده گردید.  
امروز هم که این مطالب را برای شما می نویسم  
هنوز در گیر سیگنالی بدون استاپ لاس هستم  
که ما ههاست در ضرر مانده  
و تا به حال از هر کسی که فکر می کردم که تجربه و دانش حل این مشکل را دارد در خواست کمک کرده ام اما بی نتیجه بوده ،  
البته حق دارند ،  
جمع کردن معامله ای با 2000 پیپ ضرر کار ساده ای نیست  
باور کنید که در همه عمرم تا این اندازه تحقیر نشده بودم و عذاب نکشیده بودم  
وامروز هم که ظاهرا چاره ای جز بستن این معامله و از دست دادن آخرین \$ ها ندارم

bebakhshid vali dige bishtar az in tahamol tadaeiye on khatereha ro nadaram  
alan ham halam ziyad khob nist  
omidvaram ke behtar shode bashe in bar

سلام مهسا خانم / بهتر که چه عرض کنم؟  
راستش از دست خودم پشیمان هستم،  
که چرا اینقدر به شما فشار آوردم تا سرگذشت واقعی تان را به این شدت برایم بنویسید.  
شاید فکر نمی کردم که پس از گذشت چندین ماه ،  
هنوز تداعی این خاطرات ، تا این حد موجب رنجش شما گردد  
هرچند که «در زندگی بعضی زحمها هست ...»  
که مسلما چند ماه و حتی چند سال ، زمان کافی برای ترمیم آنها نیستند . . . !  
بهرحال بنده به سهم خودم از بابت این شهامت و از خود گذشتگی مردانه ای (!) که بخرج دادید  
تا بقول خودتان صرفا بقصد راهنمایی حتی یک نفر ، که شاید در بزنگاه تباهی سرنوشت خویش، تحت تاثیر سرگذشت شما واقع  
گردد،  
از شما صادقانه و از صمیم قلب تشکر و قدردانی می کنم.

### درباب استاپ مطمئن :

بسیار خوب،

اجازه دهید تا از همین ابتدا این را هم بگویم که چون سطح این معما اندکی پیچیده تر از آی کیوی جناب شرلوک هولمز بود(!) و نمیخواهم ایشان و مشاورین فارکسی شان(!) بتوانند سر از کار ما ایرانی ها در بیاورند!

لذا فعلا بجای آنکه پاسخ معما را بصورت کاملا تشریحی و مفصل بنویسم ، صرفا به آن اشاراتی کوتاه میکنم ، تا همچنان خودتان فرصت داشته باشید تا اندکی بیشتر بر روی آن وقت بگذارید ،

و بویژه در مورد نکته کاربردی و بسیار مهمی که از آن استخراج خواهد شد ، بیشتر فکر کنید !

ضمنا اینجوری این حسن را هم داره که فقط اونهایی از شما سر در میارن ،

که از لحاظ تخصصی ، و تمرین و تجربه لازم بر روی اصول اولیه PTM به اون حدی رسیده باشند ، که پذیرش یادگیری و درک این نکته جدید و نسبتا پیچیده را هم داشته باشند!

و البته از شوخی گذشته ، بازهم تاکید میکنم که سایرین و بویژه نوآموزان ، میتوانند به سادگی و با آسودگی خیال، کل این متن را فعلا کنار بگذارند، و انشاءالله در آینده و هنگامیکه که به اندازه کافی بر روی مقدمات کار مسلط شدند، مجددا به یادگیری این نکات پیشرفته تر اقدام نمایند.

باور بفرمایید که بدون دانستن کل مطالب بخش دوم تایپیک نیز ، میتوانید به سادگی معاملات سودآوری داشته باشید و از ترید کردن در بازار فارکس ، لذت ببرید!

پس برای بار هزارم تاکید میکنم که اگر می بینید که نکته ای ، به نظرتان مبهم و پیچیده میرسد، با خیال راحت آن را کنار بگذارید و با وجدان آسوده به سراغ مطالب بعدی تایپیک بروید...

مطمئنا به موقعش شما نیز مجددا به سراغ یادگیری این نکات پیشرفته تر خواهید آمد و در آن زمان که موقعش رسیده باشد، و به اندازه کافی تمرین نموده و تجربه کسب کرده باشید، همه این نکات به نظرتان بسیار بدیهی و اسان خواهد رسید. فقط خودتان را بی دلیل آزار ندهید!

### نکته اول - تعریف استاپ «مطمئن» یا «معتبر» :

استاپ «مطمئن» یا «معتبر» ، به استاپی گفته میشود که در نقطه ای قرار داشته باشد ، که قیمت بیهوده آن را نزند!!

یعنی «قیمت» صرفا در صورت تغییر روند اصلی بازار، با آن برخورد نماید.

یک استاپ مناسب نباید توسط حرکات فرعی و بی دلیل قیمت ، بیهوده زده شود، و بعد مجددا قیمت در جهت دلخواه پوزیشن پیش برود.

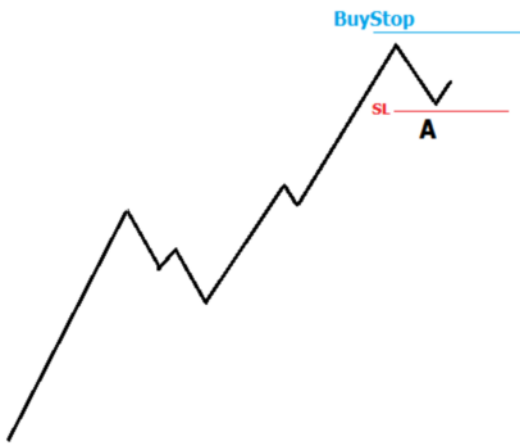
بعبارت بهتر «استاپ مطمئن» باید دقیقا در نقطه ای قرار داشته باشد که «تحلیل» شما - که معامله خودتان را بر مبنای آن تحلیل انجام داده اید - نقض گردد.

یعنی باتوجه به آنکه هر «تحلیلی» یک نقطه نقض شدن دارد، پس هر معامله ای نیز یک «استاپ مطمئن» خواهد داشت!

## نکته دوم - تعیین استاپ «مطمئن» بر مبنای قله ها و دره های «کامل» :

بنابراین برای تعیین یک استاپ «مطمئن»، حتما باید آن را صرفا بر مبنای قله ها و دره های «کامل» تعیین بکنید!  
چون اگر مثلا در یک روند صعودی، استاپ خودتان را در یک دره «ناقص» قرار بدهید، ممکن است قیمت بایک حرکت بی دلیل، به استاپ شما برخورد کند، و سپس مجددا مسیر خودش را به سمت بالا ادامه بدهد!

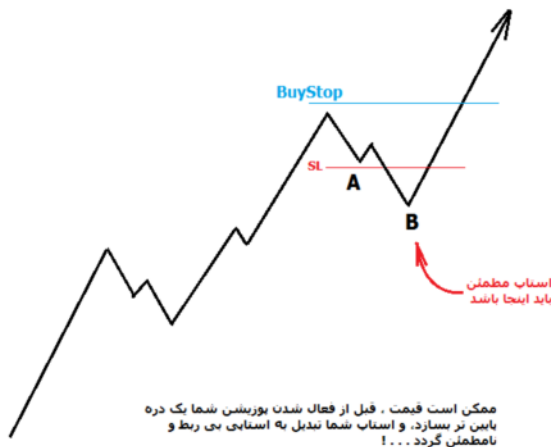
### نکته سوم - چرا دره ناقص نه؟



اگر به اشتباه استاپ را بر مبنای دره ناقص انتخاب کنید ...

باتوجه به اینکه کلیه پوزیشنهای ما بصورت پندینگ گرفته میشوند، و قبل از فعال شدن پوزیشن هنوز از آینده چارت خبر نداریم، بنابراین قبل از فعال شدن آنها، نمیتوانیم از آخرین دره «ناقص» بعنوان حدضرر استفاده کنیم!

چون ممکن است که شما (مثلا در یک روند صعودی) حدضرر خودتان را مثلا بر روی دره ناقص A قرار بدهید، بعد قیمت قبل از آنکه پوزیشن شما را فعال کند، بیاید دره B را در نقطه ای پایین تر از A بسازد و سپس پوزیشن شما را فعال کند.



ممکن است قیمت ، قبل از فعال شدن پوزیشن شما یک دره پایین تر بسازد، و استاپ شما تبدیل به استابی بی ربط و نامطمئن گردد ...!

در این صورت دره B تبدیل به دره «کامل» خواهد شد و تا زمانیکه این دره شکسته نشود، روند بازار باید صعودی فرض بشود.

لذا حدضرر شما نهایتا در نقطه ای قرار میگیرد که بالاتر از آخری دره کامل بوده ، و درواقع در محل بی ربطی قرار گرفته است که بازار میتواند به سادگی استاپ شما را بزند و مجددا روند صعودی خوش را ادامه بدهد!

### نکته چهارم - پس جواب معما ...؟!

بنابراین باتوجه به کلیه مطالبی که تا الان گفته شد ، و باتوجه به آنکه در شکل فوق ، قبل از فعال شدن پوزیشنهای بای استاپ ، کسی از آینده چارت خبر نداشته است،

لذا جواب معما این خواهد بود که : «کلیه استاپ ها غلط هستند!!!»

زیرا تمامی آنها بجای دره کامل ، بر روی دره ناقص قرار داده شده اند!! البته بازهم تاکید میکنم که داریم درباره لحظه ای صحبت میکنیم که هنوز پوزیشن فعال نشده است، و از آینده چارت خبر نداریم!

بنابراین تمامی استاپها غلط هستند و درواقع هرکدام باید دقیقا به اندازه یک «دره» به عقب تر برده بشوند!

....

اما پس چرا گفته بودم که صرفا دوتا از استاپ ها غلط هستند?!!!

خودتان اندکی روی آن فکر کنید ، تا جوابش را امشب برایتان بگویم!

درواقع اگر کسی تا اینجا را متوجه شده باشد که جریان از چه قرار است، احتمالا میتواند «**نکته پنجم**» را (که هنوز آن را نگفته ام و مهمترین نتیجه این معما است!) خودش به شخصه استنباط نماید!

فقط یک راهنمایی میکنم که **نکته پنجم** باتوجه به «**مووینگ آبی M15**» ساخته میشود!

و اگر بتوانید آن بحثی که قبلا درباره اهمیت «**مووینگ آبی M15**» داشتیم را با بحث جدید «دره ها و قله های کامل» ترکیب نمایید،

در آنصورت متوجه خواهید شد که چرا از بین تمام استاپهای شکل مذکور، صرفا دوتا از آنها غلط هستند!

و باقی دره ها را علی رغم آنکه هنوز «کامل» نشده اند ، اما می توانیم آنها را استثناا بعنوان «استاپ مطمئن» در نظر بگیریم!

و اگر بتوانید این «نکته پنجم» را خودتان پیدا کنید، در آن صورت میتوانید از این به بعد در معاملاتتان از این نکته استفاده نمایید!

و لذا کیفیت و اعتبار استاپهایتان از اینی که هست قطعا بسیار مطمئن تر و معتبر تر میگردد!!

شاید قبلا مشاهده فرموده باشید که بعنوان مثال بنده و برخی از دوستانان ، هر دو دقیقا یک پوزیشن یکسان را با هم گرفته ایم ،

ولی بفرض پوزیشن ایشان با استاپ مواجه میشود،

درحالیکه «قیمت» به حدضرر اینجانب نمی رسد و نتیجتا پوزیشن بنده با سود بسته میشود،

شاید هم تاکنون به چنین مواردی برخورد کرده باشید، و آن را به حساب تقلب من (!! ) و سواستفاده از عنوان صاحب تایپکی ام گذاشته باشید!!

ولی دقیقا یکی از دلایل چنین رویدادهایی ، دقت به همین نکته های ظریفی است که بعنوان مثال یکی از آنها را همین چند روز برایتان گفتم ،

یعنی «روش تعیین استاپ مطمئن» بر مبنای قله ها و دره های «کامل» !!

و البته «نکته پنجم» که انشالله امشب خدمتان عرض خواهم کرد و این پازل را کامل خواهد ساخت!

پس لطفا شما همچنان بر روی «پاسخ معما» و «نکته پنجم» و البته «نامه مهسا!» تمرکز بفرمایید ، تا امشب ....!

سلام آفاپشوتن

میخواستم بپرسم که آیا اصلا این کار درسته که پوزیشنی را قبل از رسیدن به TP یا SL با دست ببندیم یا نه؟ چون بارها شده که قیمت نزدیک به پیپی TP رفته و برگشته و استاپ من رو زده . . .

البته تاکنون جواب این سوال را چندین بار دادم!

ولی به هر حال جواب مریم خانم را که نمیشود نداد . . . !

چون بالاخره تمام بودجه تبلیغاتی تایپیک فعلا در دست ایشان است،

و تا زمانیکه تریدینگ روم ها راه بیافتد ، مجبور هستیم آخر هر ماه ، بابت خرج و مخارج زن و بچه ،

دست به سینه و سر به زیر در مقابل ایشان بایستیم!!!

پس برای بار هزارم درباره «**بستن پوزیشنها با دست**» و قبل از رسیدن به حد سود یا ضرر، خدمتتان عرض می کنم که:

**نکته - بستن زودهنگام پوزیشنها در سود:**

- «همیشه اصل بر حفظ سود قطعی فعلی است، نه سود احتمالی آینده!»

بنابراین هنگامیکه پوزیشن شما ، در هر مرحله ای و با هر مقداری از سود که قرار داشت، میتوانید با دست آن را ببندید!

حتی می توانید نصف حجم آن را ببندید ،

و برای نیمه دیگر ، حدضرر را بر روی صفر قرار دهید!

و یا خلاصه هر بلای دیگری که دلتان خواست بر سر آن بیاورید چون : هدف صرفا 1- ضرر نکردن و 2- کسب سود قطعی موجود است!

اما درمورد پوزیشنی که در ضرر قرار داشته باشد، قضیه فرق میکند :

**نکته - بستن زودهنگام پوزیشنها در ضرر:**

- «از ابتدا استاپ خودتان را در همان نقطه ای قرار دهید، که در انتها میخواهید استاپ را آنجا بگذارید!!»

بنابراین مطلقا اجازه بستن پوزیشنی را که هنوز به حدضررش اصابت نکرده است ندارید! مگر آنکه در ضرری حوالی صفر آن را با دست ببندید!

دلیل این هم واضح است!

چون اگر از ابتدا حدضرر خودتان را در نقطه ای مطمئن و معتبر انتخاب کرده باشید(مثلا بر روی همین قله ها و دره های «کامل» که اخیرا یاد گرفتید) در آنصورت تا زمانیکه قیمت با چنین حدضرری اصابت نکرده باشد، به معنی آن است که هنوز روند درجهت مطلوب شما قرار داشته ، و بستن چنین پوزیشنی با دست و آن هم در ضرر ، عملی بیهوده ، نسنجیده و زیان آور است!

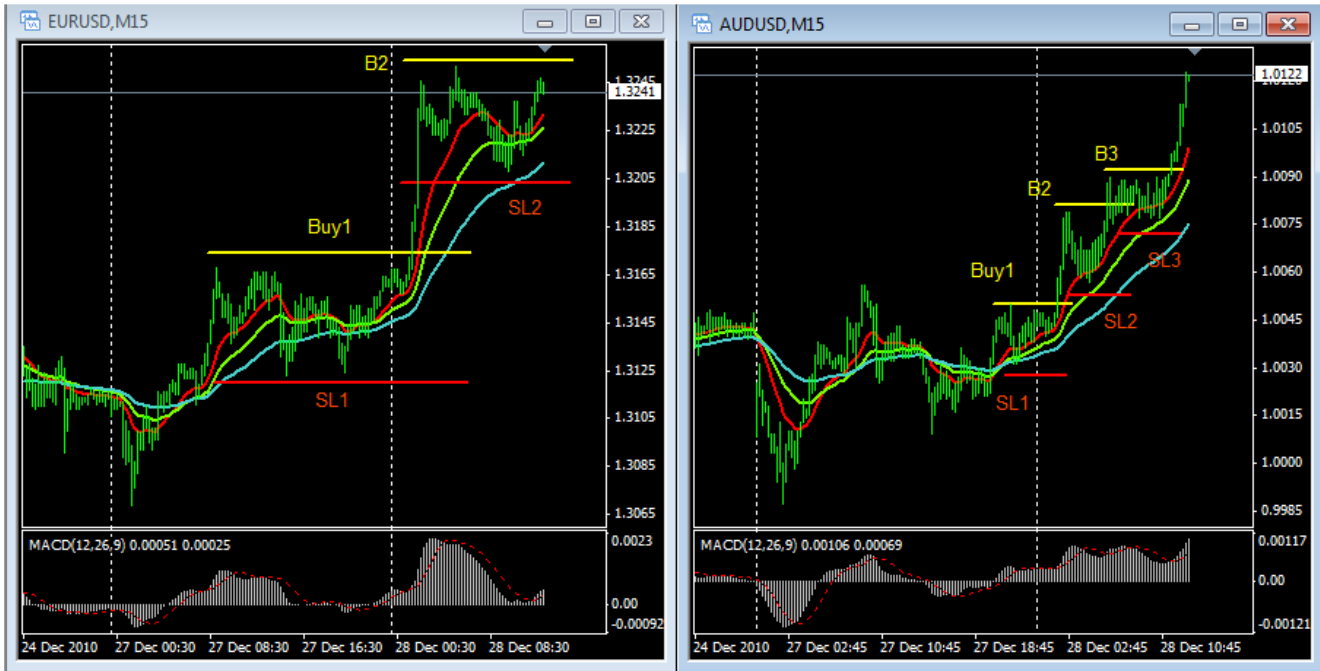
اگر هم از ابتدا استاپ خودتان را به اشتباه و در نقطه ای بی ربط قرار داده اید . . . .

. . . که خب ، خیلی کار بدی کرده اید که آن را در جایی بی ربط و اشتباه قرار داده اید!!!!

## پاسخ معمای استاپ لاس - بخش دوم:

اگر خاطر مبارکتون باشه ، ماجرای معما به اینجا رسید که نتیجه گرفتیم که از بین پنج استاپی که در شکل زیر نمایش داده شده اند.

صرفاً دو تای آنها غلط انتخاب شده اند ..... نه ببخشید: گفتیم که هر پنج تاشون غلط بودند!!!



دلیل غلط بودنشان هم این بود که هیچکدام از این دره ها ، در لحظه ثبت و سفارش پوزیشن، هنوز تبدیل به یک دره «کامل» نشده بودند.

و لذا نمی توانستیم پیش از فعال شدن پوزیشن، از صحت انتخاب حدضرر خودمان در چنان نقطه ای ، مطمئن باشیم.

**درواقع مهمترین نکته که باید از پاسخ این معما ، آویزه گوشتان نمایید! این است که :**

**مبادا به هنگام ثبت سفارشات خود، و قبل از فعال شدن پوزیشنهایتان ، عجله کرده**

**و حدضرر خود را در پشت قله یا دره ای قرار دهید، که هنوز بطور کامل تشکیل نشده است!**

یعنی اگر با دره یا قله ای مواجه هستید، که «قیمت» هنوز از انتهای مقابل آن عبور نکرده است، پس هنوز آن نقطه تبدیل به یک قله یا دره «کامل» نشده است ،

و لذا نباید آن را بعنوان نقطه ای ایمن و مطمئن برای استاپ لاس خودتان ، در نظر بگیرید!

اگر یادتان باشد چند نکته را هم با یکدیگر نتیجه گیری کردیم ، که در زیر مرور سریع و مختصری بر آنها میکنم:

1- استاپ مطمئن، نقطه ای است که با رسیدن قیمت به آن نقطه ، روند کلی بازار بطور کامل تغییر جهت داده ،

و بنابراین کل تحلیل ما تبدیل به یک تحلیل نادرست میگردد، و لذا باید به سرعت از معامله مذکور خارج گردیم.

2- قله ها و دره های «کامل» آخرین نقاطی هستند که در صورت شکست آنها توسط قیمت، می توانیم از تغییر روند کلی بازار ، مطمئن گردیم.

3- بنابراین یک استاپ لاس «مطمئن» حدضرری است که صرفاً در پشت قله ها و دره های «کامل» قرار داده شده باشد!

و هنگام ثبت و سفارش پوزیشنهای خودتان (که قاعدتاً از نوع پندینگ هستند) نباید عجله کنید و حدضرر خودتان را در پشت قله یا دره ای بگذارید که هنوز بطور کامل تشکیل نشده است.



4- در بعضی مواقع ممکن است که بجای ورود بر مبنای قله ها و دره های M15 بخواهید بر مبنای شکست روند در تایم فریم M5 وارد بازار بشوید،

در چنین مواردی باید صرفا از قله ها و دره های «کامل» در M5 بعنوان نقطه ورود مناسب ، استفاده نمایید!

5- بنابراین قله ها و دره های «کامل» در واقع صرفا در دو جا برای شما کاربرد دارند:

کاربرد اول - تعیین حد ضرر بر مبنای انتخاب نقطه استاپ «مطمئن»

کاربرد دوم- ورود به بازار بر مبنای شکست روند کوتاه مدت M5

6- ... نکته ششم چی بود؟!!

اصلا چرا رسیدیم به نکته ششم؟!!

مگر قرار نبود من الان نکته پنجم را به شما بگویم؟

مثل اینکه حق با جناب آذرباد است که همیشه به من میگویند:

- «استاد پشوتن! تو هر وقت شروع به حرف زدن میکنی و بقول معروف فکت گرم میشود!! یک سری حرفهای جدیدی را میزنی که قبلا اصلا یادت رفته بوده است که بزنی!!!!»

خب، پس با این سوتی که روی نکته پنجم دادیم، نزد شما که کمی تا قسمتی ضایع شدیم!!

پس برای آنکه یکجوری قضیه را ماست مالی کنیم که لاقل آبرویمان نزد آیندگان حفظ شود،

پس از خدمت ناظر محترم شماره 1 خواهش میکنیم که برود و بگردد!

و تمام «نکته های شماره پنج» را در صفحات قبلی ، پیدا نموده ، و همگی آنها را تبدیل به «نکته شماره شش» نماید !!

حالا که اینطور شد، پس اجازه دهید تا قبل از آنکه نکته آخر را خودم بگویم،

پاسخ صحیح معما را خدمتان ارایه کنم ، تا هم هیجان مسابقه بالاتر برود!! وهم شاید بتوانید نکته ششم را (اصلا نه پنجم نه ششم! بلکه نکته آخر!!) خودتان حدس بزنید!



همانطور که در شکل فوق مشاهده میکنید، صرفاً دو حدضرر، یعنی SL2 و SL3 از دلاراسترالیا اشتباه انتخاب شده اند!  
چرا؟! به این دلیل:

### نکته آخر - استفاده از قله ها و دره های «ناقص» بعنوان حدضرر معقول

(با فرض روند صعودی)

در صورتیکه یک دره «ناقص» در پایین مووینگ ابی M15 قرار داشته باشد، می توانید استثنائاً از چنین دره ای نیز، علی رغم ناقص بودن آن، بعنوان حدضرری معقول و منطقی استفاده نمایید!

دلیل و برهان پشت آن نیز بسیار ساده و منطقی است!

چرا که در صورتیکه قرار باشد قیمت قبل از فعال کردن پوزیشن شما، ابتدا آنقدر پایین بیاید تا از دره مذکور نیز پایین تر برود، در آنصورت چون بطور طبیعی در مسیر خود، از مووینگ ابی M15 نیز عبور نموده است، پس پوزیشن شما بطور خودکار و اتوماتیک، کنسل میگردد!

بنابراین اگر این نکته مهم را نیز به مجموع دانسته های قبلی خود اضافه نمایید،

در آنصورت کلیه دره ها در تصویر فوق، علی رغم آنکه همگی قبل از فعال شدن پوزیشن، کاملاً «ناقص» بوده اند،

ولی می توانستند استثنائاً بعنوان حدضرری معقول بکار بروند!

البته به غیر از آن دوتا دره آخری بر روی دلاراسترالیا، که چون به وضوح در بالای مووینگ ابی M15 واقع بوده اند، اجازه انتخاب آنها را بعنوان حدضرر، به هیچ عنوان نداشته ایم!

پی نوشت - باتوجه به آنکه عمده مطالب این تاپیک، عموماً چندلایه و چندوجهی هستند (یعنی یه چیزی تو مایه های مکتوب مولوی!!!!!!) در این معما نیز همچنان نکات پنهان و نهفته ای، مخفی باقی مانده است!

که دیگر اگر بنده را بکشید(!!) هم جواب آنها را نخواهم گفت که نخواهم گفت!

و هرکس که خودش در آن ارتفاعاتی از سطح دانش و تخصص به سر می برد، که پی به آن نکات پنهانی ببرد... لابد خودش هم پاسخ آنها را می تواند پیدا کند!!

### پاسخ به سوالات:

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله alizali

استاد شما اگر با آن هیبت توانسته اید بپرسید من هم خواهم توانست به آن بالاها بروم

به خدا بال بال دارم میزنم فقط به خاطر چیزی که نفهمیدم

آقا یک توضیحی مرحمت بفرمایید ما را

سلام علی جان

به جان توپلی موپلی جفتمون(!!) امکان نداره جواب این معما را به این سادگی ها بگویم!!!

صرفاً در همین حد اشاره میکنم که:

«پرنده دوم» پاسخ «کبوتر اول» را به درستی داده است!

سلام دوستان عزیز و ارجمند

سوالی برام پیش اومده در مورد تحلیل هفتگی / من در دوره مقدماتی آموزشهای استاد پشوتن بزرگ هستم

و الان رسیدم به صفحه 25 و **پست آموزشی تحلیل هفتگی**

در این پست و آموزش در بعضی از واژه ها و جملات بسیار گیج شدم

لطفا من رو راهنمایی کنید حدود 10 بار پست رو خوندم ولی نفهمیدم

دوستان اگر امکانش هست راهنمایی کنید تحلیل هفتگی به چه صورت هست. / ممنون.

اگر **روش PTM** با چنین قدرتی در میان تمامی روشها و استراتژیهای مختلف ، برای خودش جلوه گری میکند! به این دلیل است که در پشت آن ، دو فلسفه مستحکم و قدرتمند نهفته است :

**فلسفه اول PTM** این است که «**بازار مطلقا غیر قابل پیش بینی است!**» و هیچکس در دنیا از یک ثانیه بعد قیمت ها خبر ندارد!

بازار را همچون گله ای گاو میش رم کرده تصور میکنیم ، که هر لحظه به هرسو که بخواهند می روند! و تنها چیزی که برایشان ذره ای اهمیت ندارد، تحلیلها و نظریات شخصی و کارشناسی ما است!!

پس بجای اصرار بر پیش بینی کردن حرکات آتی مارکت، و درواقع به جای تحمیل خواستها و دیدگاه های جزمی خودمان به بازار ، باید ابتدا ذهنمان را از هرگونه پیش داوری و قضاوت بشوئیم، و سپس سعی کنیم که صرفا جهت حرکت فعلی بازار را تشخیص داده و با آن همگام شویم.

**اما فلسفه دوم PTM** این است که «**سخت میگیرد فارکس بر مردمان سخت گیر!**» پس ترید کردن را بیهوده برای خودمان پیچیده و دشوار نسازیم ، و باور کنیم برای آغاز سودآوری در فارکس، صرفا همان ده صفحه بخش اول تایپک مقدماتی ، کاملا جامع و کافی می باشد.

اکثر این دوستانی که در این تایپک می بینی ، و از روز اول با من بوده اند و خودشان را با لقب «مهاجرین» از سایرین تفکیک میکنند، اگر از آنها پرسسی به صراحت برای تو اعتراف خواهند کرد که زمانیکه در بخش مقدماتی این تایپک به سر می بردیم، بسیار راحت تر از این روزها ترید میکردند! و حتی میزان سودآوری معاملاتشان نیز گاهها بیشتر از الان بود!

بنابراین «فارکس را مطلقا سخت نمیگیرم!» و هر نکته ای را که با آن مواجه شدیم و به نظرم صرفا اندکی پیچیده و دشوار آمد، به سادگی و با خیال راحت آن را کنار میگذاریم و بخوبی میدانیم که بعدها و در مراحل بعدی آموزشی مان ، به کررات بانکته مذکور مواجه خواهیم شد - و اگر واقعا لازم باشد - به موقعش متوجه مفهوم آن نکته ظاهرا پیچیده نیز خواهیم شد.

**و اما سومین و مهمترین فلسفه PTM** این است که «**تنها راه برای سرازیر شدن خیر و برکت به معاملات شما ، انتقال دانسته هایتان به دیگران است!**» و لذا دیگر نمیخواهم آن جمله کلیشه شده ی «زکات دانستن ، آموختن است» را برایت تکرار کنم، چرا که خودت قطعا آن را بوضوح در رفتار بی تکلف و خالصانه شاگرداولها می بینی.

پس با خیال راحت و با فراغ بال ، هر سوالی را که درباره متن مورد اشاره ات به ذهنت می رسد، از سایر دوستان و بویژه از شاگرداولها بپرس!

و مطمئن باش که این شاگرداولهایی که من دیده ام، برای پاسخگویی هرچه زودتر و هرچه صحیح تر به شما ، با یکدیگر مسابقه خواهند گذاشت!

موفق باشی. و امیدوارم که در متن فوق ، نکته پنهان دیگری برایت نهفته باقی نمانده باشد!!!

استاد از اینورا رد میشد سر راه سوال های من رو هم جواب بدید



سلام من در بعضی نکات یکمی مشکل دارم کسی اگر توانست کمک کند.  
1- استاپ مطمئن کجاست؟ A or B  
???B



جسارتا به نظر من! بابا پشتونا در این تصویر اشتباه کرده زیرا نقطه 3 عبور A فراکتال (چون قیمت هنوز از نقطه نکرده) است و ورود شماره 3 بر مبنای شکست روند در تایم 5 دقیقه نیست!

/ با تشکر

بله سوالهای شما را قبلا نیز دیده ام!

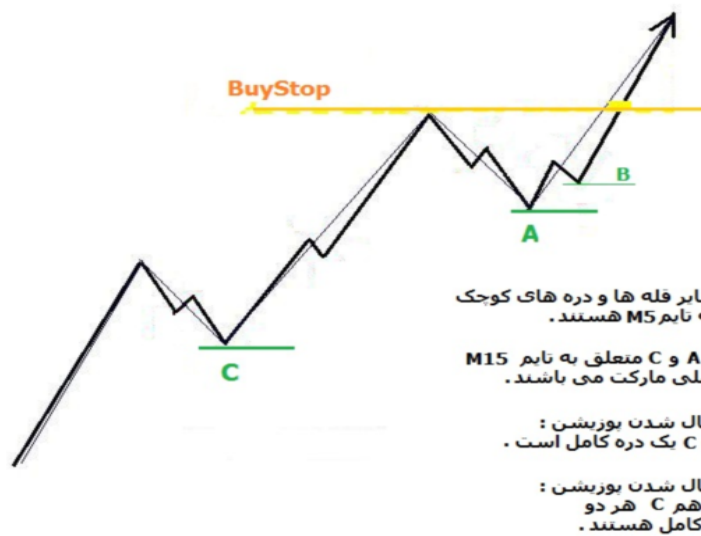
چه آن روزهایی که گیر داده بودی تا از لابلای جملات کاملا درستی که من درباره مووینگها در تایم M15 گفته بودم، بزور نکته غلطی را بیرون بکشی!!! و چه این روزهای اخیر، که اتفاقا دو سوال بسیار خوب و زیبا را مطرح کرده بودی!

**در مورد سوال اول** که درباره نحوه انتخاب «استاپ مطمئن» پرسیده بودی؟

درواقع پاسخ من به شما این است که:

- «استاپ مطمئن» همان نقطه ای است که اگر قیمت از آن عبور نماید، به منزله شکست روند و تغییر جهت بازار خواهد بود!

پاسخ کامل را بر روی همان شکل زیبایی که خودت رسم کرده بودی، برایت می نویسم :



بنابراین قبل از فعال شدن پوزیشن ، استاپ مطمئن در نقطه C قرار دارد. اما پس از فعال شدن پوزیشن ، می توان استاپ مطمئن را به نقطه A نیز منتقل نمود.

بطور کلی توصیه بنده به شما این است که تمامی نکاتی را که در این تایپیک با آنها روبرو می شوی ، هرگز بصورت نکاتی حفظی و طوطی وار به آنها نگاه نکنی!

و همیشه سعی کنی تا با درک و یادگیری عمق و مفهوم پشت آن، نکته مذکور را برای خودت تبدیل به نکته ای بسیار ساده ، قابل فهم و بدیهی نمایی.

به گونه ای که بعدها نیز برای استفاده مجدد از آن ، هرگز مجبور نباشی تا به جای منطق ، به حافظه خودت بیهوده فشار بیاوری!

### و نهایتاً درباره سوال دوم که پرسیده بودی:

بنده که سالها شاگرداستادابای فقید بودم ، زمانیکه در محضر ایشان بودیم هرگز جرات نمیکردیم سرمان را از روی زمین بلند کنیم!

و چشمان مان همواره بر روی کف زمین بود ، و هرگز چارتهایی را که ایشان درباره آنها صحبت میکردند به چشم نمی دیدیم!!!

و نتیجتاً همه آموزه های ایشان را صرفاً در ذهن و خیالات خودمان تجسم میکردیم!!

و اما پس از دفاع از مقام استادفقیدم، در پاسخ به شما باید بر همان توصیه قبلی ام مجدداً تاکید کنم!

یعنی اینکه آیا به نظر شما در نقطه 3 هنوز هم روند صعودی کوتاه مدت ، شکسته نشده است؟!!

اگر بین خودمان می ماند، درواقع در شکل مذکور، استادابا با استفاده از PTM-2 و بر مبنای شسکت روند صعودی کوتاه مدت در M1 وارد بازار شده است!

## توقف در روز شصت و سوم.

### معمای تصویری :

باتوجه به اینکه بنا دارم چندروزی را تا زمان آغاز تریدینگ روم ها در شهرستان، کمتر مطلب آموزشی جدیدی بگویم، و بیشتر به همان مرور و دوره کردن مباحث قبلی بپردازم.

لذا برای امروز صبح تصمیم داشتم که تصویر زیر را خدمتان ارایه کنم،

و متن آموزشی کوتاهی را نیز درباره آن بنویسم.

ولی باتوجه به بحثهایی که از صبح پیش آمد، و احتمالاً کسانی که قبل از حذف و نقل و انتقال پست ها به تاپیک های فرعی آنها را دیده باشند، بخوبی در جریان هستند.

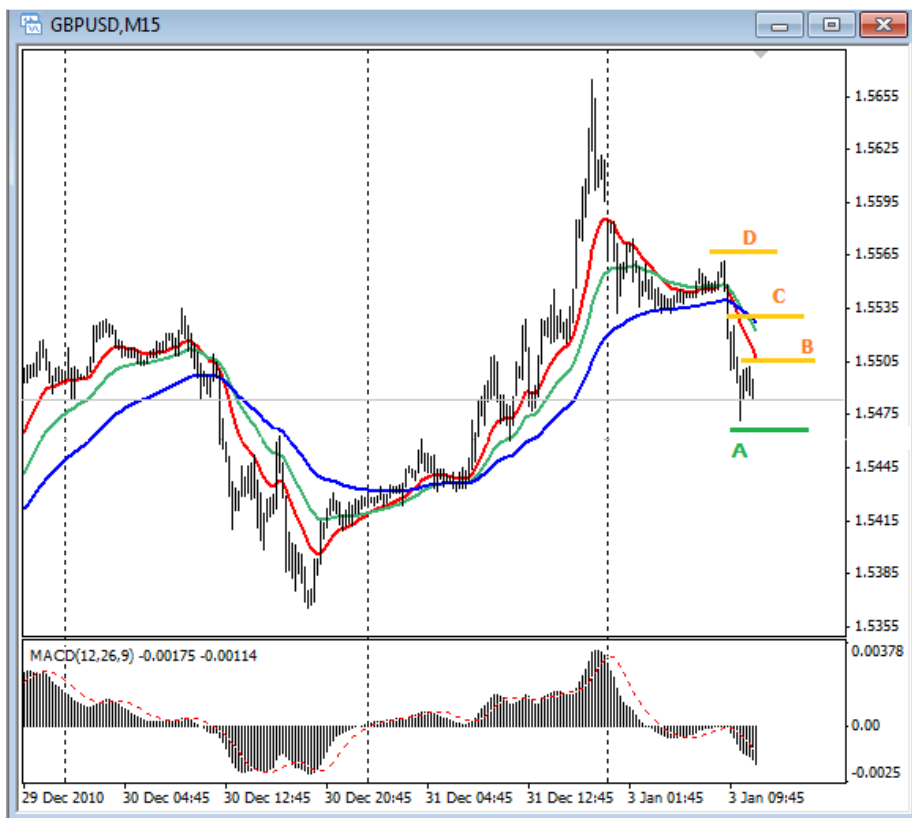
لذا متأسفانه فرصت کافی دست نداد... و الان هم که به ناچار مجبورم با عجله به سر کلاس بعدازظهرم بروم.

بنابراین فعلاً به همان ارایه تصویر خالی بسنده می کنم، و بجای آنکه خودم به شخصه نکته های موجود در آن را به صراحت برایتان بگویم.

آن را در قالب یکی از «**معماهای تصویری**» خدمتان ارایه میکنم،

تا خودتان فرصت تعمق و بررسی بیشتری بر روی آن داشته باشید.

شکل - تایم فریم M15 پوند به دلار :



**سوال اول** - آیا ثبت یک پوزیشن SellStop در زیر نقطه A میتواند طبق آموزه های «روش ورود زودهنگام» صحیح باشد؟ (ضمناً واضح است که فعلاً شیب آبی و فاصله سایر مووینگها مناسب نیستند)

**سوال دوم** - از بین نقاط B و C و D کدامیک «قله کامل» هستند و میتوانند بعنوان «استاپ مطمئن» انتخاب گردند؟

**سوال سوم** - پاسخ سوال قبل را برای حالتی که پوزیشن مذکور فعال شده باشد، مجدداً بیان بفرمایید.

## درباب امواج الیوت :

در روزهای مرور و جمع بندی به سر میبرم.

و البته بازار هم که بی رمق تر از آن است که بتوان بطور جدی ترید کردن را آغاز نمود...

درواقع انتظار معمول این است که قاعدتا از ابتدای هفته آینده (یعنی دو هفته بعد از آغاز سال میلادی) بازار باید به تدریج حرکات اصلی خودش را شروع کند.

و اتفاقا فصل بسیار خوبی برای ترید کردن است!

چون شرکتهای بزرگ سال مالی جدید خودشان را آغاز کرده و شروع به عقد قراردادهای جدید و مخصوصا قراردادهای باقی مانده از اواخر سال گذشته می نمایند.

و نتیجتا روندهای پر قدرت و سهل الوصولی برای روزها و هفته های متوالی در بازار ایجاد میگردند که باب دل تریدرهای خرده پا می باشند!

بویژه که روش فعلی ترید کردن ما نیز یک استراتژی «روندگرا» است و اصولا در بازارهای رنج - مثل روزهای اخیر - کاملا منفعل و خنثی میگردد.

این ها را گفتم تا اگر شما نیز چند روز اخیر را ، و حتی یکی دو هفته گذشته را ، با نتایج مورد دلخواه خود تمام نکرده اید، مطلقا نگران نباشید!

و بدانید که عموم تریدرهای دیگر نیز - که با روشهایی به جز روش شما ترید میکنند - بطور کل ترید کردن را از دو هفته قبل تا دو هفته پس از آغاز سال میلادی ، کاملا ممنوع اعلام میکنند!

پس اگر می بینید که ما همچنان در این روزها ، و همچنین در هفته های اخیر ، در حال ترید کردن هستیم،

صرفا به این دلیل است که خودمان را «دانشجوی تریدینگ» به حساب میاوریم !

و ترید کردن را بقصد یادگیری انجام میدهیم، و نه به قصد پول درآوردن!

لذا نمیخواستیم با ایجاد وقفه ای یکماهه ، در روند آموزشی مان ، خلایی نسبتا طولانی ایجاد گردد.

بنابراین نگران سودهای اندک ، و یا ضررهای مکرر این روزها نباشید!

و بدانید و آگاه باشید که بنده در چنین روزی ، نوید روزهایی بسیار درخشان تر و پرسود تر را ، که حداکثر از هفته آینده شروع خواهند شد ، به شما عزیزان دادم!

فقط مواظب باشید که به خودتان و به موجودی اکانت تان ، لطمه ای جبران ناپذیر وارد نسازید، تا هنگامیکه به زودی حرکات چندصدیپی بازار آغاز گردید، خودتان را از لذت موج سواری بر آنها محروم نکرده باشید!

باتوجه به آنکه در ایام نیمه تعطیل به سر میبریم،

و در حال حاضر بیشتر وقت و انرژی اینجانب در طول روز ، صرف راه اندازی تریدینگ رومهای شهرستان ها میشود،

لذا تصمیم گرفتیم که این چند روز را - با متوقف ساختن روزشماره صدروزه تایپیک - به مرور و جمع بندی نکات گذشته پردازیم،

و البته با آغوش باز ، بخشی از فضای تایپیک را در اختیار باندماfiای پشت پرده فارکس ایران قرار دادیم، تا هرچه میتوانند بر این تایپیک و بر ستون های فلسفی آن بتازند.



تا انشالله پس از راه اندازی مجدد مباحث آموزشی، این گروه اقلیت مخالف، بهانه ای برای وجود دیکتاتوری و عدم امکان مساوی برای ابراز سخن، نداشته باشند!

از شما نیز نمیخواهم که اگر حرفی غیر منطقی و یا اهانت آمیز (به خودتان) مشاهده کردید، سکوت نمایید!

چرا که وجود چنین بحث هایی است که نهایتا موجب روشننگری بسیاری از مسایل پشت پرده فارکس ایران خواهد شد.

اما تنها تقاضای بنده از شما این است که پاسخ های خودتان را در رعایت کمال ادب و احترام و صرفا بر مبنای عقل و منطق، ابراز بفرمایید.

بسیار خب، بگذریم. / برای امروز یک تصویر کوچک را برای تان انتخاب کرده ام.

که وضعیت دلار استرالیا را در شرایط فعلی نشان میدهد.

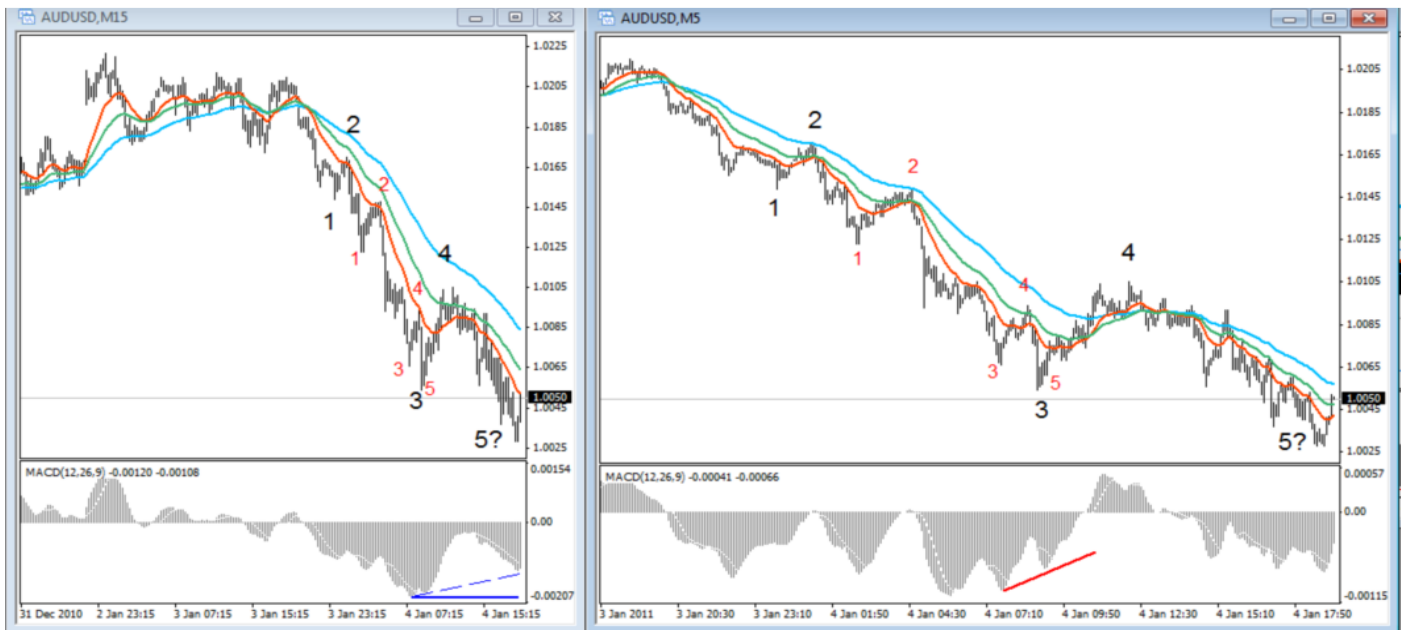
با شماره گذاری امواج ایوت بر روی آن، چه در ابعاد موج و چه در ابعاد ریز موج، به مرور برخی نکات اصلی و اولیه امواج ایوت می پردازیم.

دوستانی که علاقمند به انجام مطالعات بیشتر در این زمینه هستند، میتوانند به فصل ایوت از کتاب بیل ویلیامز (ترجمه اینجانب) مراجعه کنند. و یا جزوه تهیه شده توسط آقای بهزاد بهزادی را با نام «ایوت به سبک ماینر» مطالعه بفرمایند.

البته این نکته را هم تاکید کنم که امواج ایوت در روش PTM بصورت بسیار خفیف و کم رنگ استفاده میشوند! و لذا مطلقا لازم نیست که خودتان را درگیر یادگیری تمامی نکات و قواعد پیچیده آن بنمایید!

در واقع خودم به تدریج، در همان حدی که لازم است را برایتان خواهم گفت...

### تایم فریم های M5 و M15 از زوج ارز دلار استرالیا به دلار آمریکا:



چند نکته ساده و مختصر، درباره امواج شماره گذاری شده در تصویر فوق:

**1** - طول موج 3 باید بلندتر از موج های 1 و 5 باشد.

**2** - انتهای موج 4 هرگز نباید به انتهای موج 1 برسد.

**3** - اگر به ریزموجهای درون موج 3 در تایم فریمهای پایین تر نگاه کنید، خودش نیز به نوبه خود از یک سری 5 موجی تشکیل یافته است.



4- اندیکاتور مکدی همواره انتهای موجهای 3 و 5 را با وقوع یک «واگرایی» مشخص میکند.

5- اگر به ریزموجهای موج 3 نگاه کنید، بین ریزموجهای 3 و 5 نیز همچنان یک واگرایی توسط مکدی دیده می شود.

6- در واقع آنچه که در بالا گفته شد، بهترین راه برای پیدا کردن موجهای 3 و 5 توسط مکدی است! یعنی بلندترین قله مکدی نشانگر موج 3 از 3 میباشد!

7- واضح است که پترنی که در چارت فوق مشاهده میکنید، همان پترن «زرافه آقا سینا!» ویا «موج مقلد علیرضا خان!» می باشد!

## استاپ خوردن کسر شان نیست!

دوست عزیز من ، از چه می ترسی؟! بله با شما هستم!

شما که هر وقت پرفورمنسی سرسبز و مملو از پوزیشنهای تی پی خورده داشته باشید،

بلافاصله از آن هزار جور عکس و پرینت گرفته ! و آن را به تمام دوستان و آشنایان و اقوام خویش نشان میدهید!

و البته آخرش هم معمولاً به دلیل لطفی که به این حقیر دارید،

یک تشکر قدرشناسانه و بلندبالا نیز نسبت به اینجانب به عمل میاورید!

بله ! اینطرف و آن طرف را نگاه نکن! با خود خود شما هستم!! آقایان ، خانم ها ، برادران ، خواهران ! نخواستیم! تی پی های شما برای خودتان!

اگر راست میگویند کارنامه روزهای افتضاح خودتان را هم اینجا ارایه کنید!!

**مگر قرار نیست که :**

- «استاپ هایمان را دوست داشته باشیم و از رنگ قرمز آنها لذت ببریم» !!؟

**مگر قرار نیست که :**

- «از هر پنج پوزیشن ، دو الی سه پوزیشن را با ضرر ببندیم» و آن را به حساب ضعف در تخصص فارکسی، و بی کفایتی و نالایقی مردانه(!) خودمان نگذاریم!!؟

پس اگر راست میگویند با همان افتخاری که هر روز نمایشگاهی از پوزیشنهای تی پی خورده خودتان را در تاپیکهای سه گانه PTM به راه میاندازید،

به همان میزان نیز ، یا لاقلاً به نصف آن میزان، کارنامه ای از روزهای نامناسب و پر از استاپ خودتان را هم بر روی سایت بگذارید!

بگذارید تا دوستان تازه کارتتان با چشم خودشان ببینند که «استاپ نخوردن ، لازمه موفقیت در فارکس نیست!»

و «هیچ تریدر موفق در دنیا وجود ندارد که از هر ده پوزیشنش حداقل دو تا را استاپ نخورد!»

دوستان من ،

به فکر آن تریدر نوآموزی هم باشید که در این چند روز اخیر ،

که شرایط بازار حقیقتاً رنج و افتضاح بوده است ! مدام استاپ خورده است و هر پوزیشنی هم که در سود رفته ،

تا آمده است به خودش بجنبد که آن را ببندد ،

بلافاصله با آنچنان بازگشت سریعی از طرف بازار مواجه شده .... که اگر خیلی هنر کرده باشد صرفاً بر روی صفر از بازار خارج شده باشد!!

به فکر او هم باشید که وقتی در پایان یک روز سخت و دشوار ،

نتایجی را بدست آورده که از نظر خودش - به اشتباه - مایه سرافکندگی و شرمساری است!! - و سپس چشمش به معاملات گلچین شده شما میافتد ،

آیا چه حال و روزی را پیدا خواهد کرد؟!

و چگونه با خودش کنار بیاید تا خودش را بازنده ترین و بی کفایت ترین تریدرهای دنیا نبیند؟!

و اینجاست که طبیعتاً - اگر خیلی خوش شانس باشد - از یادگیری و آموزش فارکس به کل انصراف میدهد،

و اگر اندکی بدشانس تر باشد، قطعاً به سراغ خرید انواع و اقسام اکسپرتها و سیگنالها و ...

... ویا روشهای فول مارجین ، مارتینگل و بدون استاپ ، خواهد رفت!

دوست خوب من، مخاطب عزیزم من، خواننده گرامی این تاپیک!

ممکن است که مشاهده یک پرفورمنس پر از رنگهای سبز فسفری ، برای شما یا برخی از دوستانتان

که هنوز نسبت به واقعی بودن یا نبودن «امکان سودآوری درفارکس» مشکوک هستید، جذاب و دل ربا باشد!!

ولی باور بفرمایید که برای بنده ، بحمدالله از بس که نتایج درخشان از شاگردانم - چه در این سایت و چه در دنیای واقعی دیده ام - مدتهاست که دیگر مشاهده چنین جداول سرسبزی (!) برایم جذابیت چندانی ندارد!

اگر واقعا میخواهید من را خوشحال کنید،

و میخواهید به دوستانتان اعلام کنید که عرایض بنده ، انشالله اندک تاثیری بر روش ترید و دیدگاه شما گذاشته است،

به همان میزان که کارنامه های روزهای خوب خودتان را در بوق و کرنا میکنید،

برای روزهای بد و نامناسب خودتان نیز - که بعنوان مثال یا وضعیت بازار بد بوده است ویا حال و احوال شما -

با همان شجاعت و شهامت یک PTM کار حرفه ای! کارنامه های مملو از پوزیشنهای سرخ و قرمز خودتان را هم در معرض دید دیگران بگذارید!

و در زیر آن بنویسید که «یک تریدر PTM کار استاپهایش را بیشتر از سودهایش دوست دارد!»

و یا بنویسید که «من همچنان زنده ام ! و این استاپهای من هستند که من را در این بازار زنده نگه داشته اند!»

و با هر جمله و عبارت بهتری که خودتان به ذهنتان میرسد،

و فکر میکنید که انشالله بیشترین تاثیر را بر روحیه خودتان و دیگران خواهد گذاشت!

و یا اصلاً اگر هیچ جمله ای به ذهنتان نرسید، صرفاً همین امضای من را تکرار کنید که :

«استاپهایم را دوست میدارم و از رنگ قرمز آنها لذت می برم!»

«چرا که هر استاپی که زده میشود با صدای بلند فریاد می زند که من هرگز کال مارجین نخواهم شد!»

بفرمایید! این ها پرفورمنس های امروز من است!

فهرستی از معاملات درخشان!! بنده - که خیر سرم! - شما معتقدید که مثلاً استاد شما هستم!

نگاه کنید و ببینید که وقتی که به شما میگویم که: «دوست عزیزم ، بازار بد است و مقصر استاپ هایتان شما نیستید!» قطعا دروغ نمیگویم!

و خود بنده نیز قاعدتا در چنین روزهایی ، ده برابر شما درحال نوش جان کردن استاپ هستم!  
و درواقع بنده و شما نیز باید مانند تمام تریدرهای دنیا ،

این چند هفته را بطور کامل تعطیل اعلام میکردیم و منتظر آغاز هفته بعد می ماندیم!

اما همانطور که بارها گفته ام چون هدف ما صرفا آموزش و یادگیری فارکس است، و نه مطلقا پول درآوردن و کسب ثروت از این راه!

لذا از روبرو شدن با این استاپ ها ، هیچ گریزان نیستیم!

و ترید کردن را حتی در این روزهای نیمه تعطیل بازار نیز ادامه میدهم!

پرفورمنس اول : مربوط به کلاس ترید زنده امروز(گروه جناب مجیدی )

Order	Time	Type	Size	Symbol	Price	S / L	T / P	Time	Price	Swap	Profit
14162915	2011.01.05 16:31	buy stop	0.10	gbpjpy	129.05	128.55	129.40	2011.01.05 17:46	128.73		
14162960	2011.01.05 17:00	buy	0.10	gbpjpy	128.97	128.55	129.65	2011.01.05 17:34	128.55	0.00	-50.54
14162834	2011.01.05 16:13	buy	0.10	usdchf	0.9617	0.9580	0.9645	2011.01.05 16:28	0.9645	0.00	29.03
14162645	2011.01.05 15:28	sell	0.10	eurusd	1.3174	1.3220	1.3135	2011.01.05 16:28	1.3135	0.00	39.00
14162644	2011.01.05 15:28	sell	0.10	eurusd	1.3178	1.3220	1.3148	2011.01.05 16:16	1.3148	0.00	30.00
14162830	2011.01.05 16:13	buy	0.10	usdchf	0.9619	0.0000	0.0000	2011.01.05 16:13	0.9617	0.00	-2.08
14161791	2011.01.05 10:04	sell	0.10	eurusd	1.3245	1.3290	1.3170	2011.01.05 15:20	1.3170	0.00	75.00
14161920	2011.01.05 10:35	sell	0.10	eurjpy	108.65	109.05	108.35	2011.01.05 15:15	109.05	0.00	-48.40
14161921	2011.01.05 13:13	sell	0.10	eurjpy	108.55	109.05	107.85	2011.01.05 15:15	109.05	0.00	-60.50
14161789	2011.01.05 10:02	sell	0.10	eurusd	1.3250	1.3290	1.3220	2011.01.05 13:13	1.3220	0.00	30.00
14158549	2011.01.04 14:05	buy stop	0.10	gbpjpy	128.65	0.00	0.00	2011.01.05 09:34	127.76		
Profit/Loss: 41.51 Credit: 0.00 Deposit: 0.00 Withdrawal: 0.00											41.51

پرفورمنس دوم : مربوط به یکی از اکانتهای شخصی خودم.

Order	Time	Type	Size	Symbol	Price	S / L	T / P	Time	Price	Swap	Profit
15197085	2011.01.05 13:50	sell	0.10	nzdusd	0.7623	0.7635	0.0000	2011.01.05 19:48	0.7611	0.00	12.00
15197134	2011.01.05 08:47	sell	0.10	eurgbp	0.8520	0.8545	0.0000	2011.01.05 19:48	0.8501	0.00	29.43
15197152	2011.01.05 09:39	sell	0.10	audnzd	1.3070	1.3150	0.0000	2011.01.05 19:32	1.3150	0.00	-60.90
15199348	2011.01.05 14:43	sell	0.10	eurusd	1.3163	1.3170	0.0000	2011.01.05 17:56	1.3170	0.00	-7.00
15197083	2011.01.05 09:42	sell	0.10	audusd	0.9994	1.0005	0.0000	2011.01.05 17:31	1.0005	0.00	-11.00
15194944	2011.01.04 16:46	sell	0.10	audusd	1.0050	1.0005	0.9970	2011.01.05 17:31	1.0005	-1.34	45.00
15195491	2011.01.04 18:09	sell	0.10	nzdusd	0.7655	0.7635	0.7605	2011.01.05 16:59	0.7605	-0.64	50.00
15199234	2011.01.05 14:32	sell	0.10	eurusd	1.3180	1.3295	0.0000	2011.01.05 16:28	1.3130	0.00	50.00
15192642	2011.01.04 09:47	sell	0.10	nzdusd	0.7677	0.7710	0.7530	2011.01.05 16:09	0.7616	-0.64	61.00
15199170	2011.01.05 14:27	sell	0.10	eurusd	1.3183	0.0000	0.0000	2011.01.05 14:31	1.3180	0.00	3.00
15197070	2011.01.05 09:01	sell	0.10	eurusd	1.3255	1.3295	1.3170	2011.01.05 14:29	1.3170	0.00	85.00
15197543	2011.01.05 12:13	sell	0.10	eurjpy	108.55	109.05	107.85	2011.01.05 14:15	109.05	0.00	-60.49
15197538	2011.01.05 09:38	sell	0.10	eurjpy	108.68	109.05	108.18	2011.01.05 14:15	109.05	0.00	-44.77
15197074	2011.01.05 09:04	sell	0.10	eurusd	1.3250	1.3280	1.3200	2011.01.05 10:22	1.3280	0.00	-30.00
15197132	2011.01.05 08:47	sell	0.10	eurgbp	0.8520	0.8545	0.8490	2011.01.05 09:33	0.8490	0.00	46.86
15195486	2011.01.04 17:16	sell	0.10	audusd	1.0043	1.0075	0.9985	2011.01.05 01:00	1.0075	-1.34	-32.00
Profit/Loss: 132.17 Credit: 0.00 Deposit: 0.00 Withdrawal: 0.00											132.17

تازه شانس آوردم که امروز بعدازظهر ، آمریکایی ها در وسط تعطیلات سال نو ، هوس ترید کردن به سرشان زد ! و بازار نیز یک تکانی خورد!

وگرنه مطمئن باشید که براینده امروز من هم دقیقا مانند دیروزم ، کاملا و شدیداً «افتضاح منفی!» یعنی چیزی درحدود -240- پیپ!! ، از آب درمیامد!!

خیالتان راحت شد؟! آقای M با شما هستم، که امروز برایم نامه نوشته ای و نگران آمار ضررهای مکرر این چند روز خودت بودی !

حالا دیگر باور کردی که تو تنها کسی نیستی که این روزها درحال استاپ خوردن است؟!!

## پاسخ معمای تصویری:

پاسخی را که یکی از شاگرداولها به معمای اخیر داده اند را در اینجا نیز نقل قول میکنم تا :

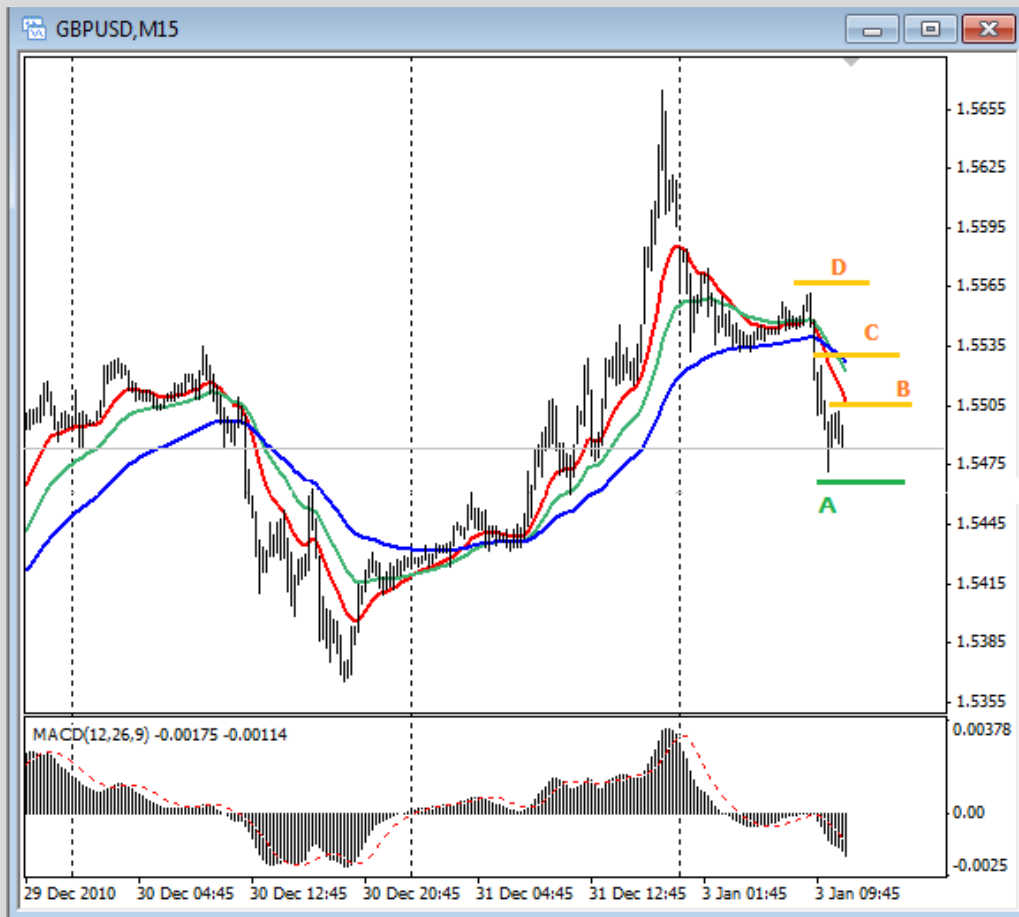
**اولا -** آن دسته از عزیزانی که منتظر پاسخ این «معمای تصویری» بودند ، پی به جواب نهایی آن ببرند!

**دوما-** به همگان ثابت شود که وقتی استادبابا پیش بینی فرموده بودند که «... در طالع کواکب مقرر گشته که در شب شصت و سوم ، شاگرد اولانی پای به عرصه فارکس خواهند گذاشت که برپیشانی شان اختری از نور ، و بر پشت کتف مهره ای PTM نشان دارند، و بر مکتوب سرنوشتشان چنین نگاشته است که در پایان شب یکصدم همگی از استاد خویش پیشی خواهند گرفت و همانا چون خورشیدی بر قله افلاک و چون ستاره ای بر گنبد آسمان خواهند درخشید ...» مثل همیشه ، استادبابا هیچ بیراهه نگفته اند!

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله alireza\_ironi

انقدر صفحات تایپیک اضافی جلو رفته که من تا خود جناب پشوتن پست نزنه رغبت نمیکنم به تایپیک اصلی برم .این پست رو ندیده بودم الان دیدم.( خدایی استاد تایپیک اصلی رو یه نظم بهش بدید و همه پشتها غیر از خودتون رو پاک کنید ، جداً منفی مثبت های سرمایه اینجا به درد میخوره ایکاش ایران فارکس هم این سیستم رو میذاشت !)

اما جواب سوالات از نظر من :



**سوال اول -** آیا ثبت یک پوزیشن SellStop در زیر نقطه A میتواند طبق آموزه های «روش ورود زودهنگام» صحیح باشد؟ (ضمناً واضح است که فعلاً شیب آبی و فاصله سایر مووینگها مناسب نیستند)

به نظر من ثبت سل استاپ اشتباه هست چون برعکس روند قبل بوده و باید منتظر دره جدید باشیم.

ضمناً ورود زودهنگام را صرفاً درشرایطی میتوان انجام داد که دو شرط زیر بصورت همزمان صادق باشند:

اولا- روند قبلی همجهت با پوزیشن و STR باشد.

دوما- روند در تایم فریمهای بالاتر همچون M30 و H1 نیز همجهت و STR باشند.

**سوال دوم -** از بین نقاط B و C و D کدامیک «قله کامل» هستند و میتوانند بعنوان «استاپ مطمئن» انتخاب گردند؟

نقطه D درسته. به نظر من C بیشتر شبیه به یک high است تا یک قله.

البته با مراجعه به تایم فریم های پایین تری مانند M5 و M1 ممکن است نقطه C نیز در آن ابعاد، بصورت یک قله «کامل» مینیاتوری» دیده شود،

ولی بهر حال در تایم فریم فعلی یعنی M15 نقطه C مطلقا یک قله نیست چه برسد به آنکه «کامل» باشد!

**سوال سوم -** پاسخ سوال قبل را برای حالتی که پوزیشن مذکور فعال شده باشد، مجددا بیان بفرمایید.

در این حالت نقطه B درست است.

زیرا پس از فعال شدن پوزیشن مذکور، هر دو قله B و D قله های کامل می گردند.

اما به نظر شخصی بنده پس از فعال شدن پوزیشن، بعنوان حد ضرر، نقطه C با توجه به موقعیت مویینگ آبی، مناسب تر از قله B است.

البته قسمتهایی را که خود علیرضاخان تحت عنوان «به نظر بنده» بیان نموده اند، اگرچه می توانند کاملا صحیح باشند، ولی بهر حال باتوجه به اینکه اندکی خاص و سلیقه ای هستند، لذا آنها را به حساب دیدگاه شخصی جناب شاگرداول و نه به حساب وحی منزل (!) بگذارید!

## سیگنالهای همچنان زنده و کاملا آزاد For Sample!

بخشید دوستان چند نفر آقا با عینک آفتابی و لباسهای چرمی مشکی (!) آمده اند دم درب منزل، و میگویند یک کار شخصی با من دارند که باید با ایشان برای چند دقیقه بروم به جایی!!

... و الان واقعا برای من خیلی سنگین هست (!) که این سیگنالهای زنده را قبل از آنکه سوار ماشین شان بشوم برایتان ارسال کنم! ولی با اینحال هرطور که شده، حداقل صرفا بصورت تصویری، آنها را برایتان میفرستم،

تا اگر آنقدر خوش شانس بودید که دیگر چشم تان به این تاپیک و دست تان به بنده نرسید،

لااقل این چندتا استاپ ناقابل را به رسم یادگاری از اینجانب نوش جان بفرمایید!!



به روال معمول ، نقاط ورود مناسب را در زیر دره های M5 و M15 با خطوط آبی رنگ نشان داده ام.

و سطوح مناسب برای حدضرر را نیز برمبنای «آخرین قله M15» ویا «دو قله به عقب در M5» با خطوط قرمز رنگ نمایش داده ام.

یعنی تقریباً میشود یک چیزی به شرح زیر:

Order	Time	Type	Size	Symbol	Price /	S / L	T / P	Price	Swap	Profit
15202889	2011.01.06 09:36	sell	0.10	eurgbp	0.8443	0.8463	0.8385	0.8439	0.00	4
15202816	2011.01.06 09:09	sell	0.10	eurgbp	0.8450	0.8485	0.8405	0.8439	0.00	11
15202830	2011.01.06 09:30	sell	0.10	usdcad	0.9929	0.9970	0.9880	0.9943	0.00	-14
15202821	2011.01.06 09:10	sell	0.10	usdcad	0.9938	0.9970	0.9905	0.9943	0.00	-5
15202882	2011.01.06 09:40	sell	0.10	eurusd	1.3115	1.3145	1.3065	1.3123	0.00	-8
15202812	2011.01.06 09:09	sell	0.10	eurusd	1.3121	1.3165	1.3065	1.3123	0.00	-2
Balance: 9 944.64 Equity: 9 938.86 Margin: 362.43 Free margin: 9 576.43 Margin level: 2742.28%										
15202836	2011.01.06 09:12	sell stop	0.10	nzdusd	0.7550	0.7590	0.7515	0.7584		
15202833	2011.01.06 09:12	sell stop	0.10	nzusd	0.7560	0.7600	0.7520	0.7584		
15202825	2011.01.06 09:10	sell stop	0.10	audusd	0.9942	0.9990	0.9870	0.9980		
15202823	2011.01.06 09:10	sell stop	0.10	audusd	0.9958	1.0005	0.9910	0.9980		

ضمناً اگر از این به بعد کسی خواست لطف نموده و برای ملاقات تشریف بیاورد!!

لطفاً فقط زحمت آوردن کمپوت آناناس را بکشد! چون از طعم هلوی آن واقعا بیزارم!!

((پس اگه اینجوره هلوهاش باشه واسه من ..... چی..... من کی هستم ..... من گرداورنده ای با کفشهای کتونی هستم ☺))

## آغاز کنتور روزشمار: روز شصت و چهارم!

### درباب NFP مهمترین خبر دنیای فارکس :

#### بازار خوش خیال ، بازار سرخورده !

فرصت چندانی تا «انفجار بمب خبری!» باقی نمانده است!

پس بی مقدمه بگویم که همانطور که میدانید امروز مهمترین خبر دنیای فارکس یا همان NFP منتشر می شود!

و بسیاری از بروکرها نیز از همان ساعات ابتدای صبح، اطلاعیه هایی را برای مشتریان خود میفرستند

و ایشان را از شرایط خاص بازار به هنگام اعلام این خبر ، آگاه می سازند:

از بازکردن و افزایش اسپرد گرفته ، تا عدم گارانتی استاپ لاس ، عدم مجوز برای پوزیشنهای هج ، و حتی اجازه ندادن برای ثبت پوزیشنهای شرطی جدید و غیره . . .

همگی راهکارهای متنوعی برای بروکرهای به جهت فرار از تبعات این خبر 10 ریشتری خواهند بود!

اگر خاطر مبارکتان باشد پیش از این نیز در مورد ماهیت این خبر خاص و همچنین نحوه ترید کردن (یا نکردن!) بر روی آن ،

قبلاً در بخش مقدماتی تایپک، در مقاله ای تحت عنوان «**درباب خبر NFP**» مفصلاً بحث کرده بودیم،

که در اینجا نیز مجدداً کلیه دوستان تازه وارد ، و بویژه نوآموزان را ، توصیه به مراجعه به آن جستار ، و مرور و مطالعه دقیق تر نکات مربوطه می نمایم.

با این توضیح اضافی که خبر **ADP Non-Farm Employment Change** که روز چهارشنبه همین هفته اعلام شد - و معمولاً پیش درآمدی برای خبر NFP فرض میگردد - بسیار بهتر از حد انتظار ظاهر گردید

و همانطور که این چند روز حتما مشاهده فرمودید، شدیداً موجب تقویت ارزش دلار و رشد هر روزه قیمت آن گردید!

مقدار قبلی ADP در حدود 90 هزار بود و تحلیلگران برای آن پیش بینی حدود 100 هزار را داشتند،

اما نتیجه اعلامی برخلاف انتظار، در حدود سه برابر این مقدار، یعنی حوالی 300 هزار شغل، منتشر گردید!

به همین دلیل اکثر مفسرین و تحلیلگران خبری برای امروز بعدازظهر، یک NFP قدرتمند و «تقویت کننده دلار» را پیش بینی کرده اند!

که به اعتقاد ایشان موجب سقوط ارزش یورو تا سطوح 1.28 میگردد!

اما اگر نظر شخصی بنده را بخواهید، جسارتاً دقیقاً برعکس کلیه سایتها و منابع تحلیلی است!!!

چون تجربه اینطور نشان میدهد که وقتی کلیت بازار شدیداً چشم انتظار یک خبر بسیار خوب و امیدوار کننده باشد،

معمولاً در پایان و پس از اعلام خبر واقعی، نتیجه چندان باب میل بازار از آب در نخواهد آمد!

و حتی در بسیاری مواقع با آنکه خبر مذکور واقعاً نیز «خوب» اعلام میشود،

اما بازهم به دلیل اختلافی که با تصورات قبلی و رویاپردازانه بازار داشته است، با واکنش چندان دلچسپی از طرف معامله گران مواجه نمیگردد!

حتی ممکن است بازار در ابتدای امر و بلافاصله پس از اعلام خبر، اندکی واکنشهای هیجانی و زودگذر از خودش نشان بدهد،

ولی معمولاً پس از مدتی کوتاه، به سرعت پی به خوش خیالی خود می برد،

و مثل همه آدمهای خوش خیالی که با واقعیت روبرو میشوند! شدیداً دچار یاس و سرخوردگی شده، و رو به واکنشهای خصمانه و تدافعی میاورند!!

خلاصه آنکه در چنین مواقعی، یعنی پس از اتمام «**فاز هیجانی**» و آغاز «**فاز یاس و سرخوردگی**» دو حالت متفاوت ممکن است رخ بدهد:

**حالت اول این** است که بازار به این نتیجه میرسد که همین قیمت‌های فعلی (مثلاً برای یورودلار حوالی 1.29 تا 1.30) برای خبر مذکور کفایت می کرده است!

و لذا بدون آنکه تأثیر خاصی در آن ایجاد گردد، صرفاً در همین حوالی شروع به رنج زدن و چرخیدن به دور خودش میکند،

تا نهایتاً تصمیمگیری قطعی خودش را به روزهای بعد و هفته آتی موکول نماید!

**اما حالت دیگر این است** که بازار از خوشخیالی و ساده لوحی خودش بیش از حد عصبانی گردد!

و در چنین حالتی - که اتفاقاً کم نیز رخ نمیدهد! - ممکن است که بازار علی رغم اعلام یک نتیجه خوب برای NFP شروع به پس رفتن نموده،

و برخلاف جهت خبر مذکور، شروع به حرکت نماید!

در چنین حالتی یک معامله گر کم تجربه، دچار بهت و شگفتی میشود که چرا علی رغم آنکه نتیجه ای به این خوبی برای خبر مذکور اعلام گشته است،

اما بازار در حال نشان دادن واکنش معکوس به نتیجه آن خبر است؟!!

پاسخ این سوال همان جمله معروف است که :- «**بازار توسط «اخبار» تکان نمی خورد! بلکه این «انتظارات» معامله گران نسبت به اخبار است که منجر به حرکت بازار می گردد!**»



و به همین دلیل است که همانطور که قبلا نیز گفته ایم ( در مقاله مربوط به «اخبار» و سایتهای خبری **ForexFactory** و **Iran-Foerx** از بخش مقدماتی) این نتیجه نهایی یک خبر نیست که منجر به حرکت بازار میگردد،

بلکه اختلاف بین «نتیجه واقعی یا **Actual**» و «پیش بینی قبلی تحلیلگران یا **Forcast**» است که ملاک و محرک نهایی برای تصمیمگیری مارکت می باشد!

و در پایان نیز لطفا دقت بفرمایید که همه اینها را که گفتم صرفا جنبه آموزشی و بقول معروف اطلاعات عمومی برایتان داشت! وگرنه مطلقا نباید ملاکی برای تصمیم گیری به ورود و خروج به مارکت قرار گیرد!

و یا هرگونه تاثیری بر نحوه معاملاتتان داشته باشد!

البته درست است که اگر شما از اساس یک **News Trader** و یا یک تحلیلگر یا تریدر **فاندامنتالیست** باشید، قضیه برایتان متفاوت خواهد بود

و اتفاقا شاید یکی از روشهای معاملاتی شما بعنوان نمونه همین وقوع اخبار و مقادیر اعلامی آنها و پیش بینی های شما نسبت به واکنشهای آتی بازار باشد.

اما در حال حاضر و باتوجه به رویه فعلی ما در این تایپک ، که اصل را بر ترید کردن بر مبنای تجزیه و تحلیل تکنیکال و عدم ورود به مقولاتی چون تحلیل فاندامنتال و یا سایر روشهای پیش بینی کننده بازار گذاشته ایم،

لذا تصمیمگیری پیشاپیش صرفا بر روی نتایج آتی اخبار ، و از آن بدتر معامله کردن بر مبنای این تصمیمها ، و از همه بدتر ایجاد پیش ذهنیت برای معاملات شخصی ، امری بسیار خطرناک و زیان آور خواهد بود!

## معمای به سبک «پیک شادی» !!

### به مناسبات پایان تعطیلات تایپک:

تعطیلات تمام شد! و باید تنبلی را کنار گذاشت!

چون قرار شده که از امروز مجددا مطالب آموزشی خودمان را شروع کنیم!

خوشبختانه ایام نیمه تعطیل و بی جان بازار نیز به پایان رسید،

و انشالله از این هفته مطالب جدید خودمان را ، همگام با بازاری پر شور و پر قدرت آغاز خواهیم نمود!

فعلا تا بنده مشغول آماده نمودن متنی مناسب برای امشب شما هستم،

لطفا شما نیز محبت نموده و تمرکز خودتان را بر پاسخگویی به «معمای تصویری» زیر بگذارید!

این معما را به یاد تعطیلات نوروز و دوران شیرین کودکی ، به سبک جزوه های پیک شادی!! برایتان طراحی کرده ام!

یادتان هست که در آن روزها و در شلوغ و پلوغی دید و بازدیدهای نوروزی ،

با چه شور و شوقی می نشستیم و دفترچه های پیک شادی خودمان را رنگ آمیزی میکردیم؟!

البته همه آن شور و شوق صرفا برای دو سه روز اول بود!

چون بعدا کل مشقها به روزهای پایانی تعطیلات موکول میشد و بعد هم در روز آخر و در شب سیزدهم ،

ما میماندیم و یک جزوه دست نخورده که باید تند و تند و به هر زور و زحمتی بود آن را کامل میکردیم!!



امروز نیز برای آنکه همان حال و هوا را مجدداً برای شما یادآوری کنم - البته اینبار بعنوان کودکی حدوداً سی یا چهل ساله (!!)-  
 معمای امروز را به سبک همان جزوه های پیک شادی خدمتتان ارایه میکنم!  
 که باید قلم و مداد رنگی بردارید و آن را برای من رنگ آمیزی کنید!!  
 ضمناً لطفاً فکر نکنید که خدایی نکرده شما را سر کار گذاشته ام!  
 چون اگرچه در ظاهر معمای نسبتاً ساده ای است ، ولی بعید میدانم که به این سادگی ها کسی بتواند پاسخی دقیق و کامل را به آن بدهد!

### معمای تصویری:

در شکل زیر تایم فریم یکساعته از زوج ارز یورو به ین ژاپن را مشاهده میکنید.

تعدادی از قله ها و دره های اصلی این زوج ارز را با مستطیلهای توخالی ، برایتان مشخص کرده ام.

شما باید یک مداد رنگی بردارید و داخل مستطیلهایی را که نشانگر قله ها و دره های «کامل» هستند ، رنگ آمیزی بفرمایید!  
 و سپس سعی کنید پاسخ سوالات زیر را نیز پیدا کنید!

### صورت سوال :

**اولا-** کدامیک از این مستطیل ها نشانگر یک قله ها یا دره «کامل» هستند؟

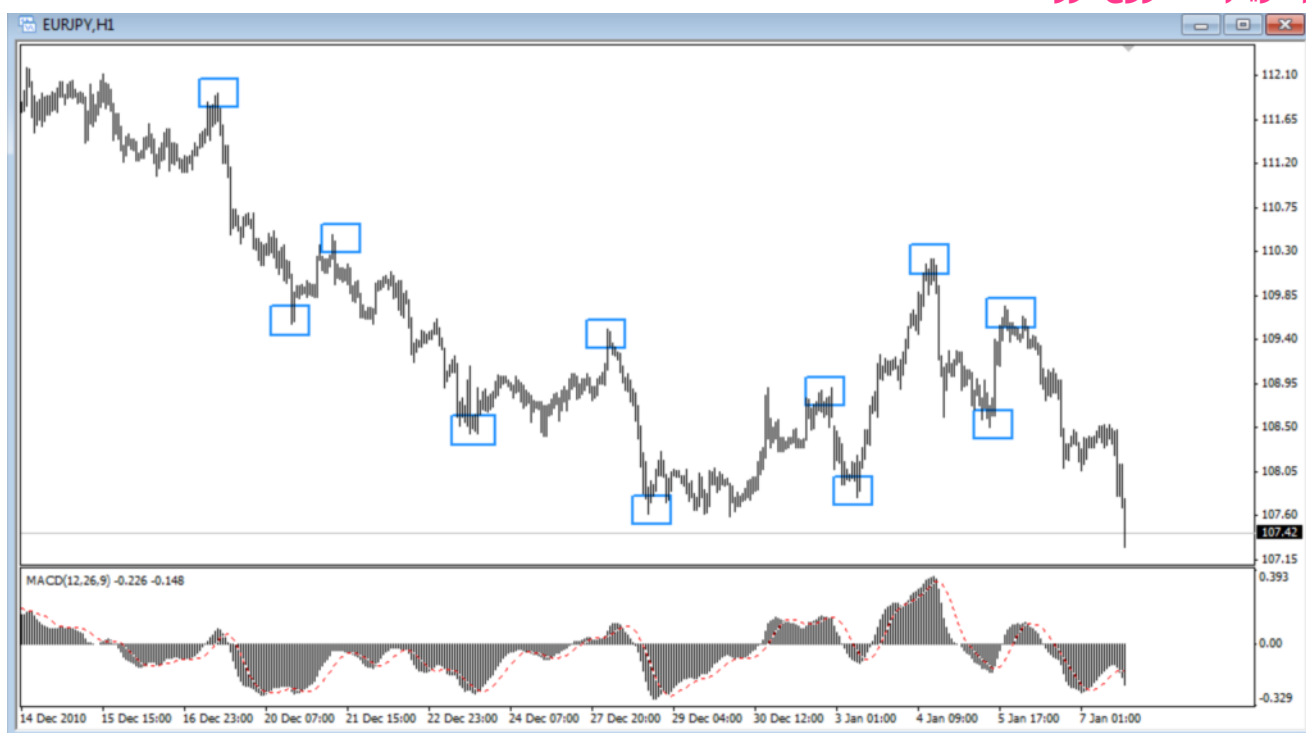
**دوما-** تعداد قله ها و دره های «کامل» در این تصویر چند تا است؟!

**سوما-** خطوط روند را بر مبنای قله ها و دره ها رسم کنید.

**چهارما-** چه رابطه ای بین «خطوط روند» و قله ها و دره های «کامل» وجود دارد؟!

**پنجما-** چه نتیجه ای را می توان از این معما گرفت ؟!

### تایم فریم H1 زوج ارز EURJPY :



## مدیریت سرمایه به سبک PTM

تاکنون چندین بار درباره اصول «مدیریت سرمایه به سبک PTM» که صرفاً یک مدیریت سرمایه از نوع «آموزشی» است، توضیحاتی را خدمتان ارائه کرده‌ام. که کاملترین آنها را میتوانید در مقاله بسیار مهم «از یک تریدر سطح اول چه انتظاری داریم؟!» ملاحظه بفرمایید.

واقعیت آن است که در روش مدیریت سرمایه ما، با توجه به آنکه اساس کار صرفاً بر «آموزشی» بودن قضیه است و نه مطلقاً بر «پول درآوردن از بازار!» بنابراین میتوانیم دست به اعمال و اقداماتی محیرالعقول بزنیم که شاید اگر کسی آشنایی چندانی با سبک و سیاق معاملاتی ما نداشته باشد، کمی تا قسمتی دچار حیرت و شگفتی گردد!

بعنوان مثال همانطور که بارها گفته‌ام شما میتوانید صرفاً با یک اکانت 200 دلاری پوزیشنهای دو بخشی 0.02 لاتی بگیرید!

و یا با یک اکانت 2000 دلاری از پوزیشنهای دو بخشی 0.2 لاتی استفاده نمایید!

تناقضی که در ذهن بسیاری از مخاطبان شکل می‌گیرد از اینجا ناشی میشود که تصور میکنند که کل سرمایه و دار و ندار ما صرفاً همان دو بیست دلار و یا دو هزار دلاری است که در فارکس ریخته ایم!!؟

و تعجب میکنند که چگونه ممکن است که ما صرفاً در یک روز به راحتی 10 الی 20 درصد از این مبلغ را در معاملات خودمان به خطر می‌اندازیم!!؟

لذا به نظر میرسد که لازم باشد تا یکبار دیگر این نکته ظریف را توضیح بدهم که ما صرفاً بخش کوچکی از مقدار سرمایه اصلی خودمان را در فارکس - بعنوان شغلی که تازه قصد آموختن و یادگیری آن را داریم - وارد میکنیم!

درواقع این مبلغ باید آنقدر ناچیز باشد که حتی از بین رفتن کل آن نیز تاثیر چندانی بر زندگی و داشته‌های ما نگذارد!

بعنوان مثال اگر من تصمیم داشته باشم که کلاً 600 هزار تومان پول را برای فعالیتهای آموزشی خودم در فارکس اختصاص بدهم، در آنصورت صرفاً با 200 دلار آن یک اکانت نزد بروکر مربوطه باز میکنم!

و 400 هزار تومان دیگر را همینجا در تهران و در جیب خودم نگه خواهم داشت!

بنابراین برای ما که با چنین شیوه‌ای ترید میکنیم، دیگر چندان فرقی نمیکند که اگر در یک روز خاص بعنوان مثال ناگهان با 40 دلار ضرر و زیان مواجه شویم! یعنی حتی 20 درصد از کل موجودی ظاهری اکانت!

چرا که در این صورت صرفاً کافی است که در پایان روز، یک ایمیل برای آقای قاری بزنیم و از ایشان بخواهیم که موجودی حساب ما را مجدداً به اندازه 40 دلار افزایش بدهند تا به همان سقف استاندارد 200 دلار قبلی برسد!

جناب قاری نیز معمولاً این درخواست را ظرف یک الی دو ساعت انجام میدهند و بنابراین به سرعت می‌توانید مجدداً روند کاری خودتان را با همان موجودی استاندارد 200 دلاری ادامه دهید.

مطلقاً نگران زیاد شدن تعداد واریز و برداشت‌های خودتان هم نباشید!

چون تاکنون چندین بار از آقای قاری سوال کرده‌ام که :

**باباپشونا - «آقای قاری سلام، ببخشید حداقل مبلغی که دانشجویان من میتوانند در واریزها و برداشتهای خودشان سفارش انتقال آن را بدهند چقدر است؟»**

و ایشان نیز همواره با آغوش باز و لب نیمه خندان (!) گفته‌اند که :

**جناب قاری - «باباپشونای عزیز، برای دانشجویان شما استثناً (!) از 30 دلار به بالا اشکالی ندارد! و هرچقدر که باشد انجام میدهم!!»**

ملاحظه فرمودید؟! الان هم که مجدداً خودشان اعتراف کردند!

پس خیالتان تخت تخت باشد!

و شما فقط ضرر نکنید! حتی اگر 30 دلار هم سود کرده باشید، باقی قضایا یعنی برداشت آن و واریز به حسابتان در ایران و غیره .... با جناب قاری!!!

حالا اگر هم ضرر کردید که خب اشکالی ندارد! چون بهرحال ضرر نیز بخشی غیرقابل حذف از کسب و کار شما است!  
و باید آن را بهمان سادگی که یک «بقال» ضرر ناشی از مثلا شیر یا ماست تاریخ مصرف گذشته خودش را میپذیرد، شما نیز استاپ هایتان را بپذیرید!

هر زمان که ضرر شما به حدود 40 دلار (یعنی 20 درصد اکانت) رسید، حتما آخر شب یک ایمیل برای آقای قاری بزنید و از ایشان بخواهید که برای فردا صبح، مجددا اکانت شما را به همان مقدار استاندارد و اولیه 200 دلار برگردانند!  
بگذارید چشم و ذهن شما عادت کند که هر روز صبح، کار خودتان را با یک اکانت 200 دلاری آغاز میکنید!  
معادل ضررهای حتی اندک خودتان را بلافاصله به حساب تان واریز کنید!

تا فردا صبح اول وقت، با یک حافظه ریست شده (Reset) و یک ذهن رفرش شده (Refresh)، و بدون آنکه غصه کسری موجودی اکانت و طلب قبلی خودتان از بازار را بخورید، روز کاری جدیدی را آغاز نمایید!

پس بازهم تاکید میکنم که موجودی خودتان را در حدود یک مبلغ استاندارد - مانند مثلا 200 دلار - ثابت نگه دارید، و هر زمان که به اندازه 20 دلار سود کردید بلافاصله آن را برداشت کنید و هر زمان نیز که همین مقدار را ضرر کردید، بلافاصله معادل آن را شارژ نمایید!

به این شیوه، ذهن شما به تدریج خودش را کاملا با یک اکانت 200 دلاری تنظیم می کند، و مقادیر مناسب برای سود و زیان و حجم و لات و غیره .... کاملا برایتان جا میافتد!

پس از گذشت چندین هفته متوالی، هنگامیکه تعداد واریزها و برداشتهایتان اندکی زیادتیر شد،

دیگر بطور کل فراموش میکنید که اصلا چقدر تاحالا سود کرده اید یا ضرر؟

و مرتبا خاطرات تلخ و شیرین گذشته خودتان را با خودتان یدک نمی کشید!

هر روز صبح ذهن خودتان را نو میکنید و روز جدید را صرفا با یک کارنامه سفید آغاز می نمایید!

کسی که در گوشه ای از ذهنش احساس کند که یک طلب قبلی از بازار دارد، هرگز نمیتواند خودش را از قید و بند افکار و عقاید مالیخولیایی رهایی بخشد و با چشمان یک ناظر بی طرف به بازار نگاه کند!

چراکه همه فکر و ذکرش همواره معطوف به باز پس گیری طلب قبلی اش، و بتصور خودش جبران نمودن اجهافی است که درحقیقش روا شده است!

انگار که بازار یک دزد بدذات است که روزی وارد زندگی شما شده است و بخشی از سرمایه و از آن مهمتر عزت و اعتمادبنفس شما را ربوده و با خود برده است!

باور بفرمایید که فراموش کردن خاطرات گذشته به نفع شماست!

ولی اگر همچنان اصرار دارید که برای تمامی ضررها و کال مارجین شدنهای قبلی خودتان بدنبال مقصری بگردید، اجازه دهید تا با افتخار، او را خدمتتان معرفی کنم: شما!

بله! متاسفانه شما تنها مقصر اول و آخر تمامی ضررها و ناکامی هایتان هستید!

نه بروکر! نه آی بی! و نه بازار! و نه سایر تریدرهای دنیا!

هیچکدام هیچ نقشی در ضعف و شکست تاریخی شما نداشته اند!

نه تنها نقشی نداشته اند که احتمالا اصلا متوجه آمدن و رفتن شما نیز نشده اند!!

خیلی کودکانه است که تصور کنید در آن سوی چارت شما کس دیگری، مرموز و بیصدا، نشسته است تا صرفا هرطرف که شما پوزیشن گرفتید، او با انواع و اقسام طرفه و حیل، معامله شما را به ضرر بکشانند!

پس حافظه خود را پاک کنید! و قبول بفرمایید که یا باید فارکس را بطور کامل کنار بگذارید، و یا خودتان را از قید و بنده سرکوفت های هزاران باره خود رها سازید!

و قبول بفرمایید که حافظه یک تریدر موفق از حافظه یک بیمار آلزایمری (!) نیز باید ضعیف تر باشد!!

یک تریدر حرفه ای هر روز صبح، کار خودش را از نو شروع میکند!

و نه چیزی از طعم شیرین سودهای دیروزش بیاد میآورد، و نه بار سنگین ضررهای قبلی خودش را دایما به دوش میکشد!

خلاصه از ما گفتن بود!

یکبار برای همیشه با خودتان کنار بیایید، و پرونده فارکسی خودتان را از ابتدا آغاز کنید!

تا زمانیکه همه فکر و ذکر شما جبران خاطرات تلخ گذشته است، هرگز استفاده لازم را از موقعیت های مناسب پیش روی خود نخواهید برد! چراکه اصلا نمیتوانید آن ها را به درستی مشاهده نمایید!

ای بابا چقدر حرف زدیم ....!! اصلا کجا بودیم . . .!!؟! فاز معلمی ما بازم بالا زد و حساب صحبت از دستمان خارج شد!!

داشتم درباره واریز و برداشتهای روزانه به حساب تان صحبت میکردم!

و میگفتم که توصیه اکید بنده این است که اگر در یک روز خاص با حدضرر روزانه خودتان (یعنی حدود 20 درصد) مواجه شدید، بهتر است که برای آن روز خاص، معامله کردن را بطور کامل کنار بگذارید و پس از ارسال ایمیل مربوطه برای جناب قاری، ادامه تریدهای خودتان را به فردا صبح موکول نمایید.

از طرفی درمورد تعداد پوزیشنهای باز در هر لحظه، با توجه به «مدیریت سرمایه آموزشی» که در بالا توضیح داده شد، شما می توانید به هر میزانی که ذهن و فکرتان اجازه میدهد، بطور همزمان پوزیشن باز داشته باشید!

برای شخص بنده این تعداد مجاز چیزی در حدود حداکثر چهار الی پنج زوج ارز بطور همزمان است، و با توجه به گرفتاری ها و مشغله های ذهنی مداومی که دارم، معمولا توان و تمرکز لازم را برای بیش از این تعداد ندارم!

شما نیز می توانید بسته به میزان تسلط و کشش ذهنی خودتان، یک محدوده مجاز را از لحاظ تعداد پوزیشنهای باز همزمان، برای خود انتخاب نمایید و به همان پای بند باشید.

اگر نو آموز هستید پیشنهاد من برای شما داشتن پوزیشنهای باز بر روی حداکثر سه زوج ارز بصورت همزمان است. ولی همانطور که گفتم چون اصل بر آموزش است و نه پول درآوردن، حالا اگر تعداد آنها در یک روز خاص، مثلا یک واحد کمتر یا بیشتر بشود، توفیر چندانی ندارد!

خلاصه مهم آن است که از لحاظ ذهنی تحمل هندل نمودن همزمان آنها را داشته باشید، وگرنه اتفاقا حسن روش PTM دقیقا در همین است که شما میتوانید بر روی تعداد بیشماری از زوج ارزهای مختلف، سفارشات خود را ثبت نموده، و سپس همگی را به امان خدا گذاشته و به دنبال کار و زندگی خودتان بروید!!!

بسیار خب، این هم از مدیریت سرمایه به روش PTM یعنی آنچه شما خواسته بودید!

فکر میکنم با توجه به کثرت جمعیت تازه واردین به این تایپک، لازم بود تا مجددا یک توضیح مختصر را درباره «مدیریت سرمایه آموزشی» که در حال اجرای آن هستیم، خدمتتان عرض کنم، که فوقا اشاره شد.

### چرخ را چه کسی اختراع کرد؟!

#### نبرد استادباباشونا و پیرنیمابخانبا :

#### جدالی بر فراز قله ها و دره های مرتفع تبت !!

بسیار عالی!

طبق معمول کنجکاوی و نبوغ ایرانی کار خودش را میکند!

و بدون آنکه من بگویم تعداد زیادی از شاگرداولها و بسیاری از خوانندگان مشتاق ،

خودشان به ارتباط تنگاتنگ بین معمای مطرح شده با آموزه های ظاهرا متضاد دو پیرمرد و مرشد فارکسی یعنی «استادباباشونا» و «پیرنیمابخان بابا» پی می برند!

ماجرا از آنجا شروع میشود که دو ایرانی هریک در گوشه ای از خانه خودنشسته اند

و باتمام قوا تلاش میکنند تا در نبود هرگونه ارتباطات علمی و پژوهشی و غوطه ور در فقر کامل منابع آموزشی ،

هرکدام به ضم خویش ابزاری بنام «چرخ» را از نو اختراع کنند!!

غافل از آنکه چنین ابزاری قریب به 22هزار سال است که در خارج از این مرزها توسط انسانهایی نئوناندرتال(!) اختراع گشته ،

و نزدیک به 12 هزار سال است که در جاده های مغرب زمین به زیر گاریها و درشکه ها درحال چرخیدن است ،

و حتی تصاویر و طرح واره های آن نیز بر دیواره های غارهای برزیلی و اسپانیایی از 6 هزارسال پیش تا به امروز نقاشی گشته است!

اما چه میشود کرد که این دو جوان ایرانی (ببخشید این دو پیرمرد تبتی!!) بدلیل عدم وجود هرگونه امکانی برای ارتباطات علمی و آموزشی با یکدیگر ،

باید تمام هوش و حواس و انرژی خودشان را بجای آنکه بر انجام پژوهش های تحقیقی مشترک و مراودات دستاوردها و یافته های بومی خود بگذارند،

باید صرفا درخفا و پنهان از چشم داروغه شهر به خلق برهان های مستدل برای اثبات عدم هرمی بودن فارکس پردازند!

و حتی اگر هیچ چاره ای نیافتند با آغوش باز بیضوی (!!)) بودن فارکس را بپذیرند تا شاید از عواقب خطیر هرمی بودن آن مصون بمانند . . . !!

لذا طبیعی است که این دو جوان ایرانی (ببخشید این دو پیرمرد تبتی ) بدون اطلاع از دست آوردهای یکدیگر،

هریک جداگانه اصرار می ورزند که خودشان اولین مبدع و مخترع ابزاری مفید و پیشرو بنام «چرخ» بوده اند!!

از داستان اصلی دور نشویم که همه اختلافات دو پیرمرد از آن پیاده روی مستانه و دوستانه در کوهستانهای مرتفع تبت آغاز شد،

هنگامیکه «استادباباشونا» از «پیرنیمابخان» اجازه میخوهد تا لختی را بر سایه تپه ای بلند به استراحت پردازند . . .

پیرنیمابخان از نشستن و اطراق در آن مکان سرباز میزند!

و آنجا را مناسب شان و مقامات عرفانی خویش نمیداند و لب به اعتراض میگذارد که :

- «چگونه ممکن است پیرنیماخان بزرگ ، بر سایه تپه ای بخسبد که هیچ اثری از «ماژور» بودن در آن نباشد و هیچ سازگاری با آموزه های فلسفی اش نداشته باشد؟!»

استادابا غریو میزند که : - « هان ای پیرمرد! به چه روی اعتراض میکنی که این قله بلند همانا اگرچه «ماژور» نیست که در عوض قله ای بس «کامل» است!

« و می توان در پس آن سنگرها گرفت!

« و چه بسا جنگجویانی که پیش از این نیز در پناه این قله ، جان گرفته اند و از آتش دشمن در امان مانده اند؟! »

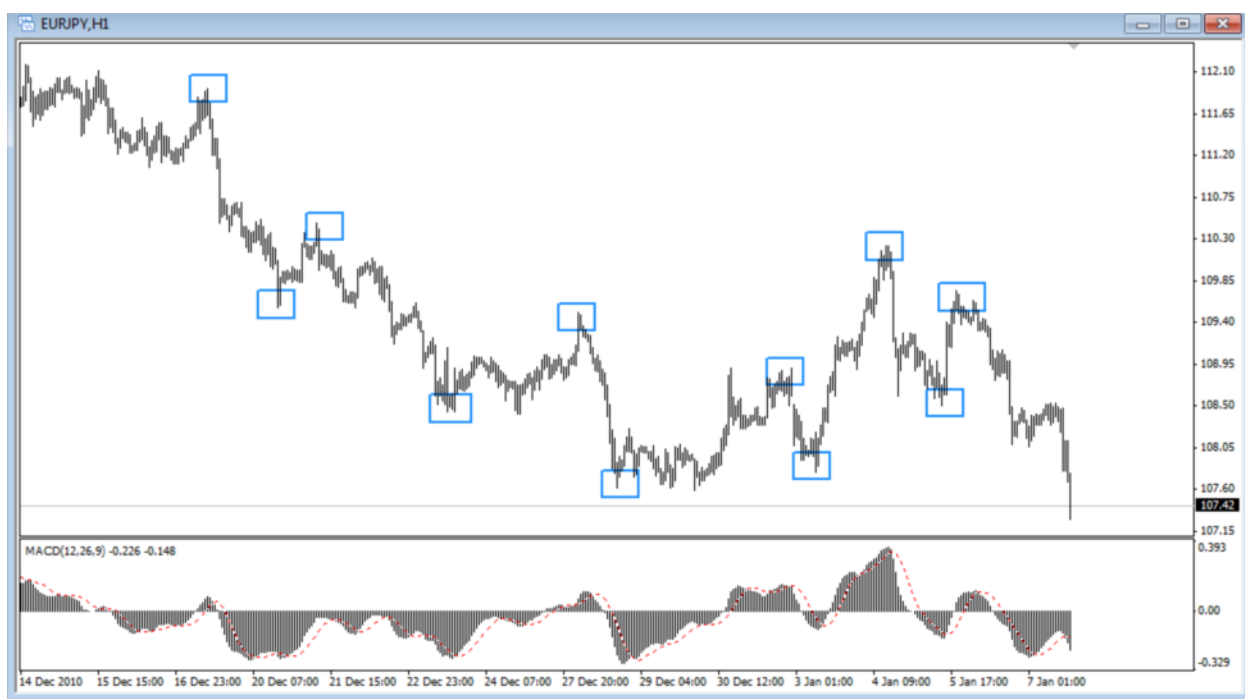
و جدال معروف پیرنیماخان و استادابا که به قهر و انزوای سی ساله این دو پیرمرد از یکدیگر میانجامد از همین جا آغاز میگردد . . . و جدال معروف پیرنیماخان و استادابا که به قهر و انزوای سی ساله این دو پیرمرد از یکدیگر میانجامد از همین جا آغاز میگردد!

که استادابا برگه ای کاغذی از جیب بیرون میاورد ، که بر آن نقشه ای کامل از قله ها و دره های مرتفع و مقدس تبت ، ثبت گشته است.

آن را درمقابل چشم پیرنیماخان می گیرد

و مدادش را ، به شیوه ای که یک استهزا سنتی تبتی را تداعی میکند، به دست وی میدهد.

و از او میخواهد که محل دقیق قله ها و دره های ماژور را در آن نقشه مشخص کند!



پیرنیماخان قلم را بدست میگیرد و درحالیکه زیر لب زمزمه میکند تعریف قله ها و دره های ماژور را برای خودش تکرار میکند:

**قله ها و دره های ماژور (یا اصلی) :**

- قله ها و دره های اصلی یا ماژور ، نقاطی هستند که میل اکثریت خریداران و فروشندگان بازار تغییر میکند،

به گونه ای که اگر بعنوان مثال در یک روند صعودی تا پیش از این ، غلبه با خریداران بوده است، در «قله ماژور» این نسبت معکوس میگردد / و با پیشی گرفتن فروشندگان ، روند بازار معکوس گشته و نزولی میشود.

- بنابراین قله ها و دره های «ماژور» تغییر جهت روند کلی بازار را نشان میدهند،

در حالیکه سایر قله ها و دره های «مینور» (یا فرعی) صرفا تغییرات جزئی را که در ابعاد کوچکتر رخ میدهند به نمایش میگذارند.

- اگر بخواهیم منظور خود را با یک مثال ملموس بیان کنیم،

قله های **ماژور** در یک کوهستان همانند قله هایی مانند توجال و دماوند و غیره ... هستند که شیب کوهستان را بطور کامل عوض میکنند،

در حالیکه قله های **مینور** صرفا مانند تپه هایی کوچک هستند که کوهنورد را در مسیر خود صرفا با سربالایی ها و سرپایینی های موقت مواجه میسازند.

- در واقع مهمترین کاربرد قله ها و دره های **ماژور** در تشخیص روند است،

هنگامیکه بعنوان مثال در یک روند صعودی ، پله به پله و یکی پس از دیگری به ترتیب در بالای یکدیگر ظاهر میشوند.

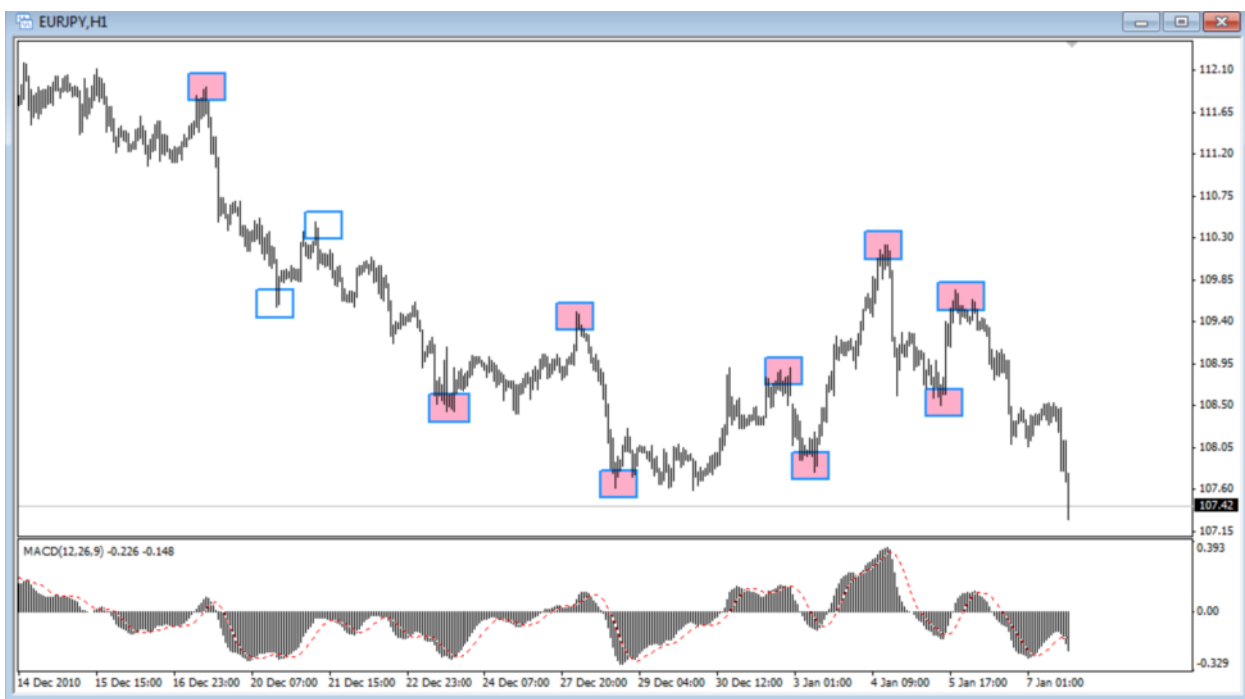
- اکثر قله ها و دره های **ماژور** یا **اصلی** ، آنقدر بزرگ و واضح هستند که بر روی چارت به سهولت با چشم خالی نیز قابل تشخیص و مشاهده میباشند.

اما اگر اصرار داشته باشیم که حتما صحت انتخاب خود را از یک ابزار ریاضی دریافت کنیم،

می توانیم برای تشخیص آنها از مکدی و نکته زیر کمک بگیریم که :

**نکته - در فاصله بین هر قله و دره ماژور ، مکدی حداقل یکبار تغییر فاز میدهد. (یعنی علامت جبری مکدی از مثبت به منفی یا برعکس تغییر میکند.)**

زمزمه های پیرنیمخان به اتمام میرسد و دستش قلم را بر روی کاغذ به حرکت درمیآورد تا قله ها و دره های ماژور را بصورت زیر مشخص نماید:



استادبابا لبخندی می زند و به استهزا ، آهنگی تبتی را میخواند که معنایی کنایه آمیز در درون دارد.

ترجمه آهنگ به زبان فارسی بدین شرح است:

- « پیرنیم! الحق که پیرمرد خجسته ای هستی! ولی افسوس که بیش از حد پیر و فرسوده گشته ای! »

و سپس استادبابا قلم را بدست گرفته و شروع به نگارش میکند:

## تعریف قله ها و دره های «کامل» :

- قله ها و دره های «کامل» مکانهای مناسبی برای سنگر گرفتن بعنوان استاپ لاس می باشند.
- یک قله «کامل» قله ای است که دره ماقبل آن توسط «قیمت» شکسته شده باشد.
- یک دره «کامل» دره ای است که قله ماقبل آن توسط «قیمت» شکسته شده باشد.
- در یک روند نزولی فقط قله های کامل قابل تعریف هستند و دره کامل قابل تعریف نمی باشد.
- در یک روند صعودی فقط دره های کامل قابل تعریف هستند و قله کامل قابل تعریف نمی باشد.
- تا زمانی که یک قله یا دره کامل شکسته نشود ، نمی توان از شکست روند و تغییر جهت آن مطمئن بود.
- در واقع کاربرد قله ها و دره های کامل، صرفا در دو موقعیت است :

**اول-** هنگام انتخاب استاپ لاس. (بعنوان مثال هنگام پوزیشن گرفتن همسو با روند M15)

**دوم-** هنگام اطمینان از شکسته شدن یک روند. (بعنوان مثال هنگام ورود بر مبنای شکست روند M5)

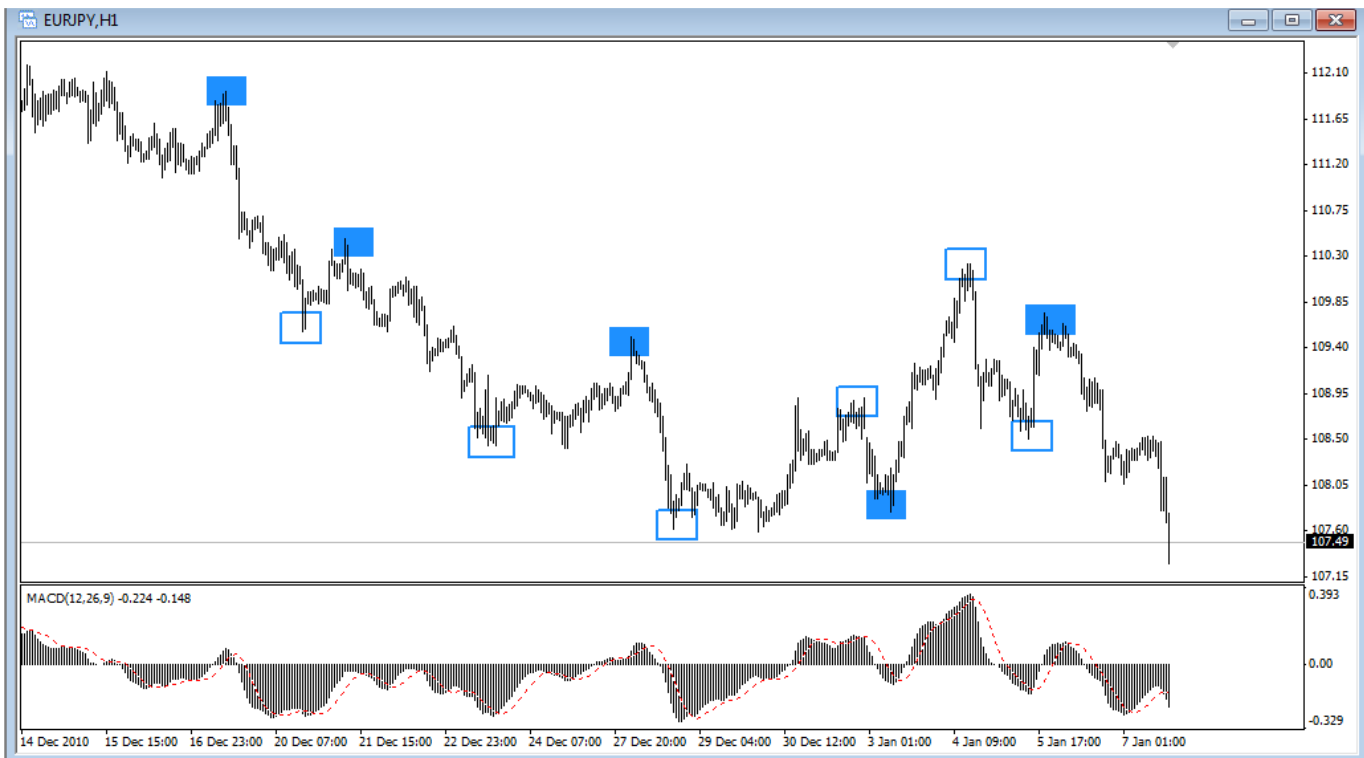
- پس برای تعیین قله ها و دره های «کامل» باید ابتدا روند را تشخیص دهید ،

و سپس مادامیکه روند مذکور شکسته نشده باشد ،

در هر لحظه میتوانید آخرین قله یا دره ای را که شکسته شدن آن معادل با شکسته شدن کل روند است، قله یا دره کامل بنامید.

- و نهایتا اینکه اطلاق صفت «کامل» به قله ها و دره های روندی که قبلا به پایان رسیده است (و یا اصلا وجود ندارد) امری بی معنی و بی کاربرد است.

و سپس استاد بابا شروع به کشیدن تصویر زیر میکند! تصویری که تا صدها سال بعد ، پاسخ معمای پیک شادی کودکانی سیل کلفت (!! میگردد!



باتوجه به آنکه قله و دره کامل بر مبنای روند و شکست روند تعریف می شوند،



بنابراین اگر یک تایم فریم به بالاتر برویم و از ابعاد بزرگتری به روند نزولی مذکور نگاه کنیم، قله ها و دره های کامل آن را بصورت زیر مشاهده میکنیم :



یعنی بعنوان مثال اگر کسی بخواهد در زیر دره B یک پوزیشن سل استاپ بگذارد،

باید ابتدا حدضرر خودش را در بالای قله A قرار دهد چون فقط قله A یک قله کامل و مناسب بعنوان «استاپ لاس» است.

اما پس از فعال شدن پوزیشن مذکور ، میتواند استاپ خودش را به قله C نیز منتقل سازد چون دیگر قله C نیز تبدیل به یک قله کامل گشته است.

و بدین سان بود که مرافعه دو پیرمرد لجوج بالا گرفت،

و قهر و جدال سی ساله ایشان دقیقا از همین لحظات آغاز گردید ...

دو پیرمرد به یکدیگر پشت میکنند و هریک مدرسه ای جداگانه را در تبت برای شاگردان و دانشجویان خود تاسیس می نماید.

اکنون که سی سال از آن ماجرا میگذرد ، همچنان دانشجویان و مریدان آن دو استاد، هیچ دل خوشی از یکدیگر ندارند ،

و گاه و بیگاه به بهانه های عبثی ، نبردهایی سنگین را بر علیه یکدیگر آغاز میکنند!

در این سی سال ، مجموعا نزدیک به 100 نبرد بین دانشجویان این دو مدرسه ایجاد گشته است،

که هریک از مدارس معتقدند که برنده 61.8 از آنها را خودشان ، و 38.2 را دیگری بوده است!

در برخی از افسانه های کهن چنین آمده است که استادباباشونا ، در همان کوهستان معروف، هنگامیکه چند قدم را از پیرنیمخان دور میشود، با خود می اندیشد که :

**«ولی این قله و دره «ماژور» که پیرنیمما گفت، عجب ابزار خوبی است برای شاگردانم به جهت تشخیص روند ...؟!»**

ولی ناگهان چشمش به پروانه ای میافتد که درحال چشیدن شهد گلهای بهاری ، درمقابلش از این سو به آن سو می پرد.

و تا استادبابا به خودش میاید... دیگر دیر شده است و پیرنیمما فرسنگها از او دور گشته است.

و همچنین افسانه ها چنین میگویند که پیرنیاخان هنگامیکه صرفا چند قدم را از باباپشونا دور شده بود، با خود چنین می اندیشد که :

**«ولی این قله و دره «کامل» که باباپشونا گفت، عجب سنگر خوبی است برای شاگردانم به هنگام دفاع در برابر حملات دشمن ...!!»**

و در همان حال چشمش به کبوتری میافتد که مسیر بی پایان پروازش، آسمان آبی تبت را به دو نیم کرده است و ...

پایان . / راوی - پشوتن مشوری نژاد.

پی نوشت :

این داستان را با تمام حواشی آن ، تقدیم میکنم به دوست و همکار هرگز ندیده ام ، جناب آقای نیما آزادی .

که اگرچه متفاوت آغاز کردیم، اما مشابه به پایان رساندیم. / 19 دیماه 1389

## روز شصت و ششم.

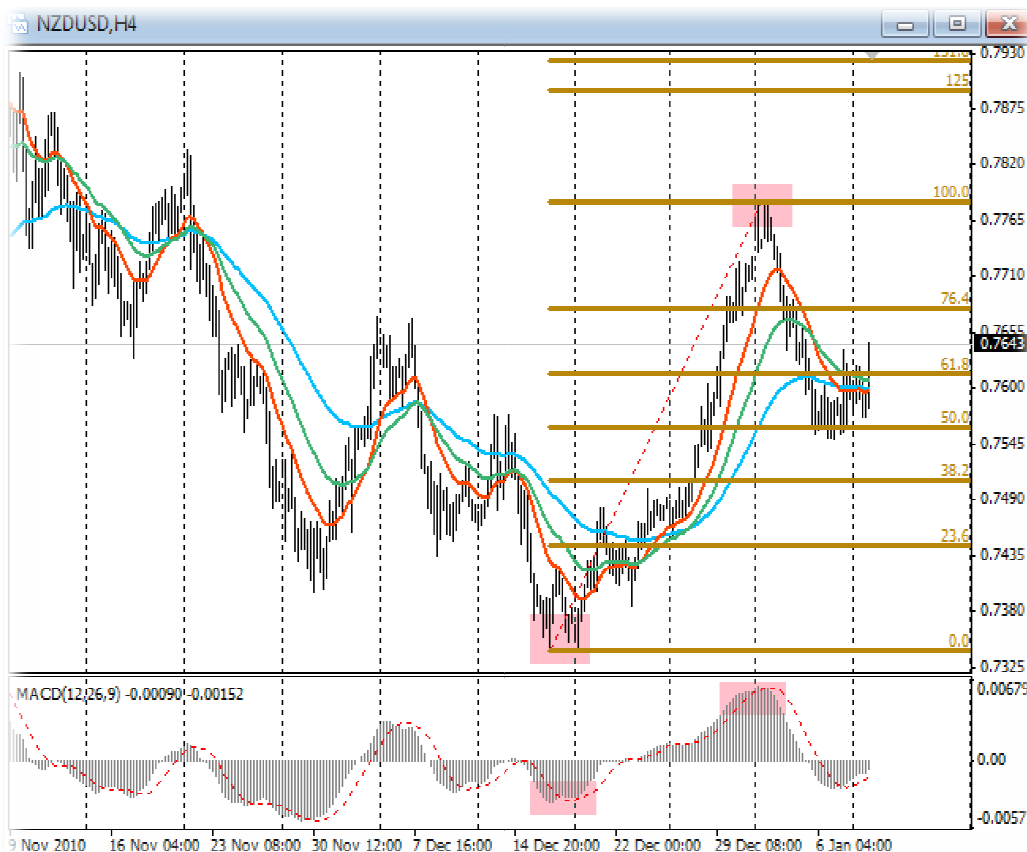
### تصاویر شرلوک هولمز - بخش سوم!

خلاصه از قبل - « شرلوک هولمز در تعقیب گروهی از تبهکاران ایرانی (بخشید : تریدران ایرانی!) وارد دفتر جناب قاری میشود

و در آنجا با تعدادی تصاویر گنگ و مبهم روبرو میشود که می پندارد طرح های جدیدی از استادابا (سردسته گروه تبهکاران) برای آغاز حملاتی جدید علیه بروکر ها است ... »

در پشت هر عکس ، صرفا چند کلمه مختصر - که آشکارا دست خطهایی از استادابا هستند - به چشم میخورد.

به شرلوک هولمز کمک کنید تا معنی تصاویر زیر را بفهمد و برای دکترواتسون در آنسوی مرزها مخابره نماید!



تصویر اول :

متن پشت  
عکس -  
استفاده از  
مکدی برای  
رسم فیبونا!



**تصویر دوم:**

**متن - عدم**  
**ارتباط مکدی با**  
**رسم فیو!!**



**تصویر سوم:**

**متن - به بچه ها**  
**بگویند که 200 را**  
**هم اضافه کنند!**

**تصویر پنجم:**

**متن - اگر قرار است من را دستگیر کنند، بگذار همه اینها را هم بگیرند!!**

کاربران در حال دیدن موضوع: ۳۰ (۲۰ عضو و ۱ مهمان)

بشوتن, MARYAM56, حاج صالح مهربون, prklove1367, arash.b, to\_alpour, +پوسفی, gd2008, علی رحایی, AbarEnsan, FIREBIRD, alozard, mindfreak, j.torabi, Pip\_noob, hamkar 1352, Kurt Cobain, sasan1364, raingold, elyot, Ahmad-N, feri\_sh, sadeghdota, mahyar\_bt, Seyahsenator, saeid88, صالحی, smmfx+, [E2] m.khadem63, علی رحایی, AbarEnsan, alozard, samen, fakhreddin, arab, alsam, mamal\_tati, [E2]

**تصویر ششم:**

**متن - این هم باقی شریک جرم ها که خودشان با پای خودشان آمدند !!!**

کاربران در حال دیدن موضوع: ۳۵ (۲۵ عضو و ۱۰ مهمان)

بشوتن, MARYAM56, حاج صالح مهربون, prklove1367, arash.b, to\_alpour, +پوسفی, gd2008, علی رحایی, AbarEnsan, FIREBIRD, alozard, mindfreak, j.torabi, Pip\_noob, hamkar 1352, Kurt Cobain, sasan1364, raingold, elyot, Ahmad-N, feri\_sh, sadeghdota, mahyar\_bt, Seyahsenator, saeid88, صالحی, smmfx+, [E2] m.khadem63, علی رحایی, AbarEnsan, alozard, samen, fakhreddin, arab, alsam, mamal\_tati, [E2]

## روز شصت و هفتم.

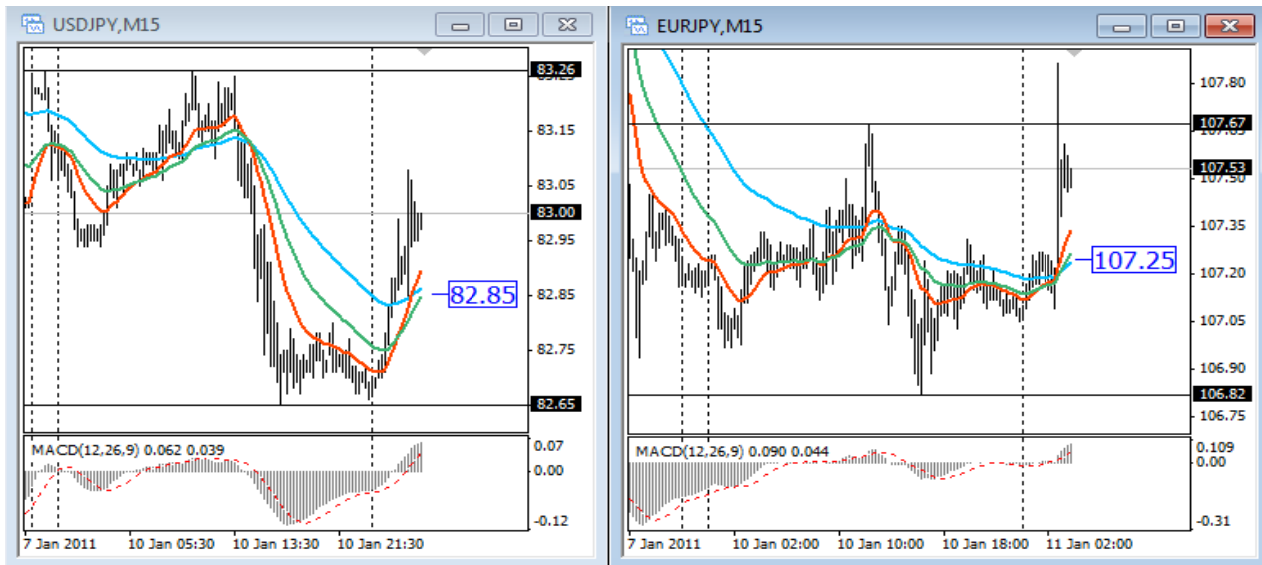
### امان از اینستنت! درود بر پندینگ!

دیشب که خوابیدیم و خوابیدید و خوابیدند... و معلوم نشد که عاقبت،

چه بر سر آن دو سیگنال «پرکنده» و «خوابالو» آمد و کارشان به کجا رسید؟!

ولی امروز صبح که بیدار شدیم و بیدار شدید و بیدار شدند... همگی دیدیم که «قیمت» قبل از آنکه پوزیشنهای مذکور را فعال کرده باشد

از مووینگ آبی M15 به سمت بالا عبور نموده، و لذا دستور «کنسل شدن» کلیه پوزیشنها صادر گشته است:



البته من اشتباه کردم و چون در حال خروج از دفتر بودم، یک بخش را بصورت فوری (یا Instant) گرفتم، ولی قاعدتا شما اگر طبق روش و منطق بر متن سیگنالها عمل کرده باشید نباید هیچکدام از پوزیشنهایتان بیهوده فعال شده باشد، چون قیمت هرگز به هیچکدام از آن اعداد مذکور نرسید...

Order	Time	Type	Size	Symbol	Price	S/L	T/P	Time	Price	Swap	Profit	Comment
14173049	2011.01.10 18:11	sell	0.10	audnzd	1.3020	1.3065	1.2920	2011.01.11 04:48	1.2979	0.00	31.22	
14173460	2011.01.10 18:12	sell stop	0.10	usdjpy	82.63	83.00	82.20	2011.01.11 04:47	83.01			cancelled
14173459	2011.01.10 18:12	sell stop	0.10	usdjpy	82.65	83.00	82.25	2011.01.11 04:47	83.00			cancelled

امان از این ترید کردن بصورت instant! و فغان از این شهوت فشردن دکمه های بای و سل!

اگر همه ما تمرین کنیم که instant معامله کردن را کنار بگذاریم

و پوزیشنهای خودمان را صرفا بصورت پندینگ و فقط با سفارش های BuyStop/SellStop بگیریم،

بسیاری از اینگونه ضررهایمان خودبخود از فهرست معاملاتی حذف میگردند!

چه بسا معاملاتی که فقط چون پندینگ بوده اند

و صرفا بخاطر یک یا دو پیپ فاصله از آخرین قیمت بازار،

جای آنکه استاپ بخورند، اصلا فعال نشده و بدون ضرر کنسل گشته اند!

امان از این instant! / و درود بر این pending!!

و سلام بر آنانکه با پیشه کردن صبر، دور instant معامله کردن را به کل خط کشیده اند!!

پس نتیجه اخلاقی این میشود که: بازار همچنان افتضاح است!

نمیدانیم که آیا بازار بالاخره از خواب زمستانی خودش بیدار میشود یا خیر؟

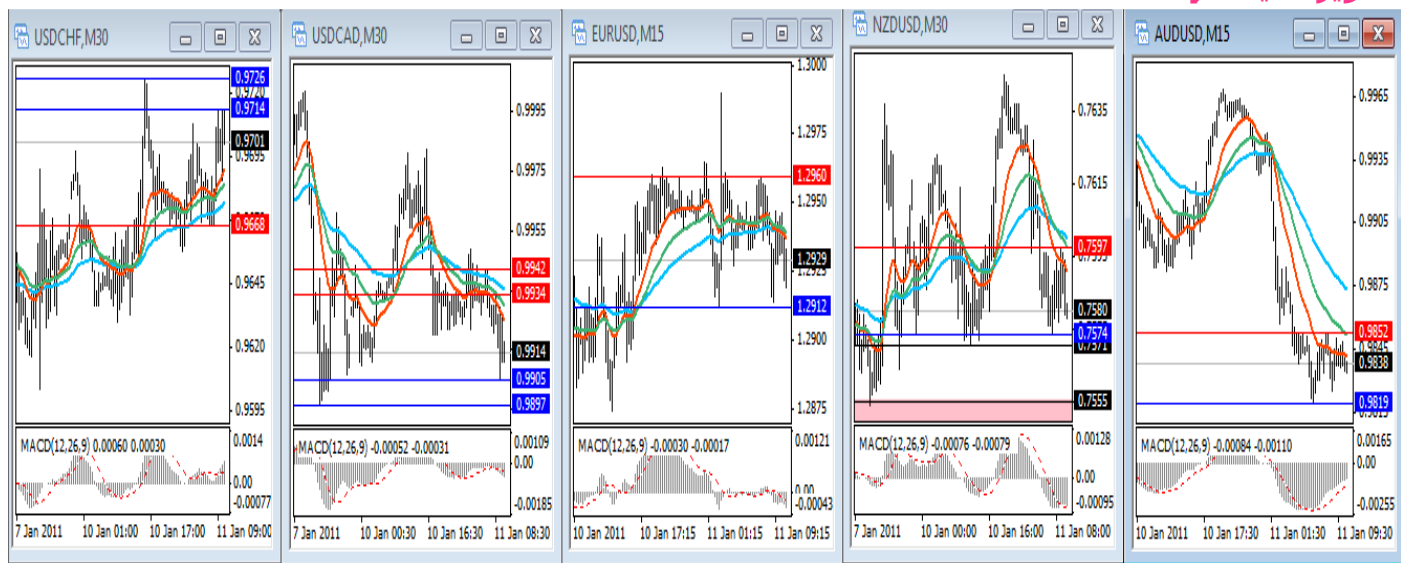
و اگر قرار است سرانجام از خواب ناز بیدار شود، آیا این اتفاق امروز خواهد افتاد یا فردا...؟!

بنابراین سیگنالهای زیر را صرفاً بعنوان «مظنه ای» برای تشخیص میزان قدرت بازار، در سیستم خودم ثبت میکنم. و امیدوارم که اگر امروز نیز کماکان، بنا بر بازاری رنج و بی رمق باشد، انشاءالله هیچکدام از اینها سیگنالها اصلاً فعال نشوند... که اگر راستش را بخواهید این فعال نشدن سیگنالها در بازارهای کم قدرت، بزرگترین حسن و قدرت روش PTM می باشد!

سعی میکنم نکاتی را نیز در لابلای سیگنالها برایتان آموزش بدهم، تا اگر خود «سیگنال» برایمان آب نشد، لافل حواشی آن برایمان نان بشود!!

ابتدا تصویر زوج ارزهای موردنظر را برایتان میگذارم و بعد شروع به ویرایش متن میکنم و هر کدام را تک به تک توضیح میدهم.

## تصویر سیگنالها:



برای بارهزارم تاکید میکنم که این سیگنالها صرفاً آموزشی هستند، و نباید بدون تحلیل و نظر شخصی خودتان بی گدار به اب بزئید و عیناً از روز دست من پوزیشن بگیرید!

مثلاً برای نیوزلند میخواهم درمورد سطح مقاومتی مستحکم پیش روی آن صحبت کنم. پس اگر من این ریسک را کرده ام که قبل از رسیدن به این سطح Congestion پوزیشن بگیرم، دلیل نمیشود که شما هم لزوماً همین خطر را متقبل شوید...

## توضیح خطوط رنگی:

- توجه کنید که صرفاً برای نمایش بهتر تصاویر از تایم فریمهای بالاتری بجز M15 استفاده کرده ام.
- خطوط آبی رنگ نقطه ورود بر مبنای قله ها و دره های m5 یا m15 را نشان میدهد.
- خطوط قرمز رنگ حد ضرر را بر مبنای یکی از سه روش آموزش داده شده مشخص میکند.
- خطوط سیاه رنگ، مقاومتیهای پیش رو را نشان میدهند.

## - سیگنال فروش یوروی اروپا به دلار گاوچرانها:

با نگاه اول به تایم فریم M15 و وضعیت بهم فشرده و درهم تنیده مووینگها ، بوضوح مشخص است که شرایط برای ورود به بازار مهیا نیست!



اما آیا می توانیم از دستورالعمل «روش ورود زود هنگام» که برای مواقع خروج بازار از شرایط رنج طراحی شده است، استفاده کنیم؟! بازهم جواب خیر است!

زیرا یکی از دو شرط لازم برای ورود زود هنگام صادق نیست! زیرا روند قبلی مووینگها در تایم M15 همسو و STR نمی باشد!

پس چکار باید کرد ؟ آیا باید آن را کنار بگذاریم . . . !؟

خیر! میخواهیم یک کار عجیب انجام بدهیم!

یک کار جدید و محیرالعقول (!!)) که تاکنون مشابه آن را انجام نداده ایم!!

شیفت زمانی PTM به تایم فریم یک درجه بالاتر!

اگر به شکل زیر با دقت نگاه کنید، قاعدا متوجه می شوید که چکار کرده ایم:



بله . احتمالا درست حدس زده اید!

فرض کرده ایم که هر تایم فریم ، یک درجه به سمت بالا ، شیفت پیدا کرده باشد!

یعنی بعنوان مثال با خودمان اینطور تصور کرده ایم که تایم فریم M30 همان M15 است!

و H1 نیز مثلا همان M30 است و الی آخر . . . !

بنابراین اکنون بجای آنکه سیستم PTM و بعنوان مثال «روش ورود زود هنگام» را ، در تایم فریم M15 بکار ببریم ، عینا می توانیم همان اصول و قواعد را درباره تایم فریم M30 پیاده می کنیم.

قاعدتا هیچ چیز خاصی تغییر نخواهد کرد، غیر از آنکه صرفا اندازه استاپها و تارگتهای مان اندکی بزرگتر خواهند شد .

البته اگر خاطرتان باشد قبلا همیشه میگفتم این کار را نکنید! یعنی PTM را برای تایم فریم های بالاتر ، بی گذار به کار نبرید!

ولی اکنون پس از گذشت بیش از 60 روز تمرین و ممارست بر روی اصول اولیه PTM آنقدر بر روی اصول و مبانی اولیه روش مسلط شده اید که بعنوان مثال به نقش M15 بعنوان «**قطب نمای سیستم**» ویا به نقش M5 بعنوان «**فشاردهنده ماشه**» پی برده باشید.

و اکنون اگر به شما بگویم که همین دو عنصر را بعنوان مثال به اندازه یک تایم فریم به بالاتر یا پایین تر شیفیت بدهید، دیگر هیچگونه مشکل یا ابهامی را برایتان ایجاد نخواهد نمود

و صرفا کافیسیت که **نقش** هر یک از این دو تایم فریم را ، یعنی «قطب نما» و «ماشه» ، به تایم فریم جدیدی از یک درجه متفاوت اطلاق نمایید!

از طرفی قبلا چشم و ذهن شما با تایم فریمهای مختلف ، و تاثیری که بر روی یکدیگر میگذارند، به اندازه کافی آشنا شده است.

به سهولت می توانید امواج کوچکتر را که درون امواج بزرگتر بلعیده میشوند، تجسم نمایید.

و یا برعکس ، مشاهده کرده اید که چگونه صرفا یک کندل منفرد از تایم فریم های غول آسا ، برای امواج چندصدپیی تایم های پایین تر ، تعیین تکلیف میکند!

همچنین قبلا (حتی بصورت ناخودآگاه) تاثیری را که مووینگهای تایم فریمهای بالاتر بر روی حال و هوا و وضعیت بازار در تایمهای پایین تر میگذارند، بارها تجربه کرده اید و صرفا با نیم نگاهی به مووینگهای تایم های بالاتر ، می دانید که انتظار چگونه بازاری را برای امروز و فردای خودتان باید داشته باشید . . . !؟

بنابراین امروز دیگر به آن حدی از کمال ذهنی ، و پختگی چشمی رسیده اید که اگر به شما بگویم «**PTM را یک درجه شیفیت زمانی میدهیم!**» به نظرتان همه چیز کاملا معقول و منطقی برسد!

و عینا مانند یک سرباز که به دستور فرمانده خود، بار و بساط و اسلحه و مهمات خود را برداشته و سنگر خود را ترک نموده و به یک خاکریز جلوتر یا عقب تر می رود،

شما نیز همه تجهیزات و ابزارهای خود را ، بی دغدغه و به سهولت ، با خودتان بردارید و آنها را به تایم فریمی از یک درجه بالاتر یا پایین تر ببرید! و سنگر جدید خودتان را در همانجا مستقر سازید!!

بسیار خب، به مثال یورودلار و روش ورود زودهنگام برگردیم.

گفتیم که اگرچه شروط لازم در تایم فریم M15 برقرار نیستند، و بعنوان مثال روند قبلی همسو با جهت موردنیاز مان نیست، اما اگر همه چیز را به اندازه یک درجه به تایم فریمی بالاتر ببریم، و فرض کنیم که بعنوان مثال M30 همان M15 ما می باشد، در آنصورت شروط لازم برای ورود زودهنگام ، دیگر مهیا خواهند بود چون:

**شرط اول - روند قبلی در M30 نزولی و STR بوده است.**

**شرط دوم - روند فعلی در تایم فریمهای H1 و H4 نزولی و STR می باشد.**

بنابراین با فرض آنکه M30 مثلا همان M15 برای ما می باشد،

و M15 نیز مثلا همان M5 سابق است ،

دو سفارش پیش فروش مختلف را در زیر دره های M30 و M15 تعریف میکنیم.(یعنی همان کاری که قبلا برای دره های M15 و M5 انجام میدادیم!)



## - انتخاب نقاط ورود:

### 1- بخش اول :

بر مبنای دره M15

SellStop#1 0.1Lot EURUSD@1.2905

### 2- بخش دوم:

بر مبنای دره M30

SellStop#2 0.1Lot EURUSD@1.2870

در شکل زیر نقاط ورود مناسب را با دو پاره خط ضخیم و بنفش رنگ برایتان مشخص کرده ام:



ملاحظه فرمودید؟!

بسیار راحت! انگار که دقیقا مثل همیشه داریم در همان تایم فریمهای استاندارد خودمان پوزیشن می گیریم . . .

## - تعیین حد ضرر :

بسیار خوب، اما حالا استاپها را باید کجا بگذاریم؟!

این هم هیچ کاری ندارد!

عینا مشابه قبل، فرض کنید که در شکل بالا، تصویر سمت چپ و راست به ترتیب همان تایم فریم های استاندارد خودمان یعنی M5 و M15 باشند!

بنابراین یا در تایم بالاتر یک قله به عقب می رویم،

و یا در تایم پایین تر، دو قله به عقب خواهیم رفت، و استاپها را به این شکل انتخاب میکنیم:

$$SL(M5) = 1.2965$$

$$SL(M15) = 1.2995$$

که البته دیگر حتما نیازی به تاکید چندباره نیست که M5 و M15 در واقعیت همان M15 و M30 هستند.

در شکل قبل، این دو حد ضرر را نیز با پاره خطهایی ضخیم و قرمز رنگ برایتان نشان داده ام.

## - شرط کنسل شدن:

این سفارشها را چقدر باید نگه داریم؟

چقدر باید منتظر بمانیم تا ببینیم که بالاخره فعال میشوند یا نه؟!

پاسخ این سوال نیز ساده است:

دقیقا همان کاری را که قبلا میکردیم!



شرط کنسل شدن برای پوزیشنهای معمولی ، عبور از مووینگ آبی M15 می باشد.

اما برای پوزیشنهایی که بر مبنای «روش ورود زود هنگام» گرفته میشوند، باتوجه به آنکه در شرایط رنج، طبیعتاً مووینگهای M15 همگی بر روی یکدیگر میخوابند، پس دیگر نمیتوان از مووینگ آبی M15 بعنوان مرز کنسل کردن یا نکردن پوزیشن مذکور استفاده نمود!

بنابراین در «روش ورود زود هنگام» شرط کنسل شدن پوزیشن ، در واقع خروج تایم بالاتر یعنی M30 از شرایط STR است!  
یعنی به عبارت بهتر:

**نکته - شرط کنسل شدن پوزیشنها در «روش ورود زود هنگام» :**

**برای پوزیشنهایی که با «روش ورود زود هنگام» گرفته میشوند، شرط «کنسل شدن» خروج تایم فریم بالاتر از شرایط STR ویا در واقع عبور قیمت از مووینگ قرمز M30 است.**

واضح است که اکنون که همه چیز برای ما به اندازه یک درجه «شیفت زمانی» پیدا کرده است ، پس شرط لازم برای «کنسل شدن» نیز تبدیل به عبور از مووینگ قرمز H1 میشود که در حوالی 1.2940 قرار دارد.

خوشبختانه(!) ویرایش و تکمیل این متن آنقدر طول کشید که بازار بطور کامل عقب کشید و پیش از آنکه پوزیشنهای مذکور را فعال کند ، خودش را به مووینگ قرمز H1 یا در واقع همان «مرز کنسل شدن» سیگنال رساند.

در شکل زیر می توانید شرایط واقعی بازار را در لحظات فعلی ، مشاهده بفرمایید:



بنابراین همانطور که گفته شد با عبور قیمت از محدوده 1.2940 و خروج تایم فریم بالاتر از شرایط STR

پوزیشنی که قصد داشتیم بر مبنای «روش ورود زود هنگام» و با بهره گیری از «تکنیک شیفت زمانی» بگیریم ، بطور کامل و پیش از فعال شدن ، کنسل گردید!

و موقعیتی که قصد شکار آن را داشتیم ، از صیدمان پرید! / و کلیه رشته هایمان پنبه شد!

و همه نقشه هایمان نقش بر آب گردید! / و خمره روغنمان سرنگون گشت!

و طرح مفصلی که برای شبیخون به بازار کشیده بودیم خنثی گردید!

و تمام محاسباتمان نیز بیهوده از آب درآمد!

و خلاصه این سیگنال هیچ نتیجه و فایده ای اصلا برایمان نداشت . . . به جز آنکه صرفا برای شما موجب گردید تا با روشی بسیار مهم بنام «تکنیک شیفت زمانی» آشنا بشوید!

«شیفت زمانی» تکنیکی جذاب و کاربردی است ، که در واقع اولین گام برای ورود ما به مقوله PTM-2 می باشد!  
پی نوشت:

تا این لحظه بازار همچنان افتضاح است!

با ورود به شرایط NTZ کامل ، غیر از پوزیشنهای نیوزلند و کانادا و فرانک ، سایر پوزیشنها همگی کنسل شدند.  
پوزیشن نیوزلند فعلا استاپ نخورده است (استاپ من روی 0.7605 قرار دارد. یعنی اندکی بالاتر از عدد رند)  
و پوزیشن کانادا نیز همچنان باز باقی مانده است.

شاید با بازگشایی بازار آمریکا، بازار نیز یک تکانی بخورد. . .

## در باب «شیفت زمانی»: مقادیر متوسط برای حدسود و ضرر!

میگن بالای سردر وال استریت اینطور نوشته شده است که :

- «به دنیای شگفت انگیز تریدینگ خوش آمدید!

دنیای حیرت آوری که حتی خالق آن نیز از یک ثانیه بعد قیمتها خبر ندارد!!»

البته در اینکه جمله بسیار زیبا و پرمعنایی است ، قطعا هیچ حرفی نیست!

بویژه که اشاره ای نیز به یکی از اصول اساسی PTM یعنی «اصل پیش بینی ناپذیری مارکت» دارد!

ولی درقیاس با حال و هوای این چند روزه ی بازار ، یک ذره تاحدودی قناس به نظر میرسد!!

احتمالا بهتر بود برای چنین ایامی ، یک پارچه جدید بر روی جمله بالا می کشیدند که روی آن نوشته شده باشد:

- «به دنیای کسالت آور و خوابالوی تریدینگ خوش آمدید!

دنیایی که حتی خالق آن نیز نمیتواند یک ثانیه جلوی چارت بنشیند ، و جلوی خمیازه کشیدن خودش را بگیرد!! «

راستش امروز به یاد یک ضرب المثل تبتی افتادم که میگه:

- «بازاری که به خواب فرو رفته است رو میشه بیدارش کرد، ولی بازاری که خودش رو به خواب زده ، نه!»

البته یه ضرب المثل ایرانی هم هست که میگه:

- «وقتی تو یه روش بلدی که به این خوبی بهت استاپ میزنه(!) خب چرا همه سیگنالها رو برعکس نمیگیری پسر خوب؟!»

ولی خب ، کاملا برعکس هم که فایده نداره!

چون مثلا از اون سه چهارتا سیگنالی که صبح گفتم، سیگنال فرانک حدود 60 پیپ در سود فرو رفت ، که اگه بخوایم همه رو برعکس بگیریم ، باز این یکی پدر حساب رو درمیاره!!!

بسیارخب، از وضعیت فجیع و نابهنجار بازار که بگذریم ، به بحث شیرین و جذاب PTM می رسیم!

که حتی در روزهای رنج و بی رمق نیز میتواند مخاطب خودش را اینجوری میخکوب (شکلک بهتری برای میخکوب نداریم!؟) پای مونیور بنشانند!

قبلا درباره «**تکنیک شیفت زمانی**» صحبت کردیم،

و اینکه میتونید ماشین PTM خودتان را ، بدون آنکه هیچ یک از ابزارها و تجهیزات وحتى اصول اساسی آن تغییر کند به تایم فریم های مختلف شیفت بدهید، و مشابه موقعیتهایی را که قبلا در تایم فریمهای M5 و M15 تجربه کرده اید، در تایم فریمهای دیگر نیز شکار نمایید.

اگر این تکنیک را به درستی و صرفا در موقعیت های صددرصد ایده آل بکار ببرید، ناگهان متوجه میشوید که تعداد موقعیت هایی را که هرروز میتوانید بر روی آنها پوزیشن بگیرید، بصورتی کاملا تصاعدی افزایش میدهد!

گفتم که تنها چیزی که پس از شیفت دادن سیستم احتمالا تغییر خواهد یافت، اندازه حدسود و زیان است که این هم کاملا طبیعی و معقول میباشد.

البته شیفت دادن الزاما منجر به افزایش حدسود و زیان نمیشود چرا که ممکن است بعنوان مثال شما در یک موقعیت بسیار ایده آل و در یک بازار بسیار پر قدرت، که هر دوی تایم فریمهای M15 و M5 کاملا STR باشند، سیستم خودتان را به سمت تایم فریمهای یک درجه پایین تر شیفت بدهید و با قرار دادن تایم فریم M5 به جای M1 شروع به معامله کردن بر روی قله ها و دره های M1 نمایید!!

البته الان نمیخواهم وارد آن مقوله بشوم، چرا که ممکن است برخی از دوستان هنوز آمادگی آن را که بصورت عملی شروع به ترید کردن در تایم پایین نمایند را نداشته باشند و از طرفی بازار هم آنچنان افتضاح است که مسلما چنین شیفت دادنی صرفا منجر به بدتر شدن اوضاع برایتان خواهد شد!!

درواقع برای ترید کردن بر روی M1 چاره ای نداریم مگر آنکه سکان تاپیک را به روال این شصت روز ، به دست بازار بسپاریم تا در اولین روز و اولین فرصتی که پیش آمد، و حرکتی بزرگ و پر قدرت در بازار ایجاد شد، با استفاده از یک مثال عملی ، به آن مقوله بپردازیم.

اما چیزی که الان میخواهم برایتان بگویم، مقادیری حدودی و تقریبی برای تایم فریم های مختلف است، که در صورت شیفت دادن PTM به هریک از تایم فریمهای مختلف، بتوانید بعنوان یک معیار از این اعداد استفاده کنید:

#### با چه سودی خارج شویم؟

روش اول- پوزیشن گیری بصورت دوبخشی یا حتی سه بخشی

روش دوم - تنظیم سود براساس تایم فریم جاری

SL	TP
M1: 5 - 10 pip	5 - 10 pip
M5: 20	20 - 30
M15: 30	30 - 50
M30: 50	50 - 70
H1, H4: ?	70 - OP

جدول فوق بر مبنای یک پژوهش آماری، و با میانگین گرفتن از اندازه موجهای مختلف که معمولا در تایم فریمهای گوناگون ایجاد میگردند ، بدست آمده است. و البته این آمار طبق معمول صرفا برای زوج ارز اصلی بازار یعنی یورودولار - وتاحدودی نیز پونددلار - استخراج شده است، که شما میتوانید خودتان با استفاده از تلورانس روزانه هر زوج ارز، آن را به اقلام دیگر نیز بسط بدهید.

## درباب قله ها و دره های کامل:

به نظر میرسه این قله ها و دره های «کامل» تا کاملاً پدر PTM رو درنیارن ول کن نیستن!!

امکان نداره من در طول روز به تایپیک پرسش و پاسخ سر بزمن ، و چندتا سوال راجع به قله ها و دره های کامل مشاهده نکنم!  
اصلاً چرا «در طول روز»!؟

حتی اگه نصفه شبها هم به تایپیک سر بزمن، قطعاً حاجی مهربون خودمون اونجا حضور داره!!  
که یک تنه چراغ تایپیک رو روشن نگه داشته!!!

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله حاج صالح (محمد) مهربون

با سلام خدمت شما جناب پشوتن عزیز و یک تشکر از نوع **Special Special Thanks**

**1- ببینید در مورد قسمت "ج" سوال قبلی بنده که مهمترین قسمت سوال من بود یه شکل شماتیک (مربوط به سمت چپ چارت) گذاشتم:**

ببینید ما اینجا میخواستیم ببینیم قله 1 آیا کامل است یا نه پس باید صبر کنیم تا قیمت کف قبلی رو بزنه! قیمت تا 2 میاد پایین ، اما موفق به عبور از کف قبل نمیشه و میره بالا قله 3 رو میسازه (که از قضا 3، بعداً یک قله کامل میشه!) و درنهایت قیمت در نقطه 4 موفق به شکستن کفی میشه که برای ما حیاتی! است.

حالا من سوالم اینجاست که اگر قیمت کف 2 رو پایین تر تشکیل داده بود و موفق به شکست کف قبل میشد که هیچ حرف و حدیثی نبود ، اما اینجا که قیمت این وسط یک قله بی ربط (3) ساخته بعد رفته اون کف کذایی رو شکسته اشکال نداره؟ و باز هم با این وجود قله یک میشه ، یک قله کامل؟

و ایا این موضوع با نقل قول زیر در تناقض نیست؟ چون اینجا در حقیقت 2 تا دره ما قبل شکسته!!

**2- و اما سوال بعدی این که:**

ببینید فرض کنیم ما طبق متد شما در یک روند نزولی میخوایم بر اساس شکست روند در تایم 5 دقیقه وارد پوزیشن بشیم، پس باید پشت یک دره کامل سنگر بگیریم، حالا شما فرمودین که - در یک روند نزولی فقط قله های کامل قابل تعریف هستند و دره کامل قابل تعریف نمی باشد.!!! خوب این ها که کلی با هم تناقض دارن ، البته من فکر میکنم خودم دارم یه جای کار اشتباه میکنم

**3- و سوال آخر هم اینکه این ماژور و کامل ظاهراً خیلی بهم نزدیک هستند و اصلاً لازم هست بینشون تفکیک قائل بشیم؟؟؟**  
بعبارت اخری! آیا میتوان گفت هر پیوت کاملی ، حتماً یک پیوت ماژور است؟

با تشکر و سپاس از پاسخگویی شما بزرگوار / شاد کام باشید

سلام حاجی. / تو کجات مهربونه؟! تو که پوست ما رو کندی از بس که صبح و ظهر و نصفه شب سوال می پرسى؟!!!!

**سوال 1-** هر دو قله کامل هستند.

قله 1 یک «قله کامل» از تایم بالا (مثلاً M15) است

درحالیکه قله 2 یک «قله کامل» از تایم پایین (مثلاً M5) می باشد.

دره 2 نیز یک دره از تایم پایین تر (مثلاً M5) است.

دره شماره صفر (هم سطح 4) نیز یک دره از تایم بالا (M15) می باشد.

حالا بسته به اینکه شما در کدام تایم فریم دارید پوزیشن سل میگیرید، می توانید از هر کدام از این قله های کامل که مدنظر تان بود استفاده کنید.

**سوال 2-** میخواهیم در یک روند نزولی (M15) پوزیشن سل بگیریم.

میخواهیم بر مبنای شکست روند صعودی (M5) وارد بشویم.

پس باید در زیر یک «دره کامل» از تایم فریم M5 پوزیشن سل استاپ خودمان را تعریف کنیم.

اشکال شما در این بوده است که هم روند نزولی و هم دره مناسب و هم روندی که باید شکسته شود، همگی را در یک تایم فریم واحد در نظر گرفته اید.

**سوال 3-** نه! هیچ ربطی به هم ندارند!

قله ها و دره های مازور ، قله ها و دره های بزرگ و اصلی چارت هستند که روند اصلی چارت در آن نقاط تغییر جهت میدهد.

قله ها و دره های کامل ، می توانند هر قله یا دره ای باشند که صرفا بصورت «کامل» تشکیل شده باشند و نتیجتا قابل استفاده بعنوان استاپ لاس باشند.

**نقل قول: نوشته اصلی بوسیله davoodtrader**

استاد در توضیح شیفتینگ روش گفتند فقط استاپ بزرگتر (بدیهی است) و تارگت هم بزرگتر میشود، تعیین تارگت به چه صورت میباشد؟ یعنی برای بخش اول اردر که 30 بوده و برای بخش دوم که 50 بوده (البته در صورت ثابت بودن تارگت و برای دو جفت ارز اصلی) در این حالت به چه صورتی باید عمل نمایم.

هنوز چندان به بحث «بهینه سازی تارگت» نرسیده ایم.

فعلا ما همگی در مرحله «یادگیری» ترید کردن هستیم و نه «پول درآوردن» از آن!

بنابراین برای من صرفا این مهم است که تعداد پوزیشنهای تی پی خورده ی شما زیاد باشد و مبلغ سود و زیان خالص تان در پایان روز و هفته ، چندان برایم مهم نیست.

بنابراین نمیخواهم که اگر بعنوان مثال پوزیشنی را که به درستی گرفته اید و فرضا 20 پیپ در سود فرو رفته است، به سبب بلند بودن تارگت از پیش تعیین شده ، آن را بجای آنکه با سود ببندید ، با ضرر به پایان برسانید.

**نقل قول: نوشته اصلی بوسیله حاج صالح (محمد) مهربون / با سلام خدمت جناب پشوتن عزیز**

در سیستم مدیریت پوزیشن شما تا حدی که من متوجه شدم، اگر فرضا بر روی یک جفت ارز ، همزمان با 2 پوزیشن به حجم X لات در یک نقطه وارد شویم ، پس از اینکه قیمت به تارگت اول رسید ، حجم دوم رو ریسک فری می کنیم!

حالا من سوالی که میخوام بکنم زیاد ربطی به این موضوع نداشت

سوال من این هست که فرض کنید طبق شکل زیر پس از ورود به پوزیشن فروش در نقطه مشخص شده (فرض کنید فقط با یک حجم وارد شدیم و نه با 2 پوزیشن) ، قیمت به سمت تارگت شروع به حرکت میکنه، ولی توی مسیر خودش و قبل از رسیدن به تارگت ، مثلا یک قله کامل به اسم Y میسازه، حالا آیا ما استاپ رو میتونیم بیاریم روی Y قرار بدیم یا استاپ باید فیکس باشه؟

چون من دقیقا خاطرم نیست ، ولی فکر کنم شما جایی اشاره کردید که استاپ حجم اول باید بدون تغییر بمونه ، از طرفی اگه قیمت بیاد Y رو لمس کنه ، این به معنی فیل شدن تعریف روند نزولی هست!!! و ما رو از ضررهای بیشتر مصون نگه خواهد داشت!!!! اگه تونستید اینجا رو هم به نگاه بندازید. <http://forum.iran-egold.com/showpost...&postcount=874>

با تشکر فراوان

ای بابا؟! حاجی باز که تو اومدی سر صف؟! بعله! میتوانید - و اتفاقا مستحب است که - استاپ خودتان را بر روی قله جدیدتر بیاورید. / یعنی قله کاملی که شکسته شدن آن معادل با فیل شدن تحلیل شما باشد.

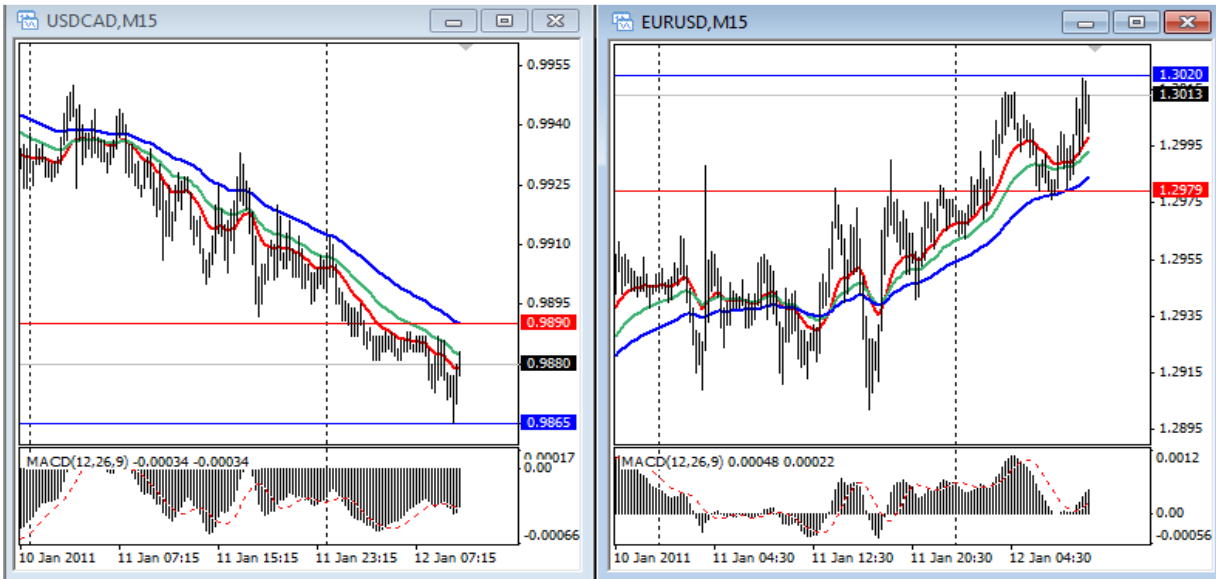
### مثالی برای انتخاب تارگتهای بلندتر :

سلام و صبح همگی بخیر!

البته اینجا که ظهر است!! ولی چون ملاک «صبح» برای ما بیدار شدن مردم انگلیس و آغاز به کار بازار لندن است، اصطلاحاً میگوییم: صبح بخیر!!

داشتم بازار را نگاه میکردم و دیدم که از میان تمام زوج ارزهای موجود ، صرفاً دو مورد هستند که میتوانند تا حدودی شرایط لازم برای ثبت سفارش را داشته باشند!

لذا باتوجه به آنکه امر به معروف خودش به نوعی نهی از منکر است!! بنابراین این دو زوج ارز را معرفی میکنم تا لافل بدانید که باقی زوج ارزهای دیگر هیچکدام برای معامله کردن شرایط خوبی ندارند و هرکدام بالاخره یک جای کارشان یک مشکلی دارد!!



طبق معمول خطوط آبی رنگ نشانگر نقاط مناسب برای ورود هستند و خطوط قرمز رنگ نیز حدضرر را مشخص میکنند.

ای بابا....؟! این پوند هم که طفلی شرایطش خوبه !! پس چرا جامونده بود!!؟

تقصیر خودش هست ، از بس که این چند وقته اجازه معامله کردن رو بهمون نمیداد، اصلاً چارتنش بطور کامل رفته بود اون زیر میرها داشت خاک میخورد:



## تعیین حد سود با استفاده از ابزار فیبوناچی :

البته در این بازار افتضاح ، همین که بتوانیم 20 الی 30 پیپ را شکار کنیم خودش به اندازه کافی جای شکر و سپاس دارد! اما بهر حال صرفا بعنوان یک تمرین برای استفاده از فیبوناچی برای تعیین تارگتهای بلندتر، سیگنال یورو دلار را بصورت زیر بررسی میکنیم.

### یورو دلار - تایم فریم یکساعته :



برای انتخاب تارگتهای بلندتر ، به سراغ تایم فریم های بالاتری مانند سی دقیقه و یکساعته می رویم،

و بعنوان نمونه همانطور که در شکل مشاهده میکنید ، یک ابزار فیبوناچی را بر روی دو انتهای آخرین موج گول آسایی که در آن مشاهده میکنیم ، قرار میدهیم.

بارها گفته ام که متأسفانه بسیاری از نوآموزان به اشتباه از اساتید ویا جزوات خود اینطور آموخته اند که

دو انتهای ابزار فیبوناچی را صرفا باید بر روی بلندترین و پایین ترین نقاطی که در مقابلشان بر روی چارت مشاهده میکنند ، قرار بدهند!! که این امری کاملا اشتباه و نامعقول است!

اگر فرض کنید که «قیمت» در طول مسیر حرکتش ، مانند یک «فتر» فشرده شده و مجددا جهش می نماید،

در آنصورت فیبوناچی ابزاری است که از روی میزان فشردگی این فتر، می تواند نقطه پایانی برای جهش آن را پیش بینی نماید.

بنابراین بسیار مهم است که شما ابزار فیبوناچی خودتان را دقیقا بر روی دو انتهای همان موجی قرار دهید که قصد اندازه گیری میزان فشردگی (Retracement) ویا میزان انبساط یا جهش (Extention) آن را دارید ؟!

در شکل فوق نیز ، همانطور که مشاهده میفرمایید ابزار فیبوناچی بر روی دو انتهای آخرین موج گول آسای نزولی قرار گرفته است،

و اکنون نیز دو سه روزی است که بازار در حال ریتریس نمودن مسیر نزولی سابق خودش میباشد.

سطوح احتمالی برای پایان ریتریس بازار و اتمام یا ایجاد وقفه در روند صعودی اخیر ، میتوانند مقادیر زیر باشند:



- سطح 38% فیوناچی : 1.3085 - سطح 50% فیوناچی : 1.3150

سایر سطوح به فاصله بیش از 200 پیپ از قیمت فعلی قرار دارند و لذا ترسیم آنها بر روی چارت صرفاً موجب شلوغی بیش از حد تصویر و ایجاد اختلال در تصمیمگیری های آتی مان میگردد.

این یک قانون است که همواره باید سعی کنید تا از شلوغ شدن بیش از حد چارت خودتان شدیداً پرهیز کنید!

و هر روز صبح صرفاً همان خطوط یا سطوحی را بر روی چارت رسم کنید که تا پایان شب ، احتمال تلاقی قیمت با آنها واقعاً وجود داشته باشد!

رسم ده ها خط روند و یا سطوح حمایت و مقاومت که بفرص حتی بیش از 200 پیپ از قیمت جاری بازار فاصله دارند، حقیقتاً هیچ فایده ای بجز سیاه کردن صفحه تصویر و ایجاد سرسام برای تریدر نخواهد داشت !!

### استفاده از قله ها و دره های مهم :

هرچند که در همین حال که بنده در حال تکمیل این نوشته هستم ، بازار نیز بی شرمانه(!) و به سرعت در حال بازگشت نمودن است!!

ولی ما هم از رو نمی رویم و کماکان تعیین اهداف بلند پروازانه (وحتی شاید تاحدودی رویابافانه!) خودمان را ادامه میدهم!!!

سطوح بعدی که میتوانید بعنوان سطوح حمایت-مقاومت بر روی آنها تمرکز کنید، قله ها و دره های مهم هستند، بویژه آنهایی که به فواصل نزدیکی از یکدیگر قرار داشته باشند.

بعنوان مثال در همان شکل قبلی ، تعدادی از قله های نزدیک به هم و فشرده در ناحیه بین 1.3130 الی 1.3190 قرار گرفته اند. که هر یک از آنها را با یک خط سیاه رنگ مشخص کرده ام.

برای قله های مهم تر از خطوط مشکی ضخیم استفاده کرده ام و برای قله های ضعیف تر از خطوط نازک.

وجود یک ناحیه 60 پیپی در مقابل قیمت، که شامل حداقل چهار قله اصلی و فرعی باشد، می تواند تبدیل به مانعی جدی در برابر حرکت صعودی قیمت بشود!

بنابراین هنگام انتخاب تارگتهای بلند و رویاپردازانه خودمان دشواری عبور از این ناحیه را نیز در نظر میگیریم!!

به هر حال نمیشود که چون بازار کم جان و خوابالو است (!) من نیز درس دادن را تعطیل کنم و کرکره تایپک را پایین کشیده و مخاطبانم را به امان خدا بسپارم!!!

بالاخره اگر شما از «ترید کردن» نان میخورید خب من هم از «درس دادن» اموراتم میگذرد!!

پس چه بازار خوب باشد و چه بد، باید همینجا بنشینید و به حرفهای من گوش بدهید و در ذهن خودتان اینطور تجسم کنید که مثلاً یورو میخواهد یک حرکت چندصد پیپی را به سمت بالا حرکت بکند!!!

و ما هم داریم مثلاً (!) برای معاملات سرشار از سود خودمان ، تارگتهایی بسیار بلند و دقیق را تعیین میکنیم!

خلاصه آنکه اگر بخواهیم قله های مهم چارت را نیز بعنوان سطوح مقاومتی مهم و در پیش روی قیمت در نظر بگیریم به اعداد زیر خواهیم رسید:

- 1.3130 - 1.3155 - 1.3170 - 1.3190

حالا تنها کاری که باقی می ماند این است که اولین مقاومتهایی را که به محدوده سود دلخواه ما نزدیکتر هستند انتخاب کنیم، و حدوداً ده پیپ پایین تر از آنها را بعنوان تارگتهای موردنظر در نظر بگیریم،

که بعنوان مثال برای سیگنالهای فوق تارگتها به اینصورت میشوند: TP1 = 1.3080 ----- TP2 = 1.3120



## «زنده ماندن» : مهمترین وظیفه هر تریدر!

آقا ما که «حدضرر هفتگی» مون زده شد رفت پی کارش!

ولی خدایی اش یکی از دوستان یه حساب دمو باز کنه، هر سیگنالی که PTM داد ، سریع برعکسش رو بگیره!!!

بینیم نتیجه اش چی میشه از سال بعد بعنوان تکنیک ترید در ایام بعداز کریسمس اعلامش میکنیم!! شکلکش رو هم اینجوری « PTM » به ثبت می رسونیم!!

مثلا الان آخرین سیگنالی که PTM داده میده روی دلارکانادا است!! / هر کی جرات داره برعکسش رو بگیره!!



البته باور کنید که پوزیشن جدید نگرفتم ها! این صرفا همون آخرین سیگنالی بود که از صبح باقی مانده بود!

وگرنه من سرم بره امکان نداره به حدضرر روزانه و هفتگی ام پایبند نمونم!

چون بعد از گذشت هشت سال توی این بازار دیگه فهمیدم که تنها رمز موفقیت توی این بازار ، فقط و فقط «زنده موندن» است!

پس برای زنده نگه داشتن خودم ، از هیچ کاری دریغ نمیکنم!

امکان نداره کسی فقط سه چهار سال خودش رو توی این بازار «زنده» نگه داره ، ولی بازم به موفقیت نرسه!

پس فقط کافیه که از وارد ساختن لطمه های جبران ناپذیر به خودمون و به سرمایه مون خودداری کنیم!

و مخصوصا در روزها و هفته هایی که شرایط برای ترید کردن مهیا نیست(حالا چه شرایط روحی خودمون و چه شرایط بازار) دست به انجام کارهای عجیب و غریب و نابودگر نزنیم!!

الان هم می بینید که من از صبح تا حالا کلا دوتا دونه استاپ خوردم، چطور داد و فغانم به آسمون بلند شده!! و ترید کردن رو به کل تعطیل کردم!

پس اونجوری نیستم که مثلا انقدر پوزیشن بگیرم و انقدر استاپ بخورم که تا ته حساب رو درنیارم (!) ول کن بازار نباشم!!

**چون تجربه نشون داده که روزی که قرار باشه سود کنم ، از همون اولش سود میکنم!**

**و روزی هم که با ضرر شروع بشه ... هرچقدر که ادامه اش بدهم تا آخرش فقط ضرر بیشتر خواهد بود!!**

## روز شصت و نهم.

### شناسایی باند نهکاری «شرکت هرمی فارکس و شرکاء»!

متن خبر:

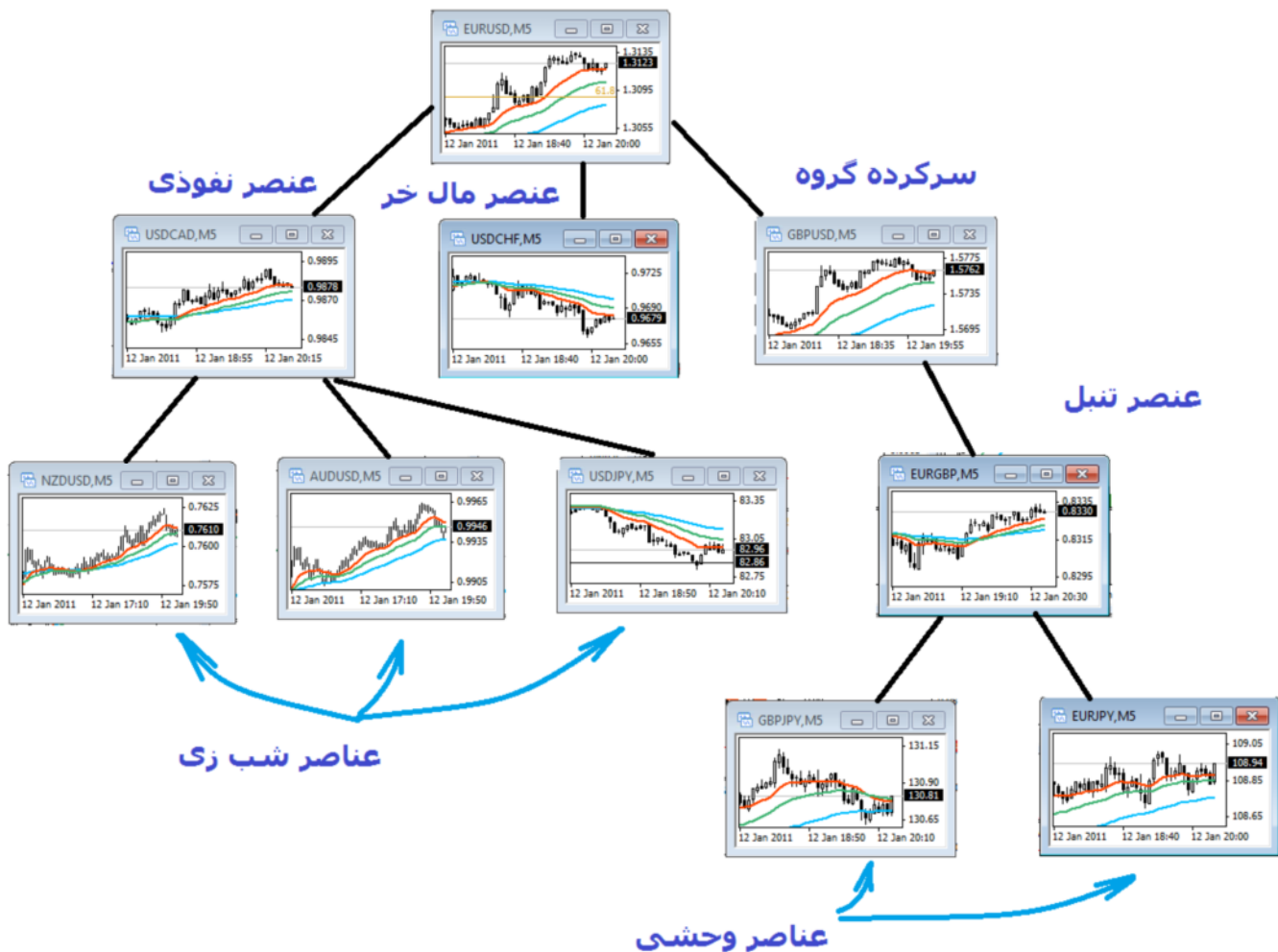
\* فارکس غیر قانونی است

مدیرکل مبارزه با شرکتهای هرمی گفت: براساس اعلام سازمان بورس شرکت فارکس غیرقانونی و حق فعالیت ندارد هرچند این شرکت در روزنامهها آگهی و تبلیغات می کند.

وی اظهار داشت: مردم از همکاری با این شرکت تحت هر عنوانی خودداری کنند.

انتهای پیام

### رئیس دزدها ملقب به سلطان



پی نوشت:

- هرچو حساب کردم دیدم تنها چیزی که توی فارکس میشه ازش یک «هرم» ساخت ، همین زوج ارزهای نابکار هستند!!

- خودتون حساب کنید ببینید اگر روی این زیرشاخه های پایین مثل EURJPY یک بای بزنید، کمسیون اون سرشاخه اصلی شون چقدر میشه !!!

## تصاویر شرلوک هولمز - سری چهارم :

خلاصه از قبل -

شما در این مأموریت ، مشاور شرلوک هولمز هستید!

به شرلوک هولمز کمک کنید تا معنی تصاویر زیر را بفهمد .

در پشت هر تصویر صرفاً یک متن نوشته شده است.

بحث درباره تصاویر شرلوک هولمز صرفاً در تایپیک پرسش و پاسخ مجاز می باشد!

### تصویر اول:

#### متن پشت عکس - موج اول ، استراحت ، جهش مجدد



### تصویر دوم: متن - فیبوناچی نوع اول : Retracement



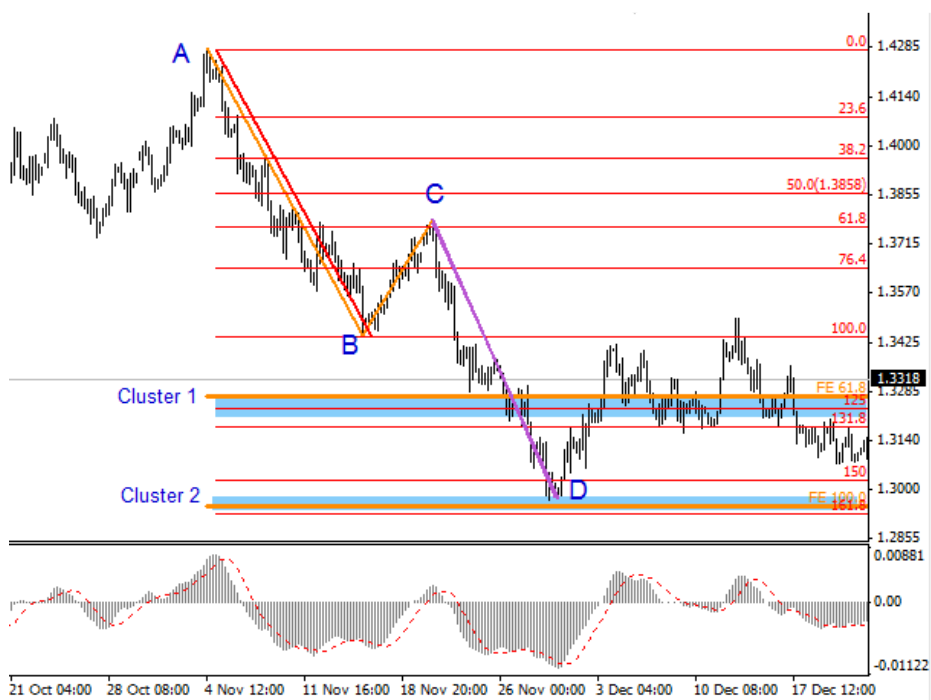
## تصویر سوم: متن - فیوناچی نوع دوم : Extention



## تصویر چهارم: متن - فیوناچی نوع سوم : Projection

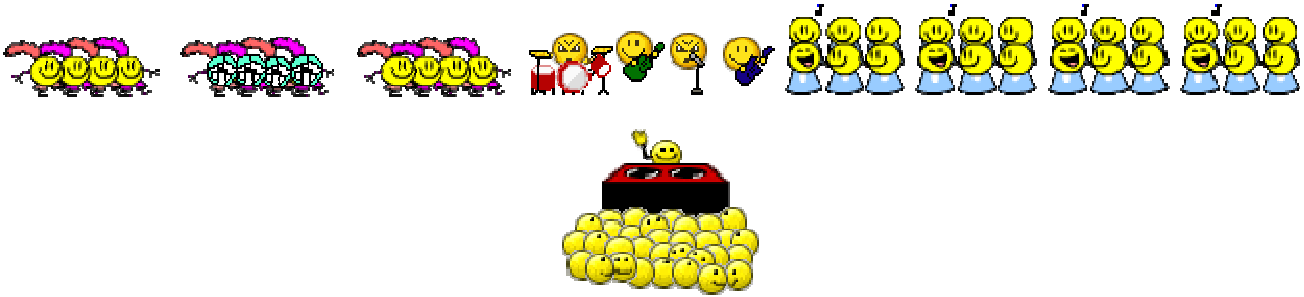


## تصویر پنجم: متن - ترکیب فیوهای نوع دوم و سوم برای پیدا کردن تارگتهای محتمل تر (Clusters)



به مناسبت هفتادمین روز تایپک !

تصاویر زیر از حاج محمد مهربون



پاسخ به سوالات حاجی پارتی باز!!

خب این **حاجی مهربون** ما چون خیلی برای مجلس دیشب زحمت کشیدند و گروه سرود و کنسرت زنده آوردند و از حضار پذیرایی کردند و خلاصه سنگ تموم گذاشتند . . . و تازه همه اینها رو هم بدون اینکه به مریم خانوم فشار بیارن که هزینه ای رو به پای امور مالی تایپک بزنند ، و همه را صرفا با هزینه شخصی خودشون و از جیب خودشون پرداخت کردند . . . .

. . . بنابراین ما نیز برای ایشان پارتی بازی میکنیم و به چندتا از سوالات ایشان بدون رعایت نوبت ، پاسخ میدیم!!

انشالله که اون عزیزانی که سوالهاشون خیلی وقت است که در نوبت پاسخگویی مانده ، با مهربونی خودشون این **حاجی پارتی باز** رو بخشند!!

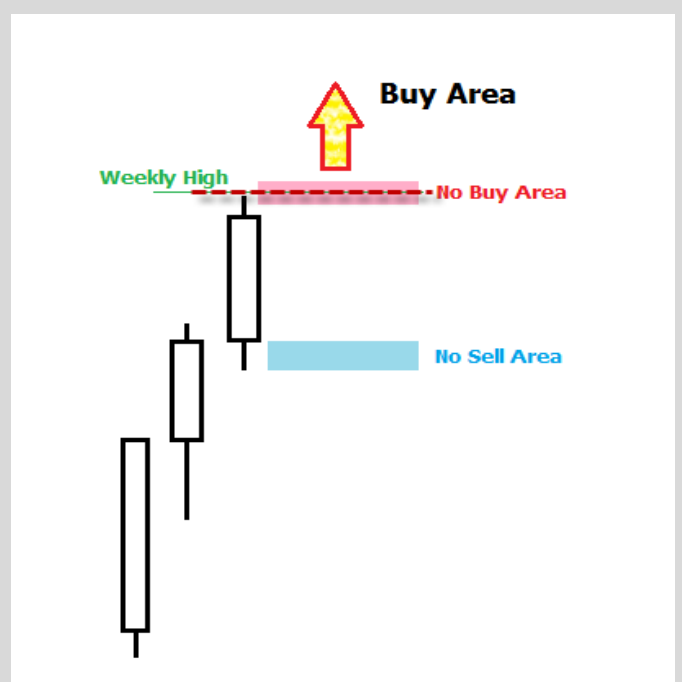
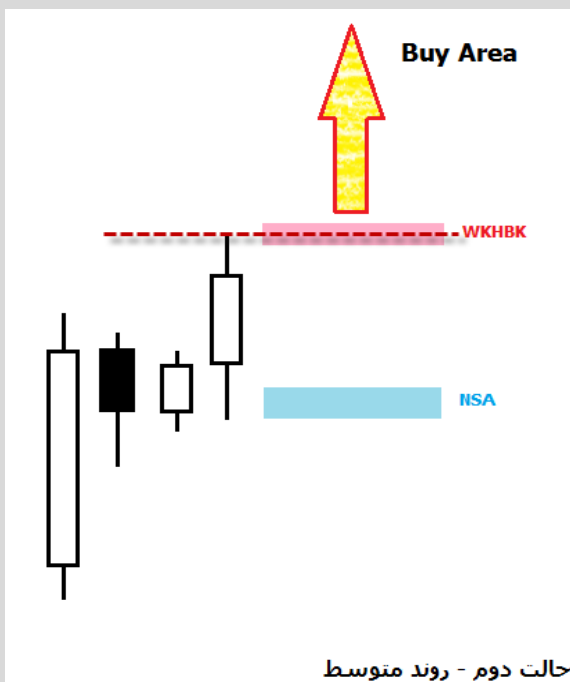
نقل قول: نوشته اصلی بوسیله حاج صالح مهربون

با سلام خدمت جناب پشوتن عزیز

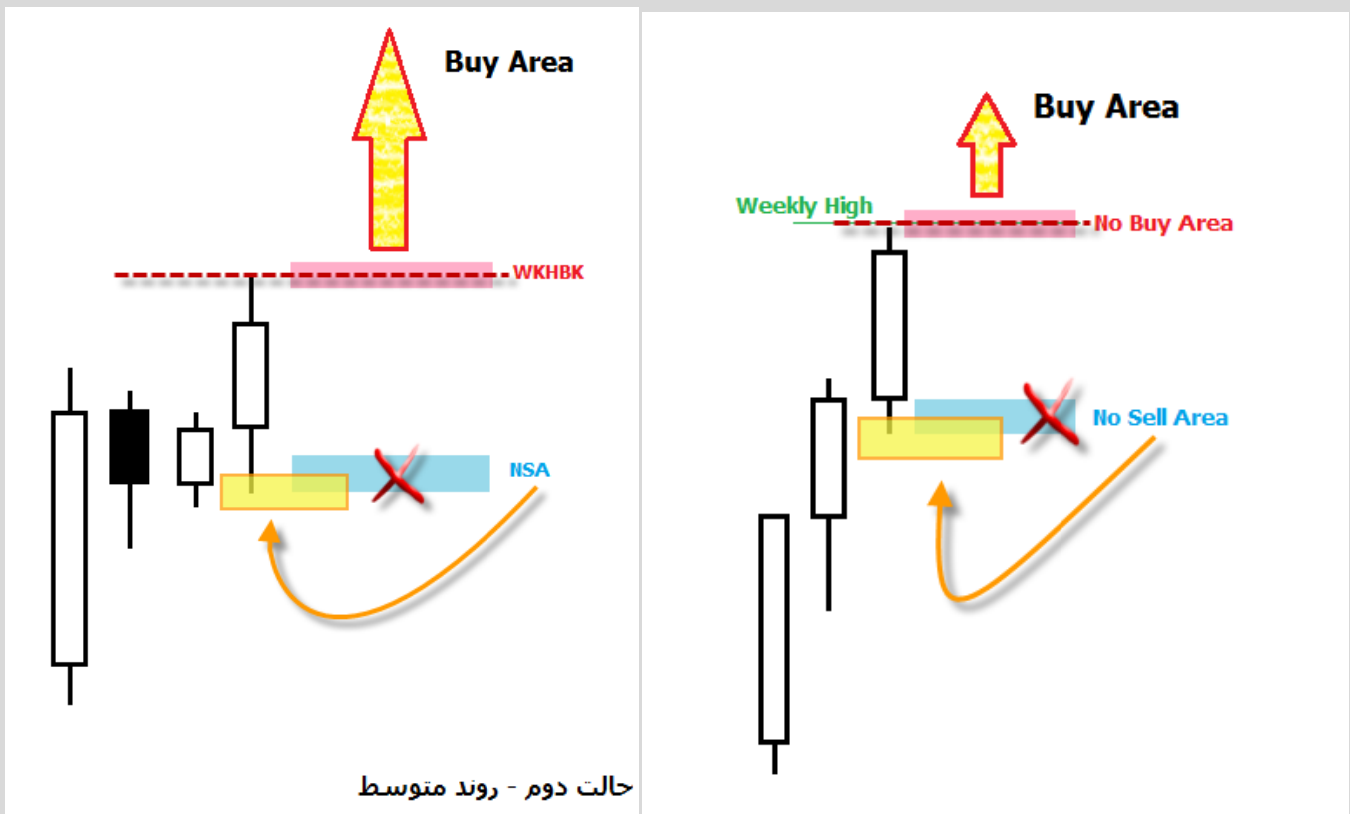
باز شب شد و ما افتادیم رو دور سوال کردن

جناب پشوتن عمده سوال من در مورد تحلیل هفتگی هست:

1- ببینید شما در بحث تحلیل کندلهای تایم ویکلی همانند شکل زیر توضیح داده اید:



شما فرمودین مثلا در یک روند صعودی ، در اطراف قیمت High کندل هفته قبل یک ناحیه می گیریم (که این ناحیه مثلا 20 پیپ بالا و 20 پیپ پایین قیمت High است) به اسم منطقه خرید ممنوع! خوب این کاملا منطقی هست ، چرا که در این منطقه ثبات وجود نداره ، اما سوال من این هست که چرا ما در همین مثالهای بالا برای NSA یک ناحیه رو در نظر گرفتیم که به LOW ختم میشه و مثلا قسمتی از زیر قیمت LOW کندل رو شامل نمیشه؟ (همانند شکلهای زیر)



2- اما سوال بعدی که داشتم اینه که فرض کنید چندین هفته روند مثلا صعودی قوی بوده است، اما هفته قبل در تایم ویکلی یک کندل می بینیم که نشان از خستگی و بی هدفی بازار را دارد مثلا کندل از نوع دوجی یا Spinning top یا High wave . میشه توضیح بدین اگه یکی از این کندلها باشه ، مثلا دوجی تحلیل تایم ویکلی به چه شکل میشه؟

3-یک سوال بی تربیتی هم بپرسم

آقا تو این ناحیه NBA ، فقط پوزیشن خرید ممنوعه یا کلا معامله ممنوعه!؟

راستی یک سوال فنی!! :

5 ستاره فارکس اگه جایی تو انجمن دیدیم معنیش ف.ا.ر.ک.س هست یا ف.ی.ل.ت.ر

اینم هیستوری امروز من روی حساب \$400

Order	Time	Type	Size	Symbol	Price	S/L	T/P	Time	Price	Commis...	Swap	Profit
317685...	2011.01.12 09:22	sell	0.02	usdcad	0.98680	0.98920	0.98490	2011.01.12 14:36	0.98521	0.00	0.00	3.23
317685...	2011.01.12 09:23	sell	0.02	usdcad	0.98726	0.98910	0.98480	2011.01.12 14:13	0.98535	0.00	0.00	3.88
317689...	2011.01.12 11:12	buy stop	0.02	eurusd	1.30490	0.00000	0.00000	2011.01.12 11:47	1.30008			
317689...	2011.01.12 11:12	buy stop	0.02	audusd	0.99270	0.00000	0.00000	2011.01.12 12:49	0.98922			
317691...	2011.01.12 11:53	buy stop	0.02	eurgbp	0.83420	0.00000	0.83620	2011.01.12 12:49	0.83185			
317698...	2011.01.12 14:44	buy	0.01	audusd	0.99268	0.98960	0.99570	2011.01.12 19:29	0.99570	0.00	0.00	3.02
317703...	2011.01.12 16:52	buy	0.01	gbpusd	1.56840	1.56415	1.57150	2011.01.12 17:08	1.57150	0.00	0.00	3.10
317704...	2011.01.12 16:53	buy	0.01	gbpusd	1.56883	1.56410	1.57150	2011.01.12 17:08	1.57150	0.00	0.00	2.67
317704...	2011.01.12 16:54	buy	0.02	gbpusd	1.56836	1.56836	1.57260	2011.01.12 17:49	1.57072	0.00	0.00	4.72
Profit/Loss: 20.62 Credit: 0.00 Deposit: 0.00 Withdrawal: 0.00												20.62

یک جای کار می لنگه همه ضرر کردن من سود!

با تشکر از شما / موفق و شاد کام باشید که هستید!

تو کجات مهربونه؟! تو که وقتی یه چیزی رو از یکی بخوای انقدر به طرف گیر میدی که تا د\*\* طرف رو س\*\*\* نکنی ول کن نیستی!!

ولی از شوخی گذشته خیلی صبر کردم ، و البته امیدوار بودم که یکی از شاگرداولها زحمت بکشند و پاسخ شما رو بدن. ولی نمیدونم چرا دیگه شاگرداولها مثل قبل فعال نیستن و سوالات خیلی از دوستان بدون پاسخ می مونه؟

### اما پاسخ به سوالات حاجی :

**1- حق با شماست.** در اون زمان چون میخواستم بر روی اهمیت ناحیه LO در روندهای پر قدرت صعودی (ویا ناحیه HO در روندهای پر قدرت نزولی) تاکید کنم، آن مستطیلهها رو صرفا بین این دو نقطه رسم کردم تا اهمیت اون نواحی را در ذهن و حافظه خوانندگان پررنگ تر کنم ، و اهمیت «قیمت بازگشایی هفتگی» همیشه یادشون بمونه! اما درست ترش همین هست که این ناحیه رو (نه تنها به قول شما چند ده پیپی از پایین) بلکه حتی چند ده پیپی نیز از هر دو طرف ادامه بدهیم!

تا بعدا به هنگام ترید کردن ، قبل از رسیدن واقعی قیمت به این نواحی، با مشاهده تغییر رنگ پس زمینه، متوجه شرایط بقول شما «بی ثبات بازار» بشویم.

اتفاقا اگر متوجه شده باشید در تمپلیتی که این هفته از یورودلار ارایه کردم، دقیقا همین موضوع موردنظر شما را بکار بردم!! و ناحیه مذکور را از هر دو طرف مقداری اضافه تر رسم کردم!

تا اونهایی که به اون درجه از تسلط رسیدن که متوجه این موضوع ظریف بشوند - بدون اینکه به پیچیده شدن بیش از حد قضیه برای سایر نوآموزان منجر بشه - پی به این نکته ببرند و در تحلیلهای خودشون ازش استفاده کنند.

بهرحال فکر میکنم این چندلایه ای بیان کردن موضوعات و نکات - به طوریکه هم دانشجویان مسلط و با تجربه دایما پی به نکات ریز و ظریف در لابلای مطالب ببرند و موضوعات برایشون بلااستفاده و خسته کننده نباشه ، و هم اینکه نوآموزان احساس سادگی و روان بودن مطالب رو از دست ندهند - یکی از تکنیک ها و اصول مهم و مفید در «روش تدریس صحیح» باشه ، که من هم تا اونجایی که در توانم بوده سعی کردم که این قضیه رو در آموزش هایم رعایت بکنم.

حالا تا چه حد موفق بودم یا نه دیگه اون رو باید خود شما و سایر خوانندگان نظر بدهید . . .

### **2- یک بازار بسیار پر قدرت و صعودی که یکهو زرت(!!!) متوقف نمیشه!!**

معمولا اولش یه هشدار میمیده! مثلا طول کندل هاش به تدریج کوتاه میشه. بعد یه همری میخی چکشی چیزی میسازه . یا بقول شما دوجی میزنه و . . . و بعد هم مثلا به تدریج زورش تموم میشه ویا حتی روندش تغییرجهت میده.

ولی بطور کلی در تحلیل هفتگی همونطور که بارها گفته ام ، هر آنچه که از الگوهای کندل استیک بلد هستید رو بکار ببرید.

بنابراین اگر حتی بفرض وسط یک روند پر قدرت صعودی ناگهان با یک کندل دوجی روبرو شدید - آری! - فرض رو بر بلا تکلیفی بازار بگذارید!

یعنی همون چیزی که توی کتابها درباره کندلهای مربوطه خوانده اید، همان را در نظر بگیرید.

### **3- هیچکدوم! یعنی هم خرید و هم فروش هردو آزاد هستند!**

اون نواحی فقط پیش ذهنیت و انتظارات قبلی ما را شکل میدهند تا نسبت به تغییرات جزئی و ظریف قیمت ، حساس تر بشویم.

مثلا دقیقا مانند همین هفته اخیر که یورو بعد از یک یورتمه دیوانه وار (!) وقتی که به ناحیه NBA رسید به تدریج زورش کم شد و چند پیپ بالاتر از اون هم بالاخره نفسش بند اومد و جان به جان آفرین تسلیم کرد!

همونطور که هزاربار تاحالا گفتم تنها شروط لازم برای تصمیم گیری به ورود یا عدم ورود به یک معامله ، صرفا همون سه تا شرط اولیه PTM است که در همون صفحه 2 تاییک مقدماتی ارایه شده و باقی نکات و سایر مطالب ، صرفا میتوانند موجب مثلا

تک بخشی شدن پوزیشن ، یا کاهش حجم معامله ، یا کوچکتر شدن تارگت احتمالی ، و یا خروج زود هنگام بصورت دستی و غیره بشوند!

و البته این هم ممکن است که با مشاهده تعداد زیادی از این موارد مشکوک بصورت همزمان و به موازات هم ، کلا قید یک معامله خاص را بزنیم و به موقعیت های مساعدتری که بر روی زوج ارزهای دیگر وجود دارند بپردازیم.

**4- حاجی جان، معاملات رو دیدم و از نزدیک هم بررسی کردم.**

بسیار خوب بود و تقریباً بسیاری از نکات آموزش داده شده را در آنها رعایت کرده بودی. اگه همینجور با انگیزه پیش بری شاید انشالله به زودی تبدیل به حاجی شاگرداولها شدی!!

نام کاربریت رو هم میگذاریم: حاج شاگرداول مهربون!

شاید لافل تو مثل بعضی ها(!) بعد از اینکه شاگرد اول شدی، برای خودت کلاس گذاشتی و دیگران رو فراموش نکردی!!!

## روز هفتاد و یکم.

### همچنان درباب واگرایی . . . !

روز شنبه همگی دوستان به خیر و خوشی.

اخیرا در تایپیک پرسش و پاسخ سوالات مجددی درباره «مکدی» ، «واگرایی» و «موج مقلد» مطرح شده بود که لازم دیدم چند نکته ای را در این زمینه خدمتان یادآوری نمایم:

**اولا - دقت بفرمایید که «واگرایی» صرفاً یک هشدار است و نه یک حکم قطعی!**

یعنی مشاهده یک واگرایی صرفاً می تواند به ما هشدار بدهد که احتمالاً قدرت بازار رو به ضعف گذاشته است و ممکن است که در اواخر موج جاری قرار داشته باشیم!

بعنوان مثال در شکل زیر ، قبل از آنکه انرژی موج کاملاً به پایان برسد، مکدی با نشان دادن یک واگرایی از نوع «سه گانه» ، نزدیک بودن به انتهای موج فعلی را خبر داده است:





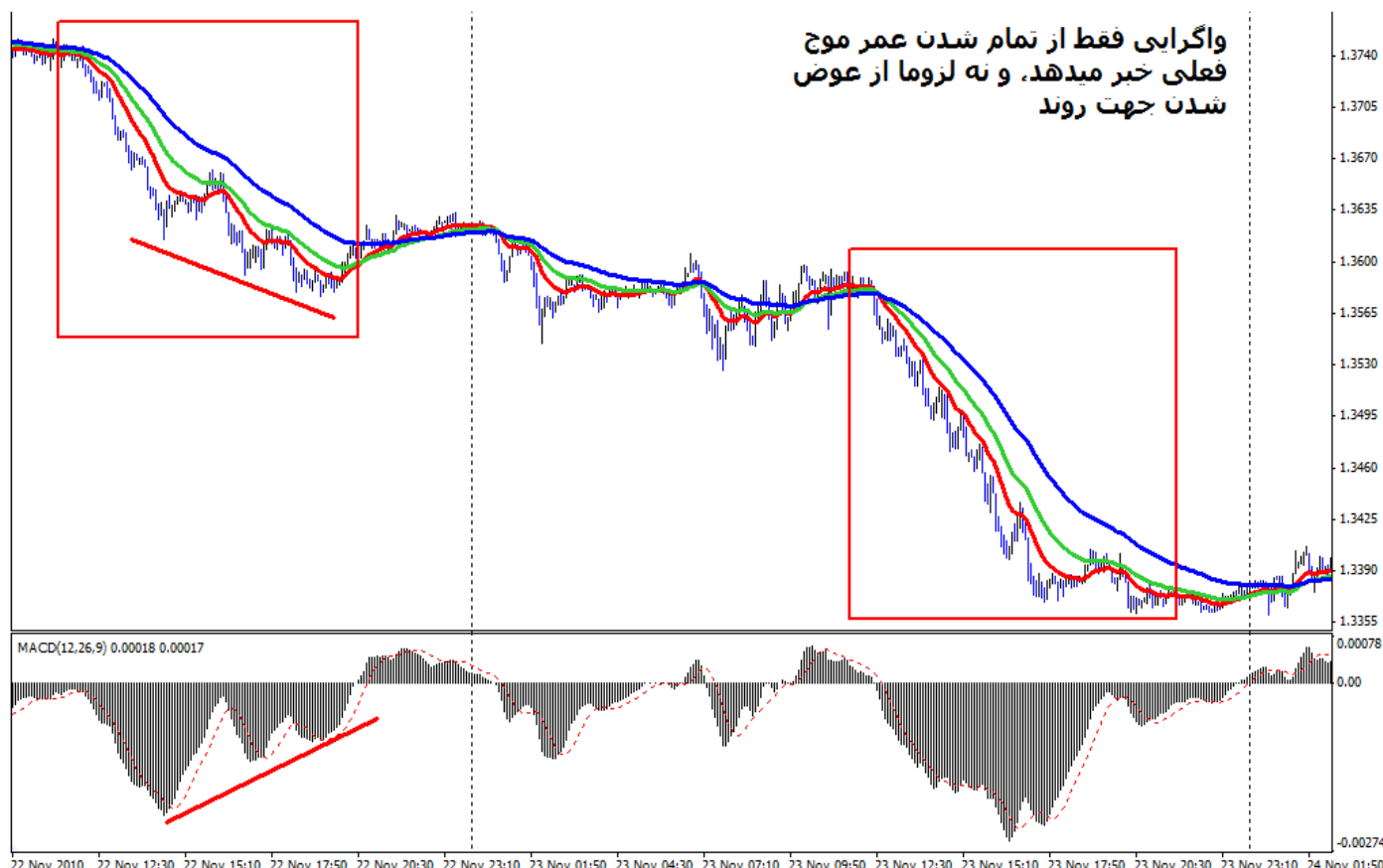
در همان شکل صفحه قبل ، با اندکی دقت می توانید بر روی سایر امواج نیز واگرایی هایی را مشاهده نمایید که تقریبا در پایان هریک از امواج رخ داده است ، و می توانسته هشدار زود هنگامی برای تریدر آگاه و زیرک PTM کار باشد!!

**دوما** - نکته مهم این است که حتی اگر یک واگرایی کاملا معتبر و صادق نیز باشد ، بازهم ممکن است که به سادگی Fail شده و در ادامه روند بازار شکسته گردد!

و چه بسا که در طول یک روند ، بارها و بارها ، و بویژه در پایان ریزموجهای آن ، واگرایی های متعددی شکل گرفته و بلافاصله نقض گردند.

بنابراین واگرایی صرفا نشانگر **اتمام** موج فعلی است ، و نه لزوما نشانگر **تغییر جهت** روند!

همواره این احتمال وجود دارد که موج فعلی به پایان برسد، ولی موج بعدی به هردلیلی (منجمله مثلا اتمام موج 1 و آغاز موج 3 ویا حتی صرفا بدلیل اعلام یک خبر فاندامنتال جدید) مجددا در راستای همان موج قبلی شکل بگیرد.



در شکل فوق مشاهده فرمودید که چگونه موج نزولی اول ، همزمان با وقوع یک واگرایی به پایان می رسد ، ولی مجددا در روز بعد هنگامیکه موج قدرتمند جدیدی آغاز میگردد، جهت حرکت این موج دوم نیز کماکان بازهم به سمت پایین خواهد بود .

بویژه اگر در تایم فریمهای بالاتر ، با روندی قدرتمندی سروکار داشته باشیم، معمولا این احتمال که با اتمام هر موج ، بازهم موج بعدی همچنان در همان جهت قبلی ایجاد گردد، افزایش میابد!

**سوما** - فرض کنید که با مشاهده وقوع یک واگرایی ، برای ورود به بازار دچار شک و تردید میشوید و تصمیم به نظاره بیشتر بازار میگیرید. ولی بعدا مشاهده میکنید که واگرایی مذکور شکسته شده و مجددا یک موج بسیار قدرتمند در همان راستای قبلی آغاز میگردد. آیا این غصه خوردن دارد؟! مسلما خیر!

زیرا اگر قرار باشد که موج جدید نیز مثلا به اندازه صد الی دویست پیپ دیگر را در همان جهت ، حرکت نماید مسلما این چند صد پیپ را که یک نفس و بصورت سیخکی (!) و صرفا ظرف یک یا دو کندل جهش نمیکند!!

بلکه حتی در قوی ترین حالت نیز با تشکیل چندین قله و دره کوچکتر و تشکیل چندین ریزموج کوچک ، این مسیر را طی خواهد نمود!

که شما میتوانید بفرص با از دست دادن بیست الی سی پیپ ابتدایی آن، باقی مسیر چندصدپیپی مذکور را به راحتی شکار نمایید. ضمناً یادتان باشد که قیمت هرگز نمیتواند بیش از حد از مووینگ قرمز دور بشود!

لذا هرگز با مشاهده پرشهای ناگهانی قیمت دچار حسرت و نگرانی نشوید و هیچ لازم نیست که از ترس ازدست رفتن بازار ، دست به انجام اعمال و اقدامات عجولانه بزنید!

بلکه صرفاً کفایت تا اندکی صبر کنید تا مجدداً قیمت به سمت مووینگ قرمز بازگشت نماید

و سپس با صبر و حوصله و از سر فرصت ، در زمان مناسب و درحوالی مووینگ قرمز، بر روی اولین قله ای که امکان آن مهیا بود مجدداً سوار بر ریزموج بعدی بشوید!

به گذشته چارتهای مختلف نگاه کنید و ببینید که چگونه هرزمان که «قیمت» جهشی تند و ناگهانی انجام میدهد ، و فاصله قیمت از مووینگ قرمز بیش از حد افزایش پیدا میکند ، بلافاصله روند حرکت پرسرعت قیمت ، اندکی کند شده و پس از گذشت مدت زمانی کوتاه ، مجدداً فرصتهای متعدد دیگری برای سوار شدن بر همان موج قدرتمند مهیا گشته است!

**چهارما -** بعضی مواقع درپایان یک موج، و پس از وقوع یک واگرایی، بازار به خواب فرو میرود و وارد فاز رنج و بدون حرکت میشود.

در این حالات اگر به مکدی نگاه کنید آن را بصورت قله ها و دره های بسیار کوچک و محصور شده در یک ناحیه مستطیل شکل بسیار کم ارتفاع مشاهده می نمایید.

مووینگ آبی M15 نیز در چنین مواقعی ، معمولاً حالت کاملاً خوابیده و افقی به خودش میگیرد.

در اینگونه مواقع میتوانید با استفاده از «روش ورودزودهنگام» سفارش خودتان را در خارج از محدوده رنج بازار ، ثبت نموده و دربالای آخرین قله (یا دره) از M15 به انتظار بیدار شدن بازار بنشینید تا با خروج ناگهانی قیمت از محدوده رنج ، بلافاصله سوار بر امواج قدرتمند آتی گردید!

اگر به چارتهای یورودلار و پونددلار در دو روز پایانی هفته اخیر مراجعه بفرمایید مشاهده میکنید که با استفاده از «روش ورود زودهنگام» هر روز صبح میتوانستید به موقع سفارش های خود را ثبت نموده و از همان ابتدای موج و در بهترین نقطه ، سوار بر آن بشوید!

و البته هرگاه که صحبت از «روش ورودزودهنگام» میشود دایماً نگران هستیم!! که مبادا بی احتیاطی نموده و بررسی دقیق دوتا شرط لازم برای «روش ورود زودهنگام» را بطور کامل فراموش بفرمایید!

### اینجا تهران است ، یک متر زیر برف !!

روز سرد و زمستانی همگی دوستان عزیز بخیر!

با احازه دوستان عزیز ، از این لحظه مجددا - صرفا به جهت رفاه حال سایر خوانندگان - درب تایپیک را می بندیم!

آنجا که شما هستید را نمیدانم، ولی اینجا که سوز برف و سرما به استخوان رسیده است!

و حدودا بیست سانتی برف سفید در هوای سیاه تهران بر روی زمین خاکستری ، نشسته است!

شدت سوز و سرما به حدی است که از دیشب که درب تایپیک باز مانده بود ، تعدادی از پستهای آخری به مرز قندیل بستن رسیدند!!

و اگر آن پست آخر مهسا خانم نبود فکر کنم درجه حرارت تایپیک به زیر صفر هم میرسید!!

پیش پای شما دو تن از شاگردها را - مجیدبازی گوش و مهدیار شب زی - فرستادم توی حیاط ، تا بنده های خدا زیر برف و کولاک بروند درب تایپیک را ببندند . . . تا برای گرم نگه داشتن تایپیک مجبور نباشیم از احساسات گر گرفته برخی از دوستان عزیز استفاده گرمایشی نماییم!!

چند دقیقه پیش داشتم به اخبار رادیو گوش میدام :

- « . . بنا به آخرین اخبار واصله ، بدلیل شدت برف و یخبندان ، کلیه مدارس تهران به حالت تعطیل درآمده اند! »

و آنطور که گوینده رادیو میگفت ، درحال حاضر تنها مدرسه ای که در کل تهران همچنان باز است، صرفا یک تایپیک ستاره دار است!!) در یکی از سایتهای ستاره دار ، که یک معلم معلوم الحال در حال تدریس یکسری مطالب اغواگرانه به گروهی از طفلهای معصوم و سیبیلو (!) می باشد!!

و مجری مربوطه غرق در بهت و حیرت بود که اگر حقیقتا این معلم ستاره دار قصد فریب این اطفال فریب خورده را نداشته باشد ، پس چطور آنها را قانع نموده تا در این برف و کولاک و یخبندان ، بازهم به سر کلاس درس و مدرسه آنلاین خودشان بیایند ؟!!

و درحالیکه از شدت سوز سرما کیپ تا کیپ بهم چسبیده اند (البته محرم ها یکطرف و نامحرم ها طرف دیگر!!) ، و صدای تلق تلق دندانهایشان کلاس را پر کرده است، بازهم برای شنیدن دو کلمه حرف حساب و دوتا مطلب آموزشی ، این همه سختی و مشقت را به جان بخرند؟!

دوستان عزیز و شاگردان فریب خورده من (!) یادتان باشد که اگر یک روزی خدایی نکرده اوضاع برعلیه ما پیچش نمود! و به سراغ بنده نیز آمدند!! حتما بیایید و برایم شهادت بدهید که در کل این تایپیک حدودا صدصفحه ای ، بیش از دوهزار بار فریاد کشیده ام که :

- «پول خودتان را برای ترید کردن به دست کسی ندهید!»

- «مبادا مبالغ سنگینی را برای خرید اکسپرت و سیگنال و فورکست به دیگرانی که نمیشناسید بپردازید!»

- «مواظب باشید که به جنبه قمارگونه این کار ، اعتیاد پیدا نکنید!»

- «صبور و با اراده باشید و زندگی خودتان را نابود نکنید!»

- «تا زمانیکه از سودآوری خودتان مطمئن نشدید، حسابهای سنگین باز نکنید!»

- «مدیریت سرمایه خودتان را در مرحله آموزشی ، متفاوت از مرحله پول درآوردن طراحی کنید!»

- «برای موفقیت در این کار نیاز به سرمایه های هنگفت ندارید!»

- «مبادا با پول قرض گرفتن از کسی ویا با پول وام و قسط و غیره ترید کنید!»

- «خانه و اتومبیل و مغازه و زمین و طلای همسر خودتان را برای این کار نفروشید!»

- «هرگز شغل اصلی خودتان را کنار نگذارید و همواره به فارکس بعنوان یک کار جنبی و تفریحی نگاه کنید!»

- «روند موفقیت در فارکس یک روزه و یک ماهه و یکساله نیست و نباید کسی ترید کردن را بعنوان تنها منبع درآمد خودش انتخاب کند!»

- «فارکس را به گونه ای ادامه بدهید که در پایان چه به سودآوری برسید و چه نرسید، در هر دو حالت پیروز نهایی «شما» باشید!»

- «تجهیزات شما در این کار فقط کامپیوتر، اینترنت، آموزش، و آرامش ذهنی شما هستند! اگر میخواهید پول خرج کنید، پس فقط برای همین 4 مورد هزینه کنید!»

### و آخریش هم اینکه:

- «شب ها را به موقع بخوابید!! زیرا امکان ندارد یک تریدر موفق صبحها را تا لنگ ظهر خواب باشد!»

پس یادتان باشد که آن روز نچندان دوری که به ملاقات من تشریف میاورید (و البته قبلا به شما گفته ام که از کمپوت هلو بدم میاید، و فقط کمپوت آناناس برایم بیاورید!) لطفا در آن روز خاص، حتما جملات فوق را نیز به سرگروهبان از قول بنده نقل بفرمایید!!

و از وی بپرسید که آخر چگونه ممکن است که کسی که همیشه اینگونه حرف زده است، سردسته یک گروه تبهکاری و سرشاخه یک شبکه هرمی باشد؟؟؟

چون با این حرفهایی که من زده ام، هر شرکت کلاهبرداری و هر شبکه هرمی که بوده، قاعدتا دو روزه ورشکست میشده که !!!

البته قاعدتا پس از گفتن این جملات، خودتان نیز باید بیایید اینطرف کنار دست بنده(!!) تا دوتایی باهم کمپوت ها را نوش جان نماییم!!!

بسیار خب، چون میخواهم از پست بعدی، مجددا مطالب آموزشی را شروع کنم، لذا آخرین مطلب «هشدار آمیز!» خودم را هم خدمت شما - و بویژه خدمت عزیزان تازه وارد - میگویم.

و دیگر این داستان تلخ را - که متأسفانه با تلخی به پایان رسیدن تاپیک نیز همزمان شده است - ادامه نمیدهم.

### "نقل قول: از دوستی تازه وارد -

نقل قول: سلام پشوتن عزیز. / من تازه وارد هستم. / یک سوال داشتم از خدمتتون و اونم اینکه برا تجارت فارکس نمیدونم به کدوم موسسه برم. / میتونید چند تا موسسه قانونی فارکس معرفی کنید؟ / با تشکر از شما.

سلام دوست تازه وارد/ در کل دنیا چیزی بنام «موسسه فارکس» ویا «شرکت فارکس» وجود ندارد که بخواهد قانونی باشد ویا غیرقانونی!!

فارکس صرفا یک «بازار جهانی» است دقیقا مانند «بازار بورس تهران» ویا «بازار بورس بین الملل» که شما باید خودتان مستقلا به این بازار متصل شوید، / و از طریق آن به خرید و فروش ارز، سهام، نفت، طلا و سایر اقلام موردنظر خودتان بپردازید.

هر شرکت یا موسسه ای که به هر بهانه ای و تحت هر عنوانی مانند «فارکس» از شما طلب پول نماید، تا مثلا بجای شما در بازار مذکور برایتان سرمایه گذاری نموده و شما را درسوهای رویایی ناشی از آن شریک نماید، قاعدتا غیرقانونی و کلاهبردار بوده،

و احتمالا با ساختار و کارکردی هرمی، قصد سواستفاده از نام «فارکس» و «بازار جهانی ارز» را دارد، ولذا مطلقا نباید به چنین موسساتی اعتماد کنید!

## درباب روش ورود زود هنگام و ارتباط آن با بازار رنج:

دلار گاوچرانها به فرانک بانک دارها - تایم فریم 15 دقیقه:



برای دومین بار ، روز هفتاد و دوم همگی دوستان عزیز بخیر!!

در شکل سمت چپ زوج ارزی را مشاهده میکنید که برای مدتی نسبتا طولانی در شرایط کاملا رنج و بدون حرکت قرار داشته است.

میخواهیم ببینیم که آیا می توان با استفاده از قوانین «روش ورود زود هنگام» از هم اکنون یک سفارش پیش خرید را در یکی از نقاط 1 یا 2 قرار داد؟!

همانطور که بارها گفته ایم «روش ورود زود هنگام» اساسا برای بازاری تعریف شده است که برای مدت زمانی نسبتا طولانی در شرایط رنج قرار گرفته و به خواب فرو می رود.

و باتوجه به حرکت های عموما انفجاری ، که چنین بازارهایی معمولا پس از خروج ناگهانی از شرایط رنج انجام میدهند، سعی میکنیم تا با استفاده از روش «ورود زود هنگام» بخش بزرگی از سود حاصل از این موقعیت را شکار نماییم.

زیرا اگر بخواهیم صرفا بر مبنای اصول **PTM استاندارد** در مورد چنین موقعیتهایی نظر بدهیم ، باتوجه به آنکه شیب مووینگ آبی و همچنین فاصله مووینگها از یکدیگر هنوز به مقدار مناسبی نرسیده است، اجازه ورود به بازار را بر مبنای **PTM استاندارد** نخواهیم داشت.

پس یکبار دیگر مرور میکنیم که اصلا به چه بازاری میگوییم «بازار رنج و به خواب فرو رفته»؟!

**نکته - نحوه تشخیص بازار رنج و به خواب فرو رفته:**

- شیب مووینگ آبی **M15** باید کاملا افقی باشد.

- سایر مووینگهای **قرمز** و **سبز** نیز نسبتا افقی بوده و همگی مووینگها تقریبا بر روی یکدیگر خوابیده باشند.

- اندازه قله ها و دره های مکدی برای مدت زمانی نسبتا طولانی بسیار کوچک شده باشد، به گونه ای که بتوان مکدی را در یک مستطیل بسیار کم ارتفاع ، محصور نمود.

- کندلهای قیمت معمولا بسیار کوتاه قد و تقریبا هم ارتفاع میگردند. و میزان «همپوشانی» هر کندل با کندل مجاورش ، افزایش قابل توجهی میابد.

- معمولا در چنین مواقعی قیمت در زیر سقف و کف دیروز خودش قرار میگیرد. و عبور از سقف و کف دیروز عموما همزمان با خروج بازار از شرایط رنج ، اتفاق میافتد.

- اینگونه بازارهای رنج و بی جان ، معمولا پس از اتمام یک موج بزرگ و قدرتمند رخ میدهند و قاعدتا تا پیش از آغاز موج بعدی و ورود نیروی محرک جدیدی به بازار ، ادامه خواهند یافت.

بعنوان مثال در همان شکل فوق اگر دقت بفرمایید اکثر مشخصاتی را که برای یک بازار «رنج و به خواب فرورفته» بر شمردیم به وضوح می توانید مشاهده کنید.

بویژه این سه مورد که برای «روش ورودزودهنگام» بسیار حایز اهمیت بوده و درواقع حکم «پیش درآمدی» برای آن را دارند:

1- شیب مووینگ آبی M15 برای مدتی نسبتا طولانی ، کاملا افقی است.

2- مووینگهای قرمز و سبز بر روی یکدیگر قرار داشته اند و اکنون تازه درحال برخاستن از روی هم هستند.(اگرچه ترتیب RGB باید درست باشد).

3- اندازه مکدی برای دوره ای نسبتا طولانی مدت، بسیار کوچک و ریز شده است به گونه ای که میتوان مکدی را در یک مستطیل طولانی و کم ارتفاع جای داد.

حال باتوجه به تمام مطالبی که گفتیم، و همچنین برمبنای دو قانون اصلی از «روش ورود زودهنگام» که قبلا برایتان گفته بودیم، آیا میتوان از هم اکنون سفارش پیش خریدی را در یکی از نقاط 1 یا 2 قرارداد و به انتظار بیدار شدن بازار و خروج ناگهانی آن از شرایط رنج ، نشست؟!

## بشقاب و کاشی . . . زنگ نقاشی!

عصر همگی دوستان عزیز بخیر و خوشی بادا !

باور بفرمایید یا نه . . .؟! خوشتان بیاید یا بدتان . . .؟!

هیچ راهی ندارید مگر آنکه آستین ها را بالا زده و کاغذ و قلم و جعبه مدادهای رنگی خودتان را بیرون بیاورید!!

چرا که زنگ نقاشی فرا رسیده است!

میدانید که چند روزی است که میخواهم PTM نوع دوم را شروع کنم،

و میدانم که قاعدتا فقط شیفته شنیدن آن قسمتی از درس ها هستید که به روشها و فرمولهای مربوط به فشاردادن دکمه های BUY و SELL اختصاص دارد!!

ولی خوشبختانه یا متاسفانه قبل از شروع به PTM-2 مجبور هستیم چند نکته و فلسفه ی مهمی را که درواقع ستونهای پشت پرده PTM-2 هستند ، بایکدیگر مرور نماییم.

و زنگ نقاشی امروز نیز ، دقیقا درباره یکی از همین مهمترین نکته ها است! یعنی :

نمایش ترسیمی NTZ و ارتباط آن با «قدرت امواج»!!

\* \* \* زنگ نقاشی \* \* \*



دانش آموزان عزیز و سیبیلوی من(!) به کلاس نقاشی خوش آمدید!

حالا که دفتر و کاغذ و مدادرنگی های خودتان را آورده اید، پس اجازه بدهید تا من هم بیشتر از این شما را منتظر نگذارم و بلافاصله فعالیت جذاب و شیرین امروز خودمان را شروع کنیم !

### **\*\*\* پاسخ به برخی سوال های رایج \*\*\***

بخشید استاد، قراره چیکار کنیم امروز؟

نقاشی ناحیه NTZ با دو رنگ متفاوت برای روندهای صعودی و نزولی.

آخرش چه شکلی میشه این نقاشی؟

فعلا نشانتان نمیدهم!!

چجوری باید نقاشی کنیم؟

یه ذره جلوتر عرض میکنم خدمتون

نقاشی کنیم که چی بشه؟

گفتم که بعدا میگم!

همیشه این لوس بازی ها رو تموم کنین و اصل روش تون رو بگین؟!

....!!

اگه میشه اندیکاتور و اکسپرت روشتون رو هم بزارین که ما دانلود کنیم و بریم!

....!!!!

### **\*\*\* مراحل انجام نقاشی \*\*\***

1- متاتریدر خود را روشن کنید و یکی از چارتهای EURUSD یا GBPUSD را که دو زوج ارز اصلی ما در اغلب معاملات هستند ، انتخاب نمایید.

2- تایم فریم چارت مذکور را بروی پانزده دقیقه (M15) تنظیم کنید ، چرا که هرآنچه که تاکنون درباره مووینگها و NTZ گفته ایم، صرفا به همین «تایم فریم قطبنا» یعنی M15 مربوط بوده است.

در این تایم فریم بوده است که متوجه میشدیم که به کدام سمت و جهت باید حرکت کنیم؟! ویا اصلا باید حرکت کنیم یا صرفا بر سر جای خودمان منتظر باقی بمانیم!!

3- دکمه autoscroll را خاموش کنید ، تا بتوانید آزادانه در گذشته چارت به چپ و راست بروید. و آنقدر برای خودتان به این سو و آن سو بروید تا ناحیه ای را که برای تمرین رنگ آمیزی امروز شما مناسب باشد پیدا کنید!

4- ناحیه ای را که انتخاب میکنید حتما باید به اندازه کافی خوشگل باشد!! چونکه قرار است در پایان کار ، نقاشی خودتان را به دیوار تایپیک نصب کنید!!

پس چارت اولیه شما باید از عنصر «چشم نوازی» به حد کفایت برخوردار باشد!

باور بفرمایید جدی میگویم! امروز وقتی نقاشی خودتان را تمام کردید باید آن را در تایپیک پرسش و پاسخ به دیوار بزنید!

و در زیر آن هم بنویسید مثلا: «مریم حسینی - 13 ساله از گیلان!!»

البته این صرفا یک مثال برای خانم ها بود! چون برای آقایان احتمالا جای اعداد 1 و 3 عوض خواهند شد!!!

5- دومین معیار برای ناحیه ای که برای نقاشی خود انتخاب میکنید این است که باید دارای روندهای واضح و خوش رفتاری باشد!

اصلا مهم نیست که این روندها صعودی باشند یا نزولی، و اتفاقا بهتر است که از هر دو نوع در چارت انتخابی شما وجود داشته باشد.

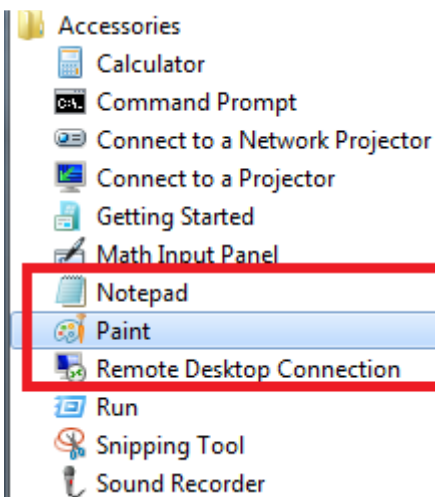
تغییر روند های بزرگ، روندهای قدرتمند و همچنین قله ها و دره های اصلی، مواردی هستند که بعدا به هنگام نتیجه گیری بدردتان خواهند خورد. خلاصه از هر چیزی که انتخاب میکنید، حتما «بزرگ» های آن را گلچین نمایید!!

بعنوان مثال، بنده برای خودم، تصویر زیر را انتخاب کرده ام:



6- تمرین نقاشی امروز ما «رنگ آمیزی ناحیه NTZ» است! یعنی قرار است که ناحیه محصور بین مووینگهای قرمز و آبی را با مدادرنگی های خودتان رنگ آمیزی نمایید.

باید نقاشی شما در پایان کار یک چیزی شبیه به این بشود:



به این منظور از نرم افزار Paint که از اجزای اصلی ویندوز می باشد، استفاده میکنیم. کار کردن با این نرم افزار بسیار ساده است و حتی اگر قبلا با آن اصلا کار نکرده باشید، بازهم امروز به سادگی میتوانید نقاشی خودتان را در آن محیط، کامل نمایید.

این نرم افزار را می توانید از منوی Start و سپس در زیرمجموعه Accessories به سادگی پیدا کنید:

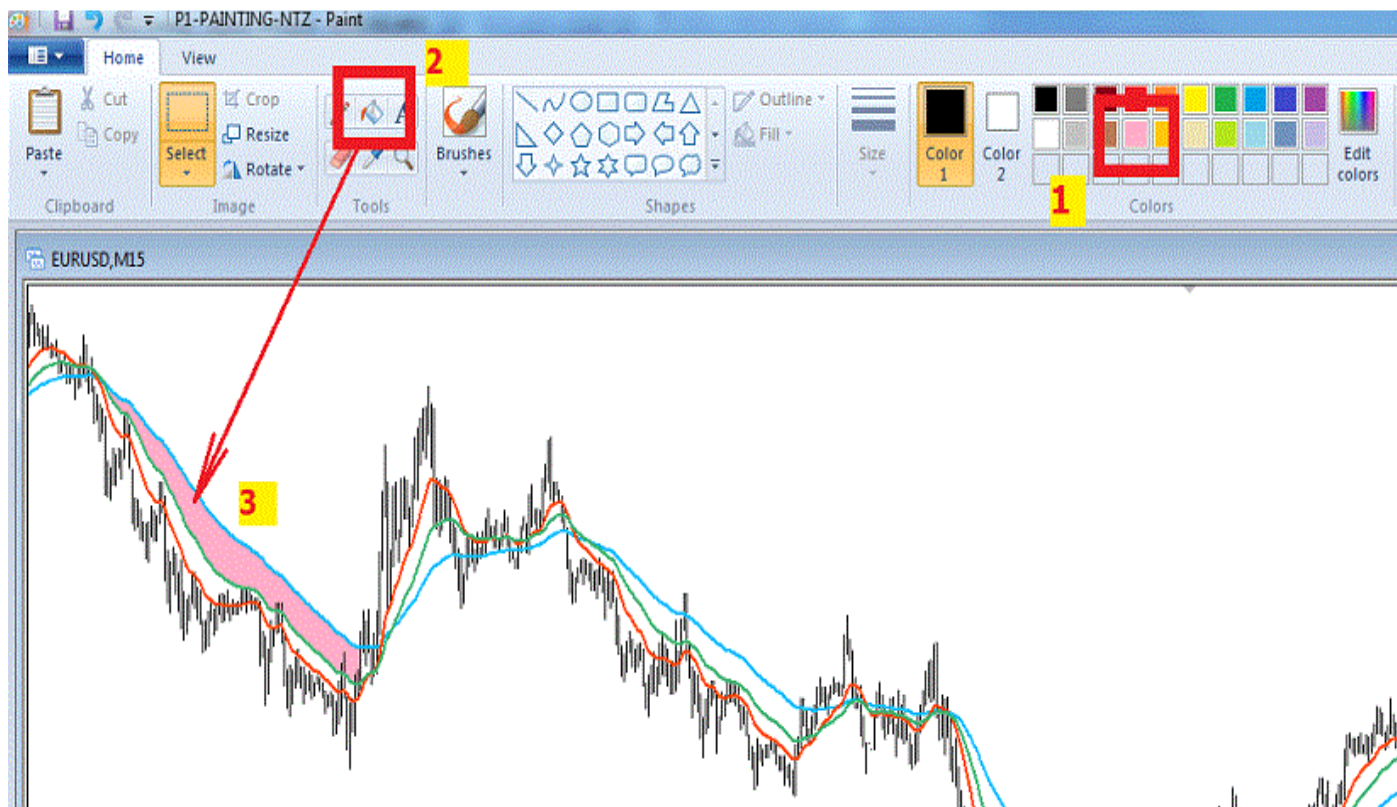


7- وقتی چارت موردنظر خودتان را انتخاب کردید، یکبار دکمه **PrintScreen** را بر روی صفحه کیبورد خودتان فشار می‌دهید، و سپس به نرم افزار **Paint** رفته و در آنجا دکمه های **CTRL+V** را بطور همزمان فشار می‌دهید تا تصویری از چارت موردنظر بر روی صفحه سفید مقابل شما چاپ گردد.

اگر این کار برایتان سخت است می‌توانید بجای همه این مراحل ، صرفا از گزینه **Save as Picture** در خود متاتریدر استفاده کنید. این نیز تا حدودی معادل همان میشود، با این تفاوت که لذت سلسله مراحل نوع اول از دومی بیشتر است!!

8- در نرم افزار **Paint** می‌توانید دقیقا مانند یک کلاس نقاشی از کلیه ابزارهای موردنیاز خود، از خط کش و مدادتراش و پاک کن گرفته تا مدادرنگی و آبرنگ و اسکوچ(!؟!) به سهولت استفاده نمایید!

در شکل زیر ، مراحلی را که برای رنگ آمیزی ناحیه مذکور باید انجام بدهید با شماره های 1 تا 3 برایتان مشخص کرده ام:



**شماره 1** - رنگ نوک مداد شما را تغییر می‌دهد. برای نقاشی امروز خودتان ، باید از دو رنگ صورتی و آبی کمرنگ استفاده نمایید که در مرحله بعد درباره آنها توضیح خواهم داد.

**شماره 2** - سطل رنگ ! با انتخاب این گزینه، نوک فلش ماوس تبدیل به یک سطل رنگ میشود!

اکنون اگر بر روی هر نقطه ای از تصویر مقابل خودتان کلیک نمایید، ناحیه محصور در اطراف فلش ماوس، با رنگ مورد نظر شما رنگ آمیزی میشود.

می‌توانید عینا مانند پلنگ صورتی(!!) تمام در و دیوار چارت مقابل خودتان را به رنگ صورتی در بیاورید!!!

صرفا کفایت چند بار در نقاط مختلف تصویر کلیک کنید کاملا متوجه منظور من و نحوه کار با این ابزار خواهید شد!!

**شماره 3**- ناحیه ای که قرار است آن را رنگ آمیزی نمایید! یعنی دقیقا همان ناحیه ای که تاکنون با نام **NTZ** از آن اسم می‌بردید. در پاراگراف بعدی درباره این موضوع بیشتر توضیح خواهم داد.

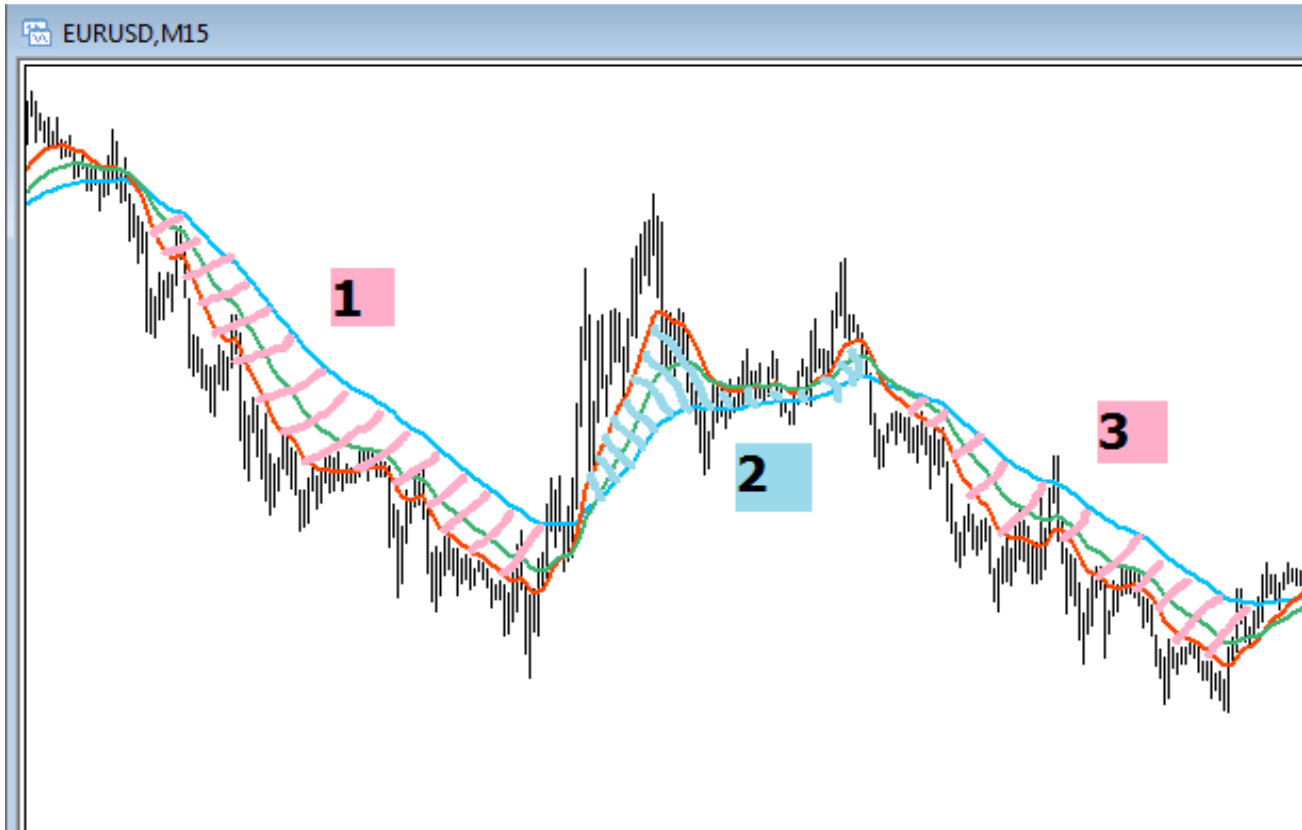
**9** - همانطور که قبلا گفتم برای انجام این تمرین ، باید ناحیه محصور بین مووینگهای قرمز و آبی را ، با استفاده از ابزار «سطل رنگ» ، رنگ آمیزی بفرمایید.

اما نکته ای که برای انجام این تمرین باید بدقت مراعات نمایید این است که :

- هرگاه مووینگ **قرمز** در زیر مووینگ **آبی** قرار داشته باشد، باید این ناحیه را با رنگ «**صورتی**» رنگ آمیزی کنید!

- و هرگاه که مووینگ **قرمز** در بالای مووینگ **آبی** قرار داشته باشد، باید از رنگ «**آبی کمرنگ**» برای رنگ آمیزی این ناحیه استفاده نمایید!

شاید این نکته ، که این دو رنگ را بصورت صحیح بکار ببرید، تقریباً سخت ترین قسمت این تمرین باشد! وگرنه باقی قسمتهای آن بسیار ساده و راحت الاجرا و از همه مهمتر لذت بخش است!



**10-** یادتان باشد که در چندین نوبت ، نقاشی خودتان را **save** کنید ، تا هرگاه که در وسط کار ، نقاشی شما به کل خراب شد ، بتوانید مجدداً به آخرین حالت موردلخواه خودتان بازگشت نمایید.

همچنین اگر با فشار دادن فلش ماوس در موقعیتی نامناسب، نتیجه حاصل شده موردلخواه شما نبود میتوانید به سهولت با فشاردادن همزمان دکمه های **CTRL+Z** یا همان گزینه **Undo** مجدداً تغییرات اعمال شده و نامطلوب را به حالت قبل برگردانید.

\*\*\* پایان \*\*\*

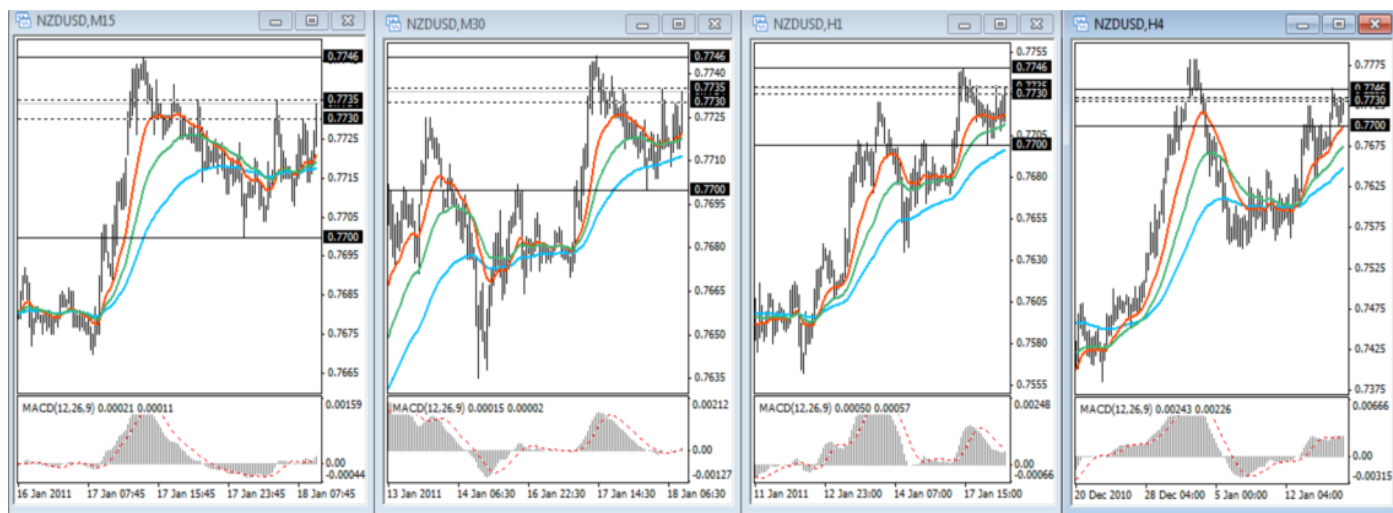
### سیگنال زنده ولی شیفتگی !!

سلام! / قبول دارم که درس دادن در «بازار واقعی» هیجان دیگری دارد!

اما این بدو بدو کردن هایش پدر پدر پدرفارکس آدم را درمیآورد!

آخر آدم وقت سلام و علیک کردن هم ندارد! / ای وای .. دیر شد!

بفرمایید این هم یک «سیگنال زنده شیفت یافته در زمان» تقدیم به شما!



اگر از بین این همه موقعیت مناسب که در بازار موجود است، صرفاً همین NZD را برایتان مثال میزنم صرفاً بدلیل جنبه آموزشی آن است و تأکید دوباره ای که میخواهم بر روی تکنیک شیفت زمانی انجام داده باشم.

وگرنه واضح است که اگر برطبق PTM عمل کرده باشید - که حتماً کرده اید - قاعدتاً از صبح تا الان باید چندین موقعیت را بر روی زوج ارزهای زیر شکار کرده باشید:

#### - EURUSD :

بای استاپ در نقاط 1.3370 - 1.3380 - 1.3425 که آخرین مورد هنوز قابل استفاده میباشد!

#### - GBPUSD :

بای استاپ در نقاط 1.5925 - 1.5930 - 1.5940 - 1.5955 - 1.5970 - 1.5975 - 1.5985

که آخرین مورد باتوجه به اینکه نزدیک به عدد بسیار رند 1.6000 قرار گرفته است قاعدتاً نباید گرفته شود! ولی باتوجه به آنکه در ساعت 13:00 یعنی صرفاً تا چند دقیقه دیگر، خبر بسیار مهمی بر روی پوند داریم و باتوجه به آخرین قراردادی که باباشونا اخیراً با مسئول اخبار سایت GHorexFactory امضا کرده است (!! ) و طی آن قرار شده است که از این به بعد کلیه اخبار، حتی الامکان صرفاً در راستای تقویت PTM اعلام بشوند!! لذا می توان با اندکی اغماض و چاشنی ریسک پذیری، از آخرین قله نیز بعنوان سکوی برای ثبت آخرین سفارش پرتاب استفاده نمود!

#### - USDCHF :

سل استاپ در نقاط 0.9590 - 0.9600 - 0.9575 - 0.9565 - 0.9555

که موقعیتهای 0.9575 و 0.9565 بر مبنای شکست آخرین دره کامل m5 طراحی شده اند.

و البته موارد 0.9565 و 0.9555 هنوز فعال نشده و قابل استفاده هستند.

بای استاپ در نقاط 110.60 - 110.50 - 110.25 - 110.05 - 109.95

البته در مورد این زوج ارز خاص باتوجه به آنکه وضعیت مووینگهای M15 تا همین دقایق اخیر هنوز به حد مطلوب نرسیده بود ، لذا می توانستید با استفاده از تکنیک «شیفت زمانی» و انتقال PTM به تایم فریم M5-M1 سفارشات خود را بر روی قله های M1 ثبت نمایید!

ضمن آنکه آخرین عددی که در بالا ارایه شد، همچنان بعنوان نقطه ای مناسب برای ورود قابل استفاده است. . .

سل استاپ در نقاط 82.30 - 82.35 - 82.40 - 82.45 - 82.50

البته بنده به شخصه از ترید کردن بر روی این زوج ارز ، بویژه در طول روشنایی روز! ، چندان دل خوشی ندارم!! اما چون نمیخواستم بهانه ای دست این چشم بادامی ها بدهم تا بگویند بین زوج ارزهای مختلف ، تبعیض قایل میشویم، موقعیتهای مناسب را برای این ارز نیز مشخص کردم!

لازم به ذکر است که بهتر است از موقعیتهای 82.35 و حتی 82.40 به دلیل نزدیکی بیش از حد به کف دیروز (82.33) چشم پوشی نماییم.

از طرفی واضح است که موقعیت 82.30 باتوجه به قرار گرفتن در زیر کف روزانه، موقعیت بسیار مناسبی تلقی میگردد که هنوز فرصت برای استفاده از آن وجود دارد!

بای استاپ در نقاط 1.0005 - 0.9998 - 0.9990 - 0.9985 - 0.9975 - 0.9970 - 0.9950

این زوج ارز نیز باتوجه به آنکه در تایم فریم M15 چندان چنگی به دل نمیزد، لذا در صورت اصرار به معامله بر روی آن قادر بودید با استفاده از «تکنیک شیفت زمانی» تایم فریم های خودتان را یک درجه ریزتر کنید و باتوجه به وضعیت مناسب مووینگهای M5 به سراغ اوردرگذاری بر روی قله های M1 بروید!

البته امیدوارم که سوتفاهم برایتان نشود! چون هدف از معرفی این زوج ارز صرفا مثال دیگری برای تکنیک شیفت زمانی بود، وگرنه بدیهی است که موقعیتهای بالاتر از 0.9980 را بدلیل نزدیکی بیش از حد به عدد بسیار مهم 1.0000 مطلقا نباید میگرفتید!

ضمن آنکه در آخرین نموداری نیز که درپیش چشم من قرار دارد هر سه تایم فریم M1-M5-M15 نمایشگاهی از انواع و اقسام واگرایی های جورواجور را به معرض نمایش گذاشته اند!!

بسیار خب، برمیگردیم به سراغ دلار نیوزلند ، و مثالی که میخواستیم درباره روش استفاده از «تکنیک شیفت زمانی» خدمتان عرض کنم.

خوشبختانه هنوز هم که دارم این مطلب را ویرایش و تکمیل میکنم، موقعیت همچنان برای اوردرگذاری بر روی این زوج ارز مهیا میباشد، و علاقمندان به کپی کردن سیگنالها از روی دست من ، می توانند اگر جگرش را دارند(!!) از این مثال بطور عملی نیز در معاملات خود استفاده نمایند!!!

### سوال اول - امکان ورود به بازار بر مبنای PTM استاندارد؟

اولین سوال این است که آیا اجازه اوردرگذاری بر روی این زوج ارز ، بر مبنای PTM استاندارد را داریم یا نه ؟!

واضح است که جواب این سوال ، منفی خواهد بود! چراکه تایم فریم M15 بعنوان «قطبنمای سیستم» سمت و جهت واضحی را برای روند جاری ، مشخص نمیکند!

به بیان ساده تر ، چون شیب مووینگ آبی نامناسب است ، و همچنین چون فاصله مووینگها از یکدیگر کمتر از حدنصاب لازم می باشد، بنابراین اجازه معامله کردن بر روی این زوج ارز را نداریم.

### سوال دوم - امکان معامله بر مبنای «روش ورود زودهنگام»؟!

دومین سوالی که بر ایمن مطرح میشود این است که آیا مجاز به ثبت سفارش در خارج از ناحیه رنج ، و بای استاپ گذاشتن بر روی انتهای قله های M15 ، بر مبنای «روش ورود زودهنگام» هستیم یا خیر؟

جواب این سوال نیز خیر است! زیرا برای استفاده از این روش ، همواره نیاز به برقرار بودن دو شرط قطعی زیر داریم:

1- در تایم فریم جاری که دچار شرایط رنج شده است (یعنی M15) آخرین روند قبلی ، همسو با پوزیشن مورد نظر ما و همچنین STR باشد.

2- در هر دو تایم فریم یک و دو درجه بالاتر نیز (یعنی M30 و H1) روند جاری ، همسو و STR باشد.

اما در شکل فوق کاملا واضح است که تایم فریم M30 مطلقا STR نیست! زیرا بعنوان مثال مووینگهای قرمز و سبز آن کاملا به یکدیگر چسبیده اند و .... !

پس امکان استفاده از «روش ورود زودهنگام» نیز در تایم فریم M15 منتفی می گردد!

### سوال سوم - چرا چند وقت بود که خبری از آقای مجیدی نبود؟!!!

والله چه عرض کنم؟! راستش بنده هم خیلی نگران شده بودم! چون نزدیک به یکی دو هفته بود که هرچه به بالا و پایین و وسط و چپ و راست صفحه نگاه میکردم و به دنبال اثری از آثار ایشان میگشتم، اصلا و ابدا چشمم به نام و آی دی mmajidi ایشان روشن نمیشد که نمیشد!

اما خدا را شکر امروز که پس از مدتها مجددا نام و امضای ایشان را در زیر همین پست مشاهده کردم - و اتفاقا مثل همیشه جز اولین خوانندگان صبح گاهی مطالب بودند - مجددا خیالم تا حدودی راحت شد که پس اگر خدایی نکرده ایشان مشکل خاصی داشته اند ، حتما برطرف شده است!

و اتفاقا اینکه امضای ایشان جزو اولین نفراتی بود که در زیر این پست نوشته شد ، خودش نشانه بسیار خوبی است! چرا که نشان میدهد که این جناب مجیدی ، قطعا همان جناب مجیدی پرقدرت و پر انرژی ای هستند که بنده و شما می شناسیم!

و باید به کلیه نوآموزان و تازه واردان تایپیک تبریک گفت! چرا که دیگر میتوانند با خیال راحت به سراغ تایپیکهای «پرسش و پاسخ» و «تریدینگ روم» بروند و هر آنچه که دلشان میخواهد را از این مرد شریف و از این تریدر حرفه ای ، بپرسند!

### سوال چهارم - آیا با استفاده از «تکنیک شیف زمانی» می توانستیم موقعیتی را برای خودمان دست و پا کنیم؟

آفرین بر شما !! احسنت !! این پیشنهاد هوشمندانه را کدامتان داد؟؟!! آهان ... خودم گفتم؟؟!

ببخشید اشتباهی جو گیر شدم . . .

گفتم که اگر ملاک کاری ما همان تایم فریم M15 باشد ، در آنصورت نمیتوان از روش ورود زودهنگام استفاده کرد، زیرا تایم فریم های یک و دو درجه بالاتر یعنی M30 و H1 هر دو باید STR باشند که متأسفانه یکی از آنها نیست.

اما اگر بیایم و با استفاده از «تکنیک شیفت زمانی» تایم فریم مبنا را یک درجه به سمت بالا شیفت بدهیم، در آنصورت M30 برای ما معادل M15 خواهد بود، و تایم فریمهای دو درجه بالایی نیز به ترتیب H1 و H4 میگردند!

و با یک نگاه هوشمندانه(!) به شکل فوق مشاهده میفرمایید که هر دو تایم فریم H1 و H4 کاملا STR هستند و بنابراین مجاز خواهیم بود که در «تایم فریم مبنا» یعنی M30 از روش ورود زودهنگام استفاده نماییم!

## سوال پنجم - حالا سفارش ها را کجا باید بگذاریم!؟

ببینید اگر میخواستیم با استفاده از «روش ورود زود هنگام» و برطبق همان تایم فریم M15 عمل کنیم ، در آنصورت باید پوزیشن خودمان را در نقطه خروج بازار از شرایط رنج یا درواقع در همان آخرین قله M15 یعنی 0.7735 قرار میدادیم!

اما اکنون که «تایم فریم مبنا» برای ما تبدیل شده است به M30 بنابراین باید نقطه خروج بازار از شرایط رنج در همین تایم فریم را ملاک خودمان برای ورود به بازار قرار بدهیم، که به عبارت دیگر میشود آخرین قله M30 که درحوالی 0.7746 قرار دارد.

چون از اطلاعات موجود در دیتای پلت فرم شما مطلع نیستم و این زوج ارز (وهمچنین دلاراسترالیا) جزو افلامی هستند که قله ها و دره های آنها در بروکرهای مختلف معمولا چند پیپ با یکدیگر اختلاف دارد، نمی توانم نقطه ورود دقیقی را که حالت سراسری داشته باشد در تایپک اعلام کنم. بویژه که میزان کارمزدبروکر یا همان اسپرید نیز برای این زوج ارز خاص معمولا مقادیر بسیارمتنوعی دارد!

لذا فرض را بر معیار بودن همان شکلی که دربالا ارایه شد ، میگذارم و سفارش خودم را دو الی سه پیپ بالاتر از قله 0.7746 یعنی بعنوان مثال در 0.7749 ثبت میکنم.

و البته باتوجه به آنکه در بروکر بنده اسپرد نیوزلند برابر با 3 پیپ است ، پس باید سه پیپ دیگر را نیز به عددقبلی اضافه کنم که نتیجه برابر میشود با 0.7752

از طرفی میدانید که بنده میل عجیبی به رند کردن نقاط ورود و خروج خودم دارم!! و این ثبت سفارش بر روی اعداد رند از آن وابستگی های بی منطق PTM کارها است که اگر به جانتان بیافتد دیگر به این راحتی ها از آن رهایی پیدا نخواهید یافت!!

بنابراین سه پیپ دیگر را نیز همینطور الکی (!! ) بالاتر میروم تا به عدد رند 0.7755 برسم. اگرچه همین سه پیپ اضافی ، الکی و بیمقدار ، ممکن است در نهایت رمز نجات بنده از بازگشت های سریع و بی منطق بازار بشود!

خلاصه آنکه سیگنال نهایی ما به صورت زیر درمیآید:

### - سیگنال خرید دلار کشور سلطنتی نیوزلند به دلار کشور کابوی ها :

روش معامله - روش ورود زود هنگام + تکنیک شیفیت زمانی.

تایم فریم مبنا - سی دقیقه.

حجم معامله - تک بخشی (به دلیل بزرگتر شدن استاپ از 50 پیپ).

حدضرر - زیر آخرین دره در 0.7702 و همچنین اندکی پایین تر از عدد رند.

تارگت - بین 40 الی 60 پیپ.

مرز کنسل کردن - 0.7700

BuyStop 0.1Lot NZDUSD@0.7755

SL= 0.7695

TP= 0.7795 - 0.7815

### سوال آخر - درباره حد سود و ضرر ....!؟

ملاحظه فرمودید که حدضرر این پوزیشن ، چیزی درحدود 60 پیپ از آب درآمد! و البته منطقی هم بود! چون همانطور که قبلا خدمتان عرض کرده بودم ، هنگامیکه شما از «تکنیک شیف زمانی» استفاده میکنید ، کلیه استاپها و تارگتهای شما همگی به همان نسبت بلندتر(ویا کوچکتر) میشوند. و این هیچ اشکالی ندارد زیرا تنها کاری که لازم است بکنید این است که حجم معامله خودتان را بگونه ای تغییر بدهید که مجموع ضرر احتمالی پوزیش، از بیشینه مجاز و استاندارد سیستم مدیریت سرمایه شما، بیشتر نشود!



در این مثال نیز همانطور که ملاحظه فرمودید بنده به جای گرفتن یک پوزیشن دوبخشی ، صرفاً از یک بخش استفاده کردم.  
درمورد حدسود نیز تاکنون روشهای گوناگونی را آموخته اید! از اعداد و مقادیر ثابت گرفته ، تا پیدا کردن سطوح حمایت-  
مقاومت بر مبنای مووینگها یا قله ها و دره ها ویا حتی اعداد فیبوناچی و . . .

بنابراین می توانید با هر روشی که برایتان راحت تر است یک تارگت نسبتاً مناسب را برای خودتان انتخاب فرمایید.

من برای این پوزیشن از همان روش اعداد ثابت استفاده میکنم، و از آن جدولی کمک میگیرم که اگر خاطرتان باشد قبلاً در بخش  
مربوط به معرفی «تکنیک شیفت زمانی» خدمتان ارایه کرده بودم!

طبق آن جدول باتوجه به آنکه به تایم فریم مبنا را به M30 انتقال داده ایم ، می توانیم از اعداد 50 الی 70 پیپ استفاده نماییم.  
که البته باتوجه به آنکه آن جدول صرفاً برای یورودلار و پونددلار طراحی شده بود، باید با استفاده از تلورانس روزانه زوج ارز  
موردنظر خودمان، این اعداد را اندکی اصلاح کنیم . . . که با لحاظ نمودن تلورانس روزانه نیوزلند به اعداد حدوداً 40 الی 60 پیپ  
خواهیم رسید.

بسیار خب ، تمام شد! / همگی خسته نباشید . . . و البته بنده نیز به همچنین !!

امیدوارم که این مثال نیز به درک و شناخت بهتر شما از هر دو روش «ورودزودهنگام» و همچنین «شیفت زمانی» کمک کرده  
باشد.

## باند NTZ نبض تپنده PTM !

سلام و شب هفتاد و سوم همگی دوستان بخیر!

حتماً تا به حال بارها برایتان پیش آمده است که درمقابل جمع ، یک حرفی را بزنید و بعداً خودتان مجبور شوید در رودر بایستی  
حرفی که زده اید، عیناً به همان گفته های خودتان عمل کنید!

حال و روز اکنون بنده نیز دقیقاً به همان صورت است! چراکه دیروز رسماً و در ملاء عام (!) ادعا کردم که از نتیجه کلاس نقاشی  
دیروز می توانید سه نکته مهم و حیاتی را استخراج کنید و . . .

. . . و امروز که نوبت پاسخگویی به خودم رسیده است ، مانده ام حیران و سرگردان که آخر چگونه سه نکته مهم و حیاتی را از  
درون این نقاشی کودکانه (!) بیرون بکشم؟!!

پس با اجازه شما ، بنده شروع می کنم به گفتن نکاتی که به ذهنم میرسد ، و شما نیز لطفاً بنشینید و بشمارید تا هر وقت نکاتی که  
به نظرتان هم جدید بودند و هم مهم و حیاتی ، تعدادشان از سه عدد فزونی گرفت ، به بنده گوشزد فرمایید تا دیگر بیشتر از آن  
ادامه ندهم !!!

### راهنمایی درباره نکات مربوط به کلاس نقاشی :

- همانطور که برخی از دوستان نیز اشاره فرمودند اولین چیزی که در این نقاشی جلب توجه میکند این است که ما دو نوع  
ناحیه NTZ داریم.

که بعنوان مثال میتوانیم یکی از آنها را NTZ صعودی یا مثبت ، و دیگری را NTZ نزولی یا منفی بنامیم.

اجازه دهید از این به بعد برای سادگی بیان ، این ناحیه را بصورت «باند NTZ» ویا به اختصار «باند» نام ببریم.

- با اندکی توجه به تصاویری که دوستان ارایه کرده اند بوضوح مشخص میشود که درواقع باند NTZ قلب تپنده PTM است!

چرا که PTM روشی است که بر مبنای «ترید نکردن» ابداع شده است و نه «ترید کردن»!

البته این موضوع مربوط به الان نیست و متعلق به صدها سال پیش است!!

هنگامیکه استادبابا در قله های مرتفع تبت در حال خلوت و مراقبه بود ،

تا شاید بتواند سیستم و روش شخصی خودش را - بعوض جستجو در میان هزاران سایت و کتاب و منابع جورواجور - در میان افکار و دانسته های درونی خودش پیدا کند . . .

. . . و ناگهان به این نتیجه رسید که چه بهتر که کار را وارونه شروع کند!!

و لذا اصل را بر پیدا کردن بهترین نواحی برای ترید **نکردن** بنا نهاد !!

تا سپس شاید با کنار نهادن این نواحی ، بتواند به مناطقی دست یابد که قاعدتا برای حضور در بازار ، کاملا مناسب خواهند بود!

اگر چنین ایده ای جواب میداد، استادبابا به راهکاری دست میافت که بتواند در بسیاری از زمانهای مناسب را ، در درون بازار حضور داشته باشد،

یعنی دقیقا در همانجاییکه دل استادبابا همواره در گرو آنجا بود!!

و به این ترتیب بود که در آن روز خاص ، مکتبی برای ترید کردن ابداع شد که ذاتا مستقل از فضا و زمان بود! و در هر روز و هر وقت و هر ساعت می شد از آن استفاده کرد!

دیگر درون مارکت شرایطی باقی نمانده بود که برای پیروان این مکتب ، ناشناخته و خطرآفرین به نظر برسد!

و دیگر نیازی به نگرانی برای زمان اعلام اخبار و یا ممنوعیت ترید کردن در ایام پیش از تعطیلات(!) و سایر مواردی اینچنین نبود!

چرا که هسته مرکزی این سیستم ، اساسا بر مبنای ترید نکردن بنیان گشته بود!

و اگر این هسته فرمان به ترید کردن میداد، پس به معنی آن بود که هیچ مانعی توان مقاومت در برابر سیل خروشان عرضه و تقاضا را نخواهد داشت . . . !

البته این داستان همانطور که عرض کردم مربوطه به سالها پیش است!

وگرنه امروز اتفاقا اکثر علاقمندان به **PTM** ، آن را بعنوان روشی بسیار انعطاف پذیر و سرشار از انواع و اقسام موقعیت های متعدد برای ترید کردن می شناسند! و دیگر کسی به این که اساس این روش بر ترید **نکردن** است چندان اعتنایی ندارد . . .

- گفتیم که **باند NTZ** در واقع نبض تپنده **PTM** است .

به این معنی که اگر بعنوان مثال ، شما یک چارت دلخواه را به بنده بدهید و از من بخواهید تا درباره آن نظر بدهم . . . من صرفا همین باند **NTZ** را در آن نگاه خواهم داشت و باقی ابزارها و اندیکاتورها و ملحقات اضافی دیگر را از روی تصویر ، کنار خواهم گذاشت!!

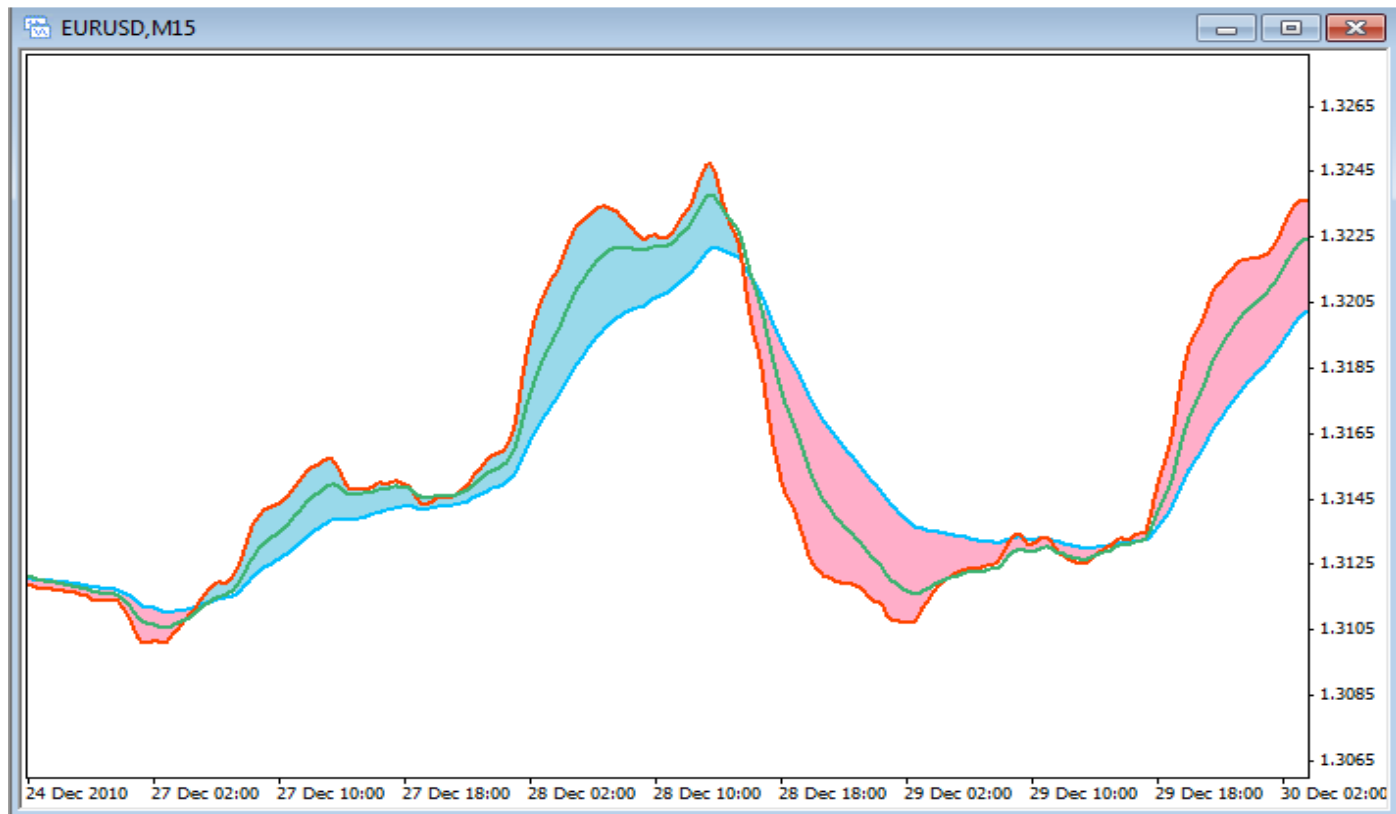
حالا اگر در واقعیت هم این کار را نکنم(!) لاقلا در ذهن خودم مطمئن باشید که این کار را خواهم کرد!!

صرفا شکل ، ساختار و نحوه پیچ و خم ها و حرکات این «باند» برای من کاملا کفایت تا هر آن چیزی را که درباره یک چارت نیاز دارم از روی آن متوجه بشوم!

حتی ممکن است (اگر به من رو بدهید!!) خود «قیمت» را هم از روی چارت کاملا حذف کنم تا صرفا یک چارت خالی برایم باقی بماند و یک باند **NTZ** !

که احتمالا چیزی میشود شبیه به تصویر صفحه بعد:





من با استفاده از شناختی که پس از سالها تجربه در سرو کله زدن با مارکت، نسبت به حرکات ، و پیچ و خم ها ، و ناز و اداهای این **زلف افشان** (!) پیدا کرده ام، صرفا از روی شکل همین **باند NTZ** میتوانم تمام موارد زیر را متوجه بشوم:

- تشخیص جهت حرکت بازار ، تشخیص میزان قدرت مارکت ، نقاط مناسب برای ورود، نقاط مناسب برای خروج ، نواحی مناسب برای ترید کردن ، نواحی مناسب برای ترید نکردن! ، نواحی مطلقا ممنوعه ، نواحی مناسب برای سل لیمیت و بای لیمیت ، ثبات یا بی ثباتی قیمت ، آغاز و پایان یک موج، تشخیص امواج پر قدرت ، تشخیص امواج خوش رفتار ، طول عمر امواج ، کودکی- جوانی و پیری امواج ، تشخیص افزایش یا کاهش قدرت موج، تعیین درجه موج، تاثیر امواج تایم بالا بر شکل باند NTZ در تایم پایین، هشدار زودهنگام برای خروج از بازار ، معنی نفوذ به درون باند، تاثیر نحوه نفوذ بر تغییر روند ، تشخیص قله ها و دره های ماژور ، تشخیص تغییر روندها ، شمارش امواج الیوت ، ارتباط ضخامت باند با شیب مووینگ آبی، ارتباط ضخامت باند با حداکثر فاصله قیمت از مووینگ قرمز ، و غیره و غیره و غیره . . .

بسیار خب، فعلا فقط همین ها به ذهنم می رسند!!

حالا لطفا خودتان سه مورد را از میان اینها انتخاب کنید تا برایتان توضیح بدهم؟!

بگویید که کدامیک از این نکات برایتان جدید و مهم هستند؟ ویا مبهم و نامفهوم؟!

سه تا از آنها را به دلخواه خودتان انتخاب کنید تا بنده نیز - صرفا بخاطر همان رودرباستی که از ابتدا گفتم!!! - آن سه نکته ساده و کودکانه را خدمتان عرض کنم؟!

البته این را هم بگویم که اگر بخواهیم صادق باشیم بسیاری از این نکات را دیروز ، دوستانان در تکمله نقاشی های خودشان در تایپیک پرسش و پاسخ ارائه کردند. و این بسیار جای تحسین و تقدیر دارد که چشم و ذهن شما به آن حدی از کمال و پختگی رسیده است ، که صرفا پس از یک دوره کوتاه چند ماهه ، قادر شده اید تا بسیاری از نکاتی را که بنده بعد از هشت سال با هزار زور و زحمت متوجه آنها شده ام!! شما امروز به سادگی آنها را پیدا کنید!!!

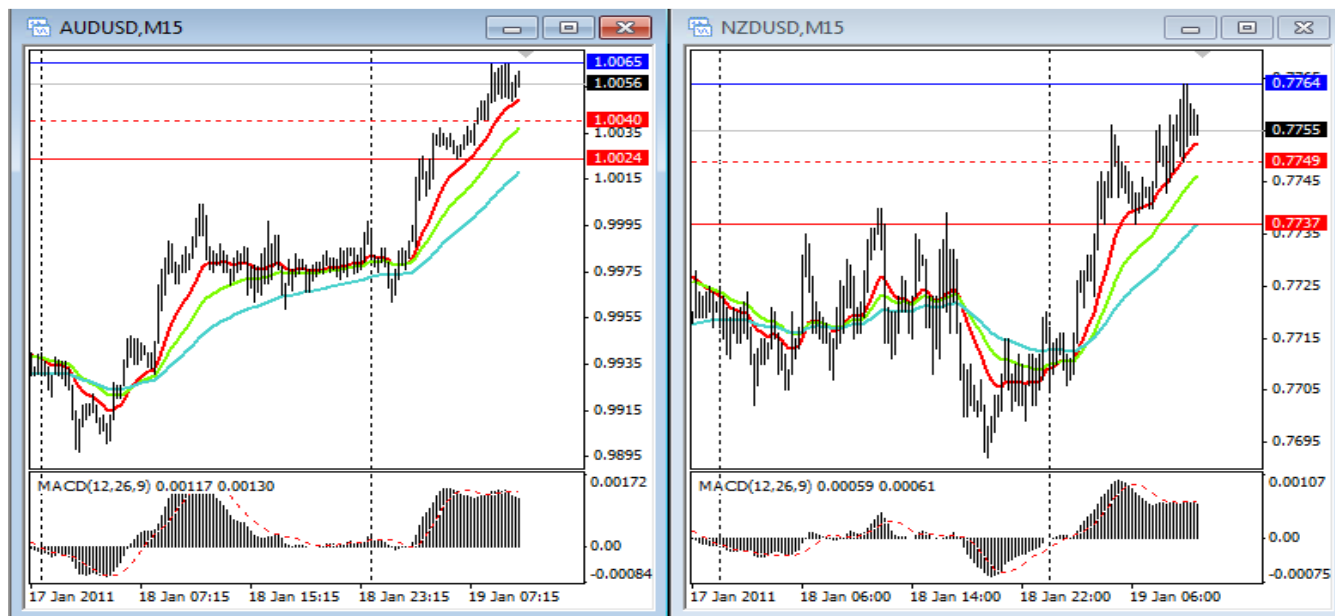
بهرحال بازهم یک فرصت بیشتر میدهم تا همچنان کسانی که علاقمند به انجام این مشق نقاشی و پیدا کردن نکات درون آن هستند ، فرصت داشته باشند تا خودشان شخصا بر روی موارد مذکور تمرکز و تفکر بیشتری بفرمایند . . . یادتان نرود که ما و دوستانان در تایپیک پرسش و پاسخ در انتظار نظرات و البته نقاشی های شما هستیم!

## روز هفتاد و چهارم.

### بررسی تصویری چند زوج ارز بطور زنده :

به روال معمول اول ارسال میکنیم و بعدا شروع به نگارش ...!

ارزهای دلار نیوزلند و دلار استرالیا:



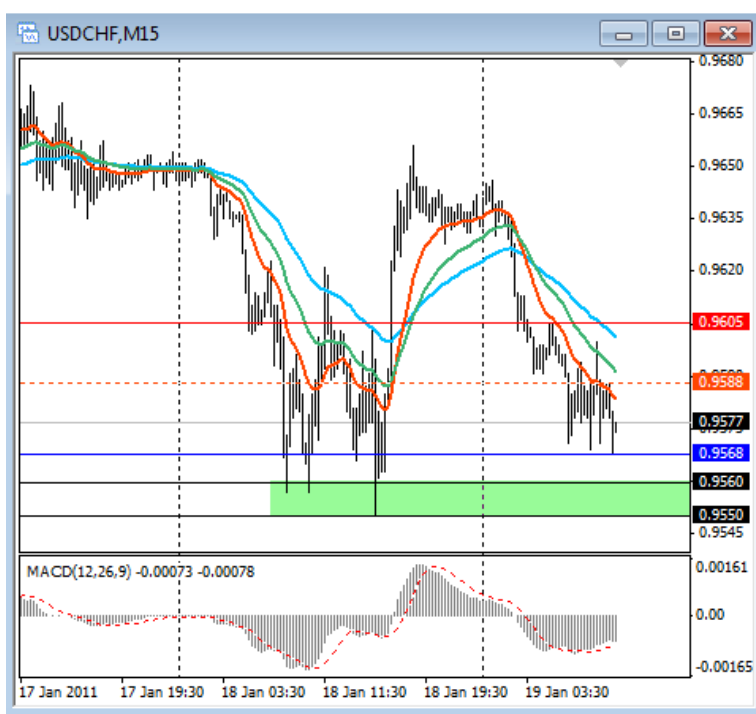
- خط آبی : نقطه مناسب برای ورود

- خط قرمز : نقطه مناسب بعنوان حد ضرر بر مبنای M15

- خط قرمز نقطه چین: آخرین دره فعلی از M5 که باید منتظر تشکیل دره بعدی بمانیم.

در صورتیکه قبل از فعال شدن پوزیشنها، قیمت از مووینگ آبی M15 پایین تر برود، به معنی تغییر شرایط بازار بوده و لذا هر دو پوزیشن کنسل میگردد.

ارز فرانک سویس:



- شاید بتوان در 0.9565 به انتظار Sell کردن نشست ولی نزدیکی به کف دیروز در 0.9550 تعیین حدسود برای چنین پوزیشنی را با دشواری مواجه میکند.

بویژه که در محدوده 0.9550-0.9560 با یک ناحیه مقاومتی از نوع کانگشن روبرو هستیم.

- کانگشن یا Congestion به ناحیه متراکمی از چندین قله یا دره بهم فشرده شده گفته میشود

مقاومت یک ناحیه «کانگشن» و ممانعتی که در برابر عبور قیمت از خودش نشان میدهد ، چندین برابر یک سطح «مقاومت» یا «حمایت» معمولی است!

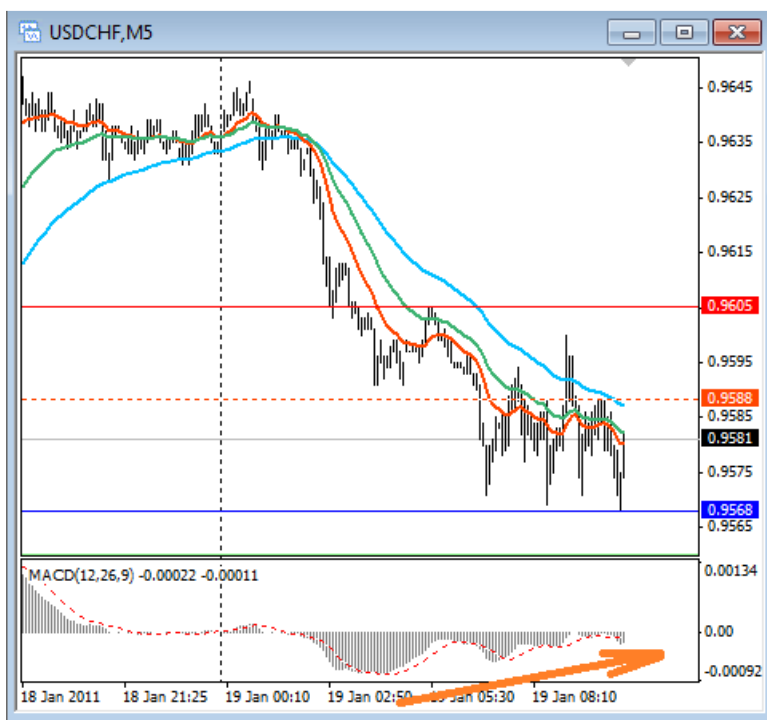
- معمولا مقاومتها و حمایتهای معمولی را با یک «خط» نشان میدهیم ولی برای مشخص کردن کانگشنها از یک «مستطیل» استفاده میکنیم.

چشم یک تریدر حرفه ای به جای جستجو بدنبال مقاومتها و حمایتهای معمولی، همواره درحال جستجو بدنبال نواحی کانگشن است!

- نتیجه نهایی آنکه بهتر است در زیر ناحیه مذکور (0.9550) سفارش های پیش فروشی را درانتظار شکست احتمالی کانگشن مورد اشاره قرار دهیم.

و حتی می توان مستقل از وضعیت مووینگهای تایم های پایین، تا فردا نیز سفارشات مذکور را در همانجا باقی نگه داشت!

- ضمنا لطفا یک نگاهی هم به تایم فریم یک درجه پایین تر از همین زوج ارز بیاندازید:



شاید اولین چیزی که در این تصویر ، تریدر را به اشتباه بیاندازد ساختاری است که خودش را بسیار شبیه به یک «الگوی سروشانه» آرایش کرده است!

ولی این یک الگوی سروشانه نیست!! چرا؟! زیرا الگوهای سروشانه باید در انتهای «روندهای صعودی» شکل بگیرند،

و چون الگوهای سروشانه ذاتا در گروه «پترنهای بازگشتی» محسوب میگردند ، لذا پس از شکل گیری آنها معمولا روند حرکت قیمت با شکستن خط گردن به سمت پایین ، تغییرجهت داده و نزولی میشود.

اما همانطور که در شکل فوق مشاهده میفرمایید در برخی از مواقع ، ساختاری بسیار شبیه به یک الگوی سروشانه ، دقیقا در میان یک روندنزولی ساخته میشود!

معنی این الگوها چیست؟!

در کتابهای باستانی تکنیکال چنین آمده است که برای این الگو (که برخی آنرا BAT یا خفاش نیز می نامند) اصولا میتوان دو حالت مختلف را متصور شد.

یعنی پس از شکل گیری یک الگوی سروشانه در میانه یک روند نزولی ، می توانیم دو انتظار متفاوت را برای نوع ادامه حرکت داشته باشیم:

حالت اول این است که قیمت پس از شکست شدن خط گردن، ناگهان تغییرجهت داده و به سمت بالا شتاب میگیرد! و کاملا جهت حرکت ، بطور ناگهانی تغییر میکند!

معنی چنین رخدادی کاملا مشابه سروشانه هایی است که Fail میشوند، یعنی تبدیل به یک سیگنال معکوس و بسیار قدرتمند شده ، و حداقل به اندازه دوبرابر میزان استاندارد خودش، قیمت را به سمت بالا پرتاب میکند! (بعنوان مثال اگر درست بخاطر داشته باشم (؟) چندی پیش عیناهمین وضعیت برای زوج ارز AUDNZD نیز پدید آمد...)

اما حالت دوم به اینصورت است که قیمت موفق به عبور قدرتمند از الگوی مذکور شده ، و خط گردن را با شتاب و قدرت فراوان به سمت پایین می شکند!

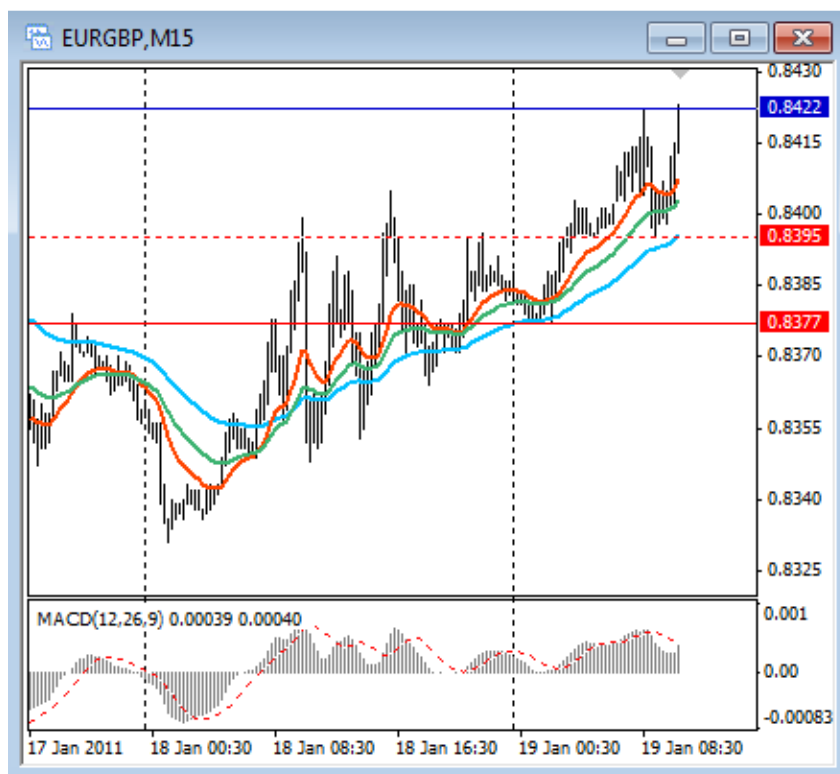
در این حالت اصطلاحا میگویند که این الگو تبدیل به یک پترن نزولی از نوع INTERVAL شده است ، و معنی آن این است که قیمت به همان اندازه ای که از ابتدای روند نزولی تا این لحظه را سقوط کرده است، مجددا به مسیر رو به پایین خودش ادامه خواهد داد!

درواقع پترنهای INTERVAL الگوهایی هستند که دقیقا در میانه یک روند تشکیل میشوند و فاصله آنها از ابتدا و انتهای روند مذکور تقریبا یکسان است.

یک مثال معروف برای پترنهای اینتروال ، همان «الگوی پرچم» است که حتما بسیاری از شما با آن از قبل آشنا هستید.

همچنین بعنوان مثالی دیگر ، میتوان از «گپ های اینتروال» نام برد، که آنها نیز معمولا توسط اسکالپرها و در تایم فریمهای پایین چون یک دقیقه بکار میروند ، و بعنوان معیاری برای اطمینان از قراردادن دقیق در میانه مسیر، استفاده می شود.

زوج ارز یورو به پوند :



در مورد این زوج ارز چیز خاصی به ذهنم نمی رسد که برایتان جالب توجه باشد؟ بویزه که دیگر وقت چندانی هم ندارم و باید آماده شوم تا برای برگزاری اولین جلسه تریدینگ روم به نزد دوستانتان در مشهد و شیراز و اصفهان بروم!

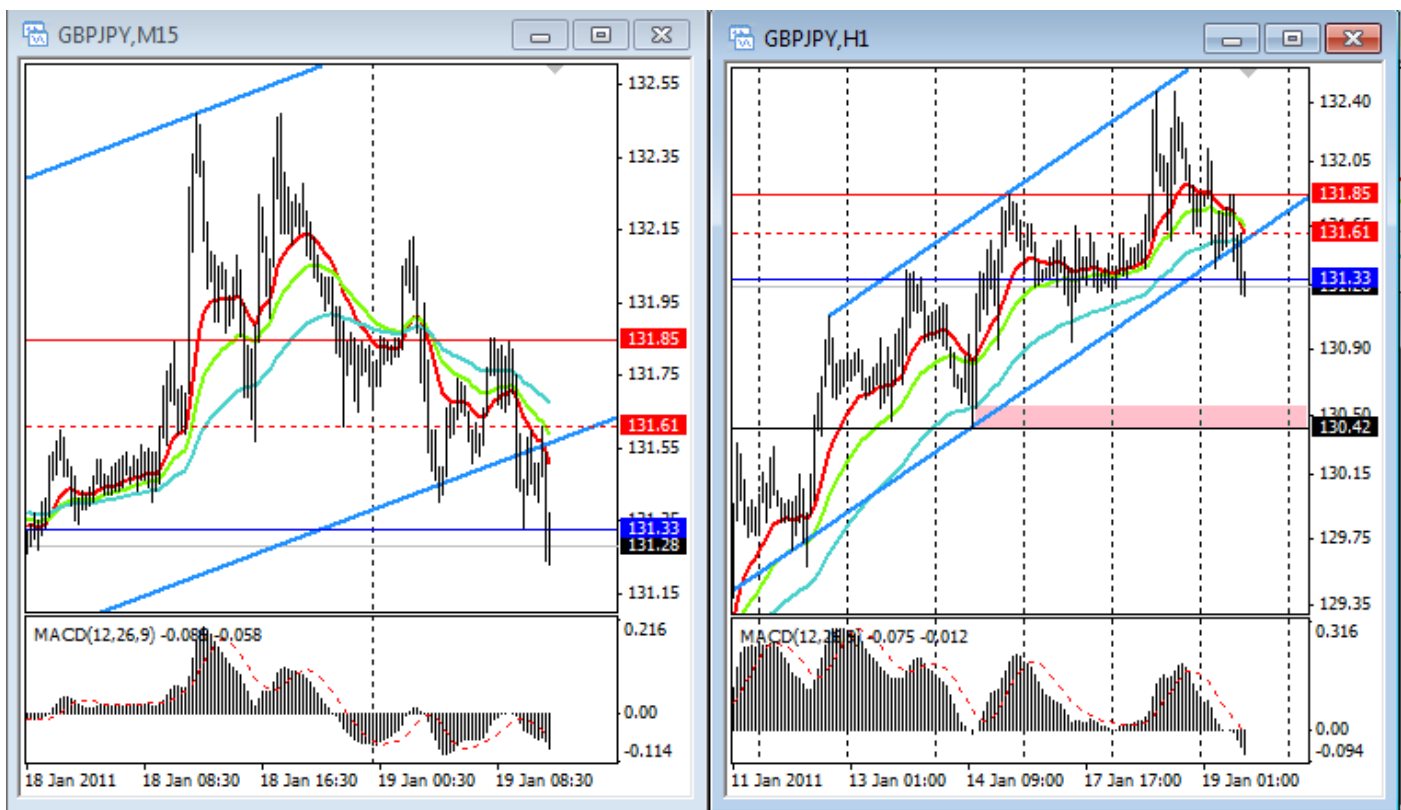
لطفا شما نیز دعا کنید که امروز بعدازظهر (برخلاف این چند هفته اخیر!!) بازار خوب و پررونقی را داشته باشیم . . . تا انشاءالله دوستانتان که با چین شور و شوقی به سر این کلاسها آمده اند، علاوه بر یادگیری نکات و مطالب آموزشی، با چشیدن طعم شیرین پوزیشنهای سودآور خودشان، با خاطراتی خوش این کلاس را ترک نمایند!

هرچند واضح است که تنها ملاک و معیار ما از برگزاری این کلاسها صرفا جنبه «آموزشی» و «یادگیری» است، ولی بهرحال کتمان نمیشود کرد که شیرینی TP خوردن ، برای هر دانشجویی به اندازه صدتا نکته و درس و مطلب ، جذابیت دارد!!

بهرحال درمورد این زوج ارز خاص ، شاید تنها نکته ای که بتوانم خدمتتان بگویم این باشد که اگر به تایم فریم چهارساعته بروید ، ملاحظه خواهید نمود که قبلا یک شادو بلند در ناحیه 0.8440 - 0.8500 وجود داشته است.

چنین شادوهایی معمولا گواهی از وجود یک نوع ناحیه کانگسشن میدهند که ممکن است قیمت به سادگی قادر به عبور از آن نباشد.

### زوج ارز پوند به ین ژاپن:



این هم که دیگر واضح است! بارها گفته ام که من هرگز جرات ترید کردن بر روی دو قلم را ندارم! یکی پونده ین ، و دیگری طلا!

اما اگر دوستانی باشند که تمایل به آزمودن گفته اینجانب داشته باشند، امتحان آن رایگان است!!

مایه آن صرفا دو چیز خواهد بود:

#### مواد لازم:

1 - یک کیلو جگر شیر!

2 - یک عدد استاپ خور گشاد!!

## درباب نحوه استفاده از ابزار فیبوناچی :

### نیوزلند به کجا می رود؟!

سلام!

هفتاد و چهارمین شب شما بخیر و خوشی!

مشکلی که اکثر نوآموزان در رابطه با استفاده از ابزار فیبوناچی دارند - و معمولا هم باعث میشود تا سرانجام آن را بطور کامل رها کرده و به کنار بگذارند! - این است که دقیقا نمی دانند که آن را باید بر روی کدام دو نقطه از نمودار به این بزرگی (!) قرار بدهند؟!

مخصوصا چون اکثر اساتید - به اشتباه! - اینطور به دانشجویان خودشان آموزش داده اند که :

- «فیبوناچی را باید بر روی بالاترین و پایین ترین نقاطی که در چارت مشاهده میکنید ، قرار بدهید!»

لذا دانشجویان نیز مدتی را به همین شیوه ، با ابزار فوق سروکله میزنند . . . ولی بعد از آنکه نتوانستند هیچ ارتباط معناداری را بین نسبتهای فیبو و حرکات آتی و قبلی قیمت پیدا کنند،

از خیر استفاده از آن گذشته ، و این ابزار مفید را بطور کامل به کنار میگذارند!

اما آنچه که ما از ابتدای تاپیک بر روی آن تاکید نموده ایم به اینصورت بوده است که :

- «فیبوناچی را باید دقیقا بر روی دو انتهای یک موج بگذارید!»

منظور از واژه «موج» یک موج واحد و مشخص است!

یعنی دقیقا همان موجی که میخواهید آن را بررسی کرده و ببینید که بعنوان مثال موج مذکور پس از آنکه مدتی را مانند یک فنر جمع و فشرده شد ، در پرش بعدی خود و پس از رها شدن ، مجددا تا کدام سطوح را احتمالا در حرکت بعدی خود ، پرتاب خواهد شد؟!

بنابراین شاید مهمترین بخش از «روش استفاده از ابزار فیبوناچی» توانایی چشمی و ذهنی تریدر در مشاهده و تشخیص صحیح امواج در درون چارت میباشد.

و این توانایی نیز متاسفانه یا خوشبختانه جزو مقولاتی است که صرفا پس از مدتها تجربه و ممارست فراوان برای یک تریدر نیمه حرفه ای ، قابل حصول می گردد.

اما فعلا تا زمانیکه به چشمان خودمان به اندازه کافی اعتماد نکرده ایم ، حداقل می توانیم برای قله ها و دره های اصلی (ماژور) از اندیکاتور مکدی کمک بگیریم!

و با استفاده از آن نکته ای که درباره لزوم تغییر فاز مکدی در بین هر دو قله و دره اصلی و متوالی گفته بودیم ،

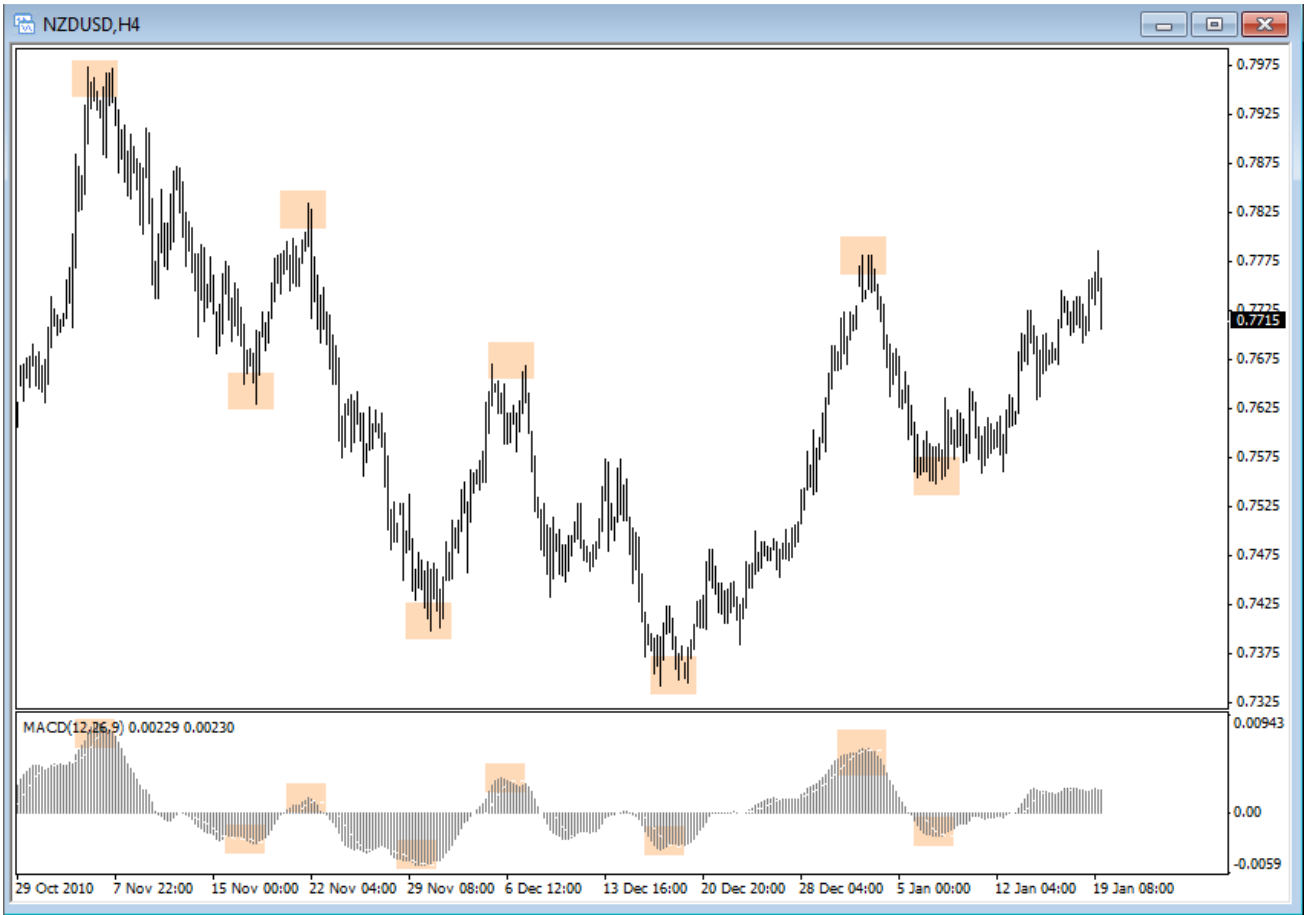
سعی کنیم تا دو انتهای امواج اصلی و بزرگ را بر روی چارت پیدا کنیم.

و دو انتهای ابزار فیبوناچی را نیز دقیقا بر روی همین نقاط قرار دهیم : یعنی بر روی قله ها و دره های اصلی.

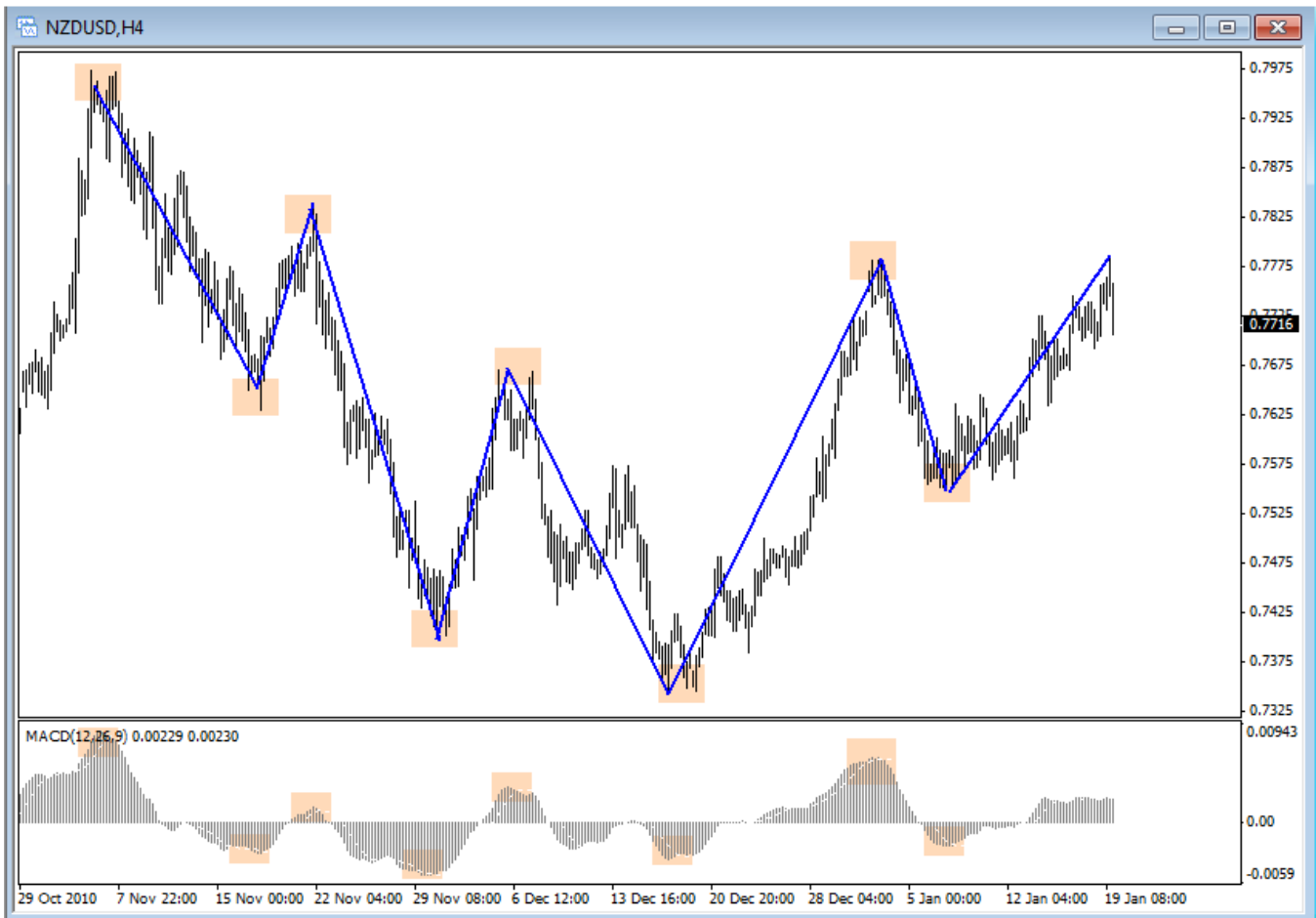
### مثال - نیوزلند به کجا می رود؟!

این مثال دقیقا به همین منظور طراحی شده است. تا علاوه بر آنکه یک مثال کاربردی و عملی را از نحوه استفاده از ابزار فیبوناچی مشاهده بفرمایید ، چشمان شما نیز یکبار دیگر با نحوه پیدا کردن قله ها و دره های اصلی ، و همچنین امواج رفت و برگشتی بر روی چارت ، آشنا تر بشود.

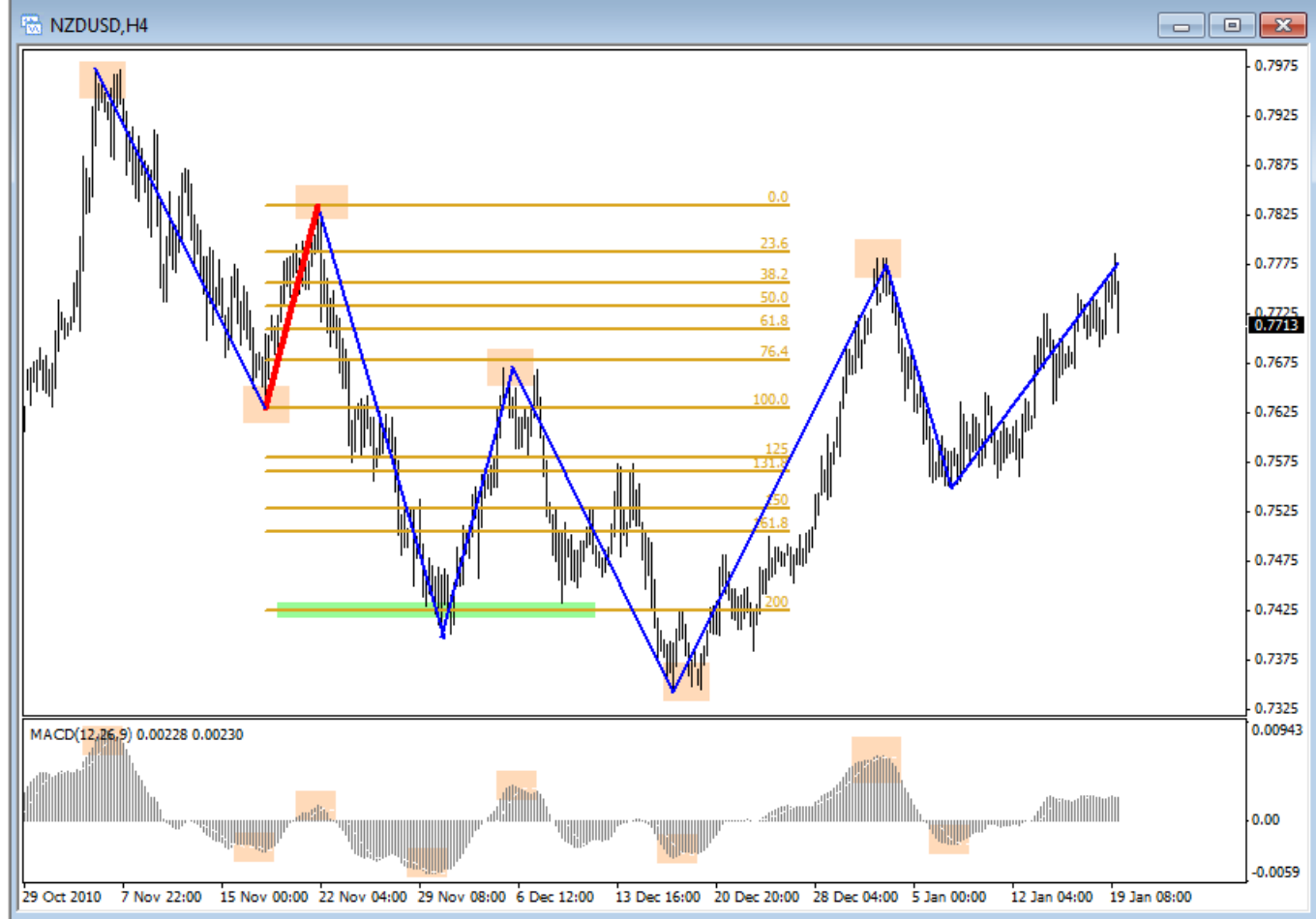
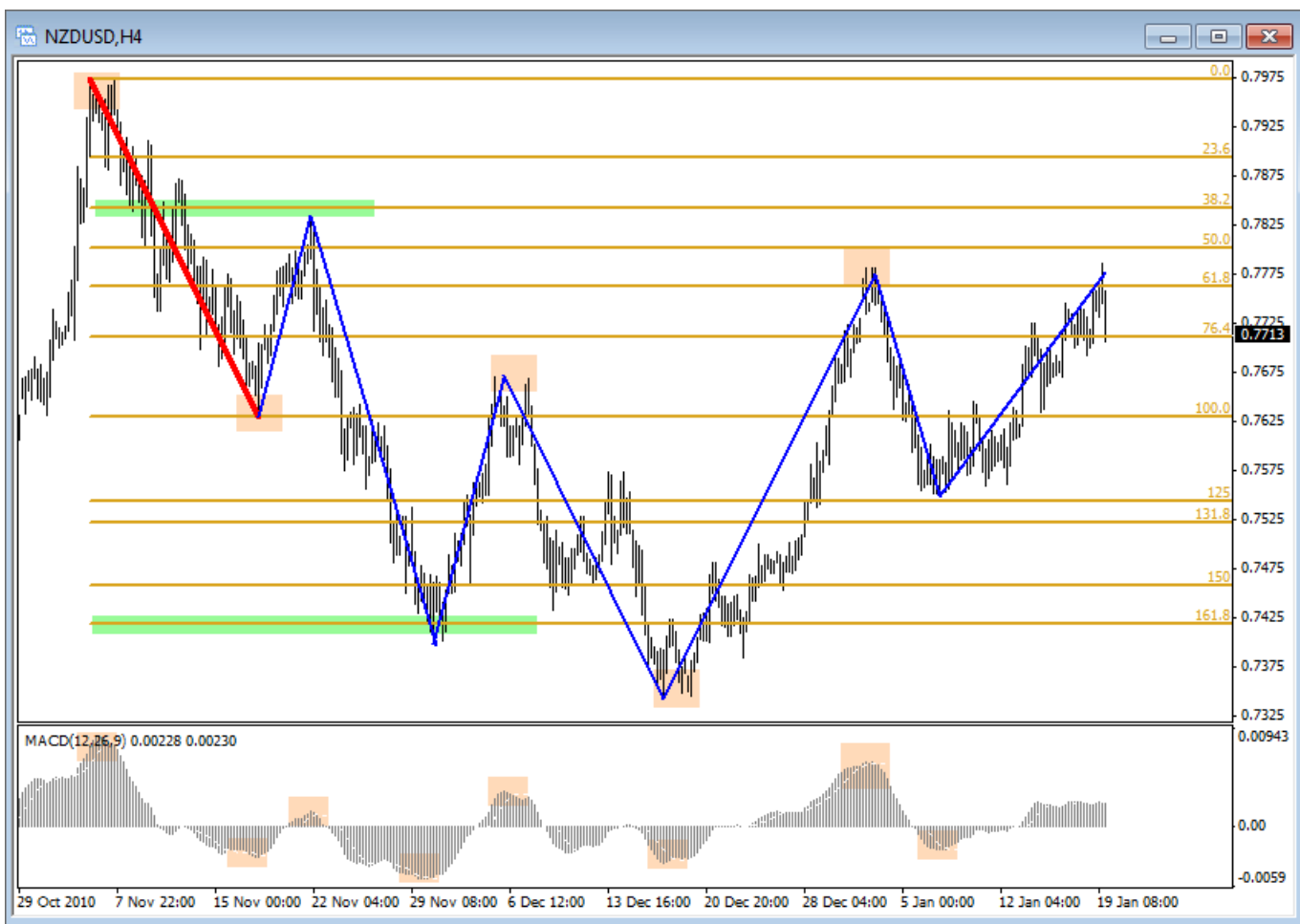
تصویر اول - استفاده از مکدی برای پیدا کردن قله ها و دره های اصلی (ماژور)



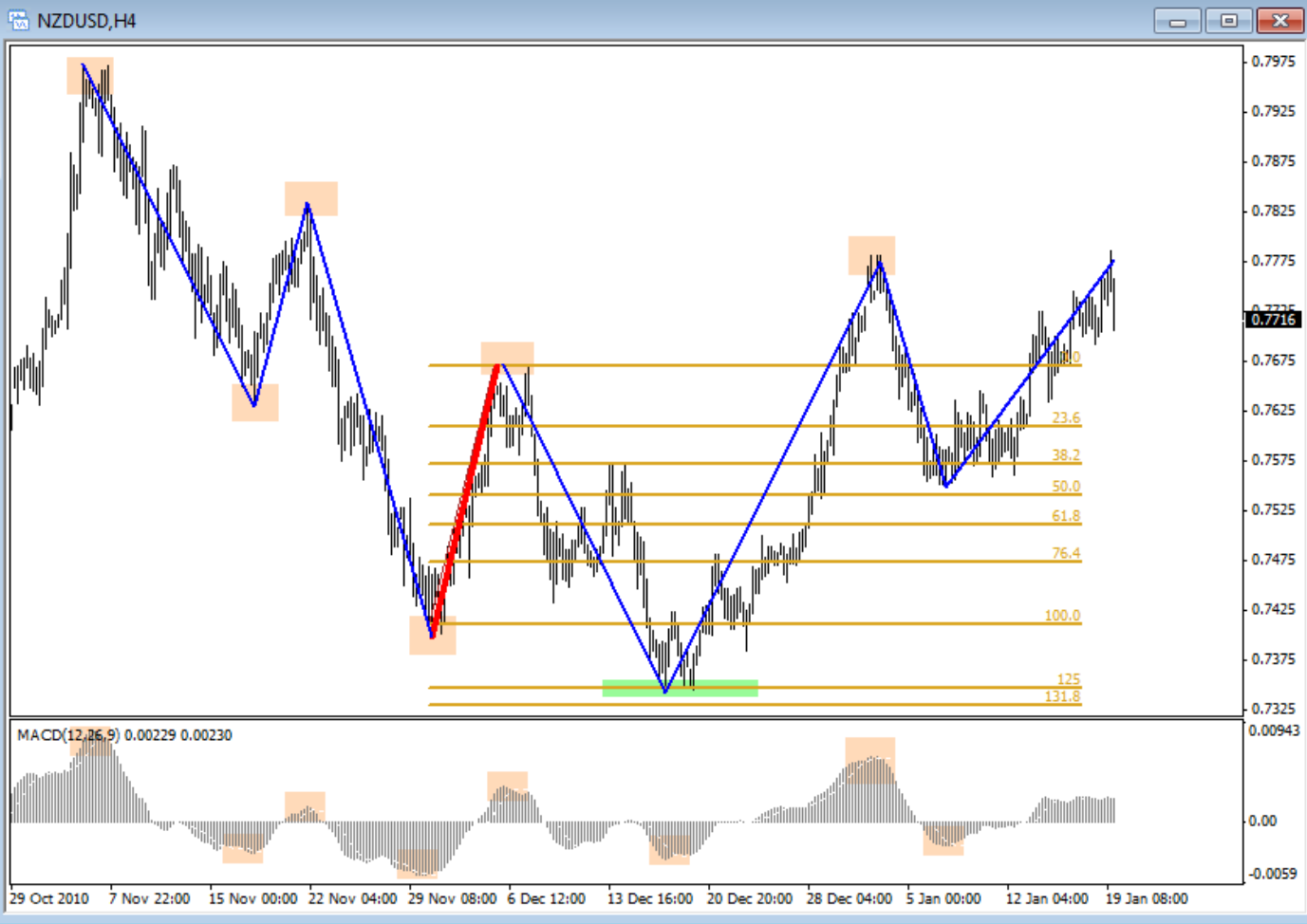
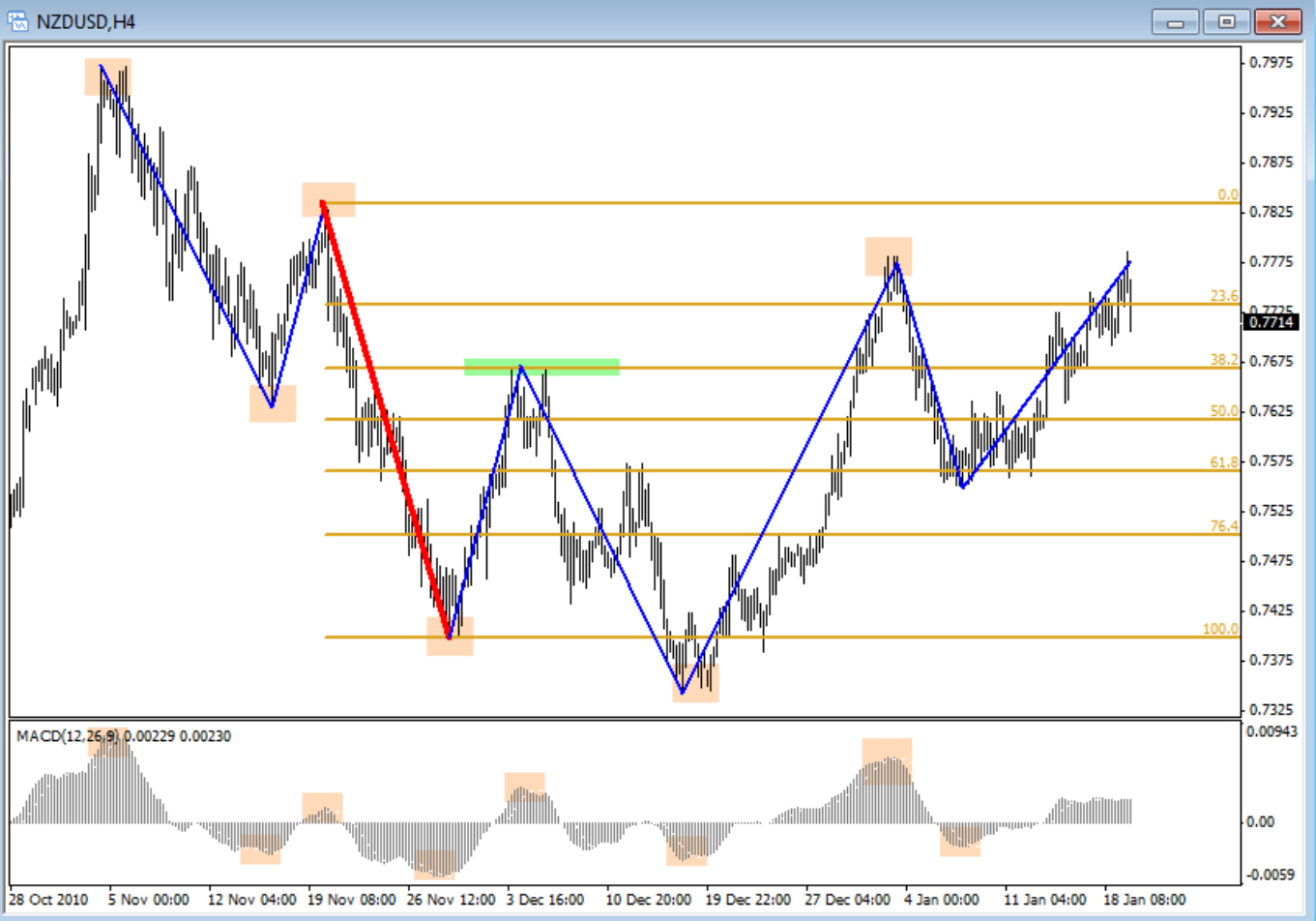
تصویر دوم - رسم امواج با استفاده از قله ها و دره های اصلی.

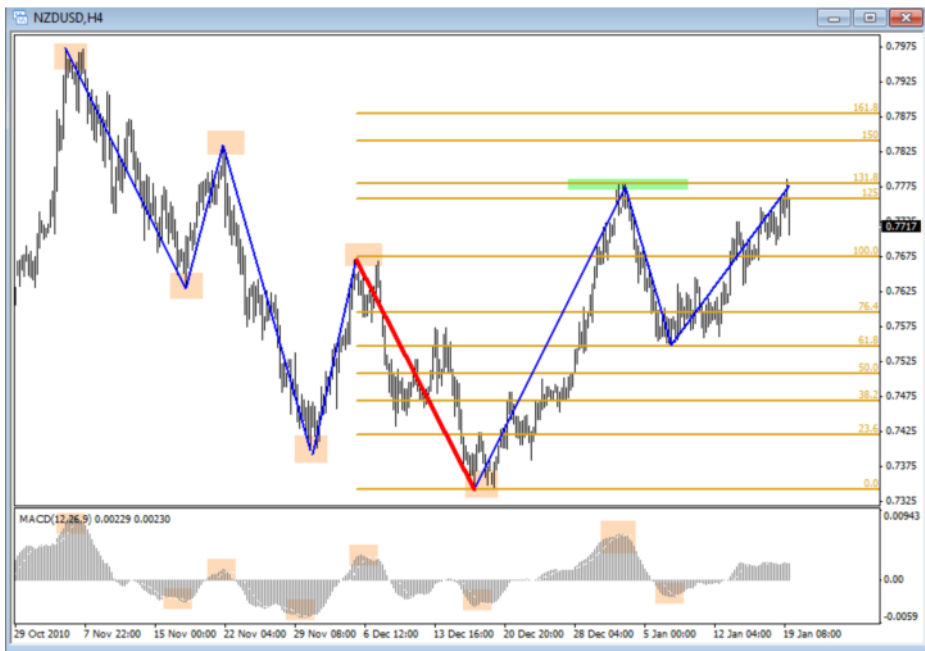


تصویر سوم به بعد - استفاده صحیح از ابزار فیبوناچی و نتایجنا مشاهده انواع و اقسام نسبتهای فیبو در بین هر دو موج متوالی رفت و برگشتی.

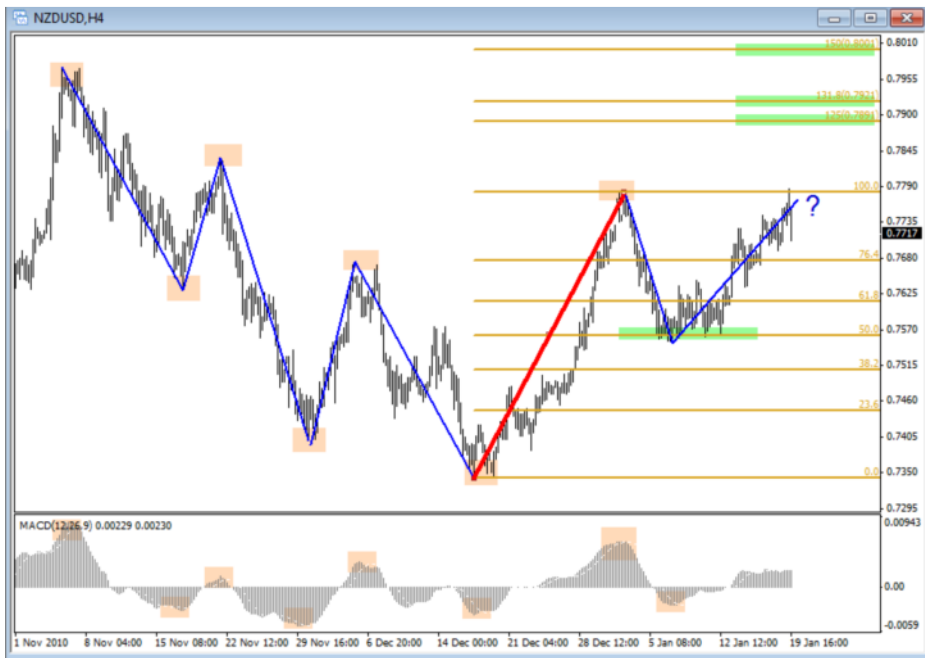








تصویر آخر - استفاده از فیبوناچی برای آخرین مجموعه امواج که نقطه پایانی آن هنوز مشخص نیست.



بنابراین اگر قرار بر ادامه روند صعودی باشد، سطوح زیر میتوانند تارگتهای احتمالی برای انتهای حرکت صعودی اخیر باشند :

**0.8000 - 0.7920 - 0.7890 -**

البته برای ما که همواره اصل را بر «پیش بینی ناپذیری مارکت» میگذاریم، اعداد فوق صرفاً میتوانند یکسری سطوح حمایت-مقاومت باشند و نه لزوماً تارگتهای حتمی و قطعی!

و همچنین میتوان چنین گفت که اگر اعداد فوق با سایر سطوح مقاومتی (از قبیل قله ها و دره های قبلی ، اعداد روند و غیره ... ) همپوشانی داشته باشند، بر میزان قدرت و اعتبار آنها نیز افزوده میگردد.

و تازه همه اینها صرفاً با فرض آن هستند که در واقعیت نیز بنا بر ادامه روند صعودی اخیر باشد!

وگرنه همانطور که در سمت راست نمودار مشاهده میکنید، فعلاً مکدی با یک الارم «سقف و کف» اولین سنگ را در پیش پای حرکت صعودی قیمت ، پرتاب کرده است!!

## سیگنالهای نیمه زنده ولی بالنده!

بخشید این اولین باری است در کل عمرم، که دارم در یک تایپک قفل شده(!) سیگنال می نویسم!

پس باید اندکی تامل بفرمایید تا بتوانم مطالب را ابتدا در یک جای مخفی(!) از سایت به نگارش درآورم . . . و سپس با یک ضربه فنی و کات دار! پست مربوطه را به درون تایپک اصلی شوت نمایم!

خیلی خطرناک است! / چون اگر اندکی بی دقتی کنم ، ممکن است شوتم خوب از کار درنیاید! و این پست به جای تایپک خودمان ، اشتباها از یک تایپک دیگر سر دربیآورد!

مخصوصا که این صاحب تایپک بغلی به مقدار اعصاب و روان درست و حسابی ندارد(!!) و دفعه قبل که پستمان افتاد توی تایپک ایشان، گرفت با چاقو آن را از وسط پاره کرد !!!!

خلاصه اگر این سیگنالها اندکی دیر (یا پاره شده!!) به دستتان رسید به بزرگواری خودتان بخشید . . .

. . . و بدانید که مهم «بالندگی» یک سیگنال است و نه زنده یا پاره بودن آن!

### سیگنال اول - سیگنال فروش دلار دموکراتها درازای فرانک بانکدارها :

دلیل معامله: تلفیق روش ورود زود هنگام و تکنیک شیفت زمانی به تایم پایین تر.

تایم فریم مبنا : M15-M5

**SellStop 2\*0.1Lot USDCHF@0.9555**

SL2= 0.9630

می توانید پس از فعال شدن پوزیشن مذکور، حدضرر را به نقطه SL2=0.9600 نیز منتقل نمایید(چرا؟)



## سیگنال دوم - سیگنال خرید یوروی قاره اروپا به پوند جزیره انگلیس :

دلیل معامله: تلفیق روش ورود زود هنگام و تکنیک شیفت زمانی به تایم بالاتر

تایم فریم مینا : M30

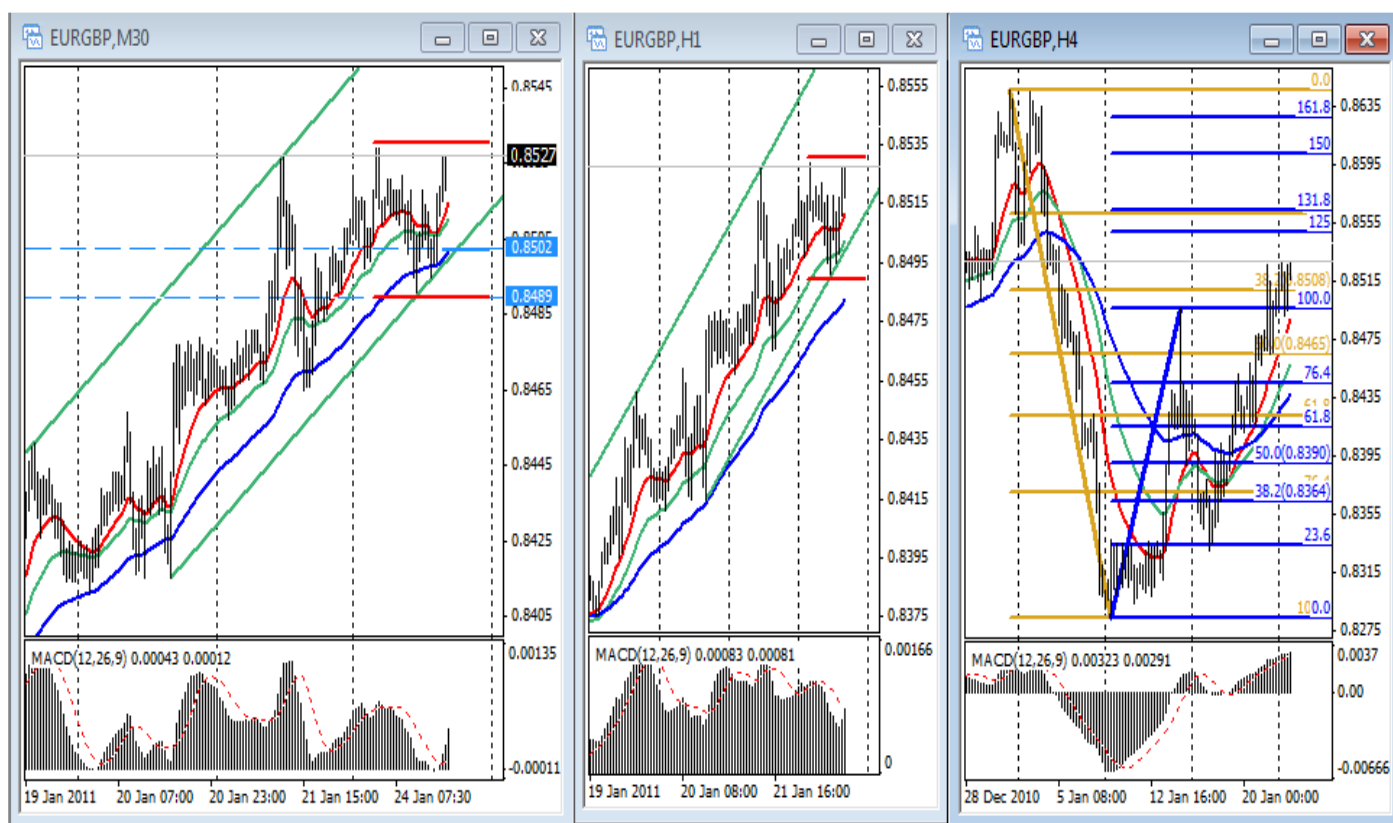
**BuyStop 2\*0.1Lot EURGBP@0.8535**

SL2= 0.8485

همچنین می‌توانید با استفاده از مووینگ آبی M30 حد ضرر SL1=0.8500 را نیز انتخاب نمایید.

بعنوان تارگت می‌توانید بر مبنای تلورانس روزانه این زوج ارز ، مقادیر ثابت 40+20 را انتخاب نمایید.

و یا اگر حرفه ای تر هستید با استفاده از رسم سطوح فیبوناچی بر روی آخرین موج گول آسا از تایم فریمهای H1 یا H4 مقادیر بلندتری را بدست آورید.



## سیگنال سوم - سیگنال خرید دلار کانگوروها به دلار گاوچرانهها :

دلیل معامله: PTM استاندارد.

تایم فریم مینا : M15

**BuyStop 2\*0.1Lot AUDUSD@0.9945**

می‌توانید بسته به تحلیل شخصی و میزان ریسک پذیری خودتان، یکی از سطوح زیر را بعنوان حد ضررهای دلخواه خود ، انتخاب نمایید:

SL1= 0.9980 بر مبنای آخرین دره کامل در تایم M15

SL2= 0.9896 بر مبنای دو دره به عقب در تایم M5

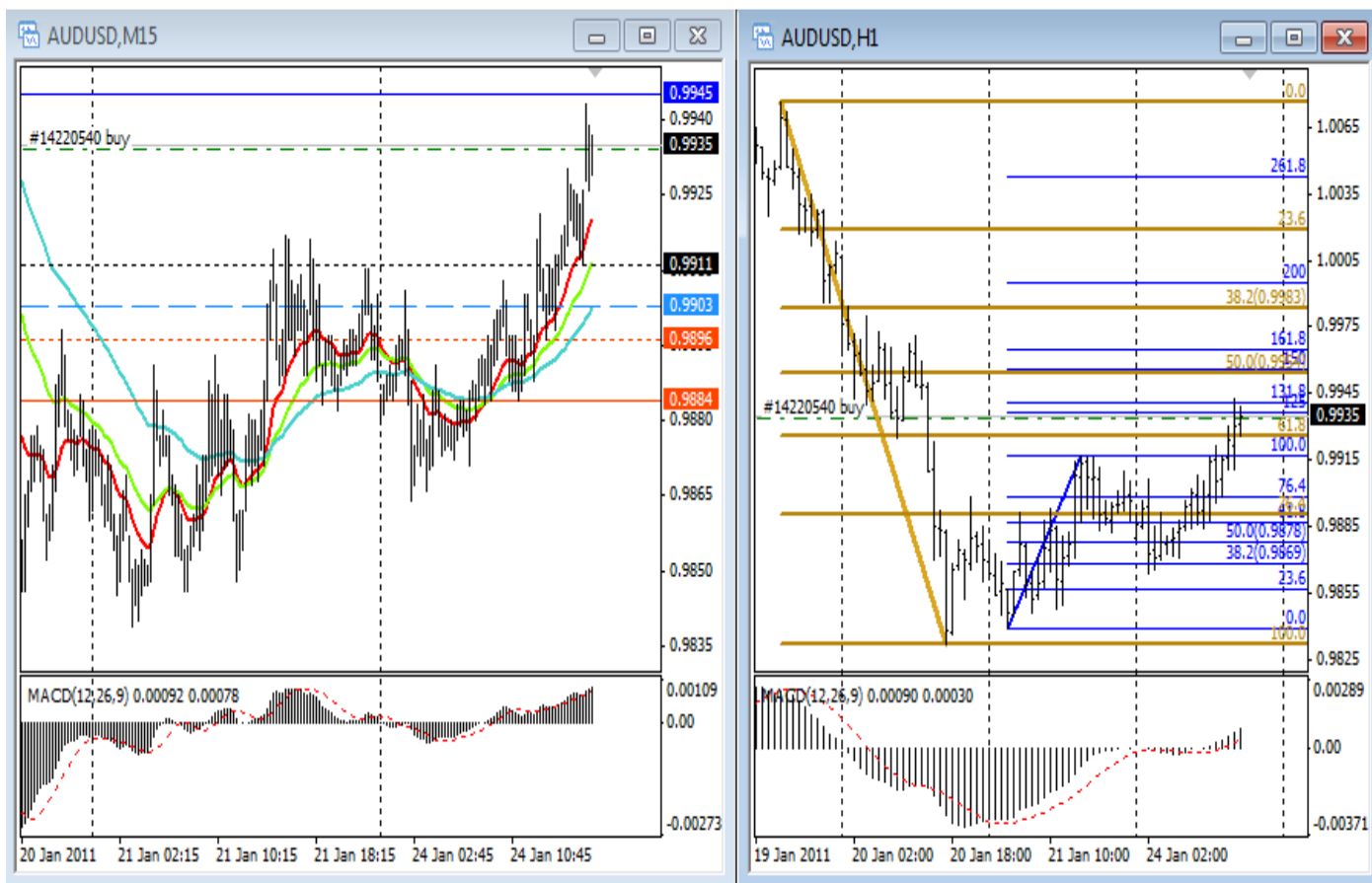
SL3= 0.9903 بر مبنای مووینگ آبی M15

SL= 0.9911 بر مبنای دره کامل بالای مووینگ آبی M15 (این نکته از معمای تصویری بدست آمد. آیا آن را به یاد دارید؟!!)

حدسود را می توانید بصورت مقادیر ثابت 50+30 انتخاب کنید و هنگام به تارگت رسیدن بخش اول، حدضرر بخش دوم را بر روی صفر قرار دهید.

و یا اگر حرفه ای تر هستید می توانید تارگتهای بلندتری را بر مبنای سطوح فیبوناچی از آخرین موج گول آسا در تایم فریم H1 انتخاب نمایید.

اگر هم اخیرا در زمره خدایان فارکس قرار گرفته اید(!!!) می توانید دو فیبوی مختلف را (یکی بصورت ریتریسمنت با رنگ قهوه ای و دیگری بصورت اکستنشن با رنگ آبی) برای دو موج آخر نمودار، ترسیم کرده و نواحی همپوشانی آنها را بعنوان کلاسترهای اصلی و تارگتهای محتملتر مشخص نمایید.



دیگر حتما همگی بخوبی میدانید که وقتی یک موقعیت مناسب بر روی استرالیا ایجاد میشود، معمولا موقعیت های مناسب و همزمانی نیز بر روی نیوزلند پدید خواهد آمد.

و همچنین با حرکت صعودی استرالیا و نیوزلند، قاعدتا باید حرکت های مشابهی را نیز برای یورودلار و پونددلار انتظار داشته باشیم.

امیدوارم این سیگنالها - بعنوان آخرین سیگنالها از بخش دوم تایپیک - با سرانجامی خوش به پایان برسند تا هم نویدبخش آغاز هفته ای پرپیپ برای تریدرهای PTM کار باشد، و هم خاطره خوشی را از پایان 35 روز زندگی در کنار یکدیگر در این تایپیک، برای تان به یادگار باقی بگذارد.

## پاسخ به برخی از سولات :

خدمتتان قول داده بودم که باتوجه به قفل شدن درب تایپک اصلی، از این به بعد بصورت جدی تری کلیه پستهای تایپکهای فرعی را بطور روزانه دنبال نمایم ، و بویژه سولاتی را که در تایپک پرسش و پاسخ مطرح شده و بدون جواب مانده است، حتما پاسخگو باشم.

واضح و مبرهن است که همه دلخوشی اینجانب در طول این مدت، به ارتباط متقابلی بود که با شما عزیزان داشتم، و مطمئنا اجازه نمیدهم که چندتا سوسک بی صفت (!) مانع چنین ارتباط صمیمانه و دل نشینی گردند!

نیازی به گفتن ندارد که همانند گذشته، پاسخهایی را که جنبه عمومی تری داشته ویا شامل نکاتی مفید و آموزشی برای سایرین باشند، در تایپک اصلی نیز ارایه خواهم کرد.

### نقل قول: نوشته اصلی بوسیله FxFarZaD

ضمن تبریک به مناسبت 100 صفحه ای شدن تایپک... استاد آخه این AUDJPY چی بود **گذشتین تو دومن ما؟!**  
به نظرم همون جفت ارزهای اصلی که یه طرفشون دلار دمورکرات ها (به قول استاد) باشه مفیدتره کلا...

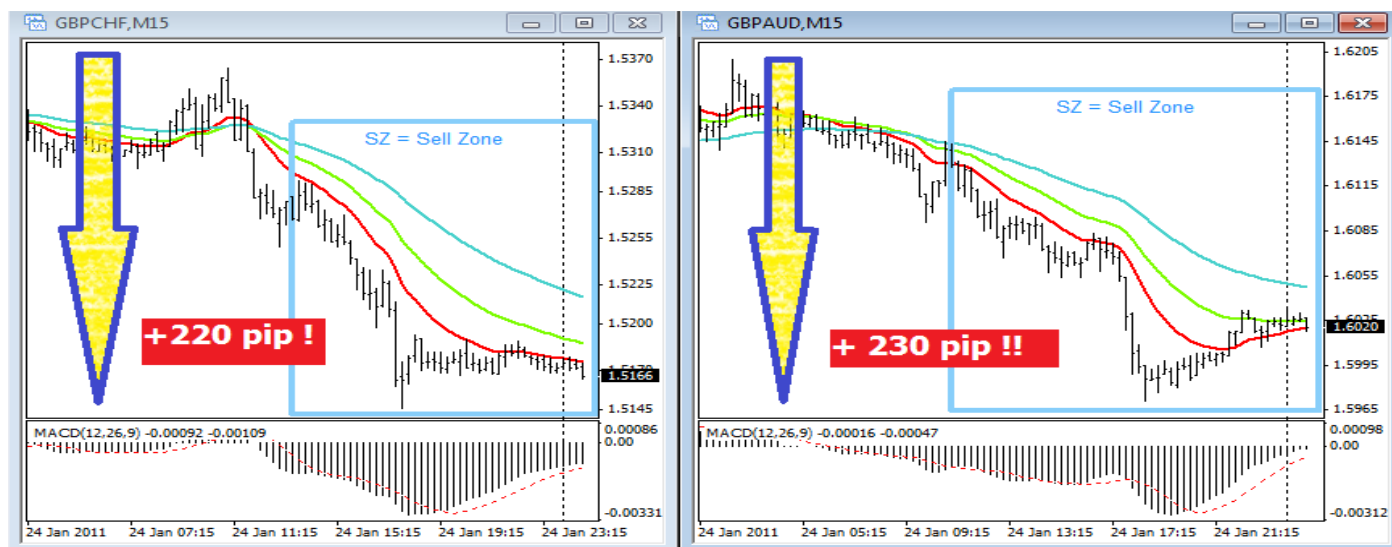


سلام فرزند جان.

اولا- آن چیزی که بنده در دومن شما گذاشتم ، درهم بوده است!!!

مثلا چرا CHFJPY را نمیگویند که از امروز حوالی ظهر به بعد دایما فریاد میزده است که : «من PTM را دوست دارم و به قوانین آن احترام میگذارم!!»

ویا مثلا **GBPCHF** و داداش دوقولوش **GBPJPY** که امروز به ترتیب **220** و **230** پپ حرکت نموده اند؟؟!!



البته شوخی کردم ها! این جفت ارزها معمولا اسپردشان به ذره بالا است!!!

ولی خب برای روزهایی که وضعیت مزاجی بازار چندان خوب نیست و هیچ موقعیت مناسبی را نمیشود در آن پیدا کرد، صرفا به جهت خالی نبودن عریضه، مانعی ندارد که ترید کردن بر روی این زوج ارزهای فرعی و نامرغوب و تاحدودی ناشناخته را نیز امتحان بفرمایید!

وگرنه قطعا بهتر همان است که بقول خودتان به محض مساعد شدن شرایط بازار، به سراغ همان شش الی هفت جفت ارز اصلی خودمان - که جفت ارزهای سفارشی PTM هستند - برویم!

**دوما-** درمورد پوزیشنی که تصویر آن را الصاق کرده بودید، لطفا دقت بفرمایید که در بسیاری از بروکرها (منجمله بروکر بنده) نمودارها معمولا دو سه پپ با یکدیگر تفاوت میکنند:



بعنوان مثال همانطور که ملاحظه فرمودید، در تصویر مربوط به بروکر اینجانب، اصلا پوزیشن شما **نباید فعال** میشد!

حالا دیگر نمیخواهم نمک به زخمتان بپاشم!! و بگویم که مثلا چرا به **واگرایی** در تایم پنج دقیقه دقت نکردید؟ و چرا فلان کردید؟ و چرا بهمان نکردید...؟!

بلکه صرفا همین را میخواهم تاکید کنم که اگر همواره برای سفارشات خود، یک حاشیه امنیت حدودا چهار الی پنج پپی را در نظر بگیرید، از دام بسیاری از اینگونه «**شکست های کاذب**» رهایی خواهید یافت!



بعنوان مثال حتما دقت کرده اید که اینجانب نیز همواره با دست و دلبازی فراوانی ، چندین پپ را به بهانه های مختلفی از قبیل «اسپرد» و «حاشیه امنیت» و «سنگر گرفتن مطمئن» و «جا برای گونی های شن سنگر!» و «جا برای سماور فرمانده گروهان» و «جا برای چایی و قلیان سربازها» و . . . . و بویژه و از همه مهمتر «رند شدن پوزیشن!» اندکی دورتر از انتهای قله یا دره موردنظر ، برای ثبت سفارش درنظر میگیرم.

موفق و دست و دلباز باشید! / پش\*\*مش\*\* /

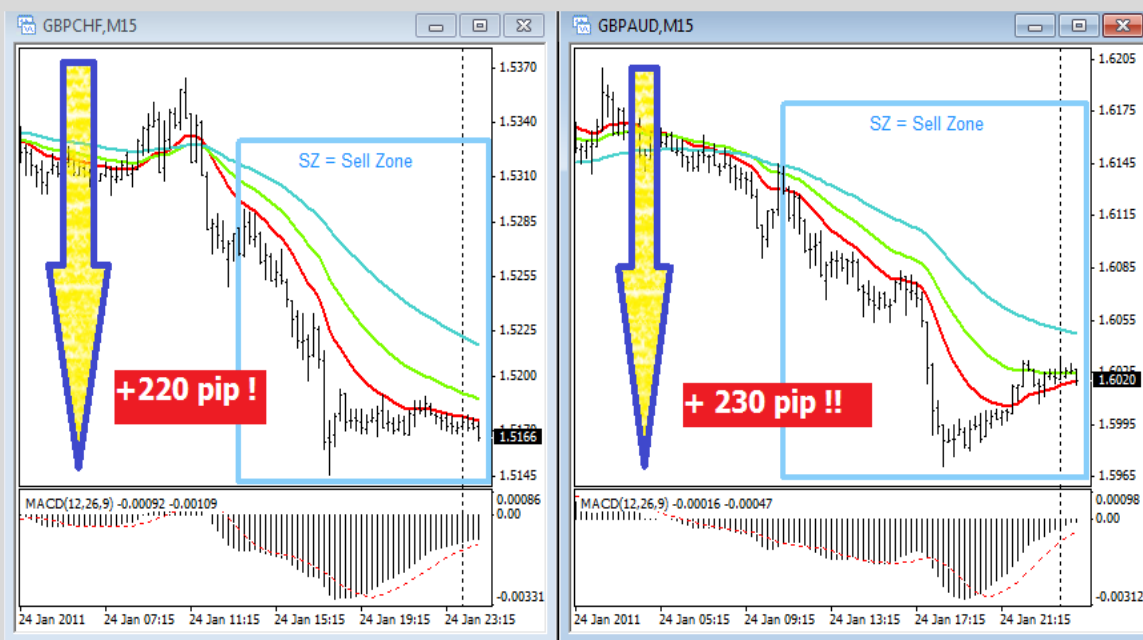
نقل قول: نوشته اصلی بوسیله **davoodtrader**

یه سوال دیگه هم در مورد رسم فیبو داشتیم در شکل ذیل ما دارای دو فیبو میباشیم (نسبتا نارنجی و آبی)

آیا میتوان علاوه بر فیبوهای رسم شده فیبوی دیگری را هم از نوع اکسپنشن برای موج صعودی ABCD (فیبوی آبی همرا با ریتریس) رسم نمود؟ رسم به این صورت میباشد که :

**فیبوی Expansion** (از A به B وصل کرده و نقطه سوم را روی C (نقطه ریتریس) قرار میدهیم و سطوح تارگتی بدست میاد(مثل FE 100 ، FE168 و...)

علت اینکه استاد این فیبو را جهت تعیین بهتر کلاستر رسم نکرده چه میباشد؟ به علت شلوغی چارت بوده یا علت دیگری دارد؟



سلام داوود جان / بله می شد!

و اتفاقا بهتر همان بود که شما فرمودید و اینجانب صرفا بدلیل پرهیز از شلوغ شدن بیش از حد صفحه ، فیبوی پروجکشن را بطور همزمان رسم نکردم.

بطور کلی برای محاسبه تارگتهای محتمل برای بخش CD از سری ABCD همواره بهتر است که از هر دو نوع فیبوی اکستنشن و پروجکشن بطور همزمان استفاده نماییم و نقاط همپوشانی آنها را بعنوان کلاسترهای اصلی ، موردتوجه قرار دهیم.

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله **iranbox**

سلام دوستان من تعدادی موج غول آسا شناسایی کردم لطفا شما دوسته با تجربه نظرت رو در مورد این موجها بگو که درست انتخاب شدن یا که نه و خواهشمندم که اشکالات بنده رو بگید که کدام دره یا قله در کدام چارت اشتباه هست و اگر امکانش بود لطف کنید در تصویر اون رو مشخص کنید.

سلام ایران باکس عزیز(بخشید که اسم شما را هنوز نمیدانم چیست؟!)



بله. قله ها و دره هایی که بعنوان قله ها و دره های «اصلی» مشخص کرده اید تقریبا همگی درست هستند و بسیار عالی تشخیص داده اید.

البته حتما دقت دارید که قله ها و دره های «اصلی» (یا ماژور) همان ابتدا و انتهای امواج اصلی بازار هستند که درواقع نقاط بازگشت روند را نشان میدهند.

و این موضوع را نباید با قله ها و دره های «کامل» اشتباه گرفت! زیرا قله ها و دره های کامل (که صرفا درمورد انتخاب نقطه مناسب برای حدضرر کاربرد دارند) کاملا یک مقوله دیگر است که هیچ ربطی به قله ها و دره های اصلی ندارد!

در ضمنا ایران باکس عزیز (وهمچنین داوود جان) اینکه اخیرا درحال کنکاش و تلاش برای بررسی قله ها و دره ها و پیدا کردن امواج برروی چارتهای مختلف هستید، کار بسیار نیکویی است و حتما آن را با همین جدیت فعلی ادامه بدهید. اگرچه خودتان را مطلقا نگران نسازید زیرا روند تکاملی چشم و ذهن شما به تدریج به حدی خواهد رسید که به سادگی و بدون نیاز به هیچ ابزار یا اندیکاتور خاصی، بتوانید تمامی قله ها و دره ها و امواج اصلی و فرعی را برروی چارت تشخیص بدهید.

بطور کلی روند تکاملی چشم هر تریدر معمولا به اینصورت است که:

- ابتدا صرفا **کندل ها** را می بیند.

- سپس موفق به تشخیص **روندها** میشود.

- سپس قادر به پیدا کردن **قله ها و دره های اصلی** و تمایز گذاشتن بین آنها با قله ها و دره های فرعی و کوچکتر میگردد .

- و سرانجام قادر میشود که تمامی **امواج** را از امواج بزرگ و غول آسا گرفته تا امواج بسیار کوچک و مینیاتوری ، به سهولت مشاهده کرده و حتی آنها را به درجه هایی تودرتو شامل موج ، ابر موج ، ریز موج و غیره . . . تقسیم بندی نماید.

انشالله در متنی که بزودی درباره تفاوت **تریدر نیمه حرفه ای** با **تریدر سطح اول** برایتان خواهم نوشت، این موضوع را بیشتر توضیح خواهم داد.

نقل قول: نوشته اصلی بوسیله **حاج محمد مهربون**

از بر و بچ پز شک یا دامپزشک! کسی داروی ضد کرم یا ضد کخ جدید سراغ نداره؟

فقط آدم نمی دونه گریه کنه یا بخنده!!!

چون سوالش مهم بود اینجا زدم



ای خدا اون روزهایی که این حاجی محمد نامهربون نبود ، ما چه روزگار خوشی داشتیم و قدر نمی دانستیم!!

حاجی جان، علت استاپ خوردن شما ربطی به مقوله ای که گفتمی ندارد! اگرچه بازار کرم خودش را ریخته است و شکی در آن نیست ، ولی اگر استاپ خودت را بر روی آخرین قله «کامل» قرار میدادی، در آنصورت پوزیشنت به این راحتی با ضرر بسته نمیشد:

14220061	2011.01.24 16:29	sell	0.05	eurCHF	1.2970	1.3020	1.2920	2011.01.24 21:55	1.2947	0.00	12.12
----------	------------------	------	------	--------	--------	--------	--------	------------------	--------	------	-------

هنگام ثبت سفارش با توجه به آنکه هنوز قله مذکور تبدیل به یک قله «کامل» نشده بود ، لذا شما باید از یک قله عقب تر در M15 استفاده میکردی که چون 1.3070 خیلی بزرگ میشد، میتوانستی از دو قله به عقب در M5 استفاده کنی که به عدد 1.3020 می رسیدی.

ممکن است برخی از دوستان پرسند که خب مگر بعد از فعال شدن پوزیشن نمی توانستیم استاپ را تا آخرین قله کامل پایین بیاوریم. در آنصورت که بازهم استاپ میخورده ایم!؟

**پاسخ ایشان را به دو صورت میتوانم بدهم :**

**اولا -** والله به خدا بنده مقصر نیستم!

**دوما -** استاپ خوردید که خوردید! فدای سرتان که خوردید! بزرگترین تریدرهای وال استریت هم از هر ده معامله خودشان ، قطعا یکی را با ضرر می بندند!

**سوما -** اگر بنده راهی بلد بودم که هیچ استاپی هرگز زده نشود، قطعا اول از همه خودم آن را برای معاملات خودم بکار میبردم !!

**چهارما-** قرار است بزودی مریم خانم یک بخشی از منافع مالی تایپیک را به همین امر اختصاص بدهند! که شما عزیزان هر روز استاپهایی را که در آن روز خورده اید، شب به شب بیاورید دم درب تایپیک و مرجوع نمایید ، و مابه تفاوت ریالی آن را دریافت بفرمایید!!

**پنجما-** همانطور که قبلا درباره **تریلینگ** کردن حدضرر توضیح داده ام، شما صرفا زمانی مجاز به جابجا کردن حدضرر خودتان هستید که بخش اول پوزیشن به تارگت خودش رسیده باشد.

**و اینکه** بخواهیم به محض فعال شدن پوزیشن و صرفا پس از آنکه در حدود 5 الی 10 پیپ درسود فرو رفت، بلافاصله نقطه استاپ خودمان را پایین بیاوریم، اساسا کاری بسیار پرریسک و پرمخاطره است.

**ششما-** به تفاوت شکستهای **کاذب** با شکستهای واقعی دقت نمایید!

در رابطه با نحوه تشخیص شکست واقعی ، برخی از منابع خارجی اینطور میگویند که : شکست واقعی باید بیرحمانه صورت بگیرد!!

یعنی قیمت پس از عبور از سطح حمایت - مقاومت موردنظر (که میتواند در مثال فوق همان آخرین دره باشد) باید یک کندل بلند و کشیده بسازد، دارای شادوهای بلند نباشد، بسته شدن کندل مذکور در آن سوی سطح مقاومتی انجام بگیرد، و نهایتا اینکه حداقل یک الی دو کندل بعدی نیز در همان جهت کندل قبلی بسته بشوند و بقول معروف بازار از شکستن آن سطح مقاومتی نترسد و به سرعت «پس نزند»!

درپایان برای چندمین بار تکرار میکنم که :

همیشه سعی کنید ابتدا دلایل استاپ خوردن معاملات خودتان را به دقت کنکاش کنید ، ولی سپس اگر هیچ دلیل و منطقی را برای آن پیدا نکردید ، در آنصورت آن را با خیال راحت کنار گذاشته و به حساب طبیعی بودن آن (ویا به حساب مریم خانم و باباشونا!!!) بگذارید!

موفق و بی خیال الاستاپ باشید!

پشوتن مشهوری نژاد\*/\*

## اعطای گواهی طی دوره متوسطه

بدینوسیله ، با مسرت و سرور فراوان ، به اطلاع میرساند که :

جناب آقای/خانم ..... با حضور فعال و مستمر خود در دوره های 40 روزه ی آموزش فارکس به سبک پشوتن- سطح مقدماتی و دوره ی 35 روزه ی آموزش فارکس به سبک پشوتن-سطح متوسطه ، این دوره ها را با موفقیت پشت سر گذاشته و اینک از مقام کیفی تریدر سطح اول یا آماتور به مقام تریدر متوسط یا نیمه حرفه ای نایل گردیده است.

- صاحب گواهی فوق از این پس میتواند با افتتاح یک حساب مینی با موجودی اولیه \$1000 وبا انجام معاملاتی دو بخشی، با حجم مجاز 0.1 لات ، به کسب سودآوری حداقلی از بازارمعاملات بین المللی ارز پردازد و برای بقا و زنده ماندن در این بازار تلاش نماید.

- اعتبار این گواهی توسط جناب آقای استاد پشوتن مشهوری نژاد شاگرد جناب مستطاب استادباباشونای کبیر تایید گردیده و بدون مهر و امضای هردوی ایشان فاقد اعتبار قانونی است.

- گواهی مذکور مورد پذیرش کلیه نهادها و موسسات دولتی و بین المللی بوده و قابل استفاده به هرمنظوری به غیر از مدیریت سرمایه ویا جذب سرمایه از دیگران می باشد.

- این گواهی صرفا به عزیزیانی تعلق میگیرد که بطور واقعی و از روز آغاز تا به امروز ، همراه و همگام با این دوره پیش آمده باشند و با جدیت تمرین های عملی خودشان را در تایپیک تریدینگ روم انجام داده باشند.

- می توانید از این اطلاعیه یک پرینت بگیرید وبالصاق یک عکس پرسنلی ، آن را بر روی دیوار منزل یا محل کار خودتان نصب بفرمایید.

به امید موفقیت روز افزون شما / شنبه 9بهمن ماه 1389

امضای دوم:

استادباباکریشناپشونامشونا

امضای اول:

پشوتن مشهوری نژاد

### منبع:

انجمن ایران فارکس تایپیک آموزش فارکس به سبک پشوتن بخش مقدماتی

<http://forum.iran-egold.com/showthread.php?t=8337>

در صورت فیلتر بودن آدرس بالا به آدرس زیر مراجعه کنید

<http://iran-egold.com/forum/showthread.php?t=8337>

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقیست

دیگه بریم سراغ تایپیک پیشرفته

با تشکر وحید زارع 31اردیبهشت ماه یکهزار و سیصدو نود ساعت 06:07PM

*The Art Of Trading  
In The Market*

***PTM***

---

*Pashootan's Trading Method*

*Published in:*

*[www.Iran-egold.com](http://www.Iran-egold.com)*